

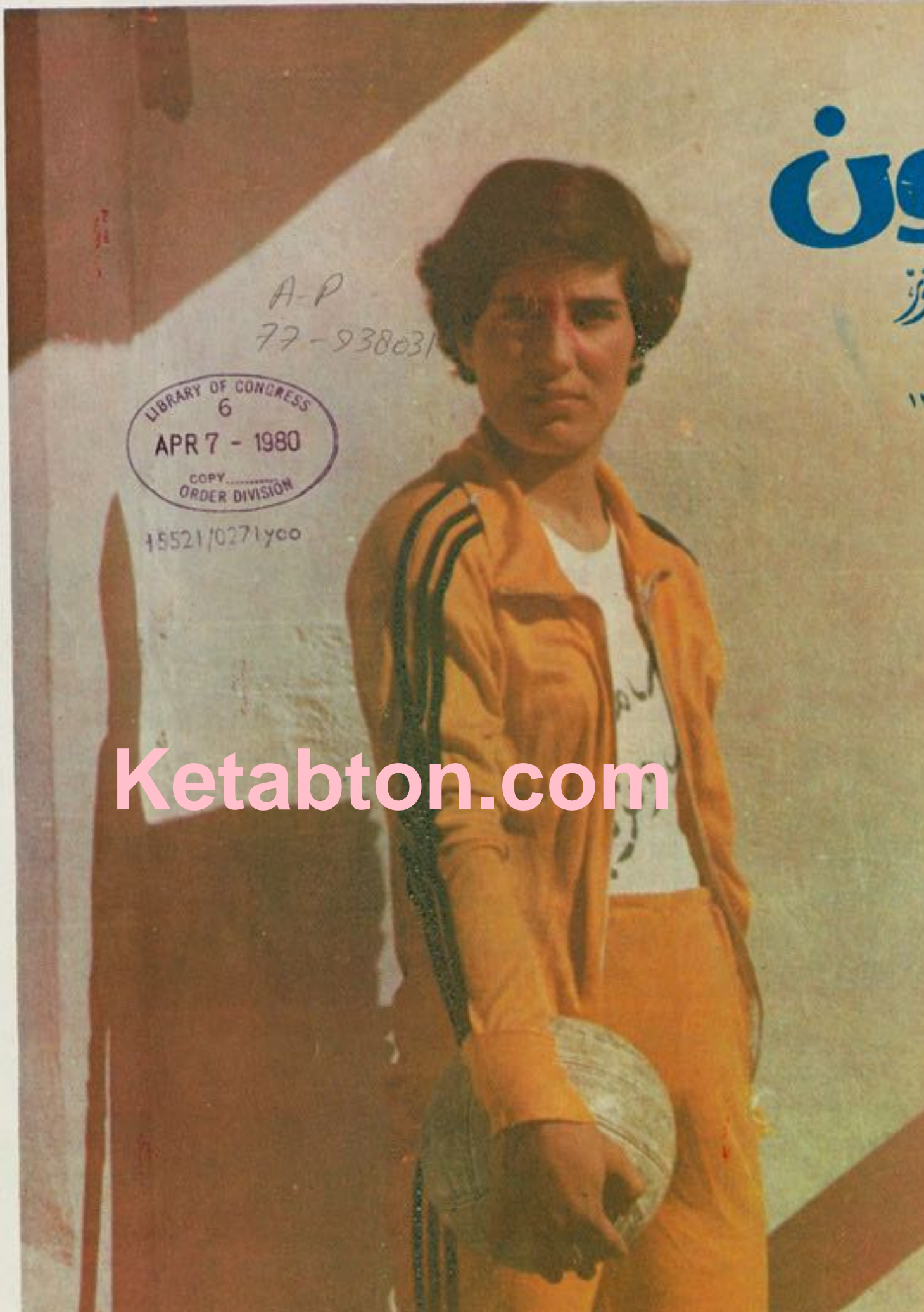
ون

A-P
77-938031

LIBRARY OF CONGRESS
6
APR 7 - 1980
COPY.....
ORDER DIVISION

15521/0271yco

Ketabton.com





بيرك كارمل منشی عمومي کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان موقعیکه هیات اتحادیه بین المللی حقوق دانان دموکراتیک را برای ملاقات تعارفی در مقر شورای انقلابی پذیرفته وبا آنها صحبت مینمایند .

اقتصاد و قایم عهد مقتنه

عبدالرشید آرین وزیر عدلیه ولوی خارنوال قبل از ظهر ۲۳ حوت طی محفل شانداري در سالون ښاروالی کندهار باعده کثیری از علماء، روحانیون موسفیدان و مردم شریف ولایت کندهار ملاقات نمود .

ډیگر من محمد رفیع وزیر دفاع ملی ساعت چار بعد از ظهر ۲۴ حوت در شفابخانه اکادمی علوم طبی قوای مسلح خلق افغانستان از خان عبدالغفار خان رهبر بزرگ پشستون عیادت نمود .

همچنان فیض محمد وزیر امور سرحدات به ساعت پنج عصر از خان عبدالغفار خان زعيم بزرگ پشتون عیادت کرد .

دکتور اناهیتا راب زاد عضو پوری سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، عضو شورای انقلابی و وزیر تعلیم و تربیه جمهوری دموکراتیک افغانستان ۲۱ حوت مسافرت خود را به جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکیا خاتمه بخشید .

شیر جان مزدوریار وزیر ترانسپورت و توریزم به ساعت نه قبل از ظهر ۲۲ حوت در دفتر کارش با جلالناب کرافت بومیل سفیر کبیر جمهوری دموکراتیک آلمان ملاقات تعارفی نمود .

که قبلا داده شده بود در مورد امداد برای احیای فعالیت های اقتصادی در مناطق و محلات آسیب دیده ، منظور و تطبیق آنرا تصویب کرد .

شاه محمد دوست وزیر امور خارجه در راس هیاتی برای يك مسافرت دوستانه روز ۲۳ حوت وارد مسکو گردید .

در میدان هوایی مسکو ، اندری گرومیکو وزیر امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی کبرای جمهوری دموکراتیک افغانستان مقیم مسکو و یکعده از شخصیت های برجسته وزارت امور خارجه آن کشور از شاه محمد دوست و هیات همراهانش استقبال کردند . مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خیر میدهد که شاه محمد دوست وزیر امور خارجه جمهوری دموکراتیک افغانستان ، بنا بدعوت چلاتناب اندری گرومیکو وزیر امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در راس هیاتی غرض يك مسافرت رسمی و دوستانه ساعت دوی بعد از ظهر روز ۲۳ حوت عازم مسکو شد .

هیات اتحادیه بین المللی حقوق دانان دموکرات را در مقر شورای انقلابی (ارگ) برای ملاقات پذیرفتند .

بيرك كارمل منشی عمومي کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان ساعت دوی روز ۲۲ حوت در شفابخانه اکادمی علوم طبی قوای مسلح از خان عبدالغفار خان رهبر بزرگ پشستون ها عیادت کردند .

تحت ریاست بيرك كارمل منشی عمومي کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان شورای وزیران شام ۱۸ حوت در مقر شورای انقلابی (ارگ) تشکیل جلسه داده و ضمن غور و تصاویر لازم بر پیشنهادات وزارت ها بخصوص پیشنهاد وزارت امور پلان گذاری را که طبق هدایت

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خیر میدهد از طرف بيرك كارمل منشی عمومي کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان پیامی عنوانی رهبری

جبهه وطنپرستان زیمبابوی به مناسبت پیروزی در انتخابات پارلمانی به نفع آن جبهه و انتخاب رابرت موگابی بحیث صدراعظم زیمبابوی آزاد و مستقل به سالزبری مخابره گردیده است .

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خیر میدهد تلگرام جوابیه عنوانی بيرك كارمل رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان از طرف جلالناب ابوالحسن بنی صدر رئیس جمهور جمهوری اسلامی ایران به کابل موصلت نموده است .

بيرك كارمل منشی عمومي کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان ساعت چار عصر ۲۲ حوت



«توقع می‌رود تا متخصصین، ماموران، موسسات زراعتی، دهقانان زمینداران و مالداران شریف کشور در فضای همکاری همه جانبه برای رشد و انکشاف سریع اقتصاد ضعیف مملکت شانه به شانه هم به پیش بروند یک دیگر را کمک کنند برای عناصر ضد انقلاب، رهنمایان، آدمکشان، خرابکاران مفسدین اجازه ندهند تا سر مایه ملی ما را بازیچه اهداف شوم و پلید خود سازند.»

«بیرک کارمل»

شنبه ۲۵ حوت ۱۳۵۸ برابر با ۱۵ مارچ ۱۹۸۰

تشکیل گروه‌های مقاومت ثبوت روحیه آزادمنشی و تسلیم ناپذیری خلق ما



ما با شما هستیم، ما با شما یکجا می‌ریزیم.

• • •

عشق، زناشویی و قانون دوم تو بودنیامیک

• • •

گروه هنری بچه‌ها

• • •

به کارگری، تونوکس، دودیا اواجباری

تعلیماتو پراختیا

• • •

کنترول تو برکلوز در سراسر کشور

• • •

مطلوبت لیکنیا

• • •

اگر میخواهید ایدئال‌تان را از دست

ندید

• • •

تالیروانی افزایش لواز م منزل بالای انسان

• • •

روی جلد:

گالای سر تیم، تیم منتخب والیبالی‌اژان
تعلیم و تربیه که راپور مفصل آن در شماره
گذشته به نشر رسیده است.

پستی اخیر:

آرامگاه احمدشاه بابا واقع کندهار

پاسخ مثبت داده و بطور شعوری و آگاهانه گروه‌های مقاومت را برضد متجاوزین و دشمنان وطن و انقلاب شان تشکیل دادند.

تشکیل گروه‌های مقاومت که از عناصر آگاه و رسالت‌مند توده‌های ملیونی افغانستان بوجود آمده نمایانگر این واقعیت است که مرحله نوین تکامل انقلاب شکوهمند نور نیز آرمان توده هاست و بر نیروی برتوان و تسخیر ناپذیر آنها اتکاء دارد.

پس میتوان حکم کرد که انقلابیکه از توده‌ها برخاسته و از حمایت و پشتیبانی آنها برخوردار باشد «چون کوه استوار و چون چرخ پایدار» بوده و هیچ نیروی اهریمنی و طاغوتی نمیتواند خللی بر آن وارد نماید، چه هر قدر باد در نهادش تند و ویرانگر باشد کوه را نمیتوان جنباند و فقط سر خودش را با سنگهای خاری آن ساییده زوزه و ناله سر میدهد و هرگز فریاد های آن جایی را نمیکیرد.

امپریالیزم جهانی و ارتجاع بین‌المللی نیز که تحت ضربات پیهم گنج کنند و مرگبار نیروهای آزادیبخش ملی، انقلابات ملی و دموکراتیک و انقلابات کارگری قرار گرفته‌اند، دیوانه وار سربه سنگ زدن را علاج دردمیدانند و همواره سرشان را به فولادهای آبدیده میکوبند، غافل از آنکه نه تنها بیهودی نصیب حالشان نخواهد شد بلکه مغزهای نابکارشان نیز خورد و خمیر شده و نابود خواهند گشت، زیرا این حکم تاریخ و جبر زمان است که توده‌ها پیروز میشوند و دشمنان شان نابود.

از پشت سر بستند. امپریالیزم جها نخوار امر یکسا که بر چنین اعمال غیر انسانی اتکاء دارد درین با زی شیطان خود را برنده دانسته و در حلقه متحدین رسوا و بدنامش بحدی سر آمد مبتکر چنان یات امین در بد نام ساختن ترقی و تکامل بخود می‌بالید. ولی قیام پیروز مند ششس جدی این غرور کاذب و شیطانیه امر یکای جنا یتکار را که در روح شیطانیه امین مستکبر نهفته بود یکبار دیگر بخاک یکسان نمود.

اینبار امپریالیزم ویرا نگر امر یکا و متحدین بد نامش که بر گور آرزوهای بر باد رفته شان میگریند، دست به جنایات شدید تر و تازه تری زده و با مسلح ساختن گروه‌های او باش و رهن، قاتل و جانی با کمک ارتجاع نظامی گسر پاکستان، شوونیزم چینی و مرتجعین مصری دست تجاوز را بر خاک مقدس ما درازتر ساخته و به خرابکاریها و کشتار مردم بیگناه ما بشکل نهایت فجیعانه دست اندر کار شده‌اند. اما غافل از آنند که انقلاب نور خواسته منطقی و تاریخی خلق افغانستان بوده و همانطوریکه در بمیان آوردن و به پیروزی رساندن آن نقش فعال و تعیین کننده داشتند، در حفظ و حراست آن نیز رسالت تاریخی شانرا درک کرده و هرگز نمیگذارند انقلاب و وطن محبوبشان دستخوش مرتجعین و امپریالیستان گردد و مورد تاخت و تاز اهریمنان و متجاوزین قرار گیرد.

از همینجاست که به صدای انسانی دولت ملی و دموکراتیک شان

ملت آزاد و قهرمان افغانستان که همواره در برابر متجاوزین و استعمارگران چون کوههای مغرور و رشاد خود استوار و پایمردی نشان داده و بز رگترین قدرت های اهریمنی زمانرا بزانو در آورده، با پیروزی انقلاب رها بی بخشش نور زخم کاری دیگری بر پیکر لوزان ارتجاع و امپریالیزم وارد آورد. امپریالیزم غارتگر که همه امیدها یش را در افغانستان از دست رفته یافت با تلاشهای مذبو جانانه درصدد بر آمد تا مگر بو سیله ارتجاع سیاه دا خلی وهم کیشان منطوقی و متحدینش، انقلاب نوررا دگرگون جلوه دهد و این آرمان بز رگ خلق افغانستان را بیاس و نا امیددی مبدل سازد و برای اینکه به آرزوی خبیثت و جنا یتبارش رسیده باشد، چاکر گوش بفرمان و نما ینده، «سیاه» یی خود امین خونریز و با ند جنا یتکارش را مامور غارتگر پها، دست برد ها و کشتار هزاران وطنپرست ساخت.

امین تبهار و با ندنجا نهایی دور بشقابش «بانده سیاه و جنا یتکارش» که در لفظ مترقی و در عمل آدمکشان قرن بیست بودند، هم دست اندر کار شدند، ترور و اختناق، چپاول و تاراج را سیاست روز قراردادند، برنوا میس و عنعنات مردم بیرحمانه ناختمند آدمکشی، فشار، شکنجه ارباب و تخویف را پایه های اساسی بقای خود پنداشتند چنان بستند و گشتند که درین مسابقه ضحاک مار بدو شبن را از خا طره هافرا مو شس کرد ند و دستا نشرا

عصر ما که عصر پیروزی انقلاب با آزادی بخش ملی و عصر پیروزی روشنی بر تاریکی و دوران آزادی بشریت و شکست روزافزون ارتجاع جهانی و عصر مبارزه بین سوسیالیسم و امپریالیسم است، این مبارزه بسین دوسیمت جهانی در حقیقت به مضمون عمده دوران ما و به محور زندگی اجتماعی میسر میسر گردیده است، از آن زمانیکه جهان بدوار دستگاه عظیم، یعنی جهان کسار و سرما به میسر گردید به مبارزه آزادی بخش توده های زحمتکش انحصار سرد کشور های آسیا، افریقا و امریکای لاین نیز شدت و حدت بیسابقه ای بخشیده شد و این مبارزه خلقهای وسیع و توده های بشمار زحمتکش را طبعاً متحدین و هوای خود ها می در کار بود، همان بود که خلقها و اکثریت توده های زحمتکش قاره های آسیا، افریقا و امریکای لاین بسا سا پر خلقها و گروه های مترقی و انقلابی بابر افراشتن درفش نبرد و پیکار بر ضد امپریالیسم و متحدینش چنان رز میدادند و همچنان می رزمند.

وجب بود چ افغانستان انقلابی و قهرمان،

های شوم و به مقصد اعمال نفوذ در این کشور هائسانهای بیشمار را رهسپاریدار عدم نموده و حاکمیت دست نشاندگان خویش را تامین و تضمین نماید، در این بخش باید گفت که این تا مین و تضمین بقیمت جان هزاران هزار نفر از بیستریس فرزندان پاکبند این کشور ماتهام شده است، گروه گروه از هبوطان ما شامل جوانان، پیر مردان و پیر زنان، اطفال خرد سال تو سطر امپریالیسم امریکا و نماینده گوش بفرمانش یعنی حفیظ الله امین رهسپار دیار عدم گردیده، وای چه بسا که بهترین و بر ازنده ترین اشخاص و افراد جامعه ما بدون کفر در پای کوه های بلچرخه ویا در دشت های منطقه ذکسر شده تیر با ران شده واز جسدش چیزی باقی نمانده جز استخوانهای بی گوشت و پوست.

امین تا امین و باند فاسدش جنایاتی را مرتکب شدند که قلم از بروی کاغذ آوردن آنهمه جنایات و آدمکشی ها عار دارد، آن ها، باند امین تا امین در مدت

نفس بر ضد امپریالیسم جهانی و بر ضد کلیه متحدین نا باکش بر زمیند و در این راه افتخارات بزرگ و بزرگتری را نصیب شوند، تاریخ شا همدست که هر زمانی که دشمنان وطن و رقیبان ناموس وطن مقدس مان افغانستان عزیز اقدام کرده اند تا بر ضد این کشور مرد آفرین و قهرمان پرو گرامی طرح، آن پرو گرام ضد انسانی و ضد بشری شان قبل از آنکه در زمینه عمل مورد تطبیق قرار گیرد در نظنه خفه شده است، ما یکبار دیگر با جرات و شپامت و با امید بفردهای روشن و شگوفان وطن اتلام میداریم که نقشه های شوم امپریالیسم جهانی در افغانستان قهرمان و انقلابی موا چه بسا شکست است و باید پذیرد که در این عرصه به شکست نتگینی دچار شده است.

باید با پیوند مشت ها و قلبها چون تن واحد بر ضد دشمن بر زمین چون اهمیت زندگی و مفهوم واقعی زندگی در مبارزه و در میدن بر ضد عوامل نا بکار اجتماعی و طبیعی، رفع عوامل نا بکار و مبارزه در راه محو و نابودی هر آنچه بر ضد منافع و مصالح خلقهاست، چه صرف خوردن و ختنن و هیچ نگفتن خاصه حیوانات است اما باید دانست که انسان بودن و وظیفه ایست بس عظیم و بزرگ.

چه زندگی را بشیوه های گوناگون میتوان بسر آورد، میتوان در جاهه تغذیر خزید و جامه مخملین بپوش کرد و تاج افتخارات را بسر گذاشت و بداند فخر و مباحات کرد اما ۰۰۰ باز اما میتوان بهمه ای اینها پشت کرد و بماند قهرمانان و از خود گذران کاسنی تلخ حقیقت را نوشید و تاج خا را گین عدالت اجتماعی را بسر گذاشت، انسان میتواند و باید بتواند منافع شخصی و منحصر بفرد خویش را فدای و قربان منافع جمع نماید، انسان باید تجلی شخصیت خود را در تجلی شخصیت جمع بداند، چه باید بداند که این جمع است که خود در صورت بوجودیت آن جمع میتواند تبارز نماید.

در این مورد و بار قیاط مطالب و مسایل گفته آمده باید گفت که خلقها و توده های زحمتکش افغانستان عزیز وطن محبوب القلوب ما بامبارزات قهرمانانه و افتخارات آمیز خویش تاریخ این مرز و بوم قهرمانان را رنگین ساخته و هر فرد هبوطان ما ححق دارد به هر سطر تاریخ و به هر کج و کنار این وطن مرد آفرین فخر کند و بخود ببالد، چون توده های زحمتکش وطن ما افغانستان عزیز نیرو های عمده و تعیین کننده اند و در مجموع این توده ها و مردمان قهرمان و مبارز افغانستان عزیز اند که در طول تاریخ این مرز و بوم با مبارزات و فعالیت های قهرمانانه خویش افتخارات بزرگی را نصیب شدند.

خلقهای زحمتکش افغانستان عزیز! شما بدانید که در وجود شما نیروی بزرگی نهفته است، این نیروی بزرگ را در راه خیر و صلاح وطن و سایر وطنداران، در راه

خلقهای زحمتکش افغانستان!

عین الدین درویش

ما باشماستیم ، ما باشما یکجامی رزمیم

دشت و کوه و بیابان آن، صحرا های سوزان آن، گوشه و کنار مختلفه این مرز و بوم مرد آفرین آن هر کدام بنوبه خود شا هداستادگی و پایداری و مقاومت مر دانه خلقهای زحمتکش این وطن بر ضد دشمنان و رقیبان دون صفت و نابکار خلقها و شا هداستادگی و رقیبان دشمنان و وطن وشاهد و رشکستگی و اضمحلال ارتجاع و امپریالیسم است، اکنون امپریالیسم در صد آنت تا با استفاده از سلاحهای مر گبار و آدمکشی و در ضمن با تولید و انبار کردن سلاحهای خطرناک و بخصوص تولید و توریید سلاحهای تهاجمی تهدید دائمی را برای کشور های جهان بخصوص بر ضد کشور های نو به استقلال رسیده بوجود آورده و با این تولید انواع سلاحها، جنگ و آدمکشی را در گوشه و کنار مختلفه جهان دامن زده و بغاظر آرزو

زمان بیش از یک سال ونیم زمامداری خویش گشتند و بستند و گروه گروه از بیستریس فرزندان این کشور نامور و قهرمانان را در «پولگون» بلچرخه ای از هستی و زندگی ساقط ساختند، آنها حتی از اطفال معصوم و بیگناه نیز هراس داشتند، گروه های بیشماری از اطفال خردسال را در محبس های کابل از جمله در محبس بلچرخه محبوس ساخته و آن اطفال یا کویگناه را با لشکسته و پر شکسته به گوشه زندان رها نموده و شما حدس بزنید که آن اطفال لیکه نوزادان جامعه بوده و آن اطفال لیکه در حقیقت آیندگان این کشور اند در بند کشیده شده و آن اطفال ربابهه سجا یایی که دارند در توقیف نگه داشتند.

خلقهای زحمتکش و قهرمان وطن بزرگ و قهرمان آفرین ما سوگند یاد کرده اند که تا آخرین لحظه زندگی و تا آخرین

توده های زحمتکش وطن محبوب القلوب ما افغانستان عزیز در حقیقت امر مرکز جوشان نیرو و قوت و توان مبارزه بر ضد امپریالیسم و متحدین آنها بوده و خاستگاه بزرگ افغانی کانون گرم مبارزات ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی بوده و همچنان با نیروی ده چند بر ضد دشمنان بشریت و دشمنان آزادی و استقلال خلقها خواهد رزمید و نقشه های شوم امپریالیسم و ارتجاع را نقش بر آب خواهد کرد، تاریخ شاهد است هر آنکسیکه بر ضد خلق و بر ضد شرافت وطن ما افغانستان عزیز به اصطلاح شمشیر کشیده محکوم بمرگ حتمی گردیده است طبعاً آنکسیکه بر ضد منافع علیای وطن بزرگ و مقدس ما و بر ضد خلق زحمتکش وطن ما افغانستان عزیز قد علم نموده به مرگ و نیستی محکوم گردیده است و به یقین که این وطن ارجیند ما افغانستان انقلابی بارها با ثبات رسانیده که تا آخر این نفر می جنگد و لی بدشمن راه نمیدهد، چه در طول مبارزات افتخار آمیز این مرز و بوم خلقهای مبارز و زحمتکش وطن همیشه شعار داده که مرگ تا آخرین نفر ولی راه ندادن بدشمن و این شعار را در عمل نیز تطبیق نموده است.

خلقهای زحمتکش وطن عزیز ما افغانستان! بخاطر داشته باشید که دشمنان خارجی شما در نتیجه شکست های رقتباری که نصیب شده سخت هار گردیده و اینجاست آنچه تلاشهای مذبو حانه ای بخرچ میدهد، زیر پای دشمن را خالی نموده و نقشه هایش را به شکست محکوم نماید، اکنون دشمنان

بقیه در صفحه ۵۶

عشق، زناشویی و قانون

دوم ترمو دینامیک



این آغاز زندگی زن و شوهر است که به امید آینده بهتر، حیات خانوادگی را شروع میکنند

در مما لکی که نفوس نسبتاً زیاد دارند بطور مثال در شو روی هر روز از دو الی دو نیم میلیون نفر با هم ازدواج میکنند. اگر این محاسبه برای هزار نفر صورت گیرد در جهان یکی از بزرگترین ارقام را در این مورد ادا نه خواهد کرد. اما در مقابل تعداد طلاق نیز رو به افزایش است طبق احصای آنکه در دست است روزانه در حدود دو هزار طلاق صورت میگیرد یا بعباره دیگر از هر سه فامیلی یکی آن بر هم میخورد. اشخاص سالخورده و مسن در این قسمت معتقدند که این همه بی ثباتی های فامیلی از نبودن صبر، حوصله و احساسات زودگذر در جوانان ناشی میشود. اما اگر به احصای آنه های نا دقیق و ابتدایی رجوع شود. این عقیده را آشکارا رد مینماید.

مفهوم موازین اخلاقی در عصر حاضر :

در سابق قسمیکه معلوم است اولاً فقر و حیوانیت، تماماً در دو جا نهاده نظر گرفته نمیشد تنها عامل تعیین کننده درین قسمت موقعیت اجتماعی آنها بود و موازین اخلاقی را طوری خلاصه میکردند: زندگی را باید با هر شخصی که پیش آمد تا آخرین رمق زندگیشان داد. در حال حاضر بطور عموم زنان از حقوق مساوی استفا ده میکنند.

زناشویی بی مفهوم خواهد بود اگر مشکلات فامیلی مشترک حاصل نگردد و درین موارد از همه یکسر مصلحت نگیرد. آزادی زنان در حال حاضر یکی از بزرگترین مسوئلیت های عصر ما است. این استقلال خواهی نخواستنی مناسبات مغلوق را بین مردان و زنان بار می آورد.

اکنون به ازدواج تقاضای زیاده پشش کشش میشود. درین مورد زنان نسبتاً قدامت دارند. از گفتار فوق نتیجه ذیل بدست می آید: در حال حاضر حفظ یگانگی خانواده براتب مغلوق تر شده است.

قانون دوم ترمو دینامیک :

فانون دوم ترمو دینامیکی که بنام قانون دوم ترمو دینامیک یاد می شود موجود است. این قانون بطور خلاصه چنین قرائت میشود: همه

در جمله کسانیکه در سنین سالیان نخست و پنج سالگی از هم جدا میشوند از هر چهار زن و از هر هشت مرد یکی آن به این عمل مواجه شده اند. بطور عموم در سنین از سی الی پنجاه سالگی طلاق های زیاد صورت میگیرد و مدت زناشویی بطور اوسط به هشت سال میرسد.

بطور عموم طلاق زمانی صورت میگیرد که زندگی مشترک برای زن و شوهر غیر قابل تحمل شود. اما اگر متوجه شویم دیده میشود که اغلباً ازدواج ها طبق آرزو و علاقه دو جانبه صورت میگیرد. پس چرا خانی که یکسال یا دو سال قبل شوهرش را بهترین شخص در جهان و خانمش را عقیف ترین زن جهان به حساب می آوردند امروز حالتی رخ داده که نمیتوانند با هم به زندگی مشترک بپردازند.

سو سیولوژیست ها معتقدند وقت آن فرا رسیده تا ازین نکات که در ازدواج های بی ثبات کدام حادنه

بحث های معمولی بسیار مشکلس است. به این لحاظ اگر یکی از آنها دو می را به کدام گفتار زشت متمم مینماید خود زندگی را برایش غیر قابل تحمل می نماید.

درین نوع جدایی های استندرد همیشه سه عامل وجود دارد: زن، مرد و قانون دوم ترمو دینامیک. دو تن اولی که در بین تمام مردم همديگر را برای زندگی مشترک انتخاب کردند بالای یکدیگر بدگمان شده و همديگر را متمم میسازند. برعکس این دو باید در مقابل عامل سو می مبارزه کنند. پس دیده میشود که درین جرو بحث ها هر دو ملزم اند.

ازینجا نتیجه گیری عمده بدست می آید: ازدواج های عصری زائیده تحولات اجتماعی پیشرو است و نظر به انکشاف روحی سبقت دارد.

بقیه در صفحه ۵۲

دادند که شامل رقص «پلا متکو» با حرکات معنیدار و تا نگوی خود آهنگ و «خوتاک» که در سراسر همپا نه مروج است و با له «روی جزیره مالیور کا» ما او گنیا و فا ندا نگوی «بسیار مهیج و باله «باسادوبل» پرستاب ویر حرارت میباشد.

همچنان در صحنه او پرا باله «علیشیر» نوایی «باله های دارای موضوعات و مشخصات همپانوی بنام «پوله رو» اثرم راول و «کارمن سویتا» اثر ژبیزه ور. شدین موقفا نه اجرا شد که مها رت هنر پیشگان از یکی چون میرمن کالیه اسما عیلا و میرمن برناره قاریوا در نقشهای زنان و کار روا ییها ی هنر مندان دیگر چون ویتا لی واسیلیف، ویا چیسلاو محمدوف، شوکت تور سونوف و دیگران در نقش مردان ماهرا نه و دلپذیر بود.

از باله های دیگر نمایش باله پتر-چایکو فسکی بنام «زیبای بخواب رفته» یا «دختر زیبا خفته» در تیاتر اوپرا و باله شهر تارخی سمر قند (محل سلاطین موسی سلاله تیموریان) بسا عی س. برهانوف هنر پیشه شما یمته از بکستان روی صحنه آورده شد که بسیار مسورد استقبال قرار گرفت.

در تاجیکستان شوروی :
در جمهوری سوسیالیستی تاجیکستان شوروی (یکی از همپانگان شمالی افغانستان شبکه وسیع تیاتر ها موجود است و فعالیت دارد. از آنجمله تیاتر اوپرا و باله دو شنبه (باینتخت آن) بنام «صدر الدین عینی» نو یمنده و شاعر معروف تاجیک و از بیک ۱۸۷۸-۱۹۰۴) که دارنده نشان لنین میباشد بیچیت تیاتر دولتی تاجیکستان محل نمایشات



مایا - بستکایا هنر پیشه خلق شوروی در بارچه باله «قو در حال غرق شدن»

را عهده دار بود پس از آن موقع در کنار صحنه سازی تقریباً سی نمایش او پراپی و باله و بسیاری از پروگرام های کنسرتی سرگت و رزید. موصوفه در سال ۱۹۷۳ بخاطر شکرکت در کار صحنه آوری باله «اسپار تاک» بدر یافت جایزه دولتی جمهوری از بکستان نابل شدو بسال ۱۹۷۷ عالیترین عنوان هنر پیشه علمی اتحاد شوروی را کماپی کرد. در پروگرامهای هنری او تنها نمایشات باله وجود ندارد، بلکه نمایشات او پراپی نیز شامل است.

ویرامون چند باله دیگر :
سال ۱۹۷۳ بنامیت جشنوا ره هنرهای ملل متحد شوروی، باریس گروهی از رقصندگمان از بکستان را پذیرا شد که بیسن شان میرمن سیاره موسی یوا هنرمند جوان باله تیاتر در آن زهره بود به سال ۱۹۷۰ در صحنه تیاتر موزیکال شهر «لودز» پولینداو پرای خنده آور سلیمان یودا کوف آهنگساز از بک بنام «نیرنگهای میسره» با مهارت و هو فنیته زیاد جلو چشمان بینندگان گذارده شد و متعاقباً تیاتر موزیکال شهر دیگر پولیند بنام «گدینه» به صحنه آوری باله سلیمان یودا کوف را که به «جوانی نصر الدین» موسوم است تنظیم کرد و مورد نمایش قرار داد که همه آن مملو از زیباییهای مسرتبار و سرشار از لطیفه های علمی از یکی میبا شد در سال ۱۹۷۷ نمایش باله «میناتورهای همپا نوی» متکی بر پایه آهنگهای علمی آنکتور در تیاتر بزرگ اوپرا و باله «علی شیر نوایی» ناشکند مورد نظرها آمد فولکور موزیکال همپا نه موسیقی، ترانه ها و رقصهای آنکتور الهام بخش هنرمندان و آهنگسازان است و رقصهای همپا نوی تماشاگران و شنوندگان را گاه در جنوب همپا نه (اندلس تاریخی) زمانی در سر زمین باسکها و وقتی هم در محل «کولیان» قرار میدهد. مولفان و مجریان نمایشات همپا نوی



«لودمیلا - سیمین یاکا» هنر پیشه شناخته شده خلق شوروی برنده جایزه لنین سه همراهی «میخائیل لاوروسکی» حین اجرای یک بارچه رقص باله «گسلی»

ترجمه محب حیرت قسمت اخیر

چشم اندازی بر پهنای برخی از جشنواره های باله

دربالسه «زیزل» سبکی و بی وزنی لازم را برای تجلی آن پارتی رقص مجسم کرد.

قدرت احساس باطنی او را مساعدت کرد تا الفاظ کلاسیک پارتی «دون آتا» باله لئونید فیگان موسوم به «دون ژوآن» را با رنگهای همپا نوی آن رنگ آمیزی کند این هنر پیشه مستعد طی بیست سال زندگی هنر اندود خود روی صحنه های متعددی از آثار کلاسیک و معاصر رقصیده است وی نخستین با رسیمای قهرمانان بالسه علمی از یکی مینا تورهای رقص را در موضوع مختص از یکی «چهار گاه» و بالسه های «سپیل و مپری» از مینا سایا لو یوا و تا ناور «اثر لکسی کاز لو فسکی» بخوبی

نجم داده است. موضوع «تا ناور مسر» نوشت «نورخان» دو شیزه فرغانه پی را که بخاطر عشق رقص و رقاصه شدن، جان خود را از دست داد، تمثیل میکند و آهنگها و نوایها را که از منابع موسیقی علمی از بک گرفته شده، بخوبی درک مینماید بالاخره موسوفه در سال ۱۹۷۳ بیچیت هنر پیشه بلشوی تیاتر دولتی اکادمی جمهوری شوروی سوسیالیستی از بکستان بنام «علیشیر نوایی» بدر یافت عنوان «هنر پیشه خلقی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی» منتخر شد. همچنان میرمن دلیر عبدالرحمانوا که در سال ۱۹۶۰ وظیفه دایر کنسرتی باله



پروفیسر «یوری» گبرو گروویچ استاد رہبر تیاتر معروف بالٹوی بادونن از ہنسر پیشگان معروف خلق شوروی ہنگام نمایش بالٹ .



نمایشی ہیجان انگیز از رقص بالٹ

جالبی است . آہنگما زان این سر زمین در انکشاف فرہنگ موزیکال و دیبہ های بزرگی را از خود ابداع وبتکار کردہ اند . در مدت سالہای اخیر ، آثار زیاد موزیکال را از درامہای کوجسک موزیکال گرفہ تا او پرابالٹ و سنفونی ایجاد کردند کہ از آنجملہ میتوان اوپرای «بقاوت واسع . . اہنگر کاوہ . . » «پولاد وکلرو . . بختیار ونسا . . طاہر ذہراب» «کومدی وماندان» «بازگشت» و بالٹہای «لیلی و مجنون» «دلیر» «فرزند وطن» وغیرہ را نام برد . مصنفان بالٹ «لیلی و مجنون» بہ اخذ جایزہ دولتی منتخر گشتند . آہنگمازان ملی از قبیل ش . سیف الدینوف ، ز . شاہدی سا لیبوف ، ی . بسزائوف ، عبد الطیف ، ہمدیوف و دیگران بین مردم محبوبت زیاد دارند .

در مسابقہ جهانی بالٹ بنام چایکوفسکی کہ سال ۱۹۶۹ در مسکو بر گزار شد دو شیزہ «ملکہ صابر ووا» بالربین ورقاصہ جوان بالٹ تا جیکستان جایزہ اول و مدال طلائی کاتکور بین المللی بالٹ را بدست آورد .

در جنب باشگاہ روستایی کلخوزوسوم بہ لینن بخش دیگر اوپرا فعالیت دارد کہ علاقمندان ترانہ های اوپرای درین گروہ شرکت دارند و از جملہ ساز ماند ہندگان این گروہ یکی ہم «و . ک . یوف» مسولیت تیار اوپرا و بالٹہ تا جیک بنام صدرالدین عینی است کہ پروگرامایش را آثار او برای متعدد مانند چایکوفسکی ، وردی ، گوٹو وغیرہ اجرا کردہ است .
در قرغیزستان شوروی :

جمہوریت شوروی سو سیالستی قرغیزستان یکی از جملہ پائزہ جمہوریت متحد متساوی الحقوق و یکی از جمہوریتہای آسیایی اتحاد جماہیر شوروی سو سیالستی است کہ در شمال شرقی آسیای میانی شوروی ، آنجا بیکہ شاخہ های بزرگ سلسلہ جبال تیان شان وپامیر و آلتای صدہا کیلو متر امتداد دارد ، واقع شدہ است درین سر زمین ہمدوش با دیگر جہات زلدگانی عصری درجہت پدید آوری وغنی ساختن رشتہای مختلف فرہنگ ، بسہ ہنرہای زیانیز توجہ عمیقی بعمل آمدہ است . چنانچہ انواع نمایشہای ہنری گروہ های متعدد ہنر پیشگان و ہنرمندان قرغیزی در صحنہای تیاترہای عمدہ کشور یکی ازین بخشہا بشمار میرود ہنرمندان این جمہوریت بازحمتکشان ماسکو ، کیف ، مینسک ، ریگا ، تاشکند ، دوشنبہ ، نو وکوزنتسک کمر وواور نیورگ و بسیاری از شہرہای دیگر سرزمین شوراہا ملاقاتہا کردند وبار ہادر برابر آنان ہنر نماہی نمودہ اند .

ہمچنان آرتیستہای برجستہ قرغیز در مسالک خارجی نہ تنها کنسرت میدہند بلکہ در مسابقات سر ایندگان ، نوازندگان پایکو بان (رقاصان) ہم شرکت کردہ و میکنند . ہنرمندان قرغیز ستان بہ بعضی از کشورہای خارجی نیز درواہ انکشاف فرہنگ ملی آنها کمک میکنند . مثلاً: میرمن

بقیہ در صفحہ ۳۷

پردن سطح دانش محصلین در کتابخانه ها
و ایجاد علاقه و دلچسبی به مطالعه در ایشان
یکی از مسایل دیگری انقلاب فرهنگی محسوب
میکردد .

همانطوریکه یکی از دانشمندان آنکتور
گفته است مطالعه از يك شروع میشود و
بپتر است که هر شخصی با خود کتابی داشته
داشته باشد .

در عصریکه وسایل اطلاعات عامه نا اندازه
زیادی انکشاف نموده ارزش مطالعه در
کتابخانه ها یک امر ضروری پنداشته میشود
به عقیده دانشمندان پولند جنبش انقلابات
اجتماعی و کلتوری با چاپ خانه ها، رادیو
تلویزیون، فلم و سایر وسایل اطلاعات عامه
ارتباط بس نزدیکی را دارا میباشد .

کتاب به ذات خودش در میان اطلاعات عامه
یک مقام بخصوصی داشته است که روی -
همرفته پالیسی فرهنگی خلق پولند از همان
آغاز کار روی همین پرنسپ قرار داشته
است حقیقت امر اینستکه تمام اهداف انقلاب
فرهنگی را فعالیتهای چاپ کردن خواندن و
نوشتن تشکیل میدهند . مشکل عمده اینستکه
چگونه بتوان بطور انفرادی صرف از یک
کتاب مسقید شد و یا اینکه برای حل مطلب

کلید ذخایر یک کتابخانه را مورد استفاده
و ارزیابی قرار داد برخی ترجیح میدهند که
کتاب باید بطور چند جانبه برای انکشاف
اجتماعی بکار رود ولی بس از مطالعات عمیق
تجویز گردید تا از کتب بصورت انفرادی
و همه جانبه و یا شکل مرکب آن استفاده بعمل
آید .

برطبق یکی از احصائیه های اخیر در سال
اول بس از پایان یافتن جنگ دوم جهانی
(۱۹۴۶) حجم مجموعی کتب که در پولند به
نظر میرسید ده میلیون جلد بیشتر از کتب
سال (۱۹۳۷) بود .

بهر حال برای توضیح مطلب بایستی به
انکشاف کتابخانه ها نیز برگشت تعداد
مجموعی کتابخانه هاییکه قبل از جنگ در
آنکتور مورد استفاده محصلان قرار داشت
به کلی محو گردیده ولی در حال حاضر
به ملاحظه میرسند که در پولند بیش از ده
هزار کتابخانه حای (هشتاد) میلیون جلد
کتاب موجود میباشد .

بعد از متعلمین ساکنین دهات و محلات
بزرگترین گروه استفاده کنندگان کتب را
در کتابخانه ها تشکیل میدهد که البته در
قدم سوم کارگران و متصدیان فابریکه ها،
کارگران زراعتی دانشمندان فارغان پر هنتون
ها و محققین از جمله مشر کین متسداوم
کتابخانه ها بشمار میرود در حال حاضر گروه
سومی بیش از (فود) فیصد مشتریان کتب
را در بازار های فروش تشکیل میدهند و یانه
عبارة دیگر قسمت اعظم علاقه مندان کتاب
بس از متعلمین دانشمندان و محققین میباشدند.
اخیرا یک معضله دیگر در ساجه کتب
عرض اندام نموده و آن اینکه اگر چه سالیانه
برای هر نفر طور وسط پنج جلد کتاب تولید
میکردد مع الوصف ستایع طبع کتب آنطوریکه
جوابگوی روز افزون خوانندگان شده بتواند
انکشاف ننوده است که روی این اصل
مقامات فرهنگی پولند میکوشند با طرح
یک ستراتیژی بودن این معضله را نیز
حل نمایند .



گروهی بی از فعالیتهای روزانه اعضای سازمان زنان در یکی از کتابخانه های عمومی .

ترجمه : (بشیر - احدی)

از منابع پولندی

به هر شخص کتابی

در عصریکه وسایل اطلاعات جمعی انکشاف نموده، ارزش مطالعه کتابها یک امر ضروری پنداشته میشود

تعلیمات ابتدایی مستفید انه ممکنا در حال
حاضر از هرده نفر جوانیکه مصروف بیش
برد تعلیم اختصاصی میباشد (نه) نفر آن
برای چندین سال به تعلیمات عالی خویش
می پردازد. در طی ده سال اخیر علی الرغم
آنکه در ساحت کلتور و فرهنگ مشکلات
متعددی به ظهور رسیده معینا دور نمای
تعلیمات عالی و اختصاصی روشن تر به نظر
میکورد .

برطبق پالیسی کلتوری خلق پولند هدف
اینستکه تا آثار و آبدات تاریخی و مفاخر
ملی آنکتور احیا گردد . بخصوص آن عده
آثاریکه در شهر وارسا، پوزنان ویکده شهر
های دیگر موقعیت دارد دو باره احیا و ترمیم
گردد . این کار ها در قدم اول جایز اهمیت
تاریخی میباشد .

در قدم دوم احیای کلتور و فرهنگ و
فولکلوریک در محلات و قصبات در نظر
میشود . در قدم سوم مساله قامینات و بلند

در مرحله دومی ترمیم آثار و آبدات تاریخی
و در قدم سوم انکشاف طبع کتب تحت شعار
(به هر شخص کتابی) آغاز گردید در حال
حاضر مراحل سه گانه بصورت دینامیک به
پیش میرود یکی از عوامل دیگر که طی
انقلاب فرهنگی در آنکتور تاملین گردید همانا
انکشاف محیرالعقول اطلاعات عامه بوده است
که بحیث عامل چهارم نیز پنداشته شده
است .

خلق پولند هر یک میتوانند ازین چهار
رشته یکی آنرا بصورت اختصاصی تعیین
و انتخاب نمایند ولی طوریکه احصائیه هانتمان
میدهد اکثریت خلقهای آنکتور به انقلاب
فرهنگی علاقه مند اند . بعد از مرور مدت
سی و پنج سال بیش از (شش) فیصد خلق
آنکتور از تعلیمات پوهنتون، سی فیصد از
تعلیمات ثانوی، و بیش از (شصت) فیصد از

بس از ختم جنگ جهانی دوم درست در
موقعیکه خسارات وارده ناشی از جنگ ارزیابی
میشد چنین به نظر میرسید که هر یک از
مکاتب سه گانه قبل از جنگ بایستی از لحاظ
کتب و مواد درسی تحت یک پروگرام علمی
ویلان شده مجددا مورد بررسی قرار گیرد
اینهم روشن گردید که در طی پنجسال جنگ
با نیرو های اشغال گر نازی بیش از چهل
فیصد از غنای فرهنگی و کلتوری جمهوری
خلق پولند معدوم و نابود شده بود .
از همان دقایق اولی رهبران این کتور

همزمان بایراه انداختن اصلاحات صنعتی و
زراعتی دست به یکسلسله اقدامات فرهنگی
زدند که روی همرفته در طی (۵۳) سال نه تنها
غنای از دست رفته دو باره احیا گردید بلکه
خطوط اساسی آینده در سکور تهیه سواد
درسی نیز روشن گردید در قدم اول انقلاب
فرهنگی روی دست گرفته شد در حالیکه

عضله رودیشا و پالیسی های

امپریالیستی

رسیده است گفته می شود که واحد های قوای نظامی رودیشا و ساگر اجیر موزور و اقصیات دیگری را نیز اشغال نموده اند و در آنجا از رفتن گوریلا های وطنپرست رودیشا ممانعت می نمایند . ساکنین این قصبیات اصلا نمی دانند که نتایج کنفرانس لندن بکجا انجامیده است . و توسط دارودسته تبعیض طلبان به آنها جزوه های شکست چپه و وطنپرستان رودیشا را توزیع می نمایند . قوای نظامی رودیشا با قشون به اصلاح «امدادی» در عشا برودیشا رژیم ترور و ارباب را استقرار داده است . آنها به قطاع الطریق می پردازند مکاتب را به پارک های نظامی میدل می سازند و از گرفتاری گروه های مردم سیاه پوست نیز احتراز نمی کنند .

پراپلم اخراج صاگر افریقای جنوبی از رودیشا تا هنوز کاملا لاینحل مانده است . مقامات افریقای جنوبی اعلام می نماید که قوای محدود آنکشور برای محافظت اماکن و شاهراه های رودیشا اعزام گردیده است . ولی درین اواخر رابرت موگابی در یک اجتماع در سالزبری اعلام داشت که هم اکنون بیش از سه هزار عسکر افریقای جنوبی در رودیشا برای مقاصد تجاوزی در نواحی سوق الجیشی متمرکز شده اند .

به قول راپور فرانسریم که از سالزبری راپور میدهد . لارڈ سوماس گورنر جنرال انگلیسی رودیشا عساکر بیشتری را از حکومت تبعیض پسند افریقای جنوبی مطالبه نمود . است . روی ریاکارانه اظهار داشته که از دیاد قوای افریقای جنوبی در آنکشور بر خلاف موافقت نامه لندن نمیباشد .

آیامی توان لارڈ سوماس (داماد ریستون چرچیل) سیاستمداری مجرب را با این اظهارات محیلا نه اش ساده لوح قلمداد کرد؟ در حالیکه این موضوع چون آفتاب روشن است که از دیاد حتی واحد کوچکی از عساکر رودیشا مستقیما رای دهندگان را تهدید خواهد نمود . این پالیسی های تقلب آمیز و ملیتاریستی موج از نگرانی ها و اعتراضات خلق های افریقای و سراسر جهان را برانگیخته است .

۱ . کوهجا منشی عمومی موسسه اتحاد افریقا در دارالسلام مرکز کانزایا به تمام کشور های در حال رشد اعلام نمود تا با تمام قوای خود بر ضد نقشه های تهاجمی بریتانیا و حکومت تبعیض طلب رودیشا اقدام قوری بنمایند . به اثر تقاضای برخی کشور های افریقای شورای امنیت موسسه ملل متحد پیرامون بررسی اوضاع رودیشا که بعد از موافقت نامه لندن در اثر عملیات تخریب کارانه انگلستان ، و افریقای جنوبی رخیم شده است دایر گردید .

مبارزه بخاطر آینده رودیشا کماکان ادامه دارد . چپه و وطنپرستان با استفاده از تخریب های تلخ گذشته خود هوشیارانه بر ضد قوای تبعیض طلب و امپریالیزم مبارزه می کنند .

چندی قبل مقامات نظامی رودیشا بایروداکنند های رسمی اعلام نمودند که انتخابات پارلمانی در آنکشور انکشاف می نماید . مطبوعات محلی نیز به نوبه خود برای متاثر نمودن ابعاد نفوذ اتحادیه ملی افریقای زیمبابوی (زانو) که توسط رابرت موگابی رهبری می گردد شایعات دروغین را براه انداخت این مطبوعات از سخنان خصمانه و تحریک آمیز دولت رودیشا ، حتی سخنی هم ذکر نموده است . رهبران اتحادیه موسوف تمام این تلاش های محیلا نه زمامداران مستبد رودیشا را نقش بر آب نمود رابرت موگابی بروگرام سیاسی جانب داران خود را تدوین نمود ، و کار های مقدماتی خود را برای آماده گسی انتخابات بتاريخ بیست و ششم جنوری انتشار داد .

به هر حال چیزی که مسلم است ، این خواهد بود که مطبوعات رودیشایی با تمام قوای خود سعی می ورزد تا نیرو های وطنپرست را تضعیف نماید . سیل از اکاذیب و دروغ ها یکی بی دیگری از زراد خانه تبعیض طلبان بیرون می جهد . این دروغ ها طوری توجیه می گردد که گویا وطنپرستان زیمبابوی مشابه اند تا بمانند راهبان تمام جامعه زیمبابوی را ویران نماید . راستیست ها بدین طریقی شیفتگان واقعی آزادی زیمبابوی را بیادانتقاد می گیرند .

رویداد های جاری سیاسی رودیشا نشان می دهد که دو جبهه وطنپرستان رودیشا که توسط جوشیوانگومو و رابرت موگابی رهبری می گردد در شرایط فوق العاده دشواری قرار دارند . لارڈ سوماس گورنر جنرال انگلیسی رودیشا سمت خطر ناک چاکر نشانه امپریالیزم را عهده دار است تا در مقابل جبهه وطنپرستان زیمبابوی سدهای ایجاد نماید . در حقیقت پالیسی حکومت تبعیض طلب رودیشا که از طرف حکومت محافظه کار انگلیس طرح گردیده است ، گورنر جنرال مذکور را متقاعد ساخته است تا در انتخابات مساه

فبروی آنکشور برای جلو گیری از پیروزی وطنپرستان از هر گونه وسایل و امکانات استفاده نماید . نماینده رویتر از رودیشا راپور میدهد که قوای نظامی سالزبری پیوسته قصباتی را که در موافقت نامه اوربند برای وطنپرستان تعیین گردیده است کنترل رحتی مورد تهدید قرار می دهد . طیارات جنگی رودیشا از فراز این مراکز همواره بمباراز می نمایند . رهبران نیرو های وطنپرست رودیشا چندین بار از عدول موافقت نامه لندن احتجاج نمود که توسط دارو دسته خونین سمیت و موزوایوا عملی می گردد . قوای نظامی دیگری که تحت نام «قوای ممدادی» در قصبیات مذکور متمرکز گردیده و تعداد شان با نژده آلی بیست هزار نفر می رسد مطابق دستور گورنر جنرال انگلیس عملیات تخریبی و تهدید آمیزی را انجام می دهند . در یکی از اسناد مهمی که از طرف وطنپرستان به انتشار

در مرحله اول فعالیت خویش به ساختن مدل کشی های که توسط امواج رادیویی رهبری میشد دست زد . سپس به فعالیت های مغلق تر چون اختراع گروه هنری «ستاره های سبز» اقدام کرد . به این ترتیب گروه هنری بقه ها بوجود آمد .



مخترع با گروه هنری اش

ترجمه عبدالله

گروه هنری بقه ها

است . چوکی هایی که هنرمندان از آن استفاده می نمایند نیز از سرپوش بوتل ها و سیم ساخته شده است . در ساختمان سامان و آلات موسیقی آنها از قطعی های خالی کسرو استفاده شده و بامدل های اصلی شباهت نام دارد .

نمایش های هنری این گروه با خنده های بیهم و هیجان تماشاچی همراه است . برای بوجود آوردن گروه جالب و خنده آور «ستاره های سبز» دانش تخیلی تنها کفایت نمی کرد بلکه به استعداد خاص در قسمت نقاشی و رنگ آمیزی نیز ضرورت بود .

مخترع گروه «ستاره های سبز» خود سه کسرت های هنرمندان رفته حرکات وزنت های آنها را به خاطر سپرده و حالات مذکور را بالای گروه هنری خود تطبیق میکرد تا اینکه به واقعیت نزدیکی تام پیدا کند .

معصوم علاوالدین آن هنوز سی سال دارد اما در قطار همکاری اش از مقام خاصی برخوردار است و همه او را بنام «استاد کل» می نامند . مخترع اصلا بسته کار رادیوست اما در حرفه آهنگری نیز سر رشته دارد . در اوایل جوانی به اتوماتیزه کردن عملیات الکترونیک علاقه خاص داشت .

در مرحله اول فعالیت خویش به ساختن مدل کشی های که توسط امواج رادیویی رهبری میشد دست زد . سپس به فعالیت های مغلق تر چون اختراع گروه هنری «ستاره های سبز» اقدام کرد . به این ترتیب گروه هنری بقه ها بوجود آمد .

پایس رفتن برده تیاقر کوچک اطفال شش بقه بازست های مخصوص روی ستیج ظاهر شدند و هر کدام در جاهای معین خود ایستادند . با تغییر روشنی لب ستیج صدای نرم موزیک بلند شد . این گروه که بنام گروه هنری «ستاره های سبز» مشهور است به اجرای برنامه شان آغاز کردند . هنرمندان همزمان با نواختن موسیقی ستاره گروه را همراهی میکردند . همه اعضا منجمله گیتاریست ، بیانیست و جازیند نواز به بسیار ذوق و علاقه در حال فعالیت بودند .

مخترع این گروه میناتور «ستاره های سبز» جوانی به اسم معصوم علاوالدین آن است بگذارید در قسمت ساختمان اتومسی هنرمندان نکته چند خدمت ثان معلوم است ارائه کنم . ساختمان عضویت بقه ها فلسفی بوده و از سر پوش بوتل ها ساخته شده اند . الکترو مقناطیس هایی که در بدن شان نهفته است فعالیت و حرکات شان را کنترل می نمایند . سازه فعالیت الکترو مقناطیس ها توسط ساختمان الکترونیکی تنظیم میشود .

نکه قابل توجه و ضمنا مغلق تا مین هماهنگی حرکات بقه ها بانوای موزیک است . غرض ایجاد هماهنگی نخست چندین مرقبه موزیک پخش شده و سپس حرکات بقه ها را با شمای اداره کنترل تنظیم می نمایند . موسیقی که تصور میشود هنرمندان می نوازند در حقیقت از طریق رادیو گسیل پخش میشود . برای ساختمان وجود یک هنرمند به شش آلی ده سر پوش فلزی بوتل ضرورت است . چشم های شان فتر مانند و رابری

په کار گری ټولنو کی دوریا او

اجباری تعلیماتو پراختیا

د ماموریت په ترڅ کی تحصیل

اجتماعی او اقتصادی فعالیتونه

چټکوی

د فیزیکی او فکری فعالیتونو څخه دراپیدا شوی تنسی د ټول کولو له پاره له یوی خوا اودشاگردانو دایدیالوژی دمعیار اوبوهی دلورولو دپاره له بلی خوا ټاکل شویده چی دهغه هیواد په ټولو نارونو او کلیو کی دخوانانو او کارگرانو د تخنیکي او افای اطلاعاتو ستندرد په یوشان او مساوی ډول لوړ کړی شی. دغه هیله به هغه وخت ترسره شی چی دهغه هیواد ټول وگړی هرو مرو دلورو تحصلاتو په یوه انستیتوت کی خپل درسونه تعقیب کاندی اودغه راز تعلیمات هم بنایي چی په وړیاډول تراجرالاندی و نیول شی. لکه چی تجربو څرگنده کړیده دانستیتوت په سویه د کارگرانو او خوانانو ټول تعلیمی پروگرامونه باید اجباری تعلیماتو په چوکات کی تطبیق شی.

کی ددغه راز پروگرامونو په تعقیبولوسره په تخنیکي او حرفوی رشتو کی دشاگردانو استعداد اولیافت ترزیاتی اندازی پوری پیاوړی کسیری. په اوسنیو وختونو کی له رسمی وخت څخه وروسته شاگردانو او خوانانو دپاره دکارکولو او تحصیل غوره شرایط رامنځ ته شوی. کارگران او کسب گران هم کولای شی چی درسمی وخت څخه وروسته دښوونی او روزنی له پروگرامونو څخه گټه واخلي، ددغه پیغام داهدافو سره سم اوس اوس او دغه راز په راتلو نکو کلونو کی به زده کوونکی وکولای شی (د ټول تایم په صورت کی په یوه تخنیکي او یا حرفوی ښوونځی کی خپلوزده کړونه دوام ورکسری. دکوریا دخلکو ددموکراتیک ښوونی او روزنی مقامات اوس په یولړ داسی فعالیتونو لاس پوری کول غواړی چی دهغه په سیوری کی نه یوازی په ښوونځیو او وړوکتونو نوکی دشمول وړکو چنیان

پروگرامونو څخه د لاس ته راغلو نتیجو له مخی بریکړه وشوه چی دنانوی دوری اوله غنی څخه پورته په لوړو تعلیمی کدرونو کی تر (۱۱) ټولگیو پوری دوپیا زده کړو تعلیمی نصاب ته ځای ورکړ شی. په دغه پروگرام کی دټولو هغو شاگردانو او زده کوونکو دپاره چی په فابریکو کی دکار کولو شرایط ولری دزده کړو امکانات په نظر کی نیول شویدی. دښوونی او روزنی جاری په دغه هیواد کی په علمی اصولو باندی

په کارگری ټولنو کی دوپیا او اجباری زده کړوله سیستمونو څخه ډیری ښی او په زده پوری نتیجی تر گوتو شویدی. دکوریا دخلکو دموکراتیک جمهوریت رئیس (کم ال سونگ) په دی وروستیو وختونو کی دوپیا او اجباری تعلیماتو دښیگنو په باب یوه وینا خپسره کړی چی دادی دلته یی وړاندی کوو.

په کارگری ټولنو کی دوپیا او اجباری تعلیمات دټولنی دټولو پراختیا او ځواکونو الکارو ښانوی کارگری تعلیمات دهغو تعلیماتو څخه شمیرل کسیری چی یوازی یو فرد او یا یوی پرگنی ته منحصر نه پاتی کسیری بلکه دیوی کارگری ټولنی ټول وگړی او ځواکونه ور څخه مستفید کسیری، په کارگری او سوسیالستی ټولنو کی ټول خلک حق لری چی ښوونه او روزنه ترسره کړی دکوریا دخلکو په دموکراتیک جمهوریت کی ټولی تعلیمی پالیسی (ټولونه تعلیم او زده کړه) په پرنسیپونو باندی اتکالی. په وړیاډول داجباری زده کړو بنسټ په اساس کی په ښوونځیو باندی ولاړدی. دخپلواکی له گټلو څخه وروسته په یوه خورا لنډه موده کی دهغه هیواد په بیلابیلو برخو کی یوزیات شمیرلومړنی ښوونځی، کالجونه او انستیتوتو نه جوړاوپرا. نسل شمول. همدا رنگه په دغه لنډه موده کی په هیواد کی دانقلابی هدفونو په سرته رسیدلو اوداقتصادی او ټولنیزو سکتورونو په پیاوړتیا سره دهغه هیواد دلومړنیو او ثانوی ښوونځیو کالجونو اوبوهنتونونو په شمیر کی دلیدو وړ زیاتوالی راغی.



د مسلکی او تخنیکي زده کړو په یوه ښوونځی کی دزده کوونکو دعلمی کارونو یوه گڼو ښه

بلکی دفابریکو او صنعتی تاسیساتو کارگران هم تحصیل کولای شی. دحرفوی اومسلکی زده کړو د نویو روشونو او طریقو له مخی په څو وروستیو کلونو کی دهغه هیواد ټول وگړی په تخنیکي او اومسلکی متغیثو ښوونځیو کی دښوونی او روزنی له پروگرامونو څخه گټه اخستی شی هیله ده په نژدی وخت کی د(۱۱) کلنو تعلیمی پروگرامونو سره دتعلیمی نصاب دنورو پروگرامونو دمهم آهنگ کولو دپاره په ښوونځیو کی د(۱۲) ټولگیو څخه پورته تعلیمی ریفارم تطبیق لاندی و نیول شی. همدارنگه

اتکا لری اوبه حقیقت کی دعلمی او تخنیکي تعلیماتو یو گټور او په زړه پوری سیستم گټل کسیری. څرنگه چی دغه پروگرامونه ټول په وړیاډول تنظیم اوانافذ شویدی خوانان چی په ثانوی دوزوکی دزده کړو دوام دپاره لازم شرایط ولری ددغه راز پروگرامونو څخه پوره گټه اخستلای شی. لکه چی تجربو څرگنده کړیده نوموړی پروگرامونه دزده کوونکو دعمومی اطلاعاتو دسطحی دلورولو اوتریبوی گدرو نو دروزنو په برخه کی دښوونی او روزنی مربوطو مقاماتو ته زیاتی اسانتیاوی برابروی. په ضمن

د تیروشلو کلونو دنتیجوله مخی دښوونی او روزنی هغه پروگرامونه چی دلیس په وروکولو سره تراجرالاندی نیول کسیری هیڅکله غوره اوبه زړه پوری نتیجه نه ورکوی. په پانگه والو او کارگری ټولنو کی دتعلیمی اوتریبوی پروگرامونو دتوییر په یوهیدو لوسره کولای شویدی نتیجی ته ورسیږو چی په کارگری او سوسیالستی هیوادونو کی دښوونی اورونی ټول بیساری لگښتونه دولت له خوا تادیه کسیری په داسی حال کی چی په پانگه والو هیوادونو کی مساله برعکس ده. لکه چی ټولونه څرگنده ده له دی کبله چی په کارگری اوسوسیالستی ټولنو کی گټه اوتوان دواړه دولت اوافراد وتر منځ شریک دی نوڅکه دهرډول وړیا او اجباری تعلیمی پروگرامونو څخه ښی اوبه زړه پوری نتیجی تر گوتو کیدای شی. دپورتنی اصل له مخی دکوریا دخلکو په دموکراتیک جمهوریت کی دښوونی اورونی ښی پروگرامونو ټول مسوولیت او لگښتونه دولت په غاړه دی) او باید وویل شی چی دتیرو دیر- شوکلونو په اړدوکی ددغه راز ریفارمونو څخه گټوری نتیجی تر گوتو شویدی. دکوریا ددموکراتیک جمهوریت له آزادی نه وروسته چی دهغه هیواد اقتصادی او اجتماعی حالت په ډیر وناوړو شرایطو کی موقعیت درلود دکوریا ددموکراتیک جمهوریت دولتی مقاماتو تجویز و نیو چی دهغه هیواد بیوزلی کورنی دښوونی اورونی له فیس اولگښت څخه معاف کسیری او ددغه راز کورنیو او لادونه په وړیا ډول دولت په لگښت په ښوونځیو، کالجونو او پوهنتونونو- نوکی جذب کسیری.

دلویا دټاپووز می له جگری څخه په وروستیو کلونو کی دهغه هیواد په ښوونځیو اوبیلابیلو تعلیمی موسسو او تربیوی مرکزونو کی دولت په لگښت دوپیا ښوونی او روزنی پروگرامونه او تعلیمی سیستمونه تراجرالاندی و نیول شو. په (۱۹۵۹) کال کی دهغه هیواد په ټولو تربیوی مرکزونو کی لومړنیو او لسانوی زده کړو تعلیمات په وړیا توگه ترسره کیده. دیورتیو تعلیمی ریفارمونو نتیجه داده چی اوس دهغه هیواد په ټولو تعلیمی سازمانونو

بله دليد ووپخيره داده چي په عادي ډول دمنظمو
 ښوونځيو حجم او عمومي ظرفيت دزده کوونکو
 دشمير دجذب له نظره ډير کوچنی او محدود گڼل
 کيږي. څرنگه چي د عصر او زماني غوښتنو نابته
 کړيده په اوسنيو وختونو کې د سوسيالستي
 ټولني دودانو لوله پاره زياتو تعليمي او تربیوي
 کړونو ته ضرورت شته او ددغه مقصد تر سره
 کولو په برخه کې يوازي عادي مکتبونه کفايت
 نه کوي دکار په ترڅ کې دزده کړي سيستم
 دمر وچو او عادي زده کړو دسيستم سره جوخت
 دټولو خلکو دپاره ښوونې او روزنې فرصت
 برابر وي اوددغه کار په نتيجه کې يوه ټولنه ددې
 قدرت پيدا کوي چي ډير ژر په توليداتي او ساختماني
 چارو کې لږ وړتيا وړتيا وړتيا ته ورسېږي.
 دکوريا دخلکو په دموکراتيک جمهوريت کې
 اوس اوس يون اوسيدونکي هم نه موندل کيږي
 چي بسواده وي او يا خپلې زده کړي پيښم کړي
 پري ايښي وي. ددغه هيواد هريو اوسيدونکي
 خپلې زده کړي تر پايه پوري رسوي او کويښت
 کوي چي په خپل ټول ژوند کې درس ووايي او
 تعليمي پروگرامونه تعقيب کاندې ښوونې او



ددریونگ ښارگ دوپکونونو ماشومان، وړکونونو ته دتک په حال کې

روزني دمر وچو ښوونځيو تر څنگ د(فالتو وخت)
 ښوونې او روزنې له تعليمي نايستاتو څخه
 ډيري ښي او په زده پوري نتيجه تر گوتو شويدي
 دتيرولو کلونو له تجربو څخه په گټې اخستلو
 سره په ډاگه سره ويل کيدای شي چي دکار په
 ترڅ کې دزده کړي ددغه نوي سيستم په مرسته
 په يو وخت کې يوزيات شمير زده کوونکي ،
 مامورين ، کارگران او نور علاقه لرونکي دانقلابي
 ايديالوژي دروحی په در لود لو سره تربيه
 اوروزل کيدای شي. ددغه ځواکونو په روز-
 لوسره نه يوازي په توليداتي او ساختماني چارو کې
 بدلون رامنځ ته کيږي بلکې تربیوي زياتي اندازي
 پوري کارگران او مامورين دجهان بيني او علمي
 ايديالوژي په معنی او افاليت باندې هم ښه
 پوهيږي . کوم کسان چي د(فالتو وخت) په تربیوي
 او تعليمي ښوونځيو کې درس وائي دتوليداتو
 دسکتور زده کوونکي او يا داچي ددولتي څانگو
 رسمي مامورين دي . دغه کارگران او مامورين
 په واقعيت کې په ټولو علمي کارونو بوخت دي
 او دخپل وخت يوه زياته برخه په توليداتي ،
 ساختماني او عمراني فعاليتونو تيروي . نو موږ ي
 کارگران او مامورين څخه کوي چي دخپلې ټولني
 دانقلابي فعاليتونو دپرتيا وو دپه نظر کې نيولو
 سره تعليم وکړي او خپل ځانونه دهر ډول
 کتورو کارونو دپاره اعبار او چمتو کاندې .

گرانو دپاره دمنځنيو ښوونځيو ، دفابريکو دلوږو
 مسلکي او اختصاصي مرکزونو ، کالجونو ، دښي
 لېسودمکاتبي په ذريعه دکالچونو او درسمي
 وخت څخه وروسته دتعليمي کورسونو نومونه
 ذکر کړي . لکه چي دکوريا دخلکو په
 دموکراتيک جمهوريت کې دخو کلنو تجربو
 نتيجه څرگنده کړيده ښوونې اوروزنې ډير-
 نيو روشونو او ناسياتو څخه په گټې اخستلو
 سره دفابريکو ، صنعتي ، ساختماني او توليداتي
 موسسو کارگران ددې توان او قدرت پيدا کوي
 چي دخپلو ورځنيو کارونو ډير ښه لوڅه
 پرته دسوسيالستي تعليمي تو نوي معيارونه
 چي ديوې سوسيالستي ټولني داجتماعي او
 اقتصادي ودې له پاره مهم گڼل کيږي د علمي
 اصولو سره سم تعقيب کاندې . لکه چي دکوريا
 دخلکو په دموکراتيک جمهوريت کې خو کلنو
 تجربو نابته کړيده يوازي عادي ښوونځي نه شي
 کولای چي ديوې ټولني دټولو خلکو دپاره
 ښوونې او روزنې لاره اواره کړي او داڅکه
 چي امکان لري دفابريکو او توليداتي موسسو
 يوزيات شمير کارگران دتيرو استعماري او
 استعماري رژيمونو دشته والي له کبله بريالي
 شوي نه وي چي خپلې زده کړي تعقيب کيږي

تعقيب کاندې .
 ددغه کار يوه بله گڼه او ښيگڼه داده چي
 کارگران ي لږ څخه چي ددوي توليداتي او
 ساختماني کارونه وځنډيږي دلوږو زده کړو څخه
 برخورداره کيږي دکوريا دخلکو دموکراتيک
 جمهوريت ريت يوازي هيواد دی چي
 دکار کولو په ضمن کې کارگرانو ته ددرسي
 کتابونو دلوږولو په برخه زياتي اسانتياوي
 برابر وي . په اوسنيو وختونو کې په عادي
 تعليمي سيستم علاوه درسې وخت څخه وروسته
 تعليمي په نامه چي په عين حال کې د(فالتو وختونو
 دتعليم په نامه هم يا ډيري ښوونې او روزنې
 يونوي سيستم جوړ اورامنځ ته شويدي ددغه
 نوي سيستم په مرسته نه يوازي دکوچنيانو او
 ځوانانو دپاره ښوونې او روزنې چانس برابر-
 يږي بلکې دکارگرانو ، بزگرانو او زيارايستو نکو
 دپاره هم دتعليماتو دښير ولو امکانات او په
 زړه پوري شرايط تر گوتو کيږي . ددغه راز يو
 سيستم څخه ټول خلک دهر ډول توپير څخه
 پرته په تکاملي توگه استفاده کوي په داسي
 توگه چي ددوي تعليمي پروگرامونه د عصر اوزماني
 غوښتنو ته مثبت ځواب وويلاي شي . اوس اوس
 په دغه تعليمي سيستم کې يوشمير ريفارمو نه
 رامنځ ته شويدي چي دغو په جمله کې دکار-

او موسسوکي دوړکتون څخه نيولي تربيوه تنونو
 اودډيرو لوږو تعليماتو ترکدرونو پوري ښوونې
 اوروزنې اجباري فعاليتونه تر(۱۱) ټولگيو پوري
 اودهغه څخه تر پورتنيو پور يو پوري په وړيا
 ډول تر سره کيږي . دپادو لوږو ډ خبره داده چي
 دکوريا دخلکو په دموکراتيک جمهوريت کې نه
 يوازي په ښوونځيو کې ښوونې او روزنې چاري
 تعليمات هم په وړيا ډول صورت نيسي . همد-
 رنگه دلويانو دپاره ښوونه او روزنه اود کارگرانو
 تعليمي چاري ددولت په لگښت په وړيا توگه
 تر سره کيږي . په داسي حال کې چي په دغه
 هيواد کې دژوندانه دنورو اړخونو په پرتله
 ښوونې اوروزنې دلگښت وړاندازه خوچنده زياته
 اولوړه ده دهغه هيواد په دولتي بودجه کې دتعليمي
 پروگرامونو بودجه کاله کاله مخ په زياتيدوده
 دکار کولو په ترڅ کې دښوونې او روزنې
 چاري ؛
 دکار کولو په ضمن کې دښوونې او روزنې تر سره
 کول او دداسي پروگرامونو تعقيبول دزده کړي
 يو ډير ښه او غوره سيستم گڼل کيږي . ددغه
 راز يوه سيستم په تعقيبولو سره کارگره ډ له
 کولای شي چي داجتماعي او اقتصادي بيلابيلو
 چارو دتر سره کولو په ترڅ کې دښوونې اوروزنې
 په يو استيعوب او يا کالج کې خپل درسونه

کندهار، حوزه توپرکلوز هرات، حوزه توپرکلوز بلخ و حوزه توپرکلوز کندز که شعبات حوزه‌های مذکور بصورت فعالانه از کنترل توپرکلوز ولایات مربوط خویش وادسی مینماید. بر علاوه در تمام مراکز محسی اساسی و مراکز فرعی فعالیت کنترل توپرکلوز در پهلوی دیگر براندام‌های محسی مراکز مربوط از طرف داکتر و پرسونل آن بصورت ادغام شده انجام می‌گیرد.

که در هر حوزه یک داکتر بحیث آمر حوزه متخصص توپرکلوز یک داکتر داخله که در پروگرام توپرکلوز همکاری میکنند، دو نرس، دوروختی‌پال، دو واکسیناتور، یک نفر تکنیسن لابراتوار و یک نفر تکمیلن اکسریز، و دستگاه مکمل اکسریز، شعبه لابراتوار مجهز برای معاینه مستقیم بلغم و بعضاً بالوازم کلچر سامان ولوازم شعبات کنترل توپرکلوز میباشد، همچنان یکمراهه موتور، یکمراهه موتور سایکل و یکمراهه بایسکل مجهز میباشد.

تمام حوزه‌های مربوط افلا
بقیه در صفحه ۵۱

کردند که اکثریت شان قدرت توان پرداخت فیس را نداشتند و جهت بستر شدن از یک دروازه بدروازه دیگر مراجعه و سرگردان میشدند و بندرت و دشواری امر بستر شدن مجانی را از شخص وزیر دریافت میکردند. بعد از انقلاب شکوهمند ثور سنگه تهاداب انستیتوت ملی توپرکلوز گذاشته شد که بعد از یک سال به فعالیت خود مستقیماً به صورت فعال آغاز نمود و در پهلوی آن در ولایات کشور حوزه‌های توپرکلوز هم بصورت فعال و موثر تنظیم گردیده که عبارت اند از: حوزه توپرکلوز ننگرهار حوزه توپرکلوز



یکتن از مریضان در حال معاینه دیده می‌شود

کنترول توپرکلوز در سراسر کشور



مردم و فامیل‌های مریضان از نظر کنترل و وقایه توپرکلوز، که این تغییرات توصیفی بوده و تغییرات جدی آن قبلاً توضیح می‌گردد: در سال ۱۹۷۹ در حدود بیشتر از چهل هزار نفر تحت قداوی قرار گرفت که از جمله شش هزار نفر دوره قداوی یک ساله را تکمیل نموده اند. در سال ۱۹۷۴ در حدود ۱۹۶۰۰ نفر از نگاه کشف واقعات توپرکلوز ذریعه معاینه مستقیم بلغم معاینه شدند و در ۱۹۷۹ معاینه اضافه از ۶۵۰۰۰ نفر بصورت مجانی صورت گرفت ناگفته نماند که پروگرام کنترل توپرکلوز در آینده نزدیک در سراسر کشور عزیز تزیید خواهد یافت. منبع در مورد این سوال که اساس پروگرام توپرکلوز در افغانستان کدام سال گذاشته شده و فعالیت درین ساحه قبل از انقلاب ثور چگونه بود و فعلاً تا چه حد تحول و انکشاف نموده چنین توضیحات داد:

۱- تریبه پرسونل پروگرام توپرکلوز در داخل و خارج
۲- تحقیقات اختصاصی از نگاه اپیدمیولوژی، بصورت عملی از نگاه پلان و ارزیابی پروگرام کنترل توپرکلوز.
۳- سروی ملی توپرکلوز در سراسر کشور ذریعه تیم جدا گانه با اشتراک تیم و تفری که از نگاه کشف واقعات توپرکلوز در گاوها و ارتباط بانواع توپرکلوز انسانی در مرحله اجرا قرار گرفت که فعالیت آن عنقریب اكمال و نتایج آن بعداً صورت خواهد گرفت که این سروی بزرگترین سروی منطوقی در حوزه جنوب شرق آسیا می باشد.
۴- تعلیمات صحی برای مریضان و تمام

در پرتو مرحله نوین انقلاب ثور تجویز اتخاذ گردیده که در تمام افغانستان مریضان توپرکلوز بصورت مجانی معاینه و قداوی گردند. یک منبع انستیتوت ملی کنترل توپرکلوز در مصاحبه ای که با خبرنگار مجله زوندون بعمل آورد گفت: بصورت عمومی در پروگرام کنترل توپرکلوز تغییر و تحول ارزنده صورت گرفته بدین معنی که دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان حق اولیه فعالیت های صحی را در کنترل توپرکلوز داده است. بدین معنی که تمام فعالیت های ضد توپرکلوز بصورت مجانی میباشد از قبیل تشخیص، لابراتوار، اکسریز، وقایه ذریعه بیسی جی و یک دوره مکمل قداوی، دولت فعالیت و کنترل توپرکلوز را بصورت مطلق تقویه میدارد یعنی از نگاه معیار اداری، بودجوی و مراقبت های دوامدار که بصورت اختصاصی شامل:

۱- تریبه پرسونل پروگرام توپرکلوز در داخل و خارج
۲- تحقیقات اختصاصی از نگاه اپیدمیولوژی، بصورت عملی از نگاه پلان و ارزیابی پروگرام کنترل توپرکلوز.
۳- سروی ملی توپرکلوز در سراسر کشور ذریعه تیم جدا گانه با اشتراک تیم و تفری که از نگاه کشف واقعات توپرکلوز در گاوها و ارتباط بانواع توپرکلوز انسانی در مرحله اجرا قرار گرفت که فعالیت آن عنقریب اكمال و نتایج آن بعداً صورت خواهد گرفت که این سروی بزرگترین سروی منطوقی در حوزه جنوب شرق آسیا می باشد.
۴- تعلیمات صحی برای مریضان و تمام

اهمیت تحکیم و پیوند روابط میان نیروهای

پیشرو جهانی

و جنبش‌های آزادی بخش ملی

در روند تاریخ

نقار «عریف»

اگر بطور پیگیر نقش جهانی نهضت های آزادی بخش ملی معاصر را ، دقیق و همه جانبه در مقایسه با جنبش های ملی پیشین ، مورد مطالعه و ارزیابی قرار دهیم ، نتایج علمی که درین زمینه حاصل میشود و ضعیف را بطور کلی چنین می‌رساند که :

جنبش های آزادی بخش در گذشته تمایل بیشتر جانب مساوی خارجی داشت ، ولی در شرایط کنونی نهضت های رهایی بخش متوجه مساوی داخلی می‌باشد و در دست اول اهمیت انجام رسالت خویش ، محور کامل استعمار و از بین بردن ریشه های اقتصادی نفوذ امپریالیسم ، حل پرابلم های اجتماعی و اقتصادی را قرار میدهد .

آرایش قوا در میثاق بین المللی خصوصیت عمده دوران کنونی را چنین می‌رساند :

مبارزات رهایی بخش ورشد وسیع آن ، تقریباً سرنوشت نیمه بشریت را در جهان تعیین می‌دارد و وساحت فعالیت آن در ملت را احتوا میکند و سیستم استعماری در هم می‌ریزد . خلقهای کشور های آسیا ، آفریقا و آمریکا لاقین از طریق تحکیم و پیوند روابط خود با جهان سوسیالیستی و طبقه کارگر کشور های سرمایه داری به همه اشکال ستم اجتماعی خاتمه میدهند و راه شکوفایی ترقی اجتماعی را در پیش میگیرند .

شکست و در هم پیچیدن سیستم بردگی استعماری در زیر ضربات پیهم و هماهنگ مبارزات رهایی بخش ملی انکشافیست که از لحاظ اهمیت تاریخی خویش بعد از ایجاد سیستم جهانی سوسیالیسم در درجه دوم قرار میگیرد .

مشخصات جنبش های ملی رادر گذشته حصول استقلال سیاسی ملت ها در بر میگرفت که مقصد غمنوی آنها از میان برداشتن تسلط اجنبی ، ایجاد دولت ملی و تحقق بخشیدن به حق داشتن موقت مستقل سیاسی تشکیل میداد .

مبارزات رهایی بخش معاصر بنا بر خصوصیت عمیق ضد امپریالیستی و محتوی جدید اجتماعی خویش ، بنابر نقش بزرگی را که توده های خلق درین مبارزه بجا می‌آورند ، زنجیر های اسارت بار امپریالیسم را در حساس ترین موقعیت آن جدا تضعیف میکند و سر انجام در مراحل اخیر کاملاً از هم می‌گسلد .

یکی از خصایل جنبش آزادی بخش ملی را این مسئله تشکیل میدهد که در نتیجه آن سرزمین های مستعمره و نیمه مستعمره راه ترقی اجتماعی را در پیش گرفتند و مبارزات مستعمرات باقی مانده ، پشتیبانی کامل نیرو های انقلابی کشور های نو بنیاد و حمایت همه جانبه کشور های پیشرو جهانی را گامی نبود .

همانطوریکه جنبش های رهایی بخش معاصر مولود زمان ماست ، بدین لحاظ طرد رژیم های هوا دار امپریالیسم ، تبدیل استقلال سیاسی صورتی به استقلال واقعی گذار از سرمایه داری به مرحله عالیتر تکامل اجتماعی

مشخصات این جنبش را در بر میگیرد . در عین حال اینکه مناسبات فرهنگی و معنوی آن در خدمت با فرهنگ و معنویات پیشرفته و مترقی پیوند حاصل میکند . بادر نظر داشت شرایط پیروز مند مبارزه با روابط فرسوده فیودالی و ما قبل فیودالی ، درجدا است علت وابستگی اقتصادی مستعمرات را در گذشته ، تابعیت سیاسی آنها رادر مقابل کشور های استعمار گر تشکیل میداد ، ولی بنا بر تغییر عمیق به سود نیروهای مترقی که در سیمای جهان رونما گردیده (جنبش های آزادی بخش ملی زمان ما جنبش های دمو کراتیک ضد امپریالیستی طراز نوین میباشد) .

بدین سان مبارزه در راه حصول استقلال اقتصادی خصلت عمیق ضد امپریالیستی دارد . نیازمندی های عینی آزادی اقتصادی و از میان برداشتن زمینه های استقرار مجدد تسلط استعماری امپریالیسم ، خصوصیت جنبش های آزادی بخش ملی را تعیین میکند .

در شرایط کنونی بنابر موجودیت سیستم جهانی سوسیالیسم ، همبستگی بین المللی کارگری ، فشار خلقها بر رژیم های استعماری روز تار و کسب قوت بیشتر میکند ، نیرو های انقلابی و وطنپرست کشورهای وابسته در برابر عملیات و تجاوز استعمار گران به قیام های پیروز مند مسلحانه میپردازند .

انحلال سیستم استعماری از نظر انکشافات انقلابی جهان معاصر اهمیت عظیمی دارد و جریان است غیرقابل بازگشت ، نادیده انگاشتن آن به مفهوم خط بطلان کشیدن بر پیروزی های تاریخی جنبش های آزادی بخش ملی ، کم شدن اهمیت شکست و زوال استعمار ، ناچیز دانستن نقش استقلال سیاسی و عدم اعتقاد به پیروزی ملت های تازه به استقلال رسیده است که به یقین توانایی آزاداندازند تا با پشتیبانی هم و تام کشور های مترقی جهان ضربات پیهم و خرد کننده به دسایس و توطئه های امپریالیسم و استعمار نوین وارد آورد .

نباید اشتباه کرد که : با انحلال سیستم مستعمراتی ، استعمار کاملاً از بین رفته و مبارزه خلقها بر علیه آن پایان پذیرفته است ماهیت سیستم جهان خوار امپریالیسم بادر نظر داشت شرایط خود ، استعمار رادر قالب دیگری ریخته (استعمار نوین) و چهره زشت خود را پان شیوه ماست مالی میکند . استعمار نوین (نیوکولونالیسم) به مفاد ارتجاع بین المللی ، اهداف و وظایف مشخص رادر زمینه اقتصادی و سیاسی تعقیب مینماید .

ارتجاع جهانی به سرمداری محافل تجاوز کار امپریالیستی مذبحخانه تلاش به خرج میدهند تا به اشکال و شیوه های گوناگون سد معده در برابر پیشرفت های اجتماعی گردد و یا حداقل کندی و متوقف شدن آنها باعث شود . بطور کلی اقدامات بیشتر مانع گروه های امپریالیستی متوجه مبارزات آزادی بخش بوده که ساخته گسترده آن پیش از شکست فاشیسم هلتری و ملیتاریسم جاپان (انقراض جنگ جهانی دوم) بعد از بجا گذاشتن ویرانی های بی شمار آن موجب از هم پاشیدگی کامل سیستم استعماری امپریالیستی گردید ، نیز میباشد .

پیدایش دهها کشور مستقل و تازه به استقلال رسیده که بحق مدافع پیگیر و تکیه گاه طبیعی خود کشور های سوسیالیستی را میداند ، از جمله نتایج حاصله پیشرفت روند جهانی و از اجزای متشکل آنست . کشور های سوسیالیستی بطرز برادرانه و دوستانه بدون در نظر داشت منافع از مبارزات عادلانه آنها در راه آزادی ملی بطور هادیم و همه جانبه پشتیبانی بعمل می‌آورد ، پیش از حصول استقلال سیاسی آنها ، فراهم آوری زمینه های امداد مادی و معنوی را همه جانبه در نظر میگیرد .

همانطوریکه مبارزات رهایی بخش ملی را به حقانیت تمام ، جنبش می‌توان توصیف کرد که : در آخرین تحلیل منفعت عامه خلق رادر بر میگیرد و وظیفه جنبش در مرحله جدید آن مبارزات است :

حصول استقلال کامل از اسارت امپریالیسم ، بدست آوردن استقلال اقتصادی و تحکیم حاکمیت ملی .

نیرو های وطنپرست درون جنبش از تجارب حاصله خویش می آموزند که : رسیدن به این هدف تنها از طریق تغییرات عمومی دموکراتیک ، از میان برداشتن ریشه های اقتصادی و بقایای نفوذ سیاسی امپریالیسم ، انکشاف بر دامنه صنایع شامل صنایع سنگینی و سبک ، حل مساله دموکراتیک ارضی ، دموکراتیزه کردن حیات اجتماعی ، ارتقا سطح زندگی ، پیروزی از یک سیاست خارجی فعال ضد امپریالیستی امکان پذیر است .

باید در نظر گرفت که هسته و مرحله جدید جنبش آزادی بخش ملی را مبارزه در راه ترقی اجتماعی تشکیل میدهد . بنا بر تعیین راه پیشرفت در کشور های وابسته و مستعمره سابق در جریان پیروزی و غلبه جنبش آزادی بخش ملی بر مناسبات کهنه نشان داده می شود و بدین گونه برای جنبش ، محتوی اجتماعی تازه می پخشند .

در برابر جنبش های پیشین انتخاب راه پیشرفت قرار نداشت و هم نمیتوانست داشته باشد ، زیرا جنبش های سابق محض راه انکشاف را برای رشد سرمایه داری باز می نمود . در شرایط و اوضاع معاصر بنسبیر

موجودیت سیستم جهانی سوسیالیستی ، جنبش همبستگی بین المللی کارگری ، نیرومندی مبارزات رهایی بخش ملی ، در فضای کاملاً همزیستی مسالمت آمیز دولت های دارای سیستم های اجتماعی مختلف ، کشور هاییکه تازه از وابستگی رهایی یافته اند و استقلال سیاسی خویش را حاصل کرده اند در تحت شرایط اتخاذ سیاست عدم الحاق به پیمان های تجاوزکار امپریالیستی و تعقیب راه ترقی اجتماعی واقعا مستقل باشند .

موجودیت سیستم جهانی سوسیالیسم نقش ارزنده و فعال را در ایجاد شرایط مساعد برای پیشرفت زمینه های ترقی اجتماعی در کشور های کم رشد و اتخاذ راه رشد غیر سرمایه داری در کشور های جهان سوم بازی میکند و در حدود امکان و شرایط لازم صدور ضد انقلاب را برای کشور های نو بنیاد محدود مینماید .

احزاب انقلابی کشور های روباتکشان در مرحله جدید رشد مبارزات رهایی بخش ملی باین موضوع توجه فراوان مبثول میدارند که جلب رشته های امداد مادی و معنوی کشور های پیشرو و مترقی جهان به گسترش و پیشرفت مناسبات مختلف کمک مینماید .

در دوران حاضر روابط و همکاری های متقابل میان مبارزات رهایی بخش ملی دولت های نو بنیاد و نیرو های سوسیالیسم جهانی اهمیت خاص دارد .

تا تمام



سگ های شیر خور بدین گونه سایر حیوانات را از پا می افکند.

تر جمہی داود زہدی
از : لائف چکو سلوا کیا

سگهای شیر خور جلگه های سبز افریقا

در قسمت های بی درخت جلگه گشتند که بعتنا با سگهای درنده های سبز تا نزا تیا، حیوانات وحشی افریقا بی رو برو گردیدند . «زبرا» این سو و آن سو ، زبرا ها برای حفظ جان شان و به آواره و سرگردان می خاطر زنده ماندن خواستند راه فرار



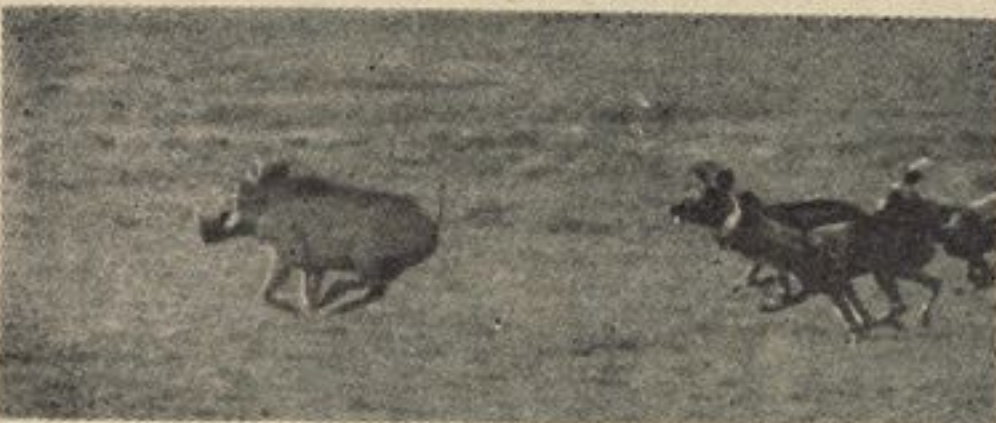
یکی از سگهای شیر خور جلگه های سبز نیز میتواند گله ای از حیوانات رادیرانه تعقیب نماید .

را در پیش گیرند و خود را از شر آن حیوانات بیرحم نجات بدهند. سگهای درنده اطراف تا نزا تیا همواره سا پر حیوانات آن منطقه را شکار میکنند و اکثر اوقات گله های «زبرا» و دیگر حیوانات از آسیب آنها در امان نمی مانند زیرا بمجردیکه

سگهای درنده افریقا بی سا پر حیوانات را بنگرند به تعقیب آنها می پردازند و با لای آنها حمله می نمایند و تا لحظاتی که آنها را از پا نیندازند آرام نمی گیرند . خوک های «زگیل» نیز همین که از دور دستها این سگهای درنده را که بصورت دسته جمعی با لای سا پر حیوانات حمله میکنند می بینند می گریزند و فرار میکنند و فاصله ای را می پیمایند اما سر انجام تسلیم میشوند زیرا سرعت آنها با سرعت سگهای ستمگر و خون آشام برابری شده نمیتواند .

از جمله سا پر حیوانات خوک های زگیل و خوکهای زبرا که بصورت گله ای زندگی و گردش میکنند زودتر بچنگ این سگهای درنده می افتند زیرا این خوکها تنبل هستند و حوصله دویدن زیاد را ندارند. این سگها که بنام گرگ های

تا امروز هیچ حیوانی دیده نشده که مورد شکار این حیوان قرار گیرد. اینها، هر حیوان وزنده جانی را که بنگرند شکار مینمایند و شکار آنها مشخص بیک و یا چند نوع حیوان نمی باشد . ترس و وحشتی که از موجودیت این گرگها، بدل حیوانات میفتند خیلی عجیب و تعجب آور است. زیرا گرگهای مو صوف سی میل فسی ساعت میدوند و حتی اگر شیری در مقابل شان قرار گیرد آنها از هم میدورند و میخورند . چون این سگهای عجیب سا لانه یک تعداد زیاد حیوانات را از پس میبرند و نا بود می سا زند تو چه زیاد علمای زولوژی را بخود جلب نموده و آنها را وا داشته تا درباره خصوصیات و عادات این سگها مصروف یک سلسله تحقیقات علمی موثر را انجام بدهند. درین اواخر زولوژیست دانشمندان و باتجربهای بنام (سچالر) عضو کمیته زولوژیست های نیویارک همراه با یک تعداد علمای سا پر کشورها، با تر تحقیقاتی که در مورد سگهای یاد شده انجام داده



سگهای شیر خور جلگه های سبز در حالیکه حیوانی را تعقیب می نماید .

افریقای شمرت زیاد دارند با بیرحمی تمام از گوشت و خون سایر زنده جانها تغذیه و زندگی می نمایند . بیلا نس سا پر حیوانات گیتی خیلی موثر بوده است . طی سه سال مطالعه و تحقیق عمیق وهمه جانبه علما و دانشمندان مذکور دریا فته اند که این سگهای گرگ مانند با سا پر سگهای جهان هیچگونه قرابت نداشته بلکه با نسلهای حیواناتی از قبیل گرگ ورو با پیوند و ارتباط دارند .

چندین کیلومتر راه را در یک ساعت طی مینمایند و با سرعت عجیبی صید خود را دنبال میکنند و بچنگ می آورند . این گرگهای معروف امروز از جمله فعالترین حیوانات جهان پنداشته میشوند .

چندین کیلومتر راه را در یک ساعت طی مینمایند و با سرعت عجیبی صید خود را دنبال میکنند و بچنگ می آورند . این گرگهای معروف امروز از جمله فعالترین حیوانات جهان پنداشته میشوند . سچالر این زولوژیست دانشمند طی تحقیق خویش حقیقت سحر آمیزی را نیز کشف کرده و آنرا برای دیگران فاش کرد .

حرارت در قسمت نیم کره شمالی ۳-۴ درجه بلندتر نسبت به حالت فعلی بوده درجه حرارت در سردترین ماه سال هیچ وقت کمتر از (۵) درجه سانتی گراد در اروپای شمالی و بایستتر از منفی پانزده درجه سانتی گراد در شمال شرق آسیا نبوده است این درجه حرارت بلندتر از درجه حرارت فعلی میباشد .

کیفیت و حالت درجه حرارت مواسم گرم سال در دوره پلیوسین همنوا با تنوعات مختلف کمتر نسبت به حالت فعلی بوده، بسیار بلند بوده است . مخصوصا در خط یا ساحه قطب شمال .

تقسیمات و ترسبات در اروپا و آسیا در دوره پلیوسین تقریبا مانند حالت فعلی بوده واقعا در مسافه های یاساحه های بلندترسبات به مقدار اضافی وجود داشت . این نشان میدهد که اقلیم جوی دوره پلیوسین چندان بدنبوده است . تغییر بسیار کم بهچنین اقلیم جوی که قرن ها رادر بر میگردد، تقریبا برای تمام مردم و فعالیت های اقتصادی شان خوب است .

بسیار مشکل خواهد بود که بحاسبه یا نشان بدهیم که تغییرات جوی که اهمیت اقتصادی رادر قبال دارد . اگر بصورت فوری هم تعقیب گردد ، تقریبا چند سده رادر بر میگردد .

ساحه های یخبندان شاید خورد شوند و

برافتند، و همراه با آن مقدار آب تبخیرشده در سطوح سواحل به قاره ها انتقال می یابد .

گرمی عمومی همچنان نتیجه یک تزئید در مقدار ترسب در سطح ابحار و تنقیص در زمین در بالای ساحه های مشخص سطح قاره ها (رامیدهند . این واقعیت مهم و عمده اهمیت بسیاری در مراحل طبیعی و فعالیت های اقتصادی اشخاص میداسته باشد .

احساس خطر در دوره اول گرمی عمومی مبنی بر نمدار گردیدن خطوط قاره وی زمین بصورت غیر مقاوم تصور می باشد، وجود دارد . موجودیت خشکی بسیار دوامدار منجر به تقسیم گردیدن مستعمره ها به ساحه های بزرگتر میشود . این واقعه در سال ۱۹۳۰ و ۱۹۷۶-۱۹۷۲ ، رخداد که یک خشکی دوام دار یک ساحه کم رادر اروپا، آسیا و امریکای شمالی مشاهده نمودند . تغییر او ضاع جوی در صفحه اول گرمی عمومی (پیش از ذوب شدن یخبندان های ساحه قطب شمالی) میتواند متکی به تجارب و مشاهدات که توسط واقعیت های تغییرات جوی دوره اخیر تقویه میگردد، باشد . بسیار مشکل است اگر گفته شود که دوره بی یخ به چه شکل

سزئید در مجموع درجه حرارت در ۳۰-۲۰ درجه (مقیاسه با ۱۹۶۰)

اگر گرمی تمام کره ادامه بیدانند ، تزئید در درجه حرارت در مساحه ها و ارتفاعات مختلف قابل درک نخواهد بود زیرا اگر سال ۲۰۲۵ مجموع درجه حرارت در نیم کره شمالی تا ۲-۳ درجه سانتی گراد بلند برود ، در ساحه های بلند ، درجه حرارت تابستان تا به ۱۰-۷ مثبت بلند خواهد رفت و درجه حرارت زمستان آن از ۱۰-۵ درجه پائین خواهد آمد .

چنین تغییرات در رژیم حرارتی یک واقعه در-امانیک را مخصوصا در مسافه های بلند و پائین در حالت طبیعی نشان میدهد . بسیار دلایل قانع کننده مبنی بر ذوب شدن تمام یخبندانهای دایمی ساحه قطب شمالی وجود دارد که دیگر حتی در زمستان هم یخبند آنها در ساحه ، قطب شمال وجود نخواهد داشت .

چطور گرمی عمومی تا ختم قرن بیست ربح اول قرن ۲۱ انکشاف و پیشرفت خواهد کرد .

بصورت آشکارا ، این مساله بصورت ناظم یکی بی دیگر تعقیب میگردد البته در ابتدا بصورت آهسته بعدا در انکشاف ذوب شدن

تایمه قرن بیستم نظم و نریب اقلیم جوی بصورت کامل از زیر اداره انسان و قدرت اقتصادی آنها خارج و بشکل آزاد آن وجود داشت . بعدا به یک تغییر ناگهانی مواجه گردید . احتراق انواع مختلف مواد سوخت بصورت منظم یک تزئید در مقدار ماده مضر کار بن دای اکساید رادر فضا همراه با نتایج تاثیرات گرین هوزویک تزئید در مقدار درجه حرارت سطح زمین راباعت گردید .

در ممالک مختلف محققین ، میتودهای مختلف را ترجیح میدهند ، تحقیقات میکنند و محاسبه می نمایند تا دریابند که به کدام سرعت کتله کاربن دای اکساید در فضا تزئید می یابد و چطور همین کتله میتواند در سطح روی زمین نفوذ و تماس حاصل نماید . در یافت گردیده است که اگر این کتله کاربن دای اکساید دوچند گردد ، بصورت مجموع درجه حرارت طبقه پائین زمین شاید به سه درجه بلند برود . این واقعیت ها امکان آن را میدهد که ما بتوانیم در آینده نزدیک درجه حرارت را بصورت مجموع محاسبه و دریافت نمایم .

طبق محاسبات روی دست داشته یخبندان ها قسمت قطب شمال ، درجه حرارت آن قسمت را پائین می آورد البته در حدود پنج درجه در تابستان

اقلیم آینده چگونه خواهد بود؟

مترجم غلام معروف

نویسنده داکتر میخائیل بودی کو مبصر عضو اکادمی ساینس اتحاد جماهیر شوروی

خال های یخبندان دایمی ممکن ذوب شوند خطوط طبیعی شاید به ارتفاعات بلند تر بسا در نظر داشت تغییرات در میتود های زراعت و شعبات یا شاخه های دیگر اقتصادی تقسیم شوند . گرمی عمومی همنوا و برابری سواحل جهان را چطور متأثیر ساخته میتواند ؟

بصورت عموم تعهد گردیده است که ذوب شدن لپای سواحل یخبندان ساحه قطب شمال (اگر در گرین لند و ، ناهنوز قابل اهمیت است ، بزرگترین قله های یخبندان آنتارکتیک سرچپه یا سر تگون شده و یا اگر بصورت آهسته ذوب گردد) شاید بصورت عملی نشان داده شود که هیچ تأثیر سبب بالای نظم همنوا و برابری سواحل جهان ندارد . با آنهم طبق نظر یکه درین اواخر پخشی گردیده ، قسمت دفاعی یخبندانهای غربی آنتارکتیک قابل تغییراند و شاید بصورت بارجه خرد البته در چند سده تقسیم گردند (در موجودیت گرمی عمومی بصورت فوری) .

این تغییر در حدود پنج متر سطح ابحار را بلند تر خواهد ساخت .

چنین نوع معلومات ها در باره اقلیم جوی آینده توسط ساینس دانان اتحاد شوروی بقیه در صفحه ۵۲

خواهد بود . اقلیم یا اوضاع جوی از حالت فعلی بسیار متغیر خواهد بود .

بصورت آشکارا و قتیکه یخبندان های دایمی ساحه قطب شمال نابود شوند قله های بزرگ یخ ادامه خواهند داشت (انهای که در گرین لند و آنتارکتیک هستند) یک اقلیم مشابه دوره ترزری (پلیوسین) در سیاره ما جایزین خواهد شد . در شروع دوره پلیوسین (تقریبا دو تا هفت میلیون سال قبل) ساختمان و موقعیت قاره زمین و سواحل آن عینا مسانند شکل فعلی بوده . این دوره توسط قله های بزرگ یخبندان دوره انتارکتیک اشاره گردیده است ، همچنان ساختمان آن و مقدار آن بسیار کوچک نسبت به حالت فعلی بوده و هیچ یخبندانهای ساحه سواحل قطب شمالی وجود نداشت .

تضاد ریشه بی در بین حالت دوره پلیوسین و زمان فعلی ما موجودیت مقدار عظیم کاربن دای اکساید در فضا وهم چنان فکتور که تاثیرات گرین هوز را نشان ویا وا نمود ساخته است ، می باشد .

واقعیت های پلیو کلاستیک نشان میدهد که در وسط دوره پلیوسین مجموع درجه

قسمت اعظم سواحل یخبندانها) بسیار به زودی صورت میگردد و بعدا قتیکه سرعت گرم شدن بصورت عمومی خود بخود به شکل آزاد عرش وجود نماید دوباره آزاد گردیده البته تا پیشرفت و تزئید کتله کاربن دای-اکساید مرحل دوباره بطی میگردد .

در آینده نزدیک این حادثه یک تغییر فوری رادر این رژیم حرارتی می آورد . در نتیجه گرمی عمومی منجر به تبخیر عظیم آب از سطح تمام سواحل و تزئید در مقدار یا مجموع مواد جامد در سطح زمین میگردد . طبق احصائیه های دست داشته تزئید در کتله کاربن دای اکساید در فضا باعث تزئید در مقدار مجموعی تبخیر و ترسب میگردد .

گرمی عمومی یک تاثیر رادر قسمت تقسیم و ترسب نشان میدهد . مقدار آن در مسافه ها و ارتفاعات متوسط خرد و کوچک میگردد . در انتای گرمی عمومی ، که قبلا اشاره گردیده ، درجه حرارت در مسافه های بلند نسبت به مسافه های پائین بلند می رود تفاوت در درجه حرارت در بین مسافه یاساحه های بلند و پائین تنقیص مییابد، دوران بسیار قوی اتموسفر پائین

۲۰ درجه در زمستان ، حالت یخ بند آنها به تشنج نوبی و همچنان بدرجه حرارت فضا در مواسم گرم و سرد سال ارتباط میگردد . معلومات در قسمت تغییر ناگهانی درجه حرارت مخصوصا در وقت گرمی یا گرم شدن نیم کره بصورت واضح مازاکمک مینماید . یخبندان های دایمی ساحه مرکزی قطب شمال در ابتداء یا اوایل زمستان کاهش می یابد و بعدا بصورت مکمل از این حالت خود گلشنه و ذوب میگردد . ساینس دانان معتقداند که یخبندان های ساحه قطب شمالی و قتیکه درجه حرارت نیم کره شمالی بصورت کامل به دو درجه بلند برود کاملا ذوب میگردد .

نظریه جدول دست داشته ذیل ساحه یخبندانها در ساحل قطب شمال در سال ۲۰۰۰ کاهلا برهم خورده خرد میشوند بعدا آن قسمت در سال ۲۰۲۵ کاهلا ذوب میگردد .

تغییر در غلظت کاربن دای اکساید و درجه حرارت فضا :

۲۰۲۵	۲۰۰۰	۱۹۷۴ سال
۰.۰۶۴-۰.۰۵۲	۰.۰۴۸-۰.۰۳۸	۰.۰۳۳

(فیصدی حجم و اتموسفر)

نرسنده کسی ز سستی

طفاقت نیکیتا

مترجم: دکتر فریدالدین اشرفی

نزدیک بیا نید، از ما سرما و ریزش خواهید گرفت، باید بگویم که جاده های شما خیلی گنده اند، این صدای انا ایولوسوفنا خواهر خوانده مامی بود که در سامارا زندگی می کرد، مامی دخترک خواب رفته را از گادی ران گرفت، روپوش پوستی اش را برداشت از زیر آن زلفان طلائی و درخشانش نمایان گشت و آنرا بوسید و گفت:

«لیلیچکا! رسیدی؟»

دخترک آهی کشید، چشم های بزرگ آبی اش را باز کرد و موقعی که بیدار شد ببار دیگر آهی کشید.

وکتور و لیلیا...

نیکیتا و وکتور پسر انا ایولوسوفنا فردا صبح هردو - دراطاق نیکیتا از خواب بیدار شدند در حالیکه بر روی بسترشان نشسته بودند با برو های کشیده بسوی عمد یگر می دیدند.

«من شما را بیدار آوردم.» نیکیتا گفت.

«من هم شما را خیلی خوب بیدار دارم.» وکتور بصورت فوری جواب داد - «زمانی شما به سامارا آمدید تا ما را ببینید آنقدر مرغابی خوردی که خودت بالتهاب روده ها دچار شدی.»

«این را بیدار ندارم.» نیکیتا گفت.

«اما من بیدار دارم.» وکتور جواب داد:

«همه آرام نشستم و کتور بیایگاهانه فازه کشیدی.»

«من یک معلم خصوصی دارم - ارگادی ایوا نوویچ! نیکیتا مفرورانه گفت:

«او بسیار گیر است - او مرا علم می آموزاند - او هر نوع کتابی را در مدت نیم ساعت می خواند.»

وکتور خنده استهزا آمیزی کرد.

«من به چمنزایوم می روم، صنف دوم - آنها آنقدر جدی اند که مرا تمام وقت بدون نان چاشت تگه می دارند.»

«پس چه؟» نیکیتا گفت:

«این معنی دارد. اینکه اگر بخواهم یکپزار روز هم بدون صرف نان دوام داده می توانم.»

«هو!» نیکیتا گفت - «ایا ماهی با یسن کار مبادرت نموده ای؟»

«من به این کار اقدام نکرده ام، مبادر مرا اجازه نمی دهد.»

نیکیتا فازه کشید و دراز افتاد.

«بر پروز من سیتوبیکارا شکست دادم.»

«سیتوبیکا کرنوشکین کیست؟»

«فوی ترین پنجه درده: او را چنان بسک ضربفزدم که بزمین افتاد. من باو چاقوی

بند و بعدا با آواز ضعیف خواست تا آب به آن علاوه شود.

«آیا توخواهرم را دوست داری؟» در حالیکه نیکیتا را بازانوش شور می داد سرخ شد.

«تویا او محتاط باش» وکتور به آهستگی ادامه داد، «تو لک همیشه به مادر شکا بست میکند.»

در عین زمان لیلیا چایش را تمام کرد، دهنش را با دستمال کاغذی پاک کرد و ز چوکی اش پایین شد - او پیش الکراندرا - لیوتیفنا رفت.

«خاله جان، تشکر... او این جمله را با کمال احترام گفت. بعدا به کلکین رفت، در یک چوکی کلان بازودار نشست، یک قطی سوزن و تار را از کدام جایی گرفت و بدوخن شروع کرد.

افکار نیکیتا نامیدانه پسرانگنده بود - او خواست به وکتور نشان دهد که چطور از پشت یک چوکی خیز بزند، اما لیلیا رویش را دور نداد - مادر گفت:

«پچه ها! اگر می خواهید غال مغال نمایید لطفا به خیابان بروید.»

پچه ها لباس پوشیدند و بیرون شدند - این یک روز غبار آلود و گرم بود - آفتاب گلگون بالای طبقات دراز توده های ابر، که مانند خیابان هاه پرری معلوم می شد سماع خود را می تابید - بوته های ملاب که بانیم بخنده پوشیده بودند در باغ نظربایی داشتند - معمولا خاموشی همه جا را فرا گرفته بود - یگانه صداییکه بگوش می رسید صدای کوسگ بود: شاروک و کاتوک، که نزدیک دالان عقبی کنار هم ایستاده بودند، سرشان بطرف یکدیگر دور می خورد و عو می کردند، ناگاه خاموش شدند و هر طرف می دویدند تا زمانی که یکی از کارگران آمد و دستکش خود را بسوی شان برتاب کرد، بعدا با غضب سرفه کردند، به پای عقبی شان ایستادند و ناوقتی جنگیدند که یکدیگر را زخمی ساختند، از سگ های دیگر می - ترسیدند و گدا هارابد می دیدند و شب هنگام در عوض اینکه از خانه نگهبانی کنند در گاراج می خوابیدند.

«چه میکنی؟» وکتور پرسید:

نیکیتا بسوی یک زاغ ناراضی دید که از انبار علف بالای طویله پرواز کرد - نیکیتا نمی خواست بازی کند و نمکین بود. او می خواست پیشنهاد کند که باطاق پذیرایی بروند و چیزی بخوانند، اما وکتور گفت:

«هو، من فهمیدم که توتنها با دخترها می توانی بازی کنی.»

«چرا؟» نیکیتا، در حالیکه سرخ شده بسود رسید.

«زیرا - تو خودت میدانی که چرا؟»

«تو مرا آذاردند، نمیدانم راجع به چه گب می زنی، بیایه بسوی چاه برویم.»

پچه ها طرف چاه رفتند در مسافه دورتر، ملیشکا کوربا یک چوب را می شکستند - «بیان، بیان، اودفعا صدا کرد - بین نیکیتا،

نیکیتا به عقبش دید آنجا یک مائور خاصی رنگت باشاخ های کوناه خود بطرف پچه ها می دوید در حالیکه موهای مجعد بر پیشانی آویخته بود.

«مع-مع-مع»، بیان بصورت متناوب می غرید و دمش را به پهلوهایش جاروب می کرد.

«وکتور بدو!» نیکیتا فریاد زد و او را از آستین هایش گرفت و بطرف خانه دوید.

«گادودان دوان در عقب پچه هارفت.»

وکتور به عقب دید، چیخ زد و در برف افتاد و سرش را با بازوهایش پوشید، بیان از او بیشتر از پنج قد فاصله نداشت - نیکیتا ایستاد - ناگهان از قهر یک تکه آتش شد، کلاهش را کشیده بسوی گادودید و در رویش بردن آغاز کرد.

«دور شو، دور شو!»

گادوخاموش ایستاد و شاخ هایش را پایین آورد - ملیشکا کوربا شونوک که چوب می شکستند از آنسو دوید - بیان به آهستگی ام بیع کرد، دور خورد و بطرف چاه رفت، لب های نیکیتا از هیجان می لرزید - کلاهش را بر سر کرد و دور خورد - وکتور نزدیک خانه رسیده بود و از آنجا با دستش به او اشاره کرد.....

نیکیتا تصادفا بطرف کلکین به بالادید، از دالان کلکین سوم سمت چپ، دو چشم آبی حیران کننده توجه آنرا بخود جلب کرد، این لیلیا بود که بسوی نیکیتا می رسید و ناگهان خندید، ناگهان بعقب بر گشت و باخشنودی فریاد زد:

«وکتور، بیایه از تبه پایین شو بسم، عجله کن.»

تاوقت نان چاشت آنها را تبه هارا مرور کردند، می خندیدند و جست و خیز میزدند. نیکیتا دردل خود سوای دیگری داشت باخود می گفت:

«توفیکه خاله پروم واز برابر کلکین بگذرم، ایسا بالا بطرف او بینم ویا اینکه بسمت دیگری متوجه شوم؟» مقصودش لیلیا جوان وزبیا بود..... «نی، هرگز من بسوی او نخواهم دید.»

صندوق درخت عید مسیح...

دروقت نان چاشت، نیکیتا کوشید بسوی لیلانه بند و اگر هم می خواست به بند موفق شده نمی توانست زیرا - انا ایولو سوفنا بسن او و آن دختر دگر با باجاکت سرخ مخملی اش حایل بود، در حالیکه بازوهایش را حرکت می داد با صدای عمیق چنان بلند حرف می زد که تمام اشیای شیشه ای که تحت چراغ قرار داشت جرنگ جرنگ می کردند.

«نی، نی، الکراندرا لیوتیفنا، او گفت، «بمرت رافر خاله تدریس کن... زیرا در ورزشگاه چنان بی نظمی نفرت آوری وجود دارد که آمر شان را با دست های خود می توانم بگیرم و یکطرف یرتاب کنم... وکتور، او ناگهان گفت: «تو باید به چیزها بیکه مادت راجع به بزرگان چیزی می گوید توجه کنی و به آمرین خود احترام بگذاری،

معلمین ما، الکزاندرالیوتینا، احق هاسی
ذممت اند. هر یکی آنها از دیگری احسق
تراند. و معلم جغرافیای آنها؟ وکتور! نام
او چیست؟!
«سینسکن»

«برایت گفته ام که سینسکن نیست بلکه
سینیا فکین است. این معلم آنقدر احمق
است که یک روز در دهلیز، بعد از اینکه
بازا ملاقات کرد و مصاحبه نمود، عوسی اینکه
کلاهش را بر سر بگذارد او پیشکی مرا که
بالای چوکی خوابیده بود برداشت و بر سر
گذاشت...»

وکتور: تو چرا این چاقو و پنجه را در
دست گرفته ای؟ چه چه نکن... چوکیات
را میززدیک کن... چه می خواستم بشما
بگویم، الکزاندرالیوتینا! اوه، بلی، من یک
خریظه پراز انمای اضافی و ملحقیات (درخت
عید) را با خود آورده ام... فردا باید ما
بچه هارا مصروف چسپاندن آنها نماییم...

«من فکر می کنم که آنها باید همین
امروز شروع کنند، مامی گفت: «ورنه
آنها آماده نخواهند شد.»
«خوب، همانطور که می دانی اجرات کن.
من می خواهم مکاتیبی بنویسم، تشکر رفیق!
از فان چاشت.»

انا ایولو سوفنا لب های خود را با دستمال
کاغذی پاک کرد، چوکی اش را حرکت داد
و باطاق خوابش بزم نوشتن نامه ها رفت،
اما لحظه بعد فتر های چیرکت چنان بشدت
صدا کرد که گویی فیلی بران بالا شده،
بعد از اینکه سر میزی میزکلان پاک شد، مامی
چار جوهر قیچی آورد و به تهیه کردن
(سریش) پرداخت، او (سریش) را چنین
تهیه کرد: از صندوقچه که در کنج خانه
گذاشته شده بود و انویه فامیلی در آن نگهداری
می شد یک مرتبان نشایسته بیرون کرد
و باندازه یک قاشق جای نشایسته در یک
شیشه ریخت، دو قاشق آب سرد هم در آن
ریخت و آن را خوب شورداد تا سر یسناک
شود، بعدا او آب جوش از سماوار در آن
ریخت و ناوقتی آن را شورداد که به جلی
ساف مبدل گشت و از آن یک سریش بسیار
عالی بدست آمد.

بچه ها خریظه چرمی انا ایولو سوفنارا
آوردند و بر میز گذاشتند، مامی آترا باز
کرد و محتویات آترا بر روی میز ریخت:
ورقه های کاغذ طلائی، نازک و گلداری، ورقه
های قره، آبی، سبز، نارنجی، تخته های
برستول، قطی های شمع و شمع دان هاسی
ترخت عید، قطی های ماهی های طلائی، و
خروسک های رنگه، قطی های پر از توپ
های شیشه ای میان خالی که در تار آویخته
بودند، قطی هادارای توپ های شیشه ای که
چنگک های قره بی با خود داشتند و یکتعداد
قطی های دیگری که در میان آن قیته های
طلائی و قره ای پراز زرق و برق دیده میشد
و فانوس هاییکه دارای کلکین ها بوده و از
شیشه های معدنی ساخته شده بودند و یک
ستاره بزرگ در آن نصب بود و هم یکتعدد
قطی های کاغذی مدور معطر که باکتی نبودن
عطر از خود بخش میکرد در بین آن خریظه چرمی

جسای داشت، اطفال بادیدن سر سنی
جدید از خوشی فریاد می کشیدند و حیر
می زدند...
«بچه های خوب دیگری نیز هست... مامی
گفت و دستش را در خریظه فرو می برد...
امانام آنها را فعلا بیرون نمی آوریم...
بباید که به سریش کردن شروع کنیم...»
وکتور بساختن زنجیر ها پرداخت، نیکیتا
کاغذ های مخروطی برای شیرینی تهیه نمود
در حالیکه مامی شخصا کاغذ و مقوا را می برید.
«خاله زاشا، اجازه دارم صندوق کوچکی
بسازم؟ لیلیا احترام کارانه پرسید:
«عزیزم! هرچه دلت می خواهد بساز...»
اطفال در خاموشی شروع به کار کردند،
از بینی های شان نفس های عمیقی کشیده
و دست های نشایسته آلود شان را در لباس
های شان خشک می کردند، در حالیکه همه
مصروف کار بودند مامی گفت که (در زمانه
های قدیم مواد زینتی برای (درخت عید)
وجود نداشت و همه چیز را مجبور بودند با
دست شان بسازند، بعضی ها بسیار ماهر
بودند و آنها یک قصر کامل را با برج های
آن وزینه های پیچایی و پل های متحرک می
ساختند، من خودم آنها را دیده ام...»
لیلیا در حالیکه مصروف کار بود با خاموشی
گوش می داد و سخنان مامی را می شنید.
گاه گاه با نوک زبانش خود را کمک می کرد.
نیکیتا کاغذ های مخروطی اش را برداشت
و بطرف او دید، مامی درین لحظه بیرون رفته
بود، و وکتور تقریبا ده متر زنجیر های کاغذی
را که از رنگ های مختلف تهیه شده بود
بر چوکی ها آویخته بود.

نیکیتا پرسید: «خودت جسی می سازی؟»
بدون اینکه لیلیا سرش را بالا کند تبسم
کرد و یک ستاره را از کاغذ طلائی برید و
آترا بر سر پوش آبی صندوقچه نصب
کرد.
«برای چه این بکس را جور می کنی؟»
نیکیتا به نرمی پرسید:
«صندوقچه برای دستکش های گودی
هاست؟ لیلیا باجدیت جواب داد: «تویسک
بچه هستی و اینطور چیز های را نمی دانی...»
اوسرش را با لاکرد و با چشمان آبی اش
بسوی نیکیتا دید. او سرخ شد، سرخ و
داغ ترشد تا وقتی که سرایش مانند گسل
قرمز گردید.

تو جقدر سرخ هستی؟ لیلیا گفت:
«مانند یک لیلبو...»
او دوباره بر صندوقچه اش خمید. در
چهره اش یک تبسم شیطنان آمیزی نمایان
بود.
نیکیتا چنان نسته بود که گویی بر چوکی
سریش شده باشد. او نمی توانست چیزی
دیگری بگوید و هر قدر که کوشید اطاق را
ترک گفته نتوانست. دختر او را مسخره می
کرد اما او نرنجید و قهر نبود تنها با و خیره
شده بود. ناگهان لیلیا دو باره با او حرف
زد. این بار با آواز متفاوت و بدون اینکه
چشمانش را بالا نماید، چنانکه رازی میان
هر دو وجود داشته باشد.

«صندوقچه را دوست داری؟» او گفت:
«بلی از او خوشم می آید... نیکیتا جواب داد:
من هم دوستش دارم، بسیار خوشم می
آید... او گفت: در حالیکه سر خود را به

جلو و عقب حرکت می داد و پوزولف هایش در
اهتزاز بود... اومی خواست چیزی اضافه کند
اما وکتور آمد و بین نیکیتا و لیلیا مخیسل
واقع شد.

«کدام صندوق، کجاست صندوق؟» او
پرسید «هر چند یکم می خواهی برایت
می سازم...»
«وکتور، جریان رابه مامی خواهم گفت که
نومراره کارم نمی گذاری، لیلیا با آواز
لرزان گفت: او کاغذ و سریش خود را گرفته
بگوشه دیگر میز رفت.
وکتور به نیکیتا چشمک زد.

من ترا کفتم که باید با او محتاط باشی،
اوهه چیز را برای ما در می گوید...»
ناوقت همان شب، هنگامیکه آنها در بستر،
در اطاق تاریک دراز کشیدند نیکیتا در حالیکه
روپوش بر سرش بود، با آواز بلند از زیر
روپوش بسخن گفتن پرداخت.
«وکتور، آیا خوابیده ای؟»
«ناحال نی... من نمی دانم... چه...؟»
«گوش کن... وکتور... من باید یک
راز بزرگ را بتو بگویم... وکتور...»
نخواب... وکتور... گوش کن...
جواب داد:

پیشکش عجیب و مرموز...
«عینکه روز شد نیکیتا دید شخصی در
بخاری ها مصروف کار است بعدا یک دروازه
در آخر راه رو با صدا بسته شد.
آن شخص بود که از بخاری ها وادرسی
می کرد و دسته های چوب سوخت را با پارچه
های کود حیوانی می آورد. نیکیتا با یک دل
خوش بیدار شد، صبح درخشان و سرخی بود.
کلکین هارا - بیخندان بایک منظره قشنگ
گلداری پوشانیده بود - وکتور هنوز هم در
خواب بود - نیکیتا پشتی را بسوی انداخت
اما او تنها ناله کرد و رو جایی را بر سر خود
کشید - نیکیتا بزودی از بستر برخاست،
لباس پوشید و در تشویش بود که کجا برود؟
- او نخست نزد ارکادی رفت...»

ارکادی ایوانوویچ بیدار شده بود و همان
ناه ای را که زباده از سی بار مطالعه کرده
بود باز می خواند - و قتیکه چشمش به نیکیتا
افتاد پاهایش را با رو جایی بر سرش بالا برد
و بشدت بر چیرکت کوبید و گفت:
«چطور غیر معمول؟» او صدا زد، «تو اولین
کسی هستی که بیدار شده ای!»
«ارکادی! امروز بسیار روز خوبی است...»
نیکیتا گفت.

«بلی بصرم، این روز خوبی است...»
«ارکادی! چیزی را می خواهم از شما
پرسیم... نیکیتا انگشتش را با امتداد دروازه
حرکت داد.
«آیا شما باینکن ها را بسیار زیاد دوست
دارید؟»
«متصوحت کدام یک از باینکن هاست؟»
«اطفال را...»
«کدام یک از اطفال را می خواهی دوست داشته
باشم؟»
باینکه ارکادی ایوانوویچ این جمله را با

صدای عادی گفت اما بسرعت گفت - او آرنج
هایش را بر مکتا گذاشت و بدون خنده متوجه
نیکیتا شد. این حقیقت دارد، اما با توجه
نام معلوم بود که او همه چیزی را میدانست
نیکیتا آنا دور خورد و بدویدن از اطاق خارج
گردید، کمی تامل کرد و سپس بهو یلسی
رفت.

ستون های دود آبی از خانه کارگران،
از حمام که در راهرو آب واقع بود بالای می شد.
شب هنگام: شبنم یخ زده بر درخت ها هنوز
هم ضخیم تر شده بود و شاخچه های بید که
بر کنار حوض روئیده بودند از وزن ببری
مانند (مجنون بید) خمیده شده بودند. برف
چلا داشت و سرخی یبناش را می گزید...
بر توده خاکستر که هنوز هم بصورت خفیف
دود از آن بالا می شد شاروک و کاتوک، آن دو
سگ بریکدیگر می غریدند - ملینکا کور با
شونوک باعصای ضخیم خود خیزان و غلطان بر
روی برف مستیما بسوی نیکیتا آمد - او یک
نوع بازی عاکی را با توپ های برفی بازی می
کرد. در همین لحظه یک قطار تخته های برفی
که توسط اسب ها کشیده می شد از جانب
راست ده پدیدار گشت، یک یک از مجرای
آب گذشتند، این سو و آنسو در مقابل
برف می چنیدند، از تالاب پائین بطرف بند
عبور کردند.

ملینکا کوریا با انگشت کلان دستکش
خود بینی اش را فشار داد.
«تخته برفی ها این است که از شهر با تخته
ها باز گشتند... او گفت.
تخته برفی ها از زیر کمان های بید پر
برف در حال عبور بودند و بچه ها آواز می ده
شدن برف و اشلاق های رانندگان تخته برفی
ها و تنفس عمیق اسب ها را می توانستند
بشنوند.
اولین شخصی که طور معمول، قطار تخته
برفی ها را ره نمائی می کرد و به خیابان داخل
شد کارگر سال خورده بود که بریک
مادیان سرخ بزرگ «ولستانام» سوار بود
این کارگر پیر در کنار تخته برفی ها پایوت
های نمئی اش بسپولت راه می رفت، پوستینی
بر تن داشت، یخن پشمی اش بطرف بالادور
خورده بود، کلاه و ریشتش از یخ سفید تر
بود - و پستا با مادیان او سراپا در عرق تر
شده بود - کارگر سال خورده درینوقت با
آواز بلندی گفت:
«هری، بسوی طویله ها دور بخورید و تخته
برفی آخری باید داخل خاله شود...»
قطار از شانزده تخته برفی ترتیب یافته بود،
اسبها با هوشیاری و متالت آنها را می کشیدند.
بوی عرق اسب بشام می رسید - صدای
شلاق ها شنیده می شد، زمانیکه آخرین
تخته برفی از بند عبور کرد نیکیتا نمی توانست
در اول بفهمد که بر آن چه قرار دارد. چیز
عجیبی بود - کلان و سبز و یک نوار سرخ داشت
ضربه های قلب نیکیتا سریعتر شد بر تخته برفی،
یک کشتی دو چمچه بی بانولا عسای
تیز می چنید و آواز می کشید در پهلوی کشتی
دو چمچه سبز و یک دیرک که یک قبه مسی در
آخر خود داشت بنظر می رسید. پس همین
بود تخته ای که نامم مرموزش وعده داده
بود...
نامام

مردم انقلاب بی‌وزحمتکشی افغان-
 نستان با در نظر داشت گذاشته
 های تلخ و پر ز درد یکه از طرف
 سلطنت، عمال آن طبقات جا کماهی
 مرتجع برایشان تحمیل شده است
 حالا دیگر کاملاً درک کرده اند که
 نباید آزموده هارا آزمود و درمقا بل
 دولت، حزب و انقلاب بلا تقاوت
 نشست و دست روی دست گذاشت.
 انسان رنجبر و انقلاب بی این وطن
 می داند که امروز ما مور به انجسام
 رسا نیدن رسالت تاریخی خود
 است این آرمان یک آرمان بحق و روا
 می باشد. این آرمان آئینه دار آینده
 تا بنگ انسان امیدوار و زحمتکش این
 سر زمین است این آرمان دیگر آسوده

بد بختی و غل و زنجیر را پنهان کرده
 بود و می کرد استعمال می نمود برای
 آن نبود که وی معتقد به آن بود و یا از دل
 و جان در راه تحقق آن مبارزه می
 کرد بلکه بر عکس با داران امپیر-
 یالیستی او برای بد نام ساختن و
 قلب جلوه دادن آن واژه به این-
 نوکر خود یعنی امین دستور می داد
 که در پشت تریبوی ها، بیایه
 خود را لفظاً یک انقلاب بی پروا-
 قرص معرفی نماید ولی در اصل
 عمل خود خلق را از همه انواع و
 امکانات زندگی محروم سازد مملکت
 را به یک وحشتگاه بی نظیر تبدیل
 نماید تا با این اعمال خود دو خدمت
 عمده به بادار ادا کرده باشد یکی

کننده ی سر نو شت خویش، خود
 شان هستند. اینک افغانستان و وطن
 عزیز ما، مردم شریف و آزادی پسند
 ما با پیروزی قیام ششم جدی وارد
 مرحله ی نوینی شده اند و انقلاب ثور
 نیز وارد مرحله ی تکاملی و نوین
 خود شده است هیچ نیروی و هیچ
 کسی نمی تواند ندر مردم شریف
 و بلاکشیده ی ما بتازد و بنا حق آنها
 را بیازارد هیچکس حق ندارد که
 با اعتقادات مذهبی مردم ما خیره
 سرانه برخورد نماید و یا آنرا تجدید
 نماید.

آری انقلاب ثور با داخل شدن
 بمرحله نوین و تکاملی خود همه
 روزه های امیدوارانه ی ما و آزادی را
 بروی خلق ما کشود و با اطمینان
 گفته میتوانیم: با وجود آنکه کشور
 و مردم ما مراحل بسیار وحشتناکی
 را پشت سر گذاشته اند. حکمرانی
 نادر و دودمانش و مظالم و سیاه-
 کاری های امین و باندها و ولسی
 باین همه امید و آرزوی کامل موجود
 است که خلق ما از این همه مشکلات
 ناشی از این حکمرانی های سفاکانه
 از سر راه پیروزی خود دور خواهند
 گردید. سر منزل مقصود خواهد
 رسید. چنانچه درین مورد بپرک-

کارمل منشی عمومی کمیته ی مرکزی
 حزب دموکراتیک خلق افغانستان،
 رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم
 جمهور ری دموکراتیک افغانستان
 طی بیانیه ی ملی و تاریخی خویش که
 بتاريخ ششم جدی انتشار یافت
 منجمله چنین می فرماید: «اکنون ما
 ایمان راسخ داریم که انقلاب ما از
 عهده ی دشوار یهای عظیم فعلی بر
 خواهد آمد. تا ریش مردم ما درین
 لحظات یکی از بزرگترین و شکست
 انگیزترین چرخشی را انجام میدهد
 که برای احراز آزادی و زندگی
 مستقل مردم ما اهمیت عظیم و بسی
 پایان دارد. این چرخشی است از
 ظلم و وحشت بسوی خوشبختی،
 کار و زندگی صلح آمیز، این-
 چرخشی است از مصائب و آلام بسی
 پایان. از استبداد ستمگران درنده
 خوی و استثمارگران خون خوار، از
 جامعه ی مصیبت زده ی طراز استبداد
 آسیایی، بسوی آینده ی تا بنگ دمو-
 کراسی و واقعی، آزادی و برابری،
 ترقی و عدالت و ایجاد جامعه ی واقعا
 دموکراتیک، چرخشی است از جنگ
 و نفاق داخلی بسوی صلح، بسوی
 اعتدالی و وحدت ملی و برابری ملیت

ها، اقوام و صبا حبان مذا-
 مختلف خلقهای ما، اعم از پښتون،
 تاجیک، هزاره، ازبک، ترکمن،
 بلوچ، نورستانی و غیره و مذاهب
 ما، اعم از اهل تسنن و تشیع و دیگر
 مذاهب و قبایل دلیر ما....
 بهمین اساس است که نسل
 امروز ما باید سازندگان آگاه زمان
 آینده باشند و نگذارند که دشمنان
 مردم، انقلاب و وطن ما که ناچو-
 انمردانه در کمین توطنه و دسیسه
 نشسته اند این آئینه را مکرر سازد
 و فردای بیروزی و بهزیستی ما را
 اخلال نماید.
 بلی حالا که مرحله ی نوین
 انقلاب شکوهمند ثور ما را به
 آینده به فردای تا بنگ و امیدبخش
 امیدوار و مطمئن ساخته است
 دشمنان رنگارنگ مردم، انقلاب و
 وطن ما با حیله و تیرنگ های گوناگون
 توطنه و دسیسه می کنند و می خوا-
 هند که فضای صلح و آرامش مردم
 ما را با اخلال گریها، چور و چپاول،
 کار شکنی ها و ایجاد ترس و وحشت
 بر مردم زنده تا باین اعمال خود از
 گل آلود ساختن آب ما می بگیرد.
 چنانچه حادثه اسفناک و تار آوار
 روزهای سوم و چهارم حوت بیانگر
 این حقیقت است که دشمنان وطن
 و انقلاب ما سخت در این کوشش
 است تا مانع رشد سالم و صلح-
 آمیز جامعه و مردم ما شوند. این
 دشمنان سوگند خورده ی خلق ما
 یکبار دیگر در عمل نشان دادند که
 برای رسیدن به اهداف شوم و کثیف
 خود از وسایل شوم و کثیف استفاده
 می کنند.
 همه مردم وطن ما بخصوص
 باشندگان و همشهریان کابل به
 خوبی شاهد تبهکا ریها و اخلال
 گریهای دشمنان انقلاب نجات بخش
 ثور بودند، آنها دیدند که چگونه
 این او با شان حتی از کشت و کشتار
 مردم بی گناه و شریف و حتی اطفال
 صغیر و معصوم در ریخ نکردند و
 خوشنما تر اینکه برای پیاده ساختن
 این اعمال خود به اغوا و فریب
 هموطنان ساده ی ما پرداختند و به
 گفته ی خود این اخلالگران، ایشان
 اطفال را بزور وادار می ساختند تا
 در جلو صفوف شان قرار گیرند و به
 اعمال دهشت افگنی دست بزنند.
 بقیه در صفحه ۵۳

مردم ما داوطلبانه از انقلاب و دولت انقلابی خود دفاع می کنند

خاطر ساختن مشتی مفت خواری
 استثمارگرانه، بلکه آرمان همه ای
 کسان است که به سرنوشت خود،
 وطن خود و مردم خود علاقمند است.
 مردم وطن ما دیگر اینک به نیکی درک
 کرده اند که پیروزی و سر بلندی
 نظام نوین کشور پیروزی و سر-
 بلندی آنهاست.

اگر در گذشته ی نه چندان دور
 امین این فرزند دلبنده امپریالیزم
 امریکا، امید مردم ما را با اعمال سفاکانه
 و بی بند بار خود به یاس تبدیل
 نموده بود. اگر امین این-
 حافظ ما فاع امپریالیزم و ارتجاع،
 توطنه آمیز انقلاب را ماسحت مالی
 نمود و چون طوطی دست پرورده
 دشمنان وطن و مردم ما یعنی امپریا-
 لیزم امریکا واژه های علما پس-
 مفهوم و پند یافته شده را بیجا و بی
 مورد و در حالیکه در پشت این الفاظ
 مکرر، حیله، ترور، اختناق، مصیبت و
 قلب و بد نام ساختن ایده های
 مترقی و انقلابی و دیگری منسوب
 و سرکوب ساختن مردم افغانستان
 تا از مبارزات ضد امپریالیستی
 و ضد ارتجاعی بازمانند و این دو
 غول همچنان به تبهکا ریها و مظالم
 خود دوام دهند.
 ولی همه نظر ریکه دیدیم این
 نقشه های شوم و آژمندانه ی امپریا-
 لیزم و ارتجاع به ارا دهی مردم آزاده
 و سر بلند افغانستان نقش بر آب
 شد و با پیروزی بی نظیری که از طرف
 اردوی آزادی بخش افغانستان به
 تاریخ ششم جدی پنجساعت و هشت
 صورت گرفت امین و باندها سدو
 غلام منشی وی به زباله دان تاریخ
 سپرده شدند و مردم ما شانها ی
 خود را از زیر بار گران سلطه ی
 امین و امینی های جنایت پیشه سبک
 کردند.
 اینک مردم ما دیگر آزاد و تعیین

ویتامین ها

... تنها با خوردن ویتامین ها، زندگی را نمیتوان پیش برد

اگر میخواهید زیاد عمر کنید و همیشه جوان بمانید، ویتامین ب را در برنامه غذایی تان جا بدهید

کمبود ویتامین (ب) در بدن باعث ناتوانی و بیخوابی و تنگی وزن در اطفال میگردد...

و موجب به تعویق افتادن نوپای جسمانی تا توانی و بیخوابی تنگی وزن در اطفال میگردد. غذای های که این ویتامین را در خود دارند عبارتند از: جگر، تخم مرغ، کاهو، ماهی گندم و شیر.

ویتامین ۱۲: منابع مهم این ویتامین جگر، گوشت گاو و خمیر ماهی است. اگر میخواهید به کم خونی دچار نشوید در برنامه غذایی تان این ویتامین را درج کنید و هم برای جلوگیری از مرض اسپرو (یک نوع اسهال کف دار با کم خونی) همیشه ویتامین ۱۲ مصرف کنید.

ویتامین پ: کاستی این ویتامین مرض پلاگرا را باعث می شود که این مرض در کشور های فقیر و اشتباهی که جواری جزء عمده غذایی شانرا تشکیل میدهد بیشتر بروز می کند و علائم عمده این مرض عبارت از ضعف، سوزناک، اسهال، کم وزنی و دانه های جلندی می باشد. در جگر، شیر، تخم مرغ و ماهی بیشتر این ویتامین یافت می شود.

ویتامین «ث»: برای اینکه جسم تان جوانی و زیبا بی داشته باشد هر روز به اندازه ۱۵۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰ واحد از ویتامین ث مصرف کنید، اگر میخواهید و بروس ها و میکروب ها به وجود تان نمانند روزانه تقریباً ۲ میلی گرام ویتامین ث بخورید با وجودیکه ویتامین ث در غذای روزانه ما موجود است اما مقدار آن کافی نمی باشد پس لازم است با خوردن لیمو، نارنج، مالت، جگر گاو، ماهی، سبزیجات تازه و شیر گاو این خلا را پر کنیم، ولی اگر مقدار بیشتر و زیاده تر مصرف نکنیم تشوشاتی چون عصبانیت، بیخوابی تشنجات عرقاکی ایجاد می کند. سبزیجات و میوه جات و قنی پخته می شوند مقداری از ویتامین آنها در آب شان حل می شود که لازم است آب آن نیز مورد استفاده قرار گیرد قلت ویتامین، باعث امراض ذیسل می گردد.

مرض سکو روی که علائم آن خستگی، بریدگی رگک و آماس دست و پا می باشد خون شدن بیره های دندان و وقت شدن دندانها سپید شدن قبل از وقت گریب و سرما خوردگی - خونریزی لثه ها و وذیر جلد - سستی و خستگی در فصل بهار بقیه در صفحه ۵۳

با شید، برای اینکه دستگاه ها ضمه تان بصورت درست کار کند و با لایحه برای اینکه اعصاب تان آرام باشد، با یستی ویتامین «ب» مصرف کنید.

دستچاب ویتامین ب قرار ذیل شرح می شود:

ویتامین اب: چون این ویتامین در جسم انسانها ساخته شده نمی توانند باید بیشتر از طریق خوردن غذا وارد جسم گردد، فقدان این ویتامین ب موجب التهاب و توام و باعث مرض اعصاب پنا م پری پری می شود، موجودیت ویتامین اب در بدن می توانید فعالیت قلب، کنترل اعصاب و عضلات را خنجر انجام دهید.

خرا بی اعصاب، نس کوا تا هی وحس مانند گری و ضعف نسبت به قلت ویتامین

و خیم باعث کوری چشم می گردد، همچنان فقدان فن باعث شب کسوری و امراض جلدی شده و از قدرت و توانایی و دفاع بدن در مقابل بیماریهای عفونی میکاهد.

منابع مهم ویتامین «آ» جگر، شیر، زردی تخم، پنیر، روغن ماهی، زردک زردآلو سبز پجات تازه می باشد.

اگر در صورت تان دانه های سیاه می باشد که دور آنرا بر جستگی های سرخ رنگی احاطه کرده است و گاهی دانه های سفید رنگی که چرک دارند و در سینه و پشت شامه از این بنورات (دانه های خردی که در پوست بدن ظاهر میشود) دیده میشود، باید بیشتر از ویتامین «آ» استفاده کنید در وقت پختن غذا برای نگهداری ویتامین «آ» لازم است که غذا در ظروف سر بسته

نخست با ید بدانیم که ویتامین چیست؟

ویتامین ها مرکبات عضوی هستند که موجودیت شان به اندازه معین در جسم حیوان و یا نباتات ضروری بوده و از عدم موجودیت آنها عوارض و اختلالات نامطلوبی در جسم زنده بار می آید. فکر وجود ویتامینها زمانی شروع شد که ملاحظه کردند اشخاصی که مدت های طولانی غذای پخته و یکنواخت صرف میکردند بجهت عوارض دچار شدند که هر گاه به آنها غذای تازه می دادند میشد آن نواقص رفع میگردد، موضوع دیگری را که باید دانست اینست که ویتامین هم مانند سایر مواد ضروری بدن مثل آب، املاح، نشایسته و غیره مورد احتیاج بدن می باشد و لسی هیچگاه به تنهایی خود سبب نمو و تقویه



اب است قشر برنج، جو با ت مخصوصا لوبیا، جگر، کچالو، نخود و گوشت دارای مقدار زیادی ویتامین اب است.

ویتامین ۲: عدم موجودیت این ویتامین در بدن باعث کم شدن وزن و پیدایش زخمهای جلدی مخصوصا به اطراف گوشها و دهن می گردد و نیز نوعی مرضی را بار می آورد که علائم آن التهاب پوست، اسهال و کودنی می باشد پس برای اینکه نواقص بالا را از وجود خود دور کرده با شید بیشتر از ماهی خمیر ماهی، گوشت، لوبیا، تخم مرغ، ترکاری و شیر استفاده کنید.

ویتامین ۳: این ویتامین اهمیت زیادی برای اشخاص مضطرب، عصبانری و بیخوابی دارد و باعث نبوی حجرات می گردد کمبود ویتامین ۳ در بدن باعث

پخته شود زیرا در اثر عمل او کمیدی، این ویتامین از بین می رود. احتیاج روزانه بدن به ویتامین بیش از ۳۰۰ واحد است.

ویتامین کمپلکس از جمله تمام انواع ویتامین «ب» تنها پنج عدد آن برای انسانها اهمیت دارد که عبارتند از (ویتامین های اب، ۲، ۳، ۱۲، ۱۳، ۱۴). این ویتامین ها در آب منحل بوده و تمام شان بنام ویتامین بی-کمپلکس یاد میشود. اگر میخواهید که زیاد عمر کنید و همیشه جوان بمانید این ویتامین را

(ویتامین ب) از یاد نبرید و اگر مسیر شود بیشتر آنرا به شکل طبیعی اش مصرف کنید. شما برای اینکه یک قلب قوی داشته

جسمانی شده نمی تواند و نمیتوان تنها با ویتامین ها زنده گانی را به پیش برد. ویتامین ها نظر به حل شدن خود در آب و چربی بدو دسته تقسیم می گردند دسته اول ویتامین های که در آب حل میشوند و عبارت اند از: ویتامین (ث) و ویتامین های مربوط به فامیل ویتامین (ب).

گروه دوم ویتامین های هستند که در چربی منحل می باشند مانند: ویتامین «دی»، ویتامین «کا»، ویتامین «ای»

برخی از ویتامین های که برای انسانها لازم است در ذیل ذکر می گردند:

ویتامین «آ»: وجود این ویتامین در غذای روزانه کاملاً ضرور نیست چه کمبودی این ویتامین در بدن موجب بیماری نمی قرنی چشم گردیده و در حالات

زیست‌شناسی های رنگارنگ جهان

موتورانی بدون کمک دست

موتور رانی حتی بدون کمک دستها ممکن است - صنعت موتور سازی برای معیوبان مو تر های سه د یزا یس های مخصوص ساخته است . تصور کنید موتوری را که میتوان بدون دست راهنمای کرد، وقتی بواسطه ژانف دکمه را فشار دهید پروانه های موتور باز میشود ، در حالیکه راننده به صورت اتوماتیک با کمربندی به چوکسی بسته میشود .

این يك اختراع برای درپوران تنبل بوده، بلکه يك ضرورت غم انگیز برای گروهی از پرمندان شدیداً معیوب است که از طوق لیت بدون بازو ها یا پاها زندگی میکنند . این اشخاص جوان که دستهای شان به شانه های آنها وصل اند پاهای شان مستقیماً از لگن خاصره نمو کرده، قربانیان مصیبت صنعت دوا سازی هستند که یکی از بزرگترین تکالیف عصبی بیست سال اخیر است اینها اطفال «تالید امید» هستند .

در جمهوری فدرالی آلمان بیش از پنج هزار طفل کانترگان وجود دارد اینها بعد از فروشی دوايي تحت نام تجارتي «تالیدامید» شناخته شده اند و در دیگر نقاط جهان تقریباً یک هزار نفر ازین قربانیان وجود دارد .

بعضی از آنها فعلاً به حد اقل عمر موتور رانی رسیده اند و فقط فرصت دارند که حرکت قابل ملاحظه در آنها بوجود آید .

صنعت موتور سازی آنها را با دیزاین های مخصوص که به نوع معیوبیت آنها تطابق داده شده آماده ساخته اند .

بکار بردن طریقه های میخانیکی عملی، چیز هایی اند که این موتور هارا از مدل های عادی امتیاز میدهد . برای يك درپور بی دست طور مثال يك استوانه را در جای پاید ل عرض اشترنگک معمول قرار داده اند .

موتور با گیر های اتوماتیک مجهز شده به این ترتیب که وقتی پای راست طور معمول مصروف برك داکسلیتر میشود پای چپ راهنمای موتور را با دوردادن و فشار دادن آلّه که بجای اشترنگک است عملی میکند . «کانترگان» مثل دیگر «تالید امید» هادر سال

۱۹۵۷ به بازار آمد و بزودی منجیت يك مسکن محبوبیت پیدا کرد .

تا چند سال اخیر معلوم نبود که این دوا برای جوانان نتیجه بد میدهد درین سالهای

اخیر یقین حاصل شد که استعمال آن سیستم اعصاب را تخریب میکند . مادرانی که در موقع حاملگی مخصوصاً در وقت حماسی که اعضاء طفل در داخل رحم در حال نمو میبودند از تالیدامیدها استفاده کرده بودند اطفال شان ناقص و معیوب تولد شدند .

عده زیادی ازین نوع اطفال بزودی بعد از تولد وفات یافتند، تعداد زیاد دیگر آنها فقط انتظار زندگی محدود را داشتند . در حالیکه یکتعداد قابل ملاحظه از آنها باقی میمانند که برای ادامه حیات خود به کمک دیگران احتیاج دارند .

در دهم مارچ ۱۹۶۷ بعد از شش سال تحقیق نمایندگی های عمده و مهم کمپنی «گروین تال» که دوا را تولید کرده بود مجبور به پرداخت جریمه شدند که در اثر دوا های تالیدامید ها یکمده انسانها کشته شدند .

در ۱۸ دسامبر ۱۹۷۰ این اقدامات از نگاه شرایط مغلق طبی به تعویق افتاده بود چه علی الرغم یکتعداد راپور های متخصصین به میان آوردن سوال گناه در اینجا ناممکن بود .

کمپنی گرینتتال و حکومت فدرالی آلمان هر يك صد میلیون مارک را بدسترس قربانیان این حادثه قرار دادند علاوه یکمدهو پنججاه

اگر مقررات قوی بین المللی اتخاذ نشود . این حیوانات زیبا که در سراسر هفت بحر جهان مورد شکار انسانها قرار دارد شاید به زودی از صفحه گیتی نیست و نابود گردد .

ماهی گیرانیکه توسط چنگک به گرفتن این نوع ماهیان می پردازند اظهار میدارند که این ماهی یعنی ماهی (تونا) يك ماهی خیلی زیبا ، شجاع و سپورتی

میباشد . تونا شایهیر آبی دارد و در اقیانوسها پیدا میشود و از نظر جسامت از همه ماهیان بزرگتر بوده و بیش از يك هزار و چهارصد پوند وزن دارد .

ماهی مذکور شصت میل فی ساعت در میان بحر حرکت میکند و ازین نگاه در میان همه ماهیان ابحار ممتاز میباشد . این ماهیان بزرگ در تمام

ملیون مارک بالای آنها مصرف شده تاییاری از آنها کمک شده و به زندگی نسبتاً نزدیک به زندگی طبیعی خود ادامه دهند . سلسله تولید تالیدامید ها توجه تمام مادرها خواستار شدند .

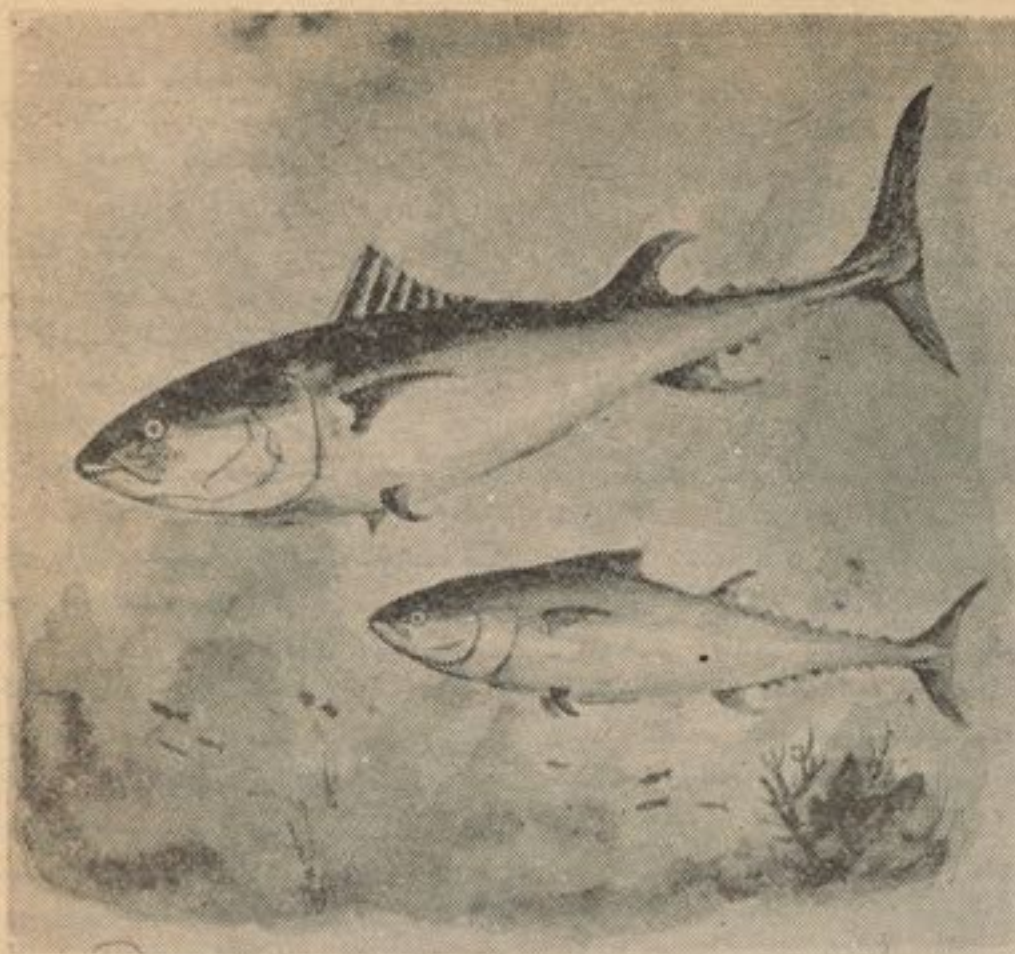


این قربانی دواي تالیدامیه ها باوجودداشتن دستها میتواند مثل هر همن و سالتس موتور خود را «تراین» کند . موتورش يك نوع مخصوص فلکس واگون گلف است .

ماهی ایکه در حال نابود یست

ابحار با همنو عان شان به گردش می پردازند و از آن دسته ماهی ها محسوب میشود ند که بصورت خیلی وسیع و زیاد از طرف ماهی گیران جهان شکار میشوند و در بازارها بفروش میر سنند .

اما شاید شکار ماهی تونا بزودی انجام پذیرد زیرا ماهیگیران و متخصصین حیوان شناسی ابحار اقتصاد دیون و تجار همه متفقاً میگویند که جمعیت ماهی تونا نوع بلوفن (دارای شپهر آبی) به سرعت



میگویند که جمعیت ماهی های تونا روبه انقراض رفته است .

مدون روز به روز زیاد می شوند
ساحه شکار ماهی های مذکور نیز
فراخ و فراخ تر شده میرود و تمام
قسمت های ابحار را فرا میگیرد .
متخصصین پیشگو یی میکنند که
تقا ضای مردم جهان برای خریدن
ماهی تونا ، در سال (۱۹۹۰) به
مقدار ده بلیون پوند خواهد رسید .
همچنان متخصصین مذکور اظهار
میدارند که تا سال (۱۹۸۰) منابع
ماهی نوع تونا ، خیلی محدود خواهد
گردید و حتی بسوی نا بودی پیش
خواهد رفت .

این نوع ماهی در پنجاه سالگی
به مرحله جوانی میرسد و یک ماهی
باده آن در حدود پنج ملیون تخم
گذاشته میتواند ، باروری تخم های
ماده توسط نطفه ماهی نر چندان
روشن نیست اما اینقدر معلوم
است که فعالیت های تجدید نسل
بدو ساحل بحر او قیانوس و بحر
د یترانه وجود دارد .

باو جو دیکه نوع ماهی تونا ی
بلو فن قسما باثر موا فقات بین
المللی و مقر رات دولتی ، حمایه
میشوند اما این خیلی روشن است
که تعداد نفوس آن رو به کم شدن
است .

یکی از متخصصین این رشته
میگوید که شکار ماهی های بزرگ
بقیه در صفحه ۵۷

طبق معلومات دفتر ماهی گیری
ملی در سال (۱۹۷۵) در حدود
دو صد ماهی گیر امریکائی مجهز
با دام های فوق الذکر در بحر
اقیانوس و بحر الکاهل به ماهی
گیری مصروف بوده و از معلوماتی
که بدست آمده آنها با ارزش
تخمینی یکصد و پنجاه ملیون دالر
ماهی بدست آورده اند که البته
قیمت آن بعد از طی مراحل باک
کاری، سورت و رساندن به سوپر
مار کیت ها تا رسیدن به
دست مصرف کننده پنج چند قیمت
متذکره بوده که باین صورت
ارزش سالانه آن به بیش از یک
بلیون دالر میرسد .

وقتی این رقم را ، در پهلوی
تقا ضای روز افزون ، برای ماهی
تونا در نظر بگیریم فشاری که از
جانب انسانها ، بر این نوع ماهی
بخصوص به نوع شا هیر آبی
آن ، وارد میگردد خیلی بی
تشویش خواهد بود کشور های
که به شکار انواع مختلف ماهی
تونا ، مصروف اند شامل کشور
های شرق بحر الکاهل الی غرب
اقیانوس بوده تقریبا تمام اعضای
کشور های ملل متحد را در بر
میگیرد و از نگاه تقسیمات جغرافی
فیوی میتوان از کشور های مانند
گوستاریکا ، سینگال ، کوریا
پیرو و هالند نام برد .

همچنانکه دسته های کشتی های
که ماهیگیری ، بادام های جدید و

تونا در حصص مختلف ابحار -
گسترش یافت . امروز کشتی های
ماهی گیری مجهز با وسایط
الکترونیکی میباشند که در هر نقطه از
بحر که لنگر اندازد میتواند دسته
های ماهی تونا را ، در عمق پنجاه
میل بحری نشان دهد .

در اواخر سال (۱۹۵۰) جا پانی
اوقیانوس آرام فرستا دند و تا سال
ها کشتی های خود را به بحر
۱۹۶۰ تلاش جهانی برای شکار
ماهی بخصوص ماهی تونا آغاز
گردید .

شکار ماهی تونا به چندین
طریقه امکان پذیر میباشد . یکی
ازین طریقه ها که جا پانی ها از آن
استفا ده مینمایند عبارت از قرار
دادن ریسما نیست که در روی آب
بحر به طول پنجاه میل کشیده می
شود و ریسمان مذکور که در هر
قسمت آن یکپزار و پنجصد چنگک
طعمه دار وجود دارد به عمق دوصد
فیت بداخل بحر فرو میرود و بدین
ترتیب شکار ما هیان صورت
میگیرد .

ماهی گیران امریکائی ماهی
تونا را بادام های قسم عمودی
بدست می آورند و کشتی های
بزرگ ماهی گیری که قیمت هر یک
آن بیش از پنج ملیون دالر می
باشد ، بعضا ظرفیت گرفتن ، دو
هزار تن ماهی تونا را دارند ،
و دام های عمودی این کشتی ها که
از نیلون تیار میشود تقریبا یک

رو به نابودی میروند و اگر اقدامی
در این مورد صورت نگیرد دامن
زندگی ماهی مو صوف بکلی از
میان آبهای جهان چیده میشود .
به مشکل میتوان اخطار نابودی
این نوع ماهی بزرگ را قبول کرد
زیرا در امریکا اعلانات ماهی تونا ،
به شدت بخش و خیلی زیاد در همه
جا دیده میشود و در بازار ها به
پیمانانه زیاد به فروش میرسد و
مردم فکر میکنند که ماهی تونا
تمامی نخواهد داشت .

شعبات تجار تی امریکا باسناد
ارقام قابل قبول سال (۱۹۷۵)
و انمود می سازند که مقدار (۵۶۸)
ملیون ماهی تونا در امریکا بدست
آمده و ازین مقدار چهار و نیم
بلیون ساند و بیج ماهی نوع تونا ،
تهیه گردیده است .

در سال (۱۹۷۴) طبق احصا نیه
سازمان خورا که و زراعت جهان
بیش از سه و نیم بلیون پوند
ماهی نوع بلوفن ، در تمام جهان
توسط ماهی گیران شکار و به
بازار ها عرضه گردیده است ، که
زاید از چهل فیصد رقم مذکور از
طرف ماهی گیران امریکا و جاپان
بدست آمده است .

با وجود یکه ماهی گیران از یک
قرن قبل باین طرف ما هیان عظیم
الجنه بلوفن ، را ، در خلیج مینس
شکار میکنند و بیش از هزار
سال است که برای گرفتن ماهیان
یاد شده در سواحل اسپا نیه

این ماهی ها شا هیر آبی رنگی دارد که به کثرت در او قیانوس
پیدا میشد .

میل طول داشته و به اطراف گرویی
ازما هیان تونا ، انداخته میشود
و بدین ترتیب شکار ماهی صورت
میگیرد .

در شکار ماهی از طیاره و کشتی
های مو تر دار نیز کار گرفته
میشود ، باین ترتیب که توسط
آنها ما هیان تونا بصورت دسته
های بزرگ جمع گردیده و به طرف
دام رانده میشوند .

بداخل ابحار ، دامهای گسترده
شده است ، اما صرف طی یک ربع
قرن اخیر است که کشتار جهانی
ماهی نوع بلو فن به پیمانانه رسیده
که زنگ خطر را ، برای ماهی
گیران ، متخصصین حیوان شناسی
و موسسات اقتصادی و تجارتی
به صدا در آورده است .

بعد از جنگ جهانی دوم باثر
رشد تکنولوژی جدید کشتار ماهی



این ماهی ها شا هیر آبی رنگی دارد که به کثرت در او قیانوس پیدا میشد .

با پیروزی مترقی در اوایل قرن بیست و فرو ریختن شیرازه جهان کار مزدوری و پیروزی توده‌های زحمتکش، دوران نوین گذار از سرمایه داری به جهان رفاه و ترقی و انسانی آغاز گشته، سیستم جهانی مترقی بوجود آمده، جنبش کارگری و مترقی جهانگیر شده، کاخ سیستم استعماری کهن فرو ریخته و جنبش های آزادی بخش ملی وسعت و اوج بیسابقه ای یافته است، درین پیروزی های بزرگ توده های میلیونی زحمتکشان آسیا، افریقا و امریکای لاتین نقش عظیمی داشته اند، با پیروزی جنبشهای مترقی مفهوم وسیع کلمه جهان خود بدو قسمت مجزا گردید، سیستم مترقی جهانی بوجود آمده، خلقهای آسیا، افریقا، و امریکای لاتین به تشکیل احزاب مترقی و گروههای سیاسی برداختند و با مبارزات قهرمانانه خویش امریالیسم را با کلیه متحدین آن به مقیاس جهانی به لب گسور رسانده به اعصار جامعه خویش در جهت خوشگامی و پیروزی توده های میلیونی کشور های خویش همت گماشتند، اکنون دیگر مبارزه بین جهان مترقی و جهان جنگ و ظلمت به محور زندگی اجتماعی مبدل گردیده است، جنبش های آزادی خواهانه و مترقی در کشور های مختلف جهان بیش از پیش به جمع آوری قوا پرداخته و با تجمع در یک جبهه مقدس برض سرمایه یورش برده و کاخهای سرمایه داران قصر نشین را یکسره ویران نموده بالای خرابه های آن اساس و بنیاد زندگی نو، مترقی و انسانی را میگذارند جهان در مجموع چنین میگردد.

در وضع کنونی که مبارزه بین دو سیستم جهانی، مبارزه و نبرد بین کار و سرمایه و مبارزه بین خلقهای کشور های در بند کشیده شده و امریالیسم به مضمون عمده دوران ما مبدل گردیده است، هر روز بیش از هر وقت دیگر جنبش های آزادی بخش ملی در کشور های جهان سوم، جنبش طبقه کارگر در کشور های سرمایه داری و جنبش مترقی جهانی به پیروزی های شگرفی نایل گردیده و قدم بقدم امریالیسم مرتجع را به شکست های پستی دچار میسازد، امریالیسم جهانی دیگر در حالت نزع است، در هیچ عرصه ای از زندگی کاری را از پیش برده نخواهد توانست.

تشکل و تکامل پدیده ها بصورت فوری صورت نمیگیرد بلکه رشد کمی پدیده ها، رشد از مراحل سافل به مراحل عالی و تکامل است، سیر تکاملی پدیده ها مسیر است مبیح و مملو از موانع، با فرازونشیب، سیر است که نو و پدیده های مترقی با انواع موانع بر میخورد، به شکست مواجه میگردد، نوستان و متحدین خویش را از دست میدهد اما باید گفت که این شکست هاشه و همه گذرا و وقتی بوده و سر انجام پیروزی و فتح و نظر نصیب امر نو و هر آنچه مترقی و رشد یابنده است میگردد، پیروزی مرحله نوین تکامل انقلاب شکوهمند تور یکبار دیگر عملا با ثبات رسانید که دشمنان و مدعیان سوگند خورده مترقی و انسانی به مفهوم وسیع کلمه بهر اندازه ای که تلاشهای مذبحخانه بخرچ دهند، جلو رشد پیروزمند امر نو و مترقی موانع ایجاد نمایند، از رشد روز افزون پدیده های مترقی و رشد یابنده

عطا راد مرد

افتضاح امپریالیسم امریکا و متحدین چپ نمای آن بیش از پیش چهره دوستان دروغین خلقهارا بر ملا میسازد

چشم طمع دوخته چشمانش را از حدقه در آورده ایم، مگر بخاطر ندارند که امریالیسم جهانی چندین بار به قصد عملی کردن نقشه های سوم خویش اقدام نموده اما این نقشه های سوم و شیطانیه همه در لطفه خنثی گردیده است و قبل از اینکه در عمل مورد تطبیق قرار گیرد رسوا و بد نام گردید.

امریالیسم امریکا در مقابله و مبارزه بر ضد کشور های جدید به استقلال رسیده متحد دیگری نیز سراغ نموده و هر دو با وحدت در یک جبهه تا مقدس بر ضد نسرقتی و آزادی توده های زحمتکش جهان جنبشهای بزرگی را مرتکب میشوند، ماشین جنگی آدمکشان امریالیستی در گوشه و کنار مختلف جهان کشتگان بشمار می آید از خود بجا گذاشته است، خلقهای زحمتکش جهان شاهد بوده و خوب بخاطر دارند که این امریالیسم بود که در طول تاریخ به سرزمین کشورهای

قاره ذکر شده تحمیل کرد که در نتیجه بیش از بیست میلیون از انسان ها صرف در جنگ جهانی سوم فدای هوا و هوس و خواهشات شیاطنی امریالیسم جنگ افروز گردیدند.

همین اکنون ما شاهد فرو ریختن سیستم سطره استعماری و پیروزی جنبش های رها بر بخش ضد امریالیستی بوده و ناظر ایجاد حکومت ملی و دموکراتیک هستیم، ما عملا مشاهده مینماییم که با اتحاد سه نیروی عمده دوران یعنی جنبش جهانی مترقی، جنبش طبقه کارگری در کشور های سرمایه داری و جنبش های آزادی بخش ملی در کشور های جهان سوم جبهه وسیع ضد امریالیستی ایجاد شده و با ضربات پستی که بر پیکر نیمه جان امریالیسم جهانی وارد می آورند بیش از هر وقت دیگر زمینه شکست قطعی تجاوزگران امریالیستی و زمینه پیروزی مترقی را فراهم نموده و با نیروی بر توان و نظر آفرین موج به موج و از یک پیروزی به پیروزی دیگر گامها برداشته و بر پیکر بی جان ارتجاع نفرین می فرستند.

نفرین بر متجاوزین و مستمگران امریالیستی! افغانستان قهرمان و انقلابی و خلق پیروزمند این وطن گرانمایه چندین بار عملا با ثبات رسانیده اند که هیچوقت و در هیچ نوع شرایطی تحت اسارت و بندگی حیات پسر نبوده و هر آنکسی که اقدام به اسارت آنها نموده دست اندر کار شده تا خلقهای آزاده ما را در بند کشد و محو و نابود گردیده است و بحکم تاریخ و به اراده رزمنده خلقها و توده های زحمتکش جامعه خویش با غرور و سر بلندی اعلام می - نماییم که هیچ قدرت اهریمنی ارتجاع جهانی توانایی اثر ندارد تا در قبال اراده توده های میلیونی زحمتکشان ما اقدام نماید و عملا هیچ قدرت شیاطنی و اهریمنی جهان نیروی پایداری و مقاومت را در قبال پیشروی های سبیل خروشان جنبش و نهضت خلقها ندارد.

ماه جرئت اظهار کرده ایم و بار دیگر با صراحت لجه اعلام میکنیم که با سر بلندی در جاده نبرد اجتماعی و به امید فردا های روشنتر و فرروزان تر، زندگی وطن و وطنداران عزیز خویش تا آخرین دقایق زندگی مبارز هوشیار و سرباز فداکار بوده و در این راه شتوار از هیچ نوع فداکاری و قربانی های بشمار دریغ ننماییم. این وعده ای بود، سوگندی بود که فرد اعضای صادق حزب دموکراتیک خلق افغانستان در همان روز های نخستین تشکیل کنگره موسس و ایجاد حزب دموکراتیک خلق افغانستان در مقابل خلق عبور و با شهادت خویش اظهار کرده بودند و تا آخرین لحظه حیات خویش بدان وفادار و صادق اند، این وعده، یعنی وعده آشتی ناپذیری با ارتجاع و مبارزه با اشکال و انواع ارتجاع در عمل تحقق پذیرفت.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان فشرده با خلقهای قهرمان و مردم زحمتکش افغانستان عزیز بر مواضع ارتجاع، استعمار و امریالیسم یورش برده و خوشگامی و آزادی را با خود به ارمغان آوردند، زندگی آزاد و سر بلند که ما اکنون بدان فخر نموده و بخود میبایم تحفه و هدیه نیست بلکه محصول مبارزات قهرمانانه و شجاعانه خلق زحمتکش افغانستان است.

در این او اخر امپریالیسم با استفاده از جیل گوناگون در صدد آن برآمده تا با بکار بستن نقشه های شوم خویش بطرز ملایم و ظریفانه و بطور نامریی خلقها را در بند کشیده و مانع جنبش و نفیست آنها گردد. سردمداران امپریالیسم جهانی بکمک و همکاری بیدریغ شوونیستان چینی در این بخش مشترکا وظایف خویش را انجام میدهند، از جمله آنها با فرستادن نمایندگان و جواسیس خرید شده به یونان و دارل امریکایی و رسوخ دادن آنها در دولت و پستهای مهم و عهده حکومتداری و بدین وسیله سرهم بندی کردن کودتا های ضد ملی و ضد دموکراتیک امپریالیستی و ارتجاعی از جمله اهم وظایف آنها را تشکیل میدهد، اما باید گفت که با تشکیل سیستم جهانی مترقی که تکیه گاه مصلحتی برای سایر نیروهای انقلابی و مترقی بوده و در هر لحظه و در سایر شرایط و هروضع با نیرو های انقلابی، مترقی و وطنپرست بوده است و خواهد بود، چه سیستم جهانی مترقی در جهان پاسدار صلح است و یگانگه مدافع آزادی، انسانی و شرف انسان و هر آنکسیکه بر ضد آزادی، انسانی و شرف انسان قد علم نموده و یا صاف آرایی نماید به شکست رفتاری محکوم میگردد، اینست قانون حتمی و عینی زندگی اجتماعی.

زندگی اجتماعی و مبارزه اجتماعی خودداری عرصه ها و بخشهای مختلف و گوناگون است و لهذا در اینهمه عرصه های زندگی فاکت ها و حقایق بشمار وجود دارند، آنهمه فاکت ها را باید بشمار گرفته و موشگافانه آنهمه را مطالعه باید نمود، مطالعه و بررسی پدیده ها و فاکت ها نباید بشکل تجریدی صورت گیرد، قانون همیشگی و قبول شده برای مطالعه و بررسی فاکت ها و پدیده های اجتماعی چنین است که :

مجموع فاکت ها و پدیده ها را باید جمع - آوری نمود، بعد از جمع آوری آنهمه پدیده های جمع آوری شده را دسته بندی نمود، فاکت ها و پدیده های نامساعد را مساعد ساخته و به نفع روند تکامل از آنها استفاده برده و فاکت ها و پدیده های زشت، نابکار و ضد ترقی را یکی بعد دیگر از صحنه هستی نیست و نابود کرد.

مبار ها گفته ایم و بار دیگر با صراحت لجه اعلام میداریم که سبب اصلی همه آلام و بدبختی خلقهای زحمتکش در منطقه و جهان امپریالیسم و نوکران چاکر صفت آنها بوده و این امپریالیستان غارتگر انگلیزیز و امریکایی بودند که سرمایه های وطن را غارت کرده و دسترنج خلق زحمتکش ما را نزدیند و در بانکهای امریکا و اروپا برای خود و یاران جنایتکار شان به امانت گذاشتند، خلقهای زحمتکش و قهرمان جهان زحمت میکشند و عرق میریزند اما حاصل دسترنج آنان را نزدان جنایتکار امریکایی و انگلیزی به جیب می ریزند، کشور های آسیایی و افریقایی را تحت استیلا قرار میدهند اما از جیبشان آزاد دم میزنند، هر روز هزاران نفر از خلق های دربند کشیده شده را بطرز فجیعی بقتل میرسانند اما از انسانی و دموکراسی دم میزنند، ثروت های مادی و معنوی خلقها را غارت میکنند اما از شرف و آزادی و مصونیت دم می زنند و جنبش بحق و عادلانه خلقها و توده های زحمتکش را خائنانانه و بنام های مختلف

عنوان مینمایند جنگهای تجاوزکارانه ای که در طول تاریخ، امپریالیسم بر خلقها تحمیل و در اثر آن هزاران و میلیونها انسان بکاک و خون کشیده شده است، لکه های ننگیست برداشته امپریالیسم جهانی و در راس برداشته امپریالیسم امریکا - اگر به مبارزات و تلاشهای مذبحخانه امپریالیسم امریکا و متحدین چشمه نای چینی آن نظری انداخته شود پس منظر آن موشگافانه بررسی و مطالعه گردد، بخودی خود می رساند که امپریالیسم یعنی سرمایه - داری در حال احضار، چه شکست امپریالیسم امریکا در آسیا و قفقاز بر آب گردیدن آنهمه نقشه های تبه شده در زراد خانه پنتاگون و دست یابی کشور های قاره ذکر شده به استقلال ملی و تشکیل حکومت مستقل ملی و دموکراتیک تعیین و انتخاب راه رشد و گسترش پیوند ها با ارتجاع و تشدید مبارزه این کشور ها بر ضد امپریالیسم و اشکال و انواع استعمار و تشکیل جبهه واحد ملی، دموکراتیک و ضد امپریالیستی در این کشور ها و تشکیل خلقها و توده های زحمتکش و در ضمن مبارزه بی امان، وسیع و گسترده ای به منظور دست یابی و حصول استقلال اقتصادی، جدو جهد و مبارزه بر ضد انواع و اشکال فرهنگ استعماری و... همه و همه دال بر شکست امپریالیسم و استعمار بهر شکلی که باشد، بوده و هیچ نیروی را قدرت و توانایی فرار از این قانون عینی و جبری تکامل نیست.

اکنون که کشور های چندی بخصوص در آسیا و افریقا از قید ستم استعماری رها یی یافته اند با سوآلهای زیرین عواجه اند، از کدام راه باید رفت؟ باچه کسان متحد باید شد؟ باچه نیرو های باید جنگید... و یک سلسله سوآلات متعدد دیگری که در قبال مبارزه و جنبش خلقها بعد از پیروزی عرضی اندام مینماید، طرز قابل قبول و ارزنده ارائه جواب به سوآلات مطرح شده است که میتوان گفت ارائه جواب به آنهمه سوآلات مطرح شده، آنهم ارائه جواب قابل قبول و منطقی با واقعیات است که میتوان با انتخاب راه رشد قابل قبول شکل ارزنده در این بخش به ایفای رسالت و اجرای وظایف بشکل ارزنده آن پرداخت، در وظایف کنونی مبارزه علیه امپریالیسم و کلیه اشکال استعمار باید گفت که در وضع کنونی با در نظر داشت خصوصیات وضع کنونی اهداف و در ضمن وظایف کنونی مبارزه علیه امپریالیسم جدا باید در نظر داشت که با استفاده از پیروزی های بی اندرین مترقی به مفهوم وسیع کلمه و شکست رفتار امپریالیسم و ارتجاع جهانی و تغییر توازن قوا بسویه جهانی نفع ترقی و بر ضد ارتجاع و نیرو های امپریالیستی - باید

بیش از پیش رزمندگان راه حق و عدالت و ضد امپریالیسم را تقویت نمود و بهم فشرده و فشرده و متحد باهم بر دشمنان یورش برده و یکی بعد دیگر آنها را از صحنه زندگی و هستی معدوم ساخت.

سیر حوادث و طرز و شکل تکامل و وسیع شدن نیرو های مترقی و انقلابی و شکست و اضمحلال سیستم استعماری و فئالی - سران چیزی که کهنه است بخودی خود می رساند که نیرو های ضد انقلابی و ضد ترقی اجتماعی گر نعره سر دهند، روزه کشند، گلوباره

نمایند و در این زمینه عرق افشانی نمایند که کاری را از پیش برده نخواهند توانست و برخلاف امر تکامل و پیشروی و در مقابل سیر رشد یافته تکامل اقدام به عملی خود به فنا و مرگ مدعیان سوگند خورده امر تکامل اجتماعی تمام میشود و این روندیست که هیچ نیروی را توان فرار و گریز از آن نیست و هر آنکسیکه بر خلاف این مسیر پیروزمند و قانونمند اقدام نماید، در این راه گردن خود را خواهد شکستاند.

و پنداران گرانقدر افغانستان عزیز! بیش از پیش به محو نیروهای دشمنان پرداخته و یکی یی دیگر شکست های پیهی به آنها وارد نمایید!

امپریالیسم جهانی در راس آن امپریالیسم امریکا در نتیجه شکست های بزرگی که به وی تحمیل شده در این اواخر هار گردیده و بیش از پیش وحشی و در اینجا و آنجا فعالیت های خرابکارانه و دور از انسانی را انجام میدهد، جدا توجه داشته باشید که امپریالیستان زیرکانه در صدد تخریب همه ی ثان کمر همت بسته و تلاشهای مذبحخانه و تب آلودی در این زمینه انجام میدهد.

امپریالیسم جهانی محکوم به شکست است. پیروزی و خوشکامی خلقها آینده جنبش را تشکیل میدهد!

از سوونیک

ترجمه نصیر (ابوی)

یکبار دیگر کاربن فعال در خدمت انسان



زمانی که در اپریل ۱۹۱۵ مصادف با جنگ اول جهانی گاز های سمی مورد استفاده قرار گرفت تنها شش هزار نفر را به دیار عدم فرستاد. و بالین ابندی شان را احجار سیاه و سخت - گزید. گوا اینکه دانشمندان بعدها در هر کشوری با تب و تاب زیاد مصرا نه در صدد بودند راهی بیابند تا بدین روال یک ممانعت محافظه ایی مقابل گازات سمی به میان آرند و وسایلی را انکشاف بدهند که بوسیله آن بتوانند سم هارا بزدایند طم مدت ها این درگیری و همه پرسی در حلقه های علمی برای زدودن گازات سمی در بین کار - سناسان جریان داشت تا اینکه یکتاز پروفسران اتحاد شوروی نیکولای ولنسکی طرح وسیله را ریخت تا بتوان حداقل با بکاربری آن سمیم بالا - خص گازات سمی را زدوده او وسیله ای را بکاربرد که در آن تیوب با ماسک برابری جاسازی شده بود و کاربن فعال منحبث فلتر خشک در آن عمل می کرد. نظیر وسایل بالا بعد ها همه گیر تر شدو حتی از داخل آزمایشگاه راهی به جوامع و حتی پیاده نمایی در شفاخانه ها باز کرد.

و بالاخره دل ارزنده این عنصر راه تورا - برای پیشرفت درازمنه سال کشود. در انکشاف تندوسریع صنعت کیمیایی و صنعت فلزی ای که استواری به خدمت گیری مواد خام سلفر دار داشت منتج به یک افزا یش قابل توجه مقدار دای سلفاید دوبرخی کشور ها گردید. و این مساله سلامتی جهانیان را به مخاطره و هوا را آلوده میساخت و قدمی بود در جهت آلودگی محیط و میرفت زدایی وی رسیده تا با استعمال کاربن فعال تا جان عمده ای را بگیرد. ولی امروز نوبت سم منحبث جذب بتوان موادمسمی را دفع و مهار کرد.

این سری فعالیت های کیمیایی استواری به تطهیر مواد با استفاده از کاربن فعال منحبث جذب دارد جاذب های گره ای بیشتر درین

از کاربن فعال در عمل بیوندا - عضاء و سم زدایی خون استفاده میشود.

راه مورد استعمال دارد. یک روش برای تصفیه نمایی دود مناطق صنعتی بوسیله دانشمندان و کار آگاهان انستیتوت منرال شناسی اتحاد شوروی انکشاف داده شده است و یک چنین استفاده دیگر از کاربن فعال در تصفیه آب مشروب و آبسجاری میبا شد.

دین تازگی ها جایش را در کنار مسایل طبی یافته است. دریک یادداشتی چنین گفته شده است. (مادری برای ربع ساعت کودک پنج



اېڅ کي کار هم کوي . خو بله ډله يي بيا دکار سره دومره علاقه نه پيښي او يوازي دژوندی پا تسي کيدو دپاره لاس او پښي وهي . چي به پای کي تر بيه کوو نکي دحيواناتو څخه خورا لږ هغه خپل حيوانی خوی اوبوی له منځه وړي دی خو په هر ځای او هر نندا ر تون کي چي نو مو پی حیوانات عملا کار کوي واقعا ډير په زړه پوري وی سا ری په توگه : هغه وخت چي يو فيسل پرغت توب (گيند باندي خپله موازنه سا تی ، يو اير دلمر دوړا نکي سره سم کتيري او يا يو زمري ويوی لوري نه يو ددو موا زي دسيا سر باندي خيږي .



It would seem the chimpanzees

ږغوی . په داسی حال کي چي بيا نو- يست زړه وړو نکو نغو ته لوړوالی او ټيټ والی ور کوي . نندا ره چيان ددی وينستان لرو نکو مو سيقی بو- هانو هيجان را وړو نکي کنسرت له کبله په لوړو خندا او چکچکو يوزون جوړ کړی وی . بيانو څلور بيزو گاني ، ویتا ، شاپا او کيتسا او يکور گا دا کرو با ټيکنندا ری پيل کړی . واړه آسان څغوی ، پسر خادو با ندي لاسو نه ټينگوي ، پر- کړيو سر کندي وهي مو ترسا يکل ، بايسکل او موتر ان چلوی

دايو نو ف شيمپو نه هم (خولی تريوی او سخت کار کوي) په يوه وحشی سر گر می سره دجاز په بانم کي مو سيقی آلات ږغوی ډول وهو نکي يي خپل غير بشري پاک احساسات څرگند وی . سکسوفون سلو يست دمو سيقی آلاتو ږغوی نو هم آهنگی ساتی ډبل ، باس بياتارونه

پيانو ږغونکی اشمب (بیزو)



په انسانی نړی کي دبیزو غوندي کړی بل دا سی مخلوق نشته چي موږ ته دی دو مره زیات ور ته . او په کپرو او وړوکی دی مو کټ مټ پيښی وکړی . هغه وخت چي سپری دو- لنتین ایوانوف او وانداد شوروی- اتحاد دسرکس هنر مندانو لسه خوادشمیا زیا نو دتر بيه شوی ډلی ننداره له نژدی څخه وو ینی ، رښتیا هم یو ځل بیا هغه پخوا نی او لر- غونی حقیقت ور ته دا به زړه کوي . نو هغه وخته چي ایوا نوف په ۱۹۶۰ کي دسرکس په ساحه کي بیزو، لوبغاړو ته تشکل ورکړ ، دانثرو- باید اپز دنورو روزل شوو حیواناتو په گډوډلو کي دا څر گندی شوی له هغه نه راوړو سته ایوا نوف او شمپانو یي په سرا سر رو سیه کي سفر وکړ او په بلغا ریا ، فنلیند ، آستر لیا او جا پان کي یي دمهمانی به زړه پو ری نندا ری ور ته تمثیل

داسی ښکا ری چي گوا کسی شمپانزی کټ مټ دسر کس دنندارو له پاره پیدا شوی وی . هر مره خیرک ، گړندی او فعلا لیتو نو ته چمتو وی . دحيوا نا تو متمرکزول یوسا ده او آسا نه کار نه دی ، ځکه له شاو پوا څخه یي یوخورا خفیف آواز هم ددوی تو جه گډ و ږ وی او دتربيه کوونکی امر ته غوږ نه ږدی نا ری ور با ندي وهل او یا سر- زنشس ور کول کو مه گټه ور ته نه لری . شمپ خورا زړه خپه کيږی چي به دی ډول دکار کو لو څخه مخ اږ وی او تښتی . البته دا پيښه تصا د فی نه ده چي یوازي نن دی تر کار لاندي نیول شوی وی . او سر کس همیشه ددو ډولو حیوا ناتو سره چلند کوي . چي یو ډول یي دژوند کو لو سره په

ټولې شا مېيا نې دخپلو پر ليه
پسې لو بو ته يا يېنم وړ کوي .
خو په مها رت با ندي دهغوی دزده
شوو لوبوڅخه څر گند پېری چی د
هغوی دهری لو بی په زړه کړه باندي
څومره کو تېنېس ، زیار ، او حوصله
سر ته رسيد لی دی . ځکه نا آزا می
شمپانی باید دلو مری خورا آسا نه
اوورته شمیان زده کړی . دا هم
دوی ته ډیره وی چی یسوازی د
لس ، پنخلس دقیقو پوړی پهجوکی
باندي آزا می کشینی دسر کسس
درسایي څخه دباندی شمپانی دیو
وړو ما شو ما نو په خیر وی . باید
نرینې څار نی لاندي ونيول شی یعنی
په یوه داسی هوا کی وسا تل شی چی
ډیروج او تیز بد لون پکښی نه راځی .
او معمولا د اته لس او شل سانتي
گرادو در جو په شا وخوا کی وی .
چی حتی په دو بی کی لاهم ، دشپي

اسمعیل صخره

د انگلستان دولسي پيری نامتو ليکواله ښځه :

له خوا په خينو تودو شر يا نسو
وړو ښل شی . و تا زه میوی ، سا بو
توتو ته دکال په هر موسم کی اړ تیا
لری . خپله اشتمها دنورو ما شو مانو
غوندي وخت ناو خته سو یی . له دی
کبله تر بیه کوو نکي یی باید
ډول ډول چلونه زده کړی څو هغوی به
خوراک را وړی . خود شکل څخه
چی یی تیر شو په خوی کی کت مت
وماشو ما نو ته ور ته دی . شا پاجی
یی شپيته کیلو څخه زیات وزن نه لری
جکوا لی یی و ۱۳۰ سانتي مترو ته
رسیږی نو موړی (ماشو مان) دخپلو
کپسو نو سیمان ماتوی ، خو واندا
او والتین اوا نوب ، له دی سره بیا
هم ښه چال چلند کوی . او دیاد شوو
شمپ ، هنرمندانو هره لوبه دنندهاره
چیانو له خوا په خورا زیات تودوالی
او چکچکو سره سر ته رسیږی .

اتل لیلیان وینیچ اودهغی نامتو انقلابی رمان گد فلای (خومگیس)

اتل لیلیان وینیچ دانگلستان دستر ښوونکي
په کورنی کی د ۱۸۸۴ کال دمی
پیاوړتیا په پورلسمه نیټه وزیږیده . د هغی
پلار دریاضیاتو پروفیسور و او مور یسی د
ولنیزو موضوعاتو په شاوخواکی مقالی
لیکلې . دهغی دمور آکا (جرچی ایورست) ډیر
نامتو جغرافیا پوه و او دنهری ډیره جگه فله
عمالیاتو دتروانو ۸۸۸۰ متریزه قله دده ته خوا
تج او نوم یی پر هغی باندی ایشودل شوی
ای .
(اتل) دکوچنیوالي څخه اړتیا او یی دزلس
سره آشنا شوه ، لا یوتیم کلنه شوی و ،
پس پلاریی مېشو . پس له دی نه چی پلاریی
جهان څخه سترگی پټی کړی ددی اونوروڅلور
شو پند د پا لنه او روزنه د مور په
تلم وکړیده . مور یی هم دغه لویه کورنی
پریاشیاتو دښوونکی په توگه په مشکل سره
بالله . خو دراتلونکی ستره لیکواله ځلانده
استعداد ډیر ژر وڅلید ، هغی د فلسفی ، ادبیاتو
په او موسیقی زده کولو باندی بوخته شوه .
ددهغو هراو علومو په منځ کی یی موسیقی
سره ډیره مینه ښودله اوخپل زیات وخت یی
موسیقی په زده کړه تیروله په ادبیاتو کی
په پری دانگلیسی ستر شاعر (ویلیام بلیک)
شعارو سره مینه پیدا کړه او وروسته بیاد
انگلستان دستر لیکوال (ویلیام شکسپیر) او
چارلز دیکنز له آثارو سره آشنا شوه .
په کال ۱۸۸۲ کی ډیره لږ د اړتیا ورته
رسیده او هغی ددی اړتیا په اغستلو سره

په پیره برلین ته لاړه او ددریو کلونو زده
کړی څخه وروسته یی د پیانو څانگه کی
بری لیک تر لاسه کړ ، په همدغو کلونو کی
وه چی دادبیاتو او ټولنیزو علومو سره مینه
پیدا کړه ، او ددی په زړه کی دهغو انسانانو
مبارزی چی دخلکو او خپلواکی په لاره کی
یی کولی ستر شور او زور پیدا کړ . او
وروسته له دی نه دامریکسی دستر شاعر
(والټ وینن) شعرونه به یی تل ژبه باندي
وه : والټ وینن دآزادی تر عنوان لاندي
داسی وایی : (ای خپلواکی ا پریده چی
نورکسان تاته ایمان ونلری ا
خوزه تر وروستی سلگی پوری په تایمان
لم اوبه یی لم ...)
اتل لیلیان وینیچ د ۱۸۸۷ کال په پسرلی
کی روسی ته سفر وکړ او هیواد ته د بیرته
راستنیډو په وخت کی یی د (میخائیل وینیچ)
سره چی دلېستان پوسترانقلابی و اونگلستان
ته تښتیدلی و ، واده وکړ . په کال ۱۸۹۲ کی
دکاشین ، گوگول داستایوسکی ، سچدرین ،
اوسپنسکی او نورو روسی لیکوالو دآثارو په
ژباړولو لاس پوری کړه .
په کال ۱۸۹۷ کی یی دکدفلای (لوی) چی
نامتو اثر ولیکه او خپور یی کړ دا داتل
لیلیان لومړی زمان و . دکدفلای دستر اثر څخه
دری کاله وروسته دوهم رمان یی چی (جک-
دیویند) نوم یی ولیکل شو او خپور شو .
اتل لیلیان پخپله دغه زمان کی هم دکلیسا
دخدانانو قناعت او ریا کاری څرگندوی اوبه

کوته کوی او دغه دانسانانو صادق ؟
خدمت کاران رسوا کوی .
په کال ۱۹۰۴ کی (الیویاتنام) نومی
اثر یی له چاپ څخه ووت . داد اتل لیلیان دریم
نامتو کتاب دی . په کال ۱۹۱۰ کی یی د
(شلیدللی مینی) تر عنوان لاندي رمان ولیکه
او خپور یی کړ ، دغه رمان پهجنوبی امریکه
کی دکدفلای دژوندانه په باره کی دی ، په
کال ۱۹۱۱ او وروسته کلونو کی داوکراینی
ستر شاعر (لیمانوف) شعرونه یی په انگلیسی
ژبه واپوله او خپاره یی کړه .

اتل لیلیان وینیچ د موسیقی څخه هم غافله
پاتی نشوه او څو سمفونی گانې یی تصنیف
کړی ده چی دهغی (بابیلون) نومی اوراتوریو
ډیره په زړه پوری ده . دلېستان دستر موسیقی
پوه شوېن (لیکونه) ، دهغی دنورو کارونو څخه
شمیرل کیږی .
په کال ۱۹۴۴ کی چی اتل لیلیان وینیچ
اقتیالکته وه خپل بل رمان چی (بوټونه دی
وباسه) نوم یی ولیکله او خپره یی کړه .
پدغه اثر کی هم یو ځل بیا د (گدفلای)

فعالیتونه او مبارزی ښیښی . دغه رمان
دگدفلای دمورنی کورنی په شاوخوا باندي
لیکل شویدی . او اوس راځو د (گدفلای)
(لوی) چی نامتو رمان باندي :

گد فلای چی دهغی انگلیسی لیکوالی ډیر
پیاوړی اثر دی دلومړی ځل لپاره په کال
۱۹۸۷ په انگلستان او امریکه کی خپور
شو .
پس له هغه نه هرڅوک چی دکتاب سره
مینه لرله دارمان په یی لوستل ، اوبیالوستل
اوبیا ... ځنی کسان به ډیری شپې ددهغی اثر
دلوستلو څخه وروسته په زوره زوره ژول او
سهار له خونړیو سترگو اوبه ډیر زړه ورتیا
سره پداسی حال کی چی دخپل هیواد اوملت
دآزادی په لاره کی هر از سر ښندنی ته چمتو
وو ، په ورځنی ژوندانه به بوختیدی .

د (گدفلای) په رمان کی دولسمی پیری
ددریم او څلور مولنیزو به په اوږدو کسی
د (څوان ایطالی) دسازمان وطن پالونکی
فعالیتونه ښودل شوی دی .

پدغه وخت کی دایطالی دولت دناپلئون
دپوځونو ډېری وړی کیدلو نه وروسته په اتو
بیلوبیلو ایلمنتونو باندي ویشل شوی و اود
اقریش دپوځ په لاس کی و . دروم د پاپ
(دکاتولیکي کلیسا رئیس) داتریشی یرغلگر
پلوی کوله . دایطالیاملت هم ددهغو دوو غلیمانو
تر فضا ر لاندي ژوند کساره او کسیدل .
دایطالی یرمختلونکی قوتونه او خلک ددهغو
اته گونو هیوادونو په یووالی او دیو واحد
دولت دتاسیس ضرورت باندي ټینگار کول
اوداطریشی فرمانروا یانو پر ضد د مسللی
خپلواکی لپاره مبارزه روانه وه .

(ژوزف مازینی) دایطالی نامتو انقلابی چی
دخپل هیواد څخه شہل شوی وه کال ۱۸۳۱
د (څوان ایطالی) دپت سازمان بنسټ کیښود .
(څوان ایطالی) چی هیڅکله دپولیسو دتعقیب

څخه خوندي نوه دایطالیی دملت په مبارزاتو
کی یی ډیره ونډه درلوده اوبه پای کسی
همدغه جنگیالی سازمان بریالی شو چی هیواد
یوموټی او متحد کړی . درمان پیل د ۱۸۳۲
کال پوری اړه لری . پدغه کال کی خلک
دایطالیی په بیلوبیلوسیمو کی په وسله والو
قیامونولاس پوری کول او اطریشیان دکورنیو
مرتجعینو په مرسته دغه قیامونه په کلکه سره
ټکول . پدغو ټکونو کسی به غلیم ډسره
بیرحمانه کارونه سرته رسول .

د (گدفلای) په نامتو اثر کی موږ د ټول
ملت په قیامونو او وسله والو پاڅونونو په
شاوخوا کی ډیر مطالب نه مینده کوو . سره
له دی چی دایطالیی دتاریخ دغه مرحله دسترو
پاڅونونو اوسله والو مقاومتونو څخه ډکه
وه .

دلیکوال ټوله غیرتیا درمان داتل داتلوالیو
اودهغه د کرکتر دتصویرونو په شاوخوا کی
څرخي . او لیکوال دیوفرد اتل والی تشریح
کوی .

دکتاب داتل (گدفلای) ستره اتل والی هغه
وخت ښه ښکاری چی دی دژاندارمو سره
مخامخ کیږی . دلته لیکوال په ډیر ښه شان
دهغه فرد اتل والی چی یواځی پاته دی او د
خپلو ملگرو دستر څخه محروم پاتی شوی
دی ، ښیښی . دغه اتل فرد نور هڅوک او هڅ
شی نلری پرته له ایمان څخه کله چی یو
مبارز د مبارزی په اوږدو کی دخپلو ملگرو
مرسته احساسوی دغه احساس دهغه د عمل
اوزده ورتیا باندي اغیزه اچوی اوهغه مبارزی
ته هڅوی خو کله چی یو مبارز یوازی پاتی
شی اویا په جیل کی واچول شی دهغه دآزمویښی
ډیره ښه وسیله ده اوهلته ده چی ددهغه مبارز
زده ورتیا او د شان څخه تیریدنه ښه
معلومیدلای شی . پدغه وخت کی دی چی مبارز
بی له دی څخه چی پاداش وغواړی او دهغه
زده ورتیا اوسر ښندنی څوک وروینی پدغو
اتل والیو لاس پوری کوی او له خپل ایمان
څخه دفاع کوی .

اتل لیلیان وینیچ په ډیر مهارت سره
دهمداسی یواقل مبارز څیره ترسیموی اوبه
عین حال کی دکلیسا ددرواڅخو خادینو د
غیرتی څخه نقاب بیرته کوی . د (گدفلای)
درمان لیکوال خپل دغه نامتو رمان دجرایدو
او څېړونو پر بنسټ نه جوړوی بلکی دخلاندو
او ژوندیو څېرو په خلقول لاس پوری
کوی . رمان دسر نه تر پایه پوری انسان ته
د عشق او ډیری ژوری مینی څخه ډکه ده .

د مبارز (گدفلای) څیره د نړی په ادبیاتو
کی تر ټولو ځلانده مبارزه څیره ده اوهمداسی
هم یو رښتینی څیره ده اتل لیلیان وینیچ د
یوی پدې ښځی په توگه او همدا رنگه دیوی

ستری لیکوالی په توگه ۹۶ کاله ژوند وکړه
او په کال ۱۹۶۰ دژونیی په ۲۸ نیټه دنړی
څخه سترگی پټی کړه .
د (گدفلای) رمان تر اوسه پوری د نړی
په ډیرشو ژوندی ژبو ټول شوی دی او په
هره ژبه کی څو څو ځلی بیا چاپ شوی اوبیا
هم له بازار څخه ورک شوی دی . دا ځکه چی
دغه ستر اثر ډیر مینه وال درلود او اوس
هم لری اوبه راتلونکی کی به هم ولری .



ستوری

په کلتوري انقلاب کې دځوانانو ونډه

زموږ عصر چې د کار کړي جنبشونو او انقلابي نهضتونو دوران او پانګوالو نظامونو څخه سوسياليستي ټولنو ته دودې او تکامل زمانه ده او دغیري پانګوالی ودی له لاری دبی طبقاتو ټولنو دجوړښت محتوی لری نو دغه حالت دبل هر وخت څخه زیات دمنورو ځوانانو پراخو باندی یولی درانده مسئولیتونه او ټولنیز رسالیتونه ایښدی چې موږ یی اوس یوازې دکلتوري انقلاب په برخه کې ددوی په رسالت او مسئولیت باندی ټولنو دمنور خواتان دټولنی هغه روښانه قس او ستر قوت دی چې دنورو طبقو او قشرونو په پرتله ډیر ژر کولی شی چې کسارگری ایډیالوژی زده کړی . لکه دشوروی اتحاد دملومو ډاکاډمی رئیس چه په ۱۹۳۶ کال په دغه حکله ویلی دی :

«زموږ منورین سوسياليستي انقلاب د ټولنو کولو په اړخو کې په بشپړه توګه نوی نړی ته راغله ... اوس موږ نوی خلاق او زحمتګر منورین لرو چې دبشپړه نوی لرو حیاتی لرونکی او ډلری سره نوی اړیکې لری دا هغه منورین دی چې دکارګری طبقی دایډیالوژی الرزی حالت پېچکاری کوی . خواتان له یوازې دټولنی دمدای لعمتولو تولیدونکی قوت دی بلکې معنوی او فرهنگي پانګه هم ده له همدی امله دسوسياليستي فرهنگ دودې په برخه کې دځوانانو فرهنگي او هنري روزنه هم دخاص ارزښت وړ ده . چې دغه مسئله په ښوونځیو کورنیو دځوانانو په مخکښه سازمانونو دهنرمندانو په اتحادیو او ټولو اجتماعي قوتونو پوری اړه لری سوسیالیستي مضمون لرونکی هنر کولی شی چې په ځوانانو کې دسوسياليستي وطنپالنې روحیه پیاوړی کړی او ځوانانو ته د ټولنی او ژوند په برخه کې دعلمی نړی لیدځلانده اصول وړ زده کسړی . شک نشته چې سوسياليستي ټولنی ودانول پرته دکلتوري

بدلون څخه امکان نه لری اولکه څنګه چې دزیر بنا او روڼا دمتقابلو اغیزو او دروڼا دنسبی استقلال څخه پوهیږو په ټولنه کې داجتماعي ژوربدلون دمیثق ته راتګ سره سم دهنی ټولنی زده روڼا په بشپړه توګه بدلون په مومی بلکې دغه روڼا دخپل نسبیاستقلال له مخی یولی هغه مسایل چې دنوی ټولنی سره سمون ولری پرخپل حال پریږدی اوهغه موضوعات چې دنوی مترقی ټولنی مسره په بشاد او ټکر کې وی له مینځه وړی او دخلکو دنوی کلتورپه پروسه کې پروتاریا دپورژوازي کلتور په بشپړه توګه نه دوی . دغه راز سوسياليستي کلتور هم دمیثق څخه منځ ته نه راځی بلکې دهنو ټولو شیانو چې داستثماري ټولنو په شرایطو کې منځ ته راغلی وی رېښتی ادامه لکه دکلتور دستر انقلاب مؤسس چې په دغه حکله ویلی دی :

«موږ باید هغه ټول کلتور چې کپتالیزم راپری ایښی دی واخلو اوسو سیالیزم ورڅخه ودان کړو . موږ باید ټول ساینس تکنالوژی معرفت او هنر واخلو . یی له دغه څخه موږ په کولیتی ټولنه کې ژوند لټوو دالوای . دنړی دکارګرانو دغه ستر لارښود به تل دهنه نظریاتو په ضد مبارزه کوله چې ویل به یی پروتري کلتور باید دنوی سره جوړ شی او دتیرکلتور سره هیڅ ډول اړیکې ونه لری . ده ددی موضوع په اړتباط څرګنده کړی ده چې :

«پرولتري کلتور باید دهنی ذ خیري منطقی تکامل وی چې بشریت دکپتالیست ملاک او بیرو کراتیکي ټولنی ډغ لاندی ټول کړی شی .

رېښتیا هم دنن ورځی خواتان باید دی ټکی ته جدی پاملرله راپاډوی چې کلتوري انقلاب پدی مفهوم نه دی چې دسوسياليستي ټولنی دجوړښت په مقصد تیرکلتور په بشپړه توګه ردشی او دله مینځه وړلو لپاره یی کار وشي

بلکې حقیقت دادی چې دنوی مترقی ټولنی دجوړښت لپاره داسی کلتوري انقلاب لازم دی چې دتیر کلتوري زیرمی څخه تر هغه وخته استفاده وشي چې دنوی سوسياليستي ټولنی دودی اوانکشاف په منځ کې یی ځنډاو ځنډ نشوی راوستلی تاریخ ثابت کړی ده چې حتی طبقاتی ټولنو یو له کلتوري اړخونه دبی طبقو ټولنو داجتماعي ، اقتصادي جوړښت سره نه یوازې تطابق کوی بلکې دهنه په نوره وده کې اغیزه ټاکه رول لوبوی .

شک نشته چې په طبقاتی ټولنو کې دکلتوري انقلاب ضرورت ډیر زیات احساس دی څنګه چې په دغه راز ټولنو کې زحمتکشان دمعنوی او ذهنی کارونو څخه محروم اویې برخی وی او اکثریت زیار ایستونکی ددرندو جسمی کارونو سره سرو کارلری چې دغه کار په خپل ذات کې ددی سبب کیږی چې ددوی کلتوري برخه محدوده پاتی شی . دلته داڅپړه دیادولویو ده چې کلتوري انقلاب هم یوفوری عمل نه دی بلکې دایوه تدریجی داوم لرونکی پروسه ده او دبشپړه عملی کیدو امکان یی هغه وخت موجود دی چې خلک هغه ته اړتیا پیدا کوی اویوازې فرمانونه او القاط نشی کړای چې په ټولنه کې کلتوري ژور بدلون منځ ته راوړی لکن ددغه اړتیا بنسټ هم باید دخلکو پرمادی ضرورت باندی ټکیه وی زموږ زیار ایستونکی خواتان باید دادرګ کړی چې په کلتوري انقلاب کې باید دهر څخه لومړی دټولو کلتوري موسسو لکه قلوویزیون رادیو سینما موزیمونه مطبوعات او نورو دملی کولو او زحمت کښانو په واګ کې ورکولو لپاره هڅه وکړی خو ددغو وسایلو په مرسته دکلتوري انقلاب دبشپړه تطبیق لپاره اصولی کامونه واخلی .

په فلسفی ډکشنری کې کلتوري انقلاب داسی تعریف شوی دی : «دکلتوري انقلاب دسوسياليستي انقلاب یوماهیوی عنصر دی چې په یوه معقول لټوخت کې دننه دپو هنی او روزنی دټول سیستم دبیا ودانولو ضرورت ښیی او دخلکو دپراخو لپاره دکلتور ترټولو

عالی موفقیتونه سپر کوی له دی لاری داتصادی ، اجتماعی او سیاسی ژوندانه په تنظیمولو کې دخلکو دپراخو مستقیم ګډون تامینوی سوسياليستي اتیلجینسیا راپیدا کوی اویونوی سوسياليستي کلتور جوړوی» .

کله هم ددوهم انترناسیونال اپورتولستانو په تل په دی څپره ټینګار کاوه چې کارګره طبقه باید ترهغه وخته پوری دقدرت دقرلانه کولو لپاره هڅه ونه کسړی چې کلتوري سطحه یی نه وی پیا وړی شوی اویه کافی اندازه منورین ونه لری . لکن دکلتور دستر انقلاب مؤسس دنوموړی نظریی او ادعا پوچ والی کیوت کړ اویه ډاګه یی اعلام کړه چې کارګره طبقه باید دهرڅه نه لومړی سیاسی قدرت ترلاسه کړی او بیا ددغه قدرت په مرسته دخلکو دکلتوري ودی په برخه کې نه ستړی کیدونکی مبارزی وکړی . لکه دشوروی اتحاد اونورو هیوادو کار ګرانو چې همداسی وکړه رېښتیا هم که دوی دپورتنیو اېرجونستانو دنظر له مخی داناملومی مودی لپاره دکارګرانو دفرهنگی سطحی دلوړیدو په انتظار پاته شوی وای لویه کسارگری انقلابونه کلونه کلونه شاته لویدلی وای څنګه چې استعمارچیان او طبقاتی ټولنی حا که طبقات هیڅ وخت نه غواړی چې دزحمتکشانو ذهنونه روښانه او کلتوري سطحه یی جګه شی دا هم په دی خاطر چې دلومست لیک څخه دمحررو مو کسانو استثمارول ډیر اسانه کاردی .

لهیکه مرغه چې دنن ورځی انقلابی خواتانو دعلمی نړی لید داصولو له مخی دغه حقایق درګ کړی او دزحمتکشانو دقدرت دتر لاسه کولو سره سم دخلکو دمدای اړتیاو د پوره کولو ترڅنګ دهنوی فرهنگي ودی ته هم نه یوازې خاص ارزښت ورکوی بلکې عملا دخپلو ټولنو دهنی او ذهنی شرایطو د پیا نظر کې نیو په اساس یی دفرهنگی ژوربدلون لپاره په نه ستړی کیدونکسو مبارزو لاس پوری کړی دی .

جوانان وطن پرست :

از تاریخ باید آموخت

مبارزه میان خلق و باطل ، اهریمن ها و آهورا مزدها ، ضحاک ها و کاوه ها و بالاخره سیاهی و سپیدی در طول تاریخ جریان داشته و تاریخ بشری مشحون ازین مبارزات ورتګین از یسن حماسه آفرینی هاست .

مردم قهرمان افغانستان بحیث جزء جامعهی بشری و اما بمثابة انسان های سلخشور وحق طلب درین حماسه آفرینی و سپیدی آفرینی سهم بسزا و قابل ستایش ادا کرده است و می کند .

بر جوانان ما ست تا تاریخ کشور خویش و مردم خویش را بدقت مطالعه نمایند این مطالعه ی دقیق و ژرف تاریخ نه تنها آنها را ز چگونگی تاریخ کشور و این وطن و مردم آگاه می سازد بلکه بحیث غنی ترین و آموزنده ترین منبع عبرت و آموزش نیز است .

جوانان با این مطالعه ی خود به نیکی درک خواهند کرد که چگونه اسلاف شان از سرزمین قهرمان یعنی وطن محبوب شان دفاع کرده است ، چگونه تجاوز گران را برجایشان نشانده اند ، هکذا با این مطالعه می توان به نیکی درک نمود که در گذشته مردم ما چگونه می زیستند چگونه علیه ظلم و استبداد و استعمار و بی عدالتی می جنگیدند .

در زمانه های بسیار قدیم آوانیکه اسکندر مقدونی با تجاوز خود آرام مردم ما را بر هم زد بر حریم خاک مقدس ما تجاوز نمود بشو بی می بینیم که همه مردم از تمام اقشار و طبقات و از تمام ملیت ها و نقاط کشور یکدست شد نه و بر علیه ما تجاوز جنگیدند و این متجاوز که امید خیال تسخیر آسان کشور ما را حدس زده بود و آموزنده ترین منبع عبرت و آموزش نیز است .

اقتصاد اصل مهم زندگی خانواده

اگر یک روز همسران معاش را که با هزار رنج و مشکل و زحمت بدست می آورید خرج مصارف بی جانماید چه خواهید کرد؟ آیا جادوچنگال را برپا خواهید کرد، یا هیچ چیز نمی گویند و همینطور دست روی دست میگذارید و به رویش میخندید؟

فکر میکنم وقتی که یک ماه زحمت میکشید تا بولی بفرسوخ و خوراک خود و خانهتان بدست می آورید اگر آن را همسران یا شخص دیگر که مسوولیت پیشبرد امور منزلتان را برعهده دارد ببیند مصرف نماید زیاد هم برایتان خوش آیند نخواهد بود و شاید هم عصبانی شوید...
متأسفانه یک عده خانواده ها از روی بی توجهی و یا از روی بی تفاوتی کمتر در مسایل اقتصاد خانواده فکر میکنند و همین امر باعث میگردد که این خانواده ها با مشکلات مسايل اقتصادی دست و گریبان باشند و کمتر موفق به زندگی خانواده گسی گردند. اقتصاد که رکن اساسی زندگی امروزی را تشکیل میدهد با یک سلسله تدابیر میشود این پدیده مهم زندگی و حیات خانوادگی را بصورت درست و

سخنی چند با خوانندگان این صفحه

در این جای شکی نیست که در اثر ظلم او استبداد امین و باند فاشیستوی یکمده زیاد از جوانان ماقلم بر زمین گذاشتند اما امروز مخصوصاً پس از تحول مرحله نوین تکامل انقلاب نور زمینه های پیشرفت و بسازار استعداد ها در همه ساحات زندگی فراهم گردیده است با استفاده از موقع و آزادی های که داده شده است دوباره قلم بگیرند و آنچه را که مردم و اجتماع مآبدان نیاز دارند بنویسند.

زیرا این آثار کسی است که میتواند اندها را روشن بسازد و از حقایق زندگی آگاهی لازم حاصل بدارند. پس در خواست ما و خواهش ما از شما جوانان با درود اینست که با فرستادن مطالب متنوع بیشتر با مجله تان همکاری نمایید تا از این راه بتوانیم مجله که بتواند ذوق خوانندگان ارجمند را ارضاء نماید تقدیم آنها بداریم با امید همکاری های ویرانه تر نمایم.

خوانندگان ارجمند و گرامی این صفحه بارها خواهش ما از شما این بوده که با مجله خود با مجله خانواده ها و مخصوصاً به صفحه مورد علاقه تان همکاری نمایید. یک عده دوستان این خواهش ما را پذیرفته اند و بنا بر این خواهش ما با ارزش و زیبایی شان منت بر ما گذاشته اند. ولی یکمده دیگر کمتر علاقه گرفته و اگر هم دلچسپی نشان داده اند و مطالبی فرستاده اند که کمتر بخور مجله و مخصوص این صفحه بوده است.

توقع ما از خوانندگان این صفحه اینست که با ارسال مطالب متنوع دلچسپ و خواندنی بیشتر ما را در این راه یاری دهند. مطالب خواندنی و انقلابی، ترجمه های دلچسپ و جالب از جمله مطالبی است که بیشتر جوانان ما به آن علاقه مندی نشان میدهند حالا که باختم همین شماره پانزده آستانه سال نسو میگذاریم و نشرات تازه سال ۱۳۵۹ را آغاز میکنیم با مجله محبوب تان همکاری بیشتر ویرانه تر نمایم.

آیا تلفون برای رفع مشکلات است یا قصه گویی و پر حرفی؟



عصری که ما زندگی میکنیم عصر تکنالوژی و ماشین است و انسان این عصر توانسته ماشین را در خدمت خویش قرار بدهد و از آن استفاده برد. اما بعضی ها این وسایل طوری استفاده می برند بجای اینکه سبب تسهولت های را فراهم سازد برعکس باعث آزار و اذیت یکمده میشود. مثلاً یکی از این وسایل تلفون است. این وسیله ارتباطی که سالها مورد استفاده عام و خاص قرار گرفته و میگیرد و شکل معقول و مثبت آن اینست که تا از این وسیله در مواقع عاجل، و زمانی که دسترسی و تماس با طرف مقابل وقت و زمان زیادی را میگیرد به زودترین فرصت ارتباط قایم کرده و مشکلات انسان ها از این راه مرفوع گردد.



اما بدبختانه یکمده آگاه و ناخود آگاه از این وسیله بشکل نامعقول آن استفاده می برند. که بیشتر باعث ناراحتی و مزاحمت دیگران میگردد. طبق آمار و احصائیه های بدست آمده بیشتر کسانی که به تلفون صحبت میکنند و

معمول آن پرریزی کرد و تطبیق نمود. مهمترین اصل در این زمینه حساب نمودن عاید و مصرف است. وقتی که یک خانواده بین مصرف و عاید شان نوع توازن را برقرار سازند بدون شك اقتصاد شان متضرر و متزلزل نخواهد شد.

امروز اقتصاد دانان بزرگ به این عقیده هستند که هسته اقتصاد عمومی را اقتصاد فردی و خانوادگی میسازد حقیقت هم همین است. بنابر این ملحوظ توجه کردن به امور اقتصادی و وظیفه هر فرد خانواده بوده و هر یک از اعضای خانواده در راه پیشبرد این هدف و وظیفه عمده و خطیری را برعهده دارد. زیاده روی در مصارف منزل هیچ نوع مزیت و برتری را نشان نمیدهد، آنانیکه با خرج کردن بی جاوی مورد و به اصطلاح سیالی و شریکی نمودن ها اقتصاد خانواده خود را متزلزل و ضعیف میسازند در حقیقت اقتصاد عمومی را صدمه می زنند.

بنابراین بر جوانان است تا با فهم و درایتی که دارند نگذارند که اقتصاد خانواده های شان که ارتباط مستقیم به اقتصاد عمومی دارد صدمه ببینند و این مامول وقتی برآورده میشود که از مصارف بی جا جلوگیری بعمل آید و توازنی معقول بین عاید و مصرف ایجاد گردد.

ببینند و همین اقتصاد خانواده هاست که اقتصاد ملت و مملکت را میسازد.



مهمترین اصل در این زمینه حساب نمودن عاید و مصرف است. وقتی که یک خانواده بین مصرف و عاید شان نوع توازن را برقرار سازند بدون شك اقتصاد شان متضرر و متزلزل نخواهد شد.

امروز اقتصاد دانان بزرگ به این عقیده هستند که هسته اقتصاد عمومی را اقتصاد فردی و خانوادگی میسازد حقیقت هم همین است. بنابر این ملحوظ توجه کردن به امور اقتصادی و وظیفه هر فرد خانواده بوده و هر یک از اعضای خانواده در راه پیشبرد این هدف و وظیفه عمده و خطیری را برعهده دارد. زیاده روی در مصارف منزل هیچ نوع مزیت و برتری را نشان نمیدهد، آنانیکه با خرج کردن بی جاوی مورد و به اصطلاح سیالی و شریکی نمودن ها اقتصاد خانواده خود را متزلزل و ضعیف میسازند در حقیقت اقتصاد عمومی را صدمه می زنند.

بنابراین بر جوانان است تا با فهم و درایتی که دارند نگذارند که اقتصاد خانواده های شان که ارتباط مستقیم به اقتصاد عمومی دارد صدمه ببینند و این مامول وقتی برآورده میشود که از مصارف بی جا جلوگیری بعمل آید و توازنی معقول بین عاید و مصرف ایجاد گردد.

بنابراین بر جوانان است تا با فهم و درایتی که دارند نگذارند که اقتصاد خانواده های شان که ارتباط مستقیم به اقتصاد عمومی دارد صدمه ببینند و این مامول وقتی برآورده میشود که از مصارف بی جا جلوگیری بعمل آید و توازنی معقول بین عاید و مصرف ایجاد گردد.

بنابراین بر جوانان است تا با فهم و درایتی که دارند نگذارند که اقتصاد خانواده های شان که ارتباط مستقیم به اقتصاد عمومی دارد صدمه ببینند و این مامول وقتی برآورده میشود که از مصارف بی جا جلوگیری بعمل آید و توازنی معقول بین عاید و مصرف ایجاد گردد.

بنابراین بر جوانان است تا با فهم و درایتی که دارند نگذارند که اقتصاد خانواده های شان که ارتباط مستقیم به اقتصاد عمومی دارد صدمه ببینند و این مامول وقتی برآورده میشود که از مصارف بی جا جلوگیری بعمل آید و توازنی معقول بین عاید و مصرف ایجاد گردد.

بنابراین بر جوانان است تا با فهم و درایتی که دارند نگذارند که اقتصاد خانواده های شان که ارتباط مستقیم به اقتصاد عمومی دارد صدمه ببینند و این مامول وقتی برآورده میشود که از مصارف بی جا جلوگیری بعمل آید و توازنی معقول بین عاید و مصرف ایجاد گردد.

زیاد پر حرفی می نمایند زنان اند. ولی این شکل عمومیت ندارد هستند مردانیکه تلفون را گرفتند دیگر خدا میداند که چه وقت آنرا سر جایش میگذارند اما بصورت نسبی می گویند که زنها بیشتر پر حرف قراند تا مردان. و علت این پر حرفی هم بخاطر اینست که زنها نسبت به مردان کمتر مصروفیت دارند.





فاطمه د. نیرو

امین جاسوس بازمان شرافتمند و پیکارجوی کشورما خصومت میورزید

مبارزه در راه نجات کامل خلق ما از انواع اسارت مادی و معنوی جزو وطن پرستی، جز وفا داری و عشق ورزیدن به وطن و مرد م بالا خره جز پیکار علیه نظام فئودالیسم و بقا یا ی آن و علیه استعمار و امپریالیسم دیگر هیچ گناهی نداشتند. امین نیز از آن جهت بازمان شریف کشور خصوص میورزید که فرزندان صدیق، پیکار جو وطن پرست و انقلابی به جامعه خویش تقدیم کرده بودند و از دیرزمان به این طرفی در فتنه گار و پیکار انقلابی را برافراشته بودند. امین بود گناه زنان مبارز و وطن پرست کشور ما که امین بنا بر همین گناه شان آنها را از آغوش گرم خانواده ها و اطفال شان در درخمه های زندان می فرستاد.

امین گر چه به ظاهر از خلق و انقلاب سخن می زد اما او به هیچ وجه به خلق و انقلاب ایمان نداشت او از سنگر انقلاب و از تحت در فتنه آید یا لوزی انقلاب علیه انقلاب و آرمانی های انقلاب ما خصمانه مبارزه میکرد آیا میتوان او را حتی در لفظ هم انقلابی خواند؟ هرگز زیرا امین هر کجا که انقلابی را سراغ میکرد به زندان می انداخت و ترور میکرد. لکه ننگی ترور هزاران انقلابی و حتی کسی را که خود همواره بهترین آموزگار انقلابی می گفت به شکل فجیعانه به شهادت رسانید میتواند از دامن سبای و خون آلود امین پاک شود؟ آیا خاطرات دوران کشت و خون بر ما بقیه امین از یاد خلق زدوده خواهد شد هرگز!

بلی امین از جلادان دوران بردگی و از خونخوار قرون وسطی و از سرورستان دوران امپریالیسم کاملاً پیشی گرفته و بسا فرا تر نهاده بود. او روی همه جلادان را سفید



ارزش های حیاتی شیر مادر در زندگی و صحت اطفال

شیر مادر یگانه مخلوط غذایی عالی و مکمل است که دارای همه ای مواد ضروری زندگی و عوامل مقاومت دهنده بوده رایگان بدسترس مادران است، پاک غازی از مکر و مفسد است لطفاً به همه مادران دنیا بخصوص در کشور های عقب نگه داشته شده ابلاغ فرمائید که هیچگاه طفلک زیبای خود را دست داشتنی از شیر خود محروم نسازند چه بزرگترین وظیفه مادر و شرط اصلی و اساسی مادر بودن هما نا شیر دادن اوست مادر یکه به طفل خود شیر خود را نمی دهد ممکن خانم خوب، مغرور خوب اجتماع و بالوی با سلیقه باشد اما بهیچوجه نمی توان آنرا مادر خوانده برنامید

بقیه در صفحه ۲۸

برین ادعای من صحنه میزند. امین از تبعید و شکنجه و کوب و کوب و زندانی ساختن زنان هدفمند و چیز فهم جامعه ما هیچگونه ندریغ نگرفته است. هر روز می دیدیم که زنان را از خانه و محل کار و حتی از روی سر کها جوجه جوجه سوی شکنجه گاه ها و زندان ها قرون وسطی خود می فرستاد.

هو وطن شریف ما با وجود یکه هر یک خود در بساط سوگند نشسته و بیاد یکر از وابستگی خود پیش اشک می ریزند، قضاوت کنند که در کدام دوره بی از جبارترین امراء و سلاطین کشور ما چنین عمل وحشیانه صورت گرفته است که کودکان و زنان با خشم و خشونت شکنجه و تهدید بدبسا نوبق و تحقیر با توهین و ناسزا از کانون های گرم خانواده های آنان به صوب شکنجه گاه های حیات سوز و زندان های هنسی افکن کشانیده شده باشند. کدام امپرو سلطان جابر و خونریز مانند سلطان امین جلاد، تا این حد وحشیانه، زنان شریف، پیکار جو و وطن پرست را که تازه پادشاه عرصه کار زار زندگی سیاسی نهاده بودند تبعید و زندانی ساختند باید به صراحت گفت: که امین در شکنجه و تهدید و توهین و تبعید و زندانی ساختن زنان روی همه جلادان و دشمنان صلح و آزادی را به اصطلاح مستشو کرده و سفید ساخت.

زنان شرافتمند ما چه گناه داشتند که هر روز در جنگال خون آشام امین قرار می گرفتند؟ بجواب باید گفت: که گناه امین زنان جز

و فتنه بیانات فتنی، عوام فریبانه و به ظاهر انقلابی امین جلاد را از نظر نگذاریم ملاحظه خواهیم کرد که او در هیچ بیانی خود سخنی در باره زن و نقش آن در حیات اجتماع و بخصوص در باب کار و پیکار زنان رزمجو و وطن پرست ما در جریان پانزده سال مبارزات طبقاتی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، بر زبان نیاورده است. امین امر خود مویده آنست که امین عمیقاً بازمان آگاه و پیکارجوی ما خصومت ورزیده و با این هم اکتفا نکرد، او دستیاران جنایتکار او هر روز زنان را جوجه جوجه به سوی زندان بل چرخ می کشا لید. زیرا امین از شکل و نیروی رزمنده زنان آگاه کشور هراس داشت تا مادام همانند مردان و دیگر افساد زحمتکش جامعه، روزی پرده از جنایات او برداشته و به زعم این جاسوس زنان نیز برای او و بانده تروریستی او فرد سرگردند.

بلی: امین هما نظریکه با وطن، خلق و انقلاب ما دشمنی عمیق داشت زنان را نیز نمی گذاشت که در راه اعتلای وطن و سرافرازی خلق و تکامل انقلاب شان متحدانه بزمند اما این ادعای خاص من نیست که در مورد امین و امینیان خاین می گفتم، بلکه اعمال ضد ملی و ضد دموکراتیک او، بخصوصی اعمال وحشیانه او در برابر زنان فوجیب کشور ما است که در آتیه قضاوت تاریخ و قووده های زحمتکش افغانستان عزیز

چرا زنهار یمل میزنند؟



اشس را باز کرده و از بود ر و غیره مواد در دست داشته استفا ده مینما ید. بعد از اینکه به سوی آینه نگاه کرد در فکر شس سوال خطور میکند : «چطور است!» و با خود جواب میگوید (همه در جا یش قرار دارد).

فقط این مرد ها ست که به ایسن اسرار پی نمیبند و گاه می سوال میکنند «چرا زنهار آرا یش میکنند؟» امروز در جهان آرایش بسیا ر مروج است . این هم اتفاقا قی نیست زما نی که مسا بقات در ین قسمت بر گزار میشود سالون از علاقمندان مملو میبا شد . این مسا بقات علاوه از داشتن جنبه کلام نشان دهنده هنر فن مذکور میبا شد.



بطور مثال زما نی که مسا بقیه جریان دارد تما شا چی فکر میکنند که شخص مورد نظر شس حتما نمره عالی را تصا حب خوا هد کرد اما برعکس حکم مسا بقیه آنرا نا چیز از زیا بی میکند .

در یکی از این نوع نما یشات که در مسکو صورت گرفت حکم قضاوت دقیق و عا دلانه خود را به تما شاچیان به اثبات رسا نید . قسمیکه تما شا چیان بعدا متوجه شدند واقعا در بعضی قسمت ها نقا یص آشکار وجود داشت . طور مثال آرا یش بطر یقی صورت گرفته بود فکر میشد که یک چشم نظر به چشم دومی

بزرگتر به نظر میرسد . این مسا بقات بسیا ر جدی و مشکل اند. حکم مجبور است تا تمام نقایص را آشکار سا خته و طوری که خود شان مزاح کنان میگویند : مرزه ها باید محاسبه بشوند . این نوع مسا بقات توجه یکنعداد زیاد مردم را جلب می نماید و همگان به ذوق و علاقه در آن اشتراک می ورزند .



بعضی ها مزاح کنان میگویند : آرا یش از روز اول بد نیا آمدن انسان بوجود آمده است . اما اگر بقیه واقعیت بر گرد یم دیده میشود که زنهار از زمان های بسیا ر قد یم بقیه آرا یش تو جه خاصی را مبدول مینداشتند و تا ریخچه آن بسیا ر طولانی میبا شد .

در حال حاضر لوا زم آرا یش کشف شده است که بقیه زمان بسیا ر قد یم تعلق دارد با این میله کو چک زنهار برای آرا یش لسهای شان استفاده میکرد ندهمچنین مردم در مصر قد یم ویونان از آرا یش بدور نمیرفتند و از وسایل دست داشته استفا ده میکرد ند. این نکته نیز اتفاقا قی نیست که در مجسمه های که سا بقیه چند ین هزار سا له دارند الفاظ (اگر مقبول هستی - خوش باش) حک شده است .

آنها را نور مال میسا زد . همینکه زن به صورتش در آینه نگاه کرد و متوجه شد که هنوز جدا بیت را از دست ندا ده یکنوع احساس روانی نموده که این حادثه در کارهای روز مره اش کمک فراوانی مینماید .

یکتعداد زنهار حتی اعتراف می کنند که تا وقتی ریمل نزنند نمی توانند به کار روز مره آغاز نمایند . بطور مثال متوجه شده با شیبسده همینکه زنی عصبی شد بکس دست

در حال حاضر روان شنا سنان بدین معتقدند زنهار بعد از اینکه از خواب بر خاستند در مقابل آینه می ایستند و به آرا یش سر و صورت شان آغاز میکنند . این عمل برای زنهار یکنوع تمرین است که اعصاب



مقام زن

- ۱- زدن زن با شاخه گلی همسزا وار نیست .
مانو
- ۲- وظیفه یک زن درست نمودن اخلاق و تهذیب شوهرش می باشد.
نا پلیسون
- ۳- زن نیمی از بیکر اجتماع است ...
«...»
- ۴- عشق هر ض است ولی زن پرستار این مرض .
«...»
- ۵- تمام افکار و تعلیمات یک مرد به محبت و صداقت زن نمی ارزند.
ولتر

فرستنده : عبدالملك شرف



نعل های خود را
جا به کشتیا نی خود را
کفش های سفر خود را
قلب درود گری خود را
آنچه که میتوانم بکنم
و آنچه بمن یاری رساند که رنج بپریم
و آنچه که سر سخت و نابداشته ام
حل ناشدنی و هجرت ناپذیر
تادر جهان بیا بوزند

که آنچه می نوشتند آب روان ،
میتواند ببرد و سیر و سفر کند
میتواند برود و باز گردد
میتواند رنج ببرد و دوست بدارد
میتواند با شد و با دوام با بد
میتواند فرو شکند یا ببرد
میتواند بسپارد و تا ریک باشد
میتواند بدون گوشتی باشد
میتواند شور بختی را تحمل کند .
میتواند چشم براه یاری باشد
گرچه گروهی از قلبانان
زندگی ما را نپسندند .
سر انجام ، مای توانیم وجود داشته باشیم
ای چه بسیار بار که زاده شدیم
تا همچون آفریده ای در بی

شعر زیرین ، بنام «وصیت خزان» دایزگترین شاعر عصر ما بابلونرودا سروده
ولوتی آرا گو ن شاعر و نویسنده بزرگ معاصر فرانسوی ، دو ستش ، پس از مرگ
غم انگیز نرودا ، چند ماه بعد از فاجعه کودتای چلی ، درباره آن «سو گنا مه نرودا»
را تحت عنوان «معیت شعر» ساخته است که هر دو از شهرت فراوانی
برخور دارند . زندگی نرودا ، زندگی شاعری در دوران درد و نبرد بود . به گفته
خود او :

بعد پنهانوی نیست جز رنج ، جهانی نیست جز خون

هر اندازه هم که دورتر بروی ، جیزی تغییر نمی کند .

ترجمه و مقدمه از احسان طبری



وصیت خزان

بین مردن و نمردن
من بر گزیده ام سازرا
و در این چرخه برگرد
دل من را درنگی نیست
زیرا ، آنجا که کمتر چشم براه منند
من با گروه خویش فرا میرسم
برای دو نخستین شراب
در کلاههای سبدین پالیز

بدون میروم ، حتی اگر در راه بندد
ولی اگر نپذیرم ، دور میشوم
من از آن دریا پیمان نیستم
که در بیابان یخین گم می شوم
مانند باد ، ساز گارم
با زرد ترین برگها
بافصل های منموخ
چشممان تند پس ها

وامر هم گوشه ای بیارم
در درون گر دوی آتش است
در آنچه مشتج و منفجر است
و سپس بی سر نوشت سفر می کنم

در در از نای این سلطور
تو باید که نام خویش را بیا بی
تاسف اندکی دارم

مطلب دیگری در میان نبود
اگر نه از بسیاری چیز ها
از آنجا که «هستی» و از آنجا که «نیستی»
و این برای همه روی میدهد
احدی نیست که از همه چیز سرور آورد
وزما نیکه اعداد را جمع می بندند
همه ما دولت مندان دروغین بودیم
و اینک مستمندان نوین هستیم

اموال زمینی خویش را بخشوده ام
به مبین خود و مردم خویش
اکنون مطالب دیگری در میان است
چنان تیره و چنان روشن
که با ایشمه یکی هستند

آلمان که کار انگور هاست
و دو فرزند توانایش
شراب سفید و شراب سرخ
هر روشنی تیره است
و همه چیز خاک و آجر نیست

در مرده ریگ من سایه هاورو باه است
به کینه و گداشته ام



دشت گل

د دشت چمنی بخواب دیدم
یکدشت گل گلاب دیدم
در ساغر چشم نیم مستی
دریا دریا شراب دیدم
در قطره محیط یکسرانی
در ذره یی آفتاب دیدم
در جامه نیلگون نشی را
آتش بسیار آب دیدم
وز طرز نگاه فتنه بارش
یکشهر در اضطراب دیدم
فرخنده می که شامگاهان
بر روی تو ماهتاب دیدم
(حیدری پنجشیری)

آزمونی نمکود گرد آورم
بسوی رجعت های لاهوتی
بسوی منازل ناسونی
و بد انسان منتقل میشوم بی آنکه بها نم
بکدام جهان باز میگردم
و اگر به زیستن ادامه میدهم
در حالیکه امور حل میشو ند
من گواهی خود را اینجا باقی گذاشتم
سر گشتگی سر گردان خویش را
تا با بسیار خواندن
کس نتواند چیز دیگر بیا بوزد
مگر جنبش جا ودانه را
از کسی که روشن است و گمراه
و با را نی است و شا دان
و کوشا ست و خزان زده
و اکنون در پس این برگ
میروم و نا بدید میشوم
چپشی در شفا فیت
مانند شنا وری آسمانی
و سپس باردیگر به بزرگ شدن می آغازم
تا آنکه روزی چنان کوچک شوم
که باد مرا بربود
و دیگر آنکس نخوا هم بود که نام دارم
و آنکس نیستم که هر با مداد بیدار میشوم
و آن زمان نغمه را در خموشی میخوانم

از گلستان بر چیده ایم



دست تصرع چسود بنده محتاج را
وقت دعا برخدای ، وقت گرم در بغل؟
از زرو سیم ، را حتی بر مسان
خو یستن هم نفعی بر سر گیر
و آنکه این خانه کز تو خواهد ماند
خشتی از سیم و خشتی از زر گیر

آورده اند که در مصر اقارب درویش داشت ، بقیه مال او توانگر شدند و جامهای
کهن برنگ او بدزدیدند و خزود میاطس بریدند. هم در آن هفته یکی را دیدم از ایشان بر باد
بایی روان ، غلامی در پی شوآن .

شلغم پخته

هرگز از خود زمان ننالیده بودم و روی از گردش آسمان درهم نکشیده مگر وقتی که
بایم برهنه مانده بود و استطاعت پای پوشش نداشتیم ، بجامع کوفه در آمدم دلشکته ، یکی
را دیدم که پای نداشت ، سپاس نعمت حق بجای آوردم و بر پی کفشی صبر کردم .

مرغ بریان بچشم مردم سیر
کمتر از برگ تره بر خوانست
و آنکه را دستگاه و قوت نیست
شلغم پخته ، مرغ بر یا نست

وہ کہ گر مرده باز گردیدی
بمیان قبیلہ و پیوند
رد میراث سخت تر بودی
وار لسان را ز مرگ خویشا ولد

بسیاقه معرفتی که میان ما بود ، آستینش گرفتم و گفتم :
بخور ، ای نیک سپرت سره مرد
کان نکلون سخت گرد کرد و نخورد
سعدی

چشم دنیا دار

بازرگانی را شنیدم که سدوینباه شتر ، بار داشت و چهل بنده خدمتکار ، شبی در
جزیره کیش مرا به حجره خویش در آورد . همه شب نیارمید از سخنهای پریشان گفتن ،
که فلان انبارم به ترکستان و فلان بضاعت بپندومتانست و این قبائل فلان زمینست
و فلان چیز را فلان ، زمین ، گاه گفستی : خاطر اسکندریه دارم که هوایی خوشست .
باز گفستی : نه ، که دریای مغرب مشوشست . سعدیا ، سفری دیگرم در پیشست ، اگر آن
کرده شود بقیعت عمر خویش بگوشه بنشینم . گفتم : آن کدام سفر است ؟ گفت : گوگرد
پارسی خواهم بردن به چین که شنیدم قیمتی عظیم دارد و از آنجا کاسه چینی بروم آرم
و دریای رومی بپند و فولاد هندی بحلسب و آبگینه حلبی بپند و بردهای بیارسی و زان
پس ترک تجارت کنم و بسدگانی بنشینم . انصاف ، از این ماخولیا چندان فرو گفت که
بیش طاقت گفتنش نماند . گفت : ای سعدی ، تو هم سخنی بگویی از آنها که دیده ای و
شنیده . گفتم :

آن شنیدستی که در اقصای غور
بار سالاری یفتاد ز ستور
گفت : چشم تنگ دنیا دار را
یا قناعت پر کند یا خاک گور

گر به بوهریره

مالداری را شنیدم که بیخ چنان معروف بود که حاتم طایی در کرم . ظاهر حالش
بسعادت دنیا آراسته و خست نفس جلی دروی همچنان متمکن ، تا بجایی که نانی بجایی از دست
ندادی و گر به بوهریره را بلقه می نخواستی و سگک اصحاب الکف را استخوانی نینداختی .
فر الجمله ، خانه او را کس ندیدی در کشاده و سفره او را سر کشاده .

درویش بجز بوی طعامش نشنیدی
مرغ از پیس نان خوردن او ، ریزه نجیدی

شنیدم که بدریای مغرب اندر ، راه مصر بر گرفته بود و خیال فرعونی در سر ، حتی
اذا احرکه الفرق ، بادی مخالف کشتی بر آمد .

با طبع ملولت چکند ، هر که سازد
شرطه هموقتی نبود لایق کشتی

دست دعا بر آورد و فریاد بی فایده خواندن گرفت ، و اذار کبوا فی الفلك دعوالله مخلصین
له الذین .



دافعان بچی

ای بچه دافغانه ! قهرمان دهر کوئی
چه بچی نی ددی خا وری ، کلک مین به دلگو غروئی

ای بچه دافغانه ! ته دخیل بابا بچی نی
ته تر تیرو هم لاکلک نی ، چه لوی شوی به میرو نی
ته عتاب نی ته شا هین نی ، داوطن دی زالکری ده
به پرواز شه ای عتابه ، چه بچی دجگو غروئی
ته سیلاب نی یو تو فا نی ، دک له قهره اوله زوره
کلک منگول لری زده وری ته بچی دشنوز مرو نی
سغندر دغیر توئی تا خولک نشی گر خولی

تا مات کوی قسوه ، متر مرگی فنلخیرو نی
ته لوی شوی نی آزاده ، اسارت نشی منلی
ته قس نشی منلی ، چه بچی دسر دروئی
ته بچی دخیل وطن نی ، کالی ، بو نی نی واره ستا نی
ته دخیلو شتو واکدار نی ، ته خا وند دسینو سروئی

ته روان شه خیلو ورونو سره جویر افغانستان کوه .
تور قسروله دستم او استشاره سره ورا کوه

شعر : زرغون سحر



تقریباً در حدود هشتاد میلیون اطفال در نقاط فقیرتر جهان همه ساله چشم بدینا می کشانند که حتی ده فیصد ازین اطفال از خدمات يك نفر کارمند صحتی به منظور حصول مصوویت در مقابل یکی ازین امراض مهلك دوره طفولیت بر خوردار شده نمیتوانند درحالی که برعکس نود فیصد اطفال دنیا ی مترقی در مقابل امراض مانند دفتیری، سیاه سرفه، تیفوس فلج و سرخکان و قایه می گردند.

با تعجب باید یاد آور گردید که موفقیت پروگرامهای و قایوی در ممالک مترقی جهان در ظرف بیست سال اخیر بعضاً هراس یا ترس و قایه اطفال را در مقابل امراض آنقدر از میان برداشته است که حتی اسما و علایم شان اغلباً از خاطر هافرا موش گردیده و یا با امراض دیگری در محل مورد اشتباه قرار گرفته است.

مشکل واقعی را میتوان در جای دیگر سراغ نمود باین معنی که ارقام دردناک نود و هفت فیصد کلید و فیات اطفال دارای سنین کمتر از پنجسالگی را در ممالکت رو به انکشاف وانمود میسازد در

در جهان مترقی امروز تسهیلات و قایوی در مقابل امراض برای اطفال فراهم گردیده زیرا آنها می دانند که یگانه کلید محو امراض وقایه آنست در بپلوی آن دردنیای رو به انکشاف عصر حاضر سالانه در حدود پنج میلیون اطفال توسط امراض انتانی که وقایه از آنها میسر می باشد از بیست و نه تا سی و دو درصد در حالیکه میلیون ها افراد دیگر توسط امراض از قبیل ملاریا امراض معدیه معایی که میتوان در امکانات و قایه آنها را از طریق

غیر از معافیت (واکسیناسیون) میسر گردانید جان خویش را از دست میدهند حتی انقلاب تکنالوژی عصر حاضر که ساحه مخابرات و وسایل تفاهم با ظهور دوره استفاده از تلویزیون یکجا با تسهیلات رادیویی و مستندفلمی و حکایات متصور مجلات نتوانسته است این واقعیت مسلم را به سمع همگان درحالی می رساند در صورتیکه صحت اطفال از طریق های مختلف مخصوصاً واکسیناسیون وقایه می گردد. میلیون ها اطفال

که همه ساله جانشانرا بشکلی دردناکی از دست میدهند حفظ شده میتوانند.



کمبود مواد غذایی و بعضی از امراض کوک را به چنین حالتی سرد چار میسازد.

زوندون

از منابع سازمان صحتی جهان

ترجمه: دکتر عبدالسبحان

هاتفی

مراقبت بهتر طفل



مراقبت های صحتی واکسیناسیون های به موقع طفل را از بسیاری امراض وقایه میکند.

اسباب سوء تغذی اطفال و تدابیر جلوگیری از آن

خوانندگان گرامی و خا نواده های محترم چنانکه میداند غذا و چگو لگی صرف آن در نمو و پرورش اطفال همچنان در تامین صحت انسان تاثیر به سزا دارد برای اینکه اهمیت این موضوع را خوبتر روشن و توضیح نموده باشیم مصاحبه ای را با پوهنمل دوکتور سید حسام المل رئیس شفاخانه حایه طفل و مادر انجام داده ایم که ذیلا تقدیم میشود:

سوال: آیا سوء تغذی اطفال يك پسرانم عمده صحت مملکت عزیز ما محسوب میشود و یا خیر؟
 جواب: سوء تغذی نه تنها پسرانم عمده صحت اطفال مملکت عزیز ما محسوب میشود، بلکه پسرانم مهم اکثر ممالک جهان روبه انکشاف می باشد، یعنی بیشتر در آسیا - افریقا و امریکا ی لاتین مشکل فوق العاده عمده بشمار میرود. و همه ساله اطفال مصاب به سوء تغذی یا فقر مواد غذایی به شفاخانه ها مراجعه می نمایند.
 ناگفته نماند که اکثریت اطفال که به امراض متعدد و گوناگون به شفاخانه ها و یا مراکز صحتی چه در مملکت عزیز ما و یا در کشورهای روبه انکشاف مراجعه می نمایند، ضمنا مصاب درجات مختلفه سوء تغذی نیز می باشند. و طوری که تخمین کرده اند ۴۰٪ فصد اطفال مرگومیر اطفال با آنکه شاید ظاهرا سبب عمده مرگ و میری شان توضیح نگردیده باشد مربوط سوء تغذی می باشد. باید علاوه کرد که اطفال مصاب به سوء تغذی بر علاوه که پسرانم صحتی يك کشور روبه انکشاف محسوب میگردد، پسرانم های اجتماع، اقتصادی و سیاسی را نیز بوجود می آورد که اگر با لای هر کدام آن بحث و مشاجره صورت گیرد ساعت ها را در بر خواهد گرفت. آنچه را که باید یاد آور شد اینست، که اولاً شاید اطفال مصاب به سوء تغذی اگر در جات پیشرفته آن قرار داشته باشند بعیند و یا اگر در کشورهای کمکی های به موقع مراکز صحتی و تعلیمات صحتی شغایاب گردند باز هم مانند يك طفل سالم نشوونما کرده نتوانسته، بطانیت و توقف، گاه در نشوونمای او بوجود می آید و یا اینکه وجود این طفل برای تهاجم میکرو ب ها فوق العاده مساعد می باشد که اگر این موضوع را بصورت مفصل تحت مطالعه خویش قرار دهیم وقت زیاد ما را در بر خواهد گرفت، بنا لازم نمیدانیم که موضوع متذکره فوق را بصورت مفصل مورد ارزیابی و مشاجره قرار دهیم بهتر است این موضوع را کارکنان مراکز صحتی و دوکتوران جوان اطفال بصورت مفصل بخاطر داشته باشند و برای

دو علت مشخص نداشته بلکه نتیجه عوامل مختلفه می باشد که عبارت انداز:
 ۱- کمبود مواد غذایی و یا عدم دسترسی به آن.
 ۲- تشوش در جذب و امتصاص مواد غذایی در طفل.
 ۳- ضرورت نسبتا بیشتر اطفال به مواد غذایی چون در حالت نشوونمای سریع می باشند.
 لکن باید گفت که از جمله عوامل فوق تنها فکتور اول به سوء تغذی مملکتی مهم بوده و پسرانم صحتی اطفال جهان سوم را تشکیل داده که در خور توجه باید قرار گیرد. زیرا کمبود مواد غذایی و یا عدم دسترسی به آن با احتیاق آن استوار می باشد.
 اول: شرایط اقتصادی: مثلا:
 ۱- فقر:
 ۲- فقر:
 ۳- صعود قیمت مواد غذایی مخصوصا پروتئین حیوانی (گوشت).
 ۴- مادرانیکه برای تامین اقتصاد خانواده اجبارا به انجام کارهای شاقه دوامدار خارج از خانه مصروف اند مثلا در (فابریکه - مزرعه - معمار منازل و غیره).
 ۵- تعداد اطفال و اعضای فامیل.
 دوم: شرایط اجتماعی: مثلا:
 ۱- اعتنات مختلفه مضر در خانواده ها، و محدودیت در دادن بعضی غذاها مثلا بعضی از فامیل ها به اطفال شان تخم نمیدهند و چنین وانمود می سازند که اگر تخم به طفل داده شود، طفلش زود حرف نمیزند یا بعضی از فامیل های اند که اصلا از نظر مذهبی گوشت نمی خورند و غیره.
 ۲- شرایط جدا کردن از شیر مادر: بعضی از مادران وقتی که طفل شان را از شیر جدا کردند او را یا غذائی درست نمیدهند و یا اگر میدهند یکنواخت بوده و یا اینکه او را قبلا به خوردن غذا عادت نداده اند و یا اینکه او را بخانه والده کلان، خانه و یا عمه اش اعزام میدارند، تا از نظر مادر دور باشد و به این ترتیب او دیگر آرزوی شیر مادر را نکند. در حالیکه همه این فکتور ها بذات خود هر کدام آن در جدائی طفل از شیر مادر جدی تلقی شود. و به مادران تعلیمات و تلقیات صحتی داده شود تا در هنگام جدائی طفل شان در شیر او را به خانه اقارب اعزام ندارند. زیرا وقتی چشم او از مادر دور گردد در یک فضای فرامیگیرد که محروم از عواطف مادری گردیده اشتباه اوسقوط کرده و در نتیجه يك سلسله فکتور های دیگر نیز بان علاوه شده طفل را مصاب سوء تغذی میسازد.
 ۴ نوعیت غذا: اکثریت مادران دادن شیر قطعی را نظر به شیر خویش ترجیح میدهند و آنراحتی علامه پرستیز و حیثیت میدانند، لکن شرایط تیه شیر، توان خرید، و مقدار رنگه باید به طفل داده شود، در چنین جوامع مشکل بوده و هم چنان شرایط حفظ الصحت و نگهداشت آن اسیر نیست

خلاصه يك آب سفید رنگ است که به طفلش میدهد. و تدریجا ترازیدی سوء تغذی را بار می آورد.
 ۵- عدم آگاهی والدین از ارزش های مواد معدنی مثلا آهن و املاح و غیره.
 ۶- ولادت های شیر به شیر: که صحت مادر و طفل را متضرر میسازد.
 سوال: لطفا اگر در مورد اینکه سوء تغذی در اطفال چه نوع اعراض و علائم را بار می آورد معلومات بدید؟
 جواب: اعراض سوء تغذی نظریه شدت و پیشرفت حادثه متفاوت بوده و اشکال مختلفه را از کمبود خالص کالوری کمبود کالوری و پروتئین که دو حادثه مشخص و جداگانه است بوجود می آورد و از هم تفاوت دارند.
 با نهم بصورت کل گفته می توانیم که اعراض اساسی و غیر اساسی ذیل در نوزاد اطفال مصاب سوء تغذی دیده میشود که عبارت انداز:
 ۱- توقف و بطانیت نشوونمای فیزیکی، یعنی کمبود وزن و قوامت.
 ۲- از بین رفتن و کمبود مواد شحمی تحت الجلدی.
 ۳- ذوب شدن عضلات نواحی مختلفه.
 ۴- تغییر رنگ موها و ریختن آن.
 ۵- تجمع مایعات و پندیدگی در نهاییات و وجبه.
 ۶- یک حالت بی تفاوتی روحی بدین معنی که طفل لایق بوده و با محیط خود آمیزش ندارد.
 ۷- تغییرات جلدی: یعنی پیداشدن بعضی لکه ها در جلد و یا تراکم صباغات در جلد و یا تغییر رنگ جلد.
 ۸- اسقوط اشتها.
 ۹- اعراض مترافقه مثلا وقوعات زیاد اسپهال.
 در سوال هشتم از اعراض مترافقه مخصوصا اسپهال یاد آورشدید لطفا اگر این موضوع را کمی بیشتر توضیح دهید؟
 جواب: هر یضای مصاب سوء تغذی به حملات بیشتر و شدید اسپهال معمولا مواجه میباشند که حتی از اعراض آن شمرده میشود. و هر زمانیکه حالت سوء تغذی بهبود کسب نماید، وقوعات و حملات اسپهال نیز کمتر میگردد علت مساعد بودن چنین اطفال به اسپهال عبارت انداز:
 ۱- تناقص قوای مدافعه ای مقابل امراض گوناگون در چنین اطفال.
 ۲- خمود دو خسرابی غشای مخاطی اما که در جذب و امتصاص مواد غذایی رول دارد.
 ۳- جزینه مساعد نشوونمای میکروبی درامعای چنین اطفال.
 سوال: لطفا اگر در مورد سر نوشت و عواقب اطفال مصاب به سوء تغذی کمی معلومات بدید؟
 جواب: مرگ و میر در اطفال مصاب به سوء تغذی مخصوصا در دو سال اول بقیه در صفحه ۵۷

آینه‌آینده

قیافه شما آینه آینده شما است و باید از همین اکنون متوجه چهره خویش باشید. دانستن چگونگی آرایش صورت، برای دختران و زنان جوان خیلی پراهمیت است زیرا اگر او روش نیکو و علمی آراستن قیافه خود را بداند همیشه دارای چهره ای روشن، پاکیزه و بی چین و چروک خواهد بود.

بعضی از دوشیزگان جوان، تصور می‌نمایند که آرایش چهره وسیله‌ای است که می‌توان با آن، لکه های صورت را پنهان کرد. اما آنها اشتباه میکنند هیچکس بخصوص دختر تازه جوان، نباید درحالی‌بی تجربگی و ندانستن شیوه علمی آراستن قیافه، بزیب و زینت قیافه خویش پردازد.

همچنین نباید صورت خود را در حال ناپاک بودن جلد آرایش نماید. یک دختر تازه جوان شاید از طرف مادر خود بشنود که نباید به آرایش صورت خویش پردازد زیرا هنوز او برای این کار خیلی جوان است. این دختر باید طبق دستور مادرش عمل کند زیرا دستور مادر درین موضوع به سود دختر است و دختر تازه جوانی، که خود بخود از شادابی و جذابیت صورت و جلد، برخوردار میباشد. اگر قیافه اش را آرایش مینماید جز آنکه صدمه‌ی بزیبایی صورتش وارد نماید، کار سودمندی را انجام نخواهد داد.

یک دختر، شاید برای استعمال لبرین خیلی جوان باشد اما برای آراستن موی سر جوان نباشد. و اگر این دختر از همین‌اکنون طوری عمل کند که در جستجوی شکل‌دادن بهتر موهای خود میباشد، هرگز در آینده از این ناحیه بشکلی مواجه نخواهد شد و همیشه موهایش طوری مرتب خواهد بود که قیافه‌اش را زیبا و دل انگیز بنمایاند.

پس باید از همین امروز عادت بگیرید که چهره تان را «بشمول گردن» طوری که لازم است، ستره و شاداب نگه‌دارید و این را فراموش نکنید و حتما در نظر داشته باشید که افسلا روز دو بار روی را با آب گرم شستو بدهید و در هنگام شستن گوشتش کنید که با انگشتان دست تان، صابون را بروی پوست صورت تان مالش دهید. حرکت انگشتان تان در این مالش دادن باید دورانی باشد. بکشید حصص مختلف صورت خویش را، صابون بزیب و هیچ جای آرایش زدن نگذارید و آن قسمت های قیافه تان را که بیشتر جری دارد «مانند زیر لب و اطراف بینی» مورد توجه خاصی قرار دهید. بعد از آنکه روی تان را خوب با آب شستید، با دستمال آرا محتاطانه خشک کنید.

بر علاوه شستن روی، در موقع صبح و شب، بکشید، در طول روز نیز باری آرایش کنید

و پاکیزه گردانید بخصوص اگر چهره شما جری دارد.

در رخسار اکثر از دوشیزگان حسن و سال شما، دانه های پیدا میشود اگر شما نیز یکی از همین دسته دختران جوان می‌باشید باید درین مورد، برخی از حقایق را بدانید. بعضی دوکتورن بدرستی حقیقت پیدایش این دانه ها را نمیدانند. اما رهنمایی های مناسبی در قسمت تحت کنترل قرار دادن آنها، نموده میتوانند. سپس درین فرصت مراجعه به دو کتوران با تجربه عملی خوب است.

عموما، زمانی که، شما به سن بیست و سالگی می رسید این دانه ها، خود بخود از بین میروند ولی، اقداماتی وجود دارند که با عملی نمودن آنها میتوانید حتی در سن پیش از رسیدن به بیست سالگی، از بروز آنها جلوگیری نمایید.

نخستین اقدامی که میتوانید درین مورد انجام بدهید این است که دستهای خویش را، از صورت خود، دور نگه‌دارید و جدا متوجه این نکته باشید که کندن دانه های صورت منجر به لکه های همیشگی می‌شود و باید هرگز صورت خویش را، در حالیکه دارای دانه ها میباشد نخازانید.

توصیه ما این است که چهره خود را همیشه پاک و ستره نگه‌دارید، آرا خوب بشوید و برای این کار از صابون های طبی و یا محلول های تجویز شده استفاده و برای خشک نمودن آن، از دستمال های پاک و نرم کار بگیرید. موهای خود را، از قیافه تان دور نگه‌دارید و بخاطر داشته باشید که مو های شما نیز باید پاک و مرتب باشد و سوسوک سرومو های جرب فایده ای به دانه های روی نمی رسانند.

غذای شما، نقش مهمی در زیبایی صورت شما، بازی میکند و این مفکوره که باید از خوردن زیاد چاکلیت، شیرینی باب، مغزیاب و غذا های جرب صرف نظر کرد یک فکر خیلی خوب است.

خوردن سبزیجات پر برگ و نوشیدن آب زیاد و سایر مایعات خیلی مفید است. این یک مساله روشن است که هر اندازه‌ای که صرف غذای شما بهتر و خویتر باشد به همان اندازه جلد شما پر درخشش و شاداب خواهد بود.

هنگامیکه، به مرحله ای رسیدید که چهره تان را باید آرایش نماید باید از آرایش های ساده استفاده نماید و اکثر اوقات تنها از لبرین کار بگیرید و پس.

استعمال زیاد مواد کیمیای و آرایش قبل از سن بیست سالگی از یکطرف مسامات جلد تان را مسدود و در اضافه شدن دانه های روی شما کمک میکند از جالبی شخصیت شما را درانظار، کوچک جلوه میدهد.

نکته دیگری که باید بخاطر داشته باشید عبارت از استراحت است. البته شما باید بدانید که شستن زیاد، هرگز لکه‌های اطراف چشمهای شما را، دور نموده نمیتواند خود را عادت بدهید که هر شب هشت تا ده ساعت خواب کنید.

بقیه صفحه ۲۶

از تاریخ باید...

در عمل و در نتیجه‌ی پایمردی مردم افغانستان دید که غلط حدس زده بود و این کشور قربان تسخیر ناپد بر است. مردم غیور و سلحشور افغانستان این کشور گمشای نامدار را چارسال تمام در کشور خویش به اصطلاح به کاسه‌ی سراب داد و حتی خودش و یک قوماندانش بنام بظلمتوس زخم برداشتند.

این رویداد کلاسیک تاریخی درس بزرگی برای جوانان وطن پراختخار مای آموزد که چگونه اتحاد و یکپارچگی آنان کشور و مردم ما را از جنگال متجاوزین و استعمار گران رهایی میبخشد.

باز هم تاریخ افغانستان باستان را ورق می‌زنیم در قرن دوازدهم میلادی هنگامیکه بر سرزمین ما امیر بی تدبیر و ترسوئی حکم و ای می‌کرد و در پهلوی سرحدات کشور ما (البته در همان زمان) صاعقه‌ی بوقوع پیوسته بود

در کنار سرحدات شرقی و جنوبی ما چنگیز این سفاک ترین موجود بشری بقدرت رسیده بود و با وجود آنکه عظمت و قدرت کشور ما او را واداشته بود تا از در دوستی پیش آید ولی

خیره سری هیات حاکمه ((که سوا مردم زحمتکش بودند)) این پلنگ خونخوار را بضم آورد. این امیر (سلطان محمد خوارزمشاه) با وجود آنکه سرزمین وسیعی را از سیحون تا

عراق اداره می‌کرد و چهار صد هزار سوار مجهز داشت و تمام راههای تجارتی را نیز در دست داشت یعنی همه راههای تجارتی آنوقت تا سواحل مدیترانه از قلمرو خوارزمشاه میگذشت. و هنگامیکه هیات حسن نیت چنگیز خان از طرف این امیر خیره سرور در باربان همانندش با برخورد

تطبیق دستور های، داشتن یک قیافه جذاب و پاکیزه و شاداب خیلی ساده و آسان میا شد و هرگاه خویش را به آن عادت بدهید از نتیجه آن خیلی مسرور و شادمان خواهید گسردید و از داشتن یک جلد زیبا و دوستداشتنی و صورتی قشنگ و جذاب، در طول زندگی، مباهات خواهید نمود.

بدانید که شستن زیاد، هرگز لکه‌های اطراف چشمهای شما را، دور نموده نمیتواند خود را عادت بدهید که هر شب هشت تا ده ساعت خواب کنید. نان است.

غیر دوستانه استقبال گردید و تارومار شدند، چنگیز خان به همین بهانه و برای اخذ انتقام با عساکر خویش به کشور ما یورش بردند. امیر ترسو و بی مقدار بعوض اینکه با نیروی عظیمی که داشت بادشمن بمقابله برخیزد راه فرار در پیش گرفت و هر قدر وطن پرستان او را به مقاومت ترغیب کردند، کم شتید و سر انجام کشور را در معرض تباهی قرار داده خود فرار نمود. همه میدانند که چنگیز و اخلاش چه تبهکار تبا و ویرا نگریبایی در افغانستان کردند و چقدر هموطن ما را از تیغ کشیدند و شهرها و قصبات معمور وطن ما را با خاک یکسان کردند.

با وجود آنکه مردم افغانستان بدون پادشاه و سرپرست بزرگترین حماسه هارا درین حادثه ثبت تاریخ نمودند ولی ویرانگری و سفاکنی دشمن بی اندازه بود.

ازین حادثه ی المناک چنین باید آموخت که این مردم و زحمتکشان اند که از مام وطن و از حیثیت آن دفاع می‌کنند و هر وقت که سلاطین و ملت خواران اندکترین خطری را متوجه خود دیده اند وطن را در معرض بلا گذاشته و خود را از مرگ نجات داده اند در مقابل وطن پرستان و مردم افغانستان از همه امکانات و سر بازی های امکانات و سر بازی های خود برای دفع دشمن استفاده کرده اند و جان و مال خود را در مقابل وطن قیمت نداده اند و هکذا در طول تاریخ این مردم افغانستان بوده که وطن خود را از چنگ دشمن نجات داده و ویرانی های ناشی از کینه توی دشمنان وطن را با عرق ریزی و فداکاری جبران کرده اند.

نویسنده : ارلست هورز
ترجمه‌ی : داود زهدی

طلا این ماده گرانبها و پرازش از شش هزار سال قبل باینطرف افکار انسان را به سوی خود جذب نموده است .

طلا ماده عجیبی است که زمین سعادتمند و خورشیدی بشر را مساعد میگرداند . طلا بحدیث معیار ارزش، مقامی والا دارد و این فلز نجیب با زیبایی مختص بخود ، در سراسر جهان ، بصورت میله های زرد رنگ و لشم در جریان قرار دارد . قیمت رسمی هر اونس آن در گذشته سی و پنج دالر بود و چند سال قبل فی اونس به سی و هشت دالر نفروشی می رسید اما این نرخ نیز بسرعت تغییر کرد ، و امروز هر اونس آن به بیش از شش صد دالر ارزش پیدا نموده است . در آمریکا و برخی از کشورهای دیگر جهان طی چندین سال قوتونا نگهداری طلا بصورت انفرادی ، باستانهای استفاده آن بصورت جواهرات زینتی ، متنوع بوده است .

طلا

بانکهای مرکزی ممالک ، طلا را در سیف های خویش بحیث ذخیره و پشتوانه نگهداری می نمایند و کشورها در معاملات امور حسابی خویش از آن استفاده مینمایند . طلا زمانی بحیث اساس پولی ما و اکنون بصفت ستون سیستم صندوق پولی بین المللی نزد اکثر کشورهای جهان ما ، حیثیت یگانه فلز محبوب را دارد .

اما طلا چیز دیگری هم است . یعنی این فلز سلطان فلزات بوده و بدون آن تمدن ما مشکل موجود را نخواهد داشت .

سمبول علمی طلا که شاخص عشق و علاقه که ما در اینجا حرف از آنجا مختصر تذکری انسانها با این فلز است از قرن ها باینطرف ، همانا ، تصویر آفتاب بود اما اکنون سمبول آن (ای . یو) می باشد .

طلانه از گذشته زمان متأثر می شود و نه از هوای نامساعد فوری می بیند . آب و اکثر محلول های مخرب نیز ، روی آن تأثیری ندارند از این روست که تصاویر و مجسمه طلایی جاودان باقی می مانند .

طلا را آب کرده واز آن قالب گرفته اند و این کار در طول زمان بقدری تکرار گردیده است که شاید انگشت کلک شما ، روزی گردنبد ملکه ای «شیوا» بوده باشد .

استعمال طلا مورد زیاد داشته از نوک قلم گرفته تا طلا نوبن بشقاب ها و ریسمان های کیهان نوردان ، از طلای باشد .

طلا رنگ روشن دارد ، زیاد سنگین است و قدرت سیم ساختن و ورق گرداندن آن از همه فلزات زیاد تر می باشد . در ورق سازی میتوان ، یک ورق طلا را ، یک برود صد پنجاه هزار یک آنج نازک ساخت واز یک اونس طلا سیمی بطول سی و پنج میل بدون آنکه بشکند ساخت .

اگر طلا با سایر فلزات مخلوط گردد سخت تر می شود و خواص ظاهری خود را

تغییر میدهد . مخلوط کردن نقره با طلا رنگ آنرا مایل به سفید میسازد اما مخلوط مس آنرا سرخ میگرداند . رنگ های زیبای دیگر مانند سبز ، نارنجی ، یاقوتی و غیره را نیز میتوان بدین ترتیب یعنی با مخلوط نمودن طلا با سایر فلزات بدست آورد .

حینیکه که شما زیورات طلایی را خریداری مینمایید اگر بخواهید که اندازه طلای خالص آنرا معلوم کنید میتوانید آنرا به محک بزیند . و بدانید که چقدر طلا در آن بکار رفته است . حصه ای طلای خالص ، در هر چیز ، به قیراط تعیین میشود ، بیست و چهار قیراط بشهوم طلای خالص است . پس یک انگشت هر حده قیراط عبارت است از هجده حصه طلا و شش حصه مخلوط فلز دیگر .

زرگرهای عصر جدید ، معلومات تخنیکی زیادی از زرگر های سابق در مورد طلا کسب نکرده اند .

از شاهان گذشته ، گلدنها ، و تاج های طلایی بری ما باقی مانده است . همچنان از «توس کن ها» که شاید زرگر های ماهر زمان باستان بوده باشند کاسه کوچکی بدست ما رسیده که در آن یکصدوسی و هفت هزار تگین کوچک و مدور طلایی ، بکار رفته و باصطلاح دانه نشان گردیده است و این دانه نشانی طوری صورت گرفته که شکل شگوفه ای را نشان میدهد .

طلا از نگاه فشرده بودن ذخیره معنوی را بار می آورد . زیرا یک «کیوبک» فنت طلا ، یعنی یک توت طلا بطول ، عرض و بلندی یک فنت بیش از نیم تن وزن و در حدود هفت - صد و چهل هزار دالر باسما نرخ قدیم ، ارزش دارد . هرگاه تمام ذخایر طلای روی زمین را ، آب کنیم ، ارزش آن نودوشش

سلطان

بلیون دالر شده و عبارت از یک خشت طلای عظیم با اندازه یک خاله بزرگ خواهد شد . طلا را در همه موارد از اشیای ناچیز گرفته تا اشیای گرانبها بکار برده اند . یک تراز روسی بایک مجسمه طلایی بازی وساعت تیری می کرد .

شهر با عظمت آتن در زمان «اکویلیس» مجسمه بزرگ و طویل ، «آینا» را که لباس آن ، پیش از یک تن وزن داشت حایسز گردید .

اکثر از عجایب طلایی جهان باستان اکنون نابود گردیده اند اما موزیم های قاهره هنوز هم تابوت های پادشاهان قدیم خود را که از طلای خالص ساخته شده اند در خود دارند . هر یک از این تابوت هاشش فنت و دو آنچ طول و دو هزار و چهار صدو پنجاه پوند وزن دارد .

در سال ۶۵۰ قبل از میلاد پادشاه «لیدیای» بنام «گیز» نخستین سکه طلایی را ضرب زد که دارای نشان شاهی همان زمان بود . از سکه پادشاه مذکور همین امروز نیز چند سکه ، موجود است که هر سکه آن به بیش از سی و هشت هزار دالر خرید و فروش میشود .

درین تحایف و نمونه های که کرسنوی کلمبوس در اولین مسافرت خود از امریکابه

هسپانیا ، فرستاد چند پارچه طلا هم موجود بود . حتی که هسپانوی ها وارد دنیا جدید گردیدند این حقیقت برای آنها روشن گردید که آنها به «الدوراو» رسیده اند .

«ارناندو کارتس» وقتی که در مکسیکو پیاده شد کمربند خویش را به هندی های بو می آنجا داد تا آنرا با خاک طلا آخته سازند . «فرانسکو پیزارو» با یکصدو هشتاد نفر از همراهانش وارد دنیای طلایی «پیرو» گردیدند زیرا در آن زمان در این سرزمین بقدری طلا فراوان بود که اکثر اشیای را از طلا ساخته شده بود .

چشمان این هسپانوی ها از تگریستن آن همه طلا خیره گردید و تا امکانش برای آنها میسر بود ، خود را صاحب طلا ساختند .

این بیگانگان تا یک صد سال بطور منظم وارد امریکا شده و کشتی های مملو از طلا و نقره ربه اروپا رسانیدند . همین ثروت سرشار در اروپا منجر به انقلابی گردید که سیستم تبادل جنس به جنس را و اقتصاد تبادل جنس به پول را در صنایع رویکار آورد .

طلا تقریباً در هر سرزمینی پیدا میشود . مس ، زغال سنگ و خاک های زردی که ما از آن جهت آبادی عمارات خویش کار می گیریم شاید دارای یک مقدار طلا باشند .

در هر یک «تریلیون» آب شور بحر نیز یک فیصدی معین طلا وجود دارد . طلا از نگاه استخراج اقتصادی بدو طریق بدست می آید .

یکی بصورت رگها و دیگر بطور پاشان و پراکنده . رگهای طلا عموماً در سنگ لاخ های کوهها وجود دارد که عموماً با سنگ «کوارتز» از داخل زمین ، طی دهها میلیون سال قبل ، بیرون انداخته شده اند .

خاکه پاشان و ریزه های طلا نیز درین همین سنگها وجود داشته تا آنکه تخریبات جوی با آن مصادف گردیده و پارچه های ریز و کوچک طلا در طول مسیر دریا ها ذریعه آب حرکت داده شده و در برخی ممالک در کنار دریا ها انتقال یافته و مردم از آن استفاده میکنند .

امروز تقریباً تمام نقاط طلا داریمی کشف شده است . استخراج معادن طلای کلیفورنیا در سال ۱۸۴۸ توسط جیمز مارشال آغاز گردید . یک سال بعد از این تاریخ هشتاد هزار نفر در جستجوی طلا بطرف غرب سرازیر شدند .

معادن طلای افریقای جنوبی تقریباً هشتاد

فلزات

سال پیش از امروز مورد استخراج قرار گرفت . از این معادن سالانه تقریباً دو هزار تن طلا معادل نصف طلای جهان استخراج میشود .

روسیه شوروی در تولید بیست و پنج فیصد طلای جهان در بین کشورهای طلا دار جهان مقام دوم را دارد .

امریکا چهار فیصد طلای جهان را تولید میکند و با این تولید سهمی در تولید طلای دنیا دارد .

طلا بدرجه ۱۹۴۵ فارنهایت ذوب میگردد اما اگر بصورت مایع در دریا به تغییر رنگ

نمیدهد . تماشای طلای مایع در فابریکات ذوب طلا ، خیلی دلچسپ است ، طلای ذوب شده از ظرف های کوچک دارای دسته ای آهنی به قالب های آن میریزد . دسته های این ظرف ، برای ریختن طلای مایع باید خیلی محکم باشد .

زیرا اگر یک قطره کوچک هم از آن بیرون افتد شاید در حدود یک اونس وزن داشته باشد . میله های که از قالب ها بدست می آیند دارای نمرات مسلسل میباشند تا میله های مذکور از هنگامیکه توسط مو تر های مسلح از فابریکه خارج میشوند تا وقتی که بجا های مطلوب میرسند تعقیب شده بتوانند .

میله های طلا بعد از خروج از فابریکه ، ممکن است دچار حوادث گوناگون گردند . زیرا قرار تجاری که بعمل آمده از هر هفت میله طلایی که از فابریکه خارج می گردد با آنکه حمل آن بطور خیلی مستون و منظم صورت می گیرد یک میله آن ، از مسیر خود خارج شده اطراف واکتاف جهان را می گردد . در همه نقاط جهان بازار سیاه طلا وجود دارد مارکیت های عمده طلا که در شهر های چون بیروت ، داکار ، هانگکونگ و بمبئی موقعیت دارند مقادیر زیاد طلا را بفروش میرسانند .

کسی که به خرید و فروش یک میله طلا بپردازد در حدود یک هزار دالر سود می برد . امروز هیچیک از کشورهای جهان ، طلا را بحیث پول رایج خویش در دادوستد بکار نمی برد . اما بعضی ممالک برای فراهم نمودن قناعت افراد ذوقمند طلا ، طلای مسکوک نیز دارند . چنانچه در بریتانیا مسکوک طلایی را ضرب می زنند و در بازار های آسیا به قیمت زیاد بفروش میرسانند .

همچنان طی سالهای اخیر سکه های بیست دالری امریکایی که در ایتالیا ویا لبنان از طلای بهتر ضرب زده میشود وارد بازار گردیده و بالای توریست ها به قیمت فی سکه شصت پوند بفروش میرسد در حالیکه ارزش آن چهل دالر میباشد .

مردم فرانسه میتوانند که سکه های طلایی را قانوناً از هر بانک کشورشان خریداری نمایند زیرا آنها طلا را بهترین تضمین در



میله های طلا دارای نمرات مسلسل میباشد مقابل هر گوه خطر میداند . از این رو و فرانسوی ها یک بر چهار حصه طلای انفرادی جهان را که در حدود پانزده بلیون دالر میشود در خانه هایشان دارند .

سایندالان از قرن ها باینطرف ، ادعا بقیه در صفحه ۵۲

باشتر الك در روز نامه ها و مجلات کشور بر آگاهی تان بیفزایید.

اطلاعات و کلتور با فرو ریختن مرز
نفاوت وجه اشتراك شهر و ده در
خدمت بیشتر علاقمندان روز نامه ها
جرايد و مجلات است .

بغا طر اینکه در سال نو کلیه
روزنامه ها، جرايد و مجلات بتوانند
در وازه های تمام مشترکین راصرف
نظر از شهری ورو ستا یی یکسان
بکوبد ، مد یریت عمو تو زیع
روزنامه ها و مجلات وجه اشتراك
علاقمندان را در کلیه نقاط کشور
یکسان میبد یرد .

دستد ران روزنامه ها ، جرايد و
مجلات :

شما که بر قلل شامخ و بر برف
زندگی میکنید و یا در دشت های
گسترده و وسیع حیات بسر می
برید

شما که در کابل هستید و یا در
دره های پر خم و پیچ میتوانید با
پرداخت وجه اشتراك یکسان در
جمله مشترکین روزنامه ها، جرايد
و مجلات مابا شید از داغ تر یسن
رویداد ها، خبر ها ، حوا دث آگاهی
بیابید و ساعت هاسر گرم شو ید.

روزنامه حقیقت انقلاب ثور:

اگر خواهان روزنامه حقیقت
انقلاب ثور میباشید در هر جای
کشور که هستید در بدل دو صد
افغانی و اگر شامگرد و یا محصل
باشید با ارا نه تصدیق در بدل
یکصد و پنجاه افغانی یکسال بشما
روزنامه میفرستیم .

انیس:

اگر انیس میخواهید در
هر گوشه میهن که باشید با پرداخت
دو صد و بیست افغانی و اگر
شامگرد و محصل هستید با پرداخت
یکصد و پنجاه و پنج افغانی یکسال
روزنامه رسان درب منزل شما را
میکوبد .

هیواد:

اگر روزنامه هیواد را
بخواهید در هر کنار وطن که هستید

در بدل یکصد افغانی و اگر شامگرد
و محصل باشید در بدل هفتاد و پنج
افغانی یکسال روزنامه در خدمت
شماست .

کابل نیو تایمز:

اگر روزنامه کابل نیو تایمز
را انتخاب کنید در هر
نقطه کشور که باشید با پرداخت
یکهزار و شصت افغانی و اگر شامگرد
و محصل هستید با ارا نه تصدیق و
پرداخت دو صد و پنجاه افغانی
یکسال شما مشترک ما هستید .

مجلات و جرايد ما نیز حسب زیر
یکسال در خدمت شما خواهد بود.

مجله ژوندون:

سالانه پنجمند افغانی برای
متعلمین و محصلین با ارا نه تصدیق
چهار صد افغانی .

کمکیانو انیس:

سالانه یکصد و بیست و پنج افغانی.
مجلات پکتیا، کندهار، ننگرهار،
بلخ، کپول، آواز، فرهنگ خلق
هنر، کتاب، گوشا نی و جرايد
یو لدوز، گوراش و سوب دردا خل
کشور سالانه شصت افغانی برای
متعلمین و محصلین با ارا نه تصدیق
چهل و پنج افغانی .

مجله آر یانا بزبان انگلیسی:

سالانه یکصد و شصت افغانی
برای متعلمین و محصلین با
ارانه تصدیق یکصد و سی افغانی.
شما میتوانید در مرکز همه روزه از
اول تا اخیر حوت بمد یریت عمو می
توزیع روزنامه ها و مجلات در جوار
عمارت مطابع دولتی، انصاریوات
مراجعه و اشتراك نمایید و یا وجه
اشتراك تا نرا از مرکز و ولایات
به حساب (۶۰۰۱) و ارداد دولت
تحویل و آویز آنرا مستقیما
عنوانی مد یریت عمو می تو زیع
روزنامه ها و مجلات انصاریوات
کابل بفرستید .

شرح اشتراك روزنامه ها:
و مجله در خارج کشور:

وجه اشتراك روزنامه حقیقت-
انقلاب ثور، انیس، هیواد و کابل-
نیو تایمز در خارج کشور، هوا یی
صد دالر و زمینی سی دالر .
برای محصلین، هوا یی هفتاد و پنج
دالر زمینی بیست و سه دالر .
وجه اشتراك مجله ژوندون در
خارج کشور هوا یی صد دالر، زمینی
سی دالر برای محصلین، هوا یی
هفتاد و پنج دالر، زمینی بیست و سه
دالر وجه اشتراك مجله کمکیانو انیس
در خارج کشور، هوا یی پنجاه دالر،
زمینی بیست و پنج دالر .

وجه اشتراك مجلات پکتیا، کندهار،
ننگرهار، بلخ، کپول، آواز، فرهنگ
خلق، هنر، کتاب، گوشا نی و
جرايد یو لدوز، گوراش و سوب
در خارج کشور هوا یی با نرزه دالر،
زمینی پنج دالر، برای محصلین،
هوا یی دوا زده دالر و زمینی چهار
دالر .

وجه اشتراك مجله آر یانا در خارج
کشور، هوا یی دوا زده دالر، زمینی
پنج دالر برای محصلین، هوا یی نه
دالر زمینی چهار دالر .

مد یریت عمو می توزیع روزنامه
ها و مجلات از آغاز سال نو با وسایل
بیشتر و جدی تر در خدمت علاقمندان
روزنامه ها و مجلات است تا آخرین
اطلاعات روز و داغ تر یسن حوا دث روز
را بشما برساند و مجلات و جرا يد
محبوب خانوادها را در موقعش
برای آگاهی و سرگرمی تان تقدیم
کند .

وقت گرانبهاست، از زودترین
فرصت استفا ده نمایید تا کلکسیون
تان از آغاز مرتب باشد . زیرا با ختم
سال جاری میعاد اشتراك با یسان
میابد .

مرجع اشتراك:

مد یریت عمو می تو زیع روزنامه ها
و مجلات .

آیا تیلیفون برای...

بدون شك شما هم با ما هم عقیده هستید که تیلیفون وسیله ارتقا ملی برای آسان ساختن خانواده ها است و نباید از این راه سوء استفاده شود.

یکی دیگر از مزاحمین تیلیفونی، استفاده از تیلیفون های عامه است که بدون در نظر داشت موقعیت و مشکلات دیگران همینکه گوشی تیلیفون را گرفتند دیگر خدا بداد آنان برسد تا گوشی تیلیفون را بگذارند، گاهی اتفاق افتاده که در پشت غرفه تیلیفون عمومی صف طولی از مردم تشکیل گردد قانونیت بیابند. و این امر قساز کسی ندارد نه تنها در کشور ما بلکه در بسیاری از کشورهای دیگر از این نوع استفاده های نامعقول صورت میگیرد.

هدف از این تذکر اینست که آمده از همشهریان محترم باید رعایت یک سلسله نزاکت ها را بنمایند و با تیلیفون های بی موقع و طولانی شان باعث ضیاع وقت دیگران نگردند.

خوشبختانه با پیروزی مرحله نوین تکامل انقلاب نور زمینه های کار، مصروفیت در تمام شقوق حیات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی مهیا گردیده و با این احیا در زمینه های مختلف حیات، دیگر موقع آن باقی نمی ماند تا با بر حرفی ها و وراجی ها وقت خود و دیگران را ضایع سازند.

در جوامعی که زمینه کاروفعالیت وجود داشته باشد به همان اندازه مصروفیت ها خلق میگردد و این امر باعث میگردد که وقت و زمان که در امر سازندگی زندگی حیات نوین مائتس ارزنده دارد بیسوده بهدر نرود.

چندی قبل نامه به اداره مجله رسید و نویسنده نامه از بی حرفی همسرش در تیلیفون شکایت نمود.

نوشته شده است که: ... خدا میداند که چقدر این وضع ناراحت کننده است برای کسی که بخواهد به منزلت تیلیفون نماید، اما ساعت ها انتظار بکشد تا این تیلیفون فارغ گردد. این نویسنده محترم نوشته است: چندی قبل می خواستم به منزل خود تیلیفون کنم چون کار خیلی ضروری داشتم و نمی توانستم که با دیگر وسیله خود را بخانه برسانم زیرا وقت زیادی را در بر میگرفت از این رویه منزل خویش تیلیفون کردم اما هر قدر کوشیدم موفق نشدم که تماس حاصل کنم زیرا هر دفعه که نمره را دایر می کردم این مصروف بود خلاصه اینکه بیش از یک ساعت انتظار کشیدم تا بالاخره موفق شدم که با منزل خویش تماس حاصل نمایم. اما بعد بختانه دیگر وقت گذشته بود زیرا آنقدر معطل شده بودم که کار از کار گذشته بود و موفق نشدم که آن کار را به موقع انجام دهم. زمانیکه با عصبانیت علت مصروف شدن این تیلیفون را پرسیدم زنم به من گفت که تیلیفون به چه کار می آید که انسان نتواند خانه دوست و قوم خویش تیلیفون کند بعد ما دانستیم که همسر ما یکی از خواهر خوانده هایش قصه قلمی را که شب قبل در تلویزیون دیده بود به دوستش می نمود.

بلی قصه قلم از راه تیلیفون، این هم شد راه استفاده از تیلیفون!

خوب شما قضاوت کنید که آیا این کار منظورم این طور استفاده از تیلیفون کسار عاقلانه و معقول است؟

بقیه صفحه ۲۳

یکبار دیگر...

ترکیب خویش را از دست میدهد. در حالیکه سعی می شود با شیوه های نو ازین کار جلوگیری گردد.

کاربن فعال به صورت خیلی جدی خون را از توکسین ها (سم زهر) تصفیه می نماید گاهی میکائیکی برخی از تناسبات سلول های خون درین عمل مطرح بحث نیست برای کناره جویی ازین کار دانشمندان میخواهند کره های از کاربن

فعال را با ماده مخصوص بیوشانند. تا مانع انتقال آن به سلول های خون گردد. تا به آسانی اجسامک های زهری را رد نماید. در همه مراحل

تصفیه اساسا خون بیمار با ایجاد یک کانال ارتباطی به وسایل مغلق میکائیکی میرود و بعد زیر عملیه رفته تا در جریان تعاملات حساس و مطمئن تری تصفیه بشود. اینکار ناراحت کننده

نبوده و حداقل نیم ساعت را در شفاخانه دربر خواهد گرفت.

کاربن فعال در جریان عمل بیوند اعضا در دنیای جراحی نقش شایانی دارد.

ساله اش را در خانه تنها گذاشت، دخترک وقت کافی داشت تا به قرص های خواب آور رسیده و آنها را ببلعد. زیرا او فکر می کرد دواها باید نوعی از شیرینی باشند اما دخترک به معجزه آسا استفاده و عمل کاربن فعال از کام مرگ نجات یافت.

سال ها قبل دست اندر کاران طب، مانند بیوشیمی، معاویت و ایمنی شناسی و خون شناسی انستیتوت نانوی طب اتحاد شوروی تحت نظر آکادمیسین یوری لوبوخین بر پرابلمی مبتنی بر سم زدایی موادمسمی خون بر خوردند. این قدم بزرگی بود که امروز با زده اش را میتوان در خدمت مردم جهان به مشاهده گرفت. به

صورت عمده خون محتوی مواد و سلول های تفاوتی است و شامل دو بخش جامد و مایع است و بر خلاف تصور بخش زیاد خون آب نیست. ووی باید با محافظه استثنایی فیلتر بشود. درین صورت خون باید یک قسمت عمده از



چشم اندازی بر پهنای...

او در یکی از سالو نهایی گالری نقاشی «ترتیا کوف» باکو آویخته میا شد. از بالتهای مشهور «فراقراف» که بیشتر شهرت و محبوبیت دارد میتوان «هفتزیا روی» و «باکوره راه رعد» را نام برد که در مسکو، لنینگراد و بسیاری شهر های دیگر اتحاد شوروی و همچنان در کشورهای خارجی از هر کدام آن بخوبی استقبال شده و میشود.

همچنان در پایان این مبحث قابل تذکر است که در یکی از مسابقات، هنرمندان با لک شوروی، پیغله «نا دیزدایا ولوا»

معلمه صنف ششم مکتب خور پو گرافی شهر «برم» برنده گردید. موصوفه در آوقست شانزده ساله بود و حالا بیست و دو سال دارد و یکی از با شندگان شهر «چوکمار»

با ینخت جمهوری خود مختار شوروی سوسیالیستی «چو واشیا» در جمهوری شوروی فدرائیف سوسیالیستی روسیه میا شد. این عو لقبشای فزاینده هنری مظهری از مظاهر فرهنگی اتحاد شوروی و روشنگر نیروی ابدی با بان نا پذیر و جوانی هنر با لک آن سر زمین پهنای میا شد که پدیده های پر مایه آن روز تا روزمراحل متکا ملتر خود را در حلقه های هنر روان و مردم هنر پرورش بیش از پیش میباید. «ختم»

«کالیو یومادهیلوا» طراح رقص با لک، هنر- مند و رزیده فرغیزستان دو سال در «اولان» با تور «پایتخت مغولستان» تعلیم با لک را فرامیداد و در جنوری ۱۹۴۷ بنا بر تقاضای رفتاری ویتنامی به «هانوی» پایتخت جمهوری دموکراتیک ویتنام رفت و در مکتب رقص با لک شهر هانوی هنر با لک را میا موختا و «روبرت اراز کلدیف» از سال ۱۹۷۲ تا بعد از سال ۱۹۷۴ در قاهره پایتخت جمهوری عربی مصر شاگردان زیادی را در رشته با لک تعلیم و تربیت آموخت.

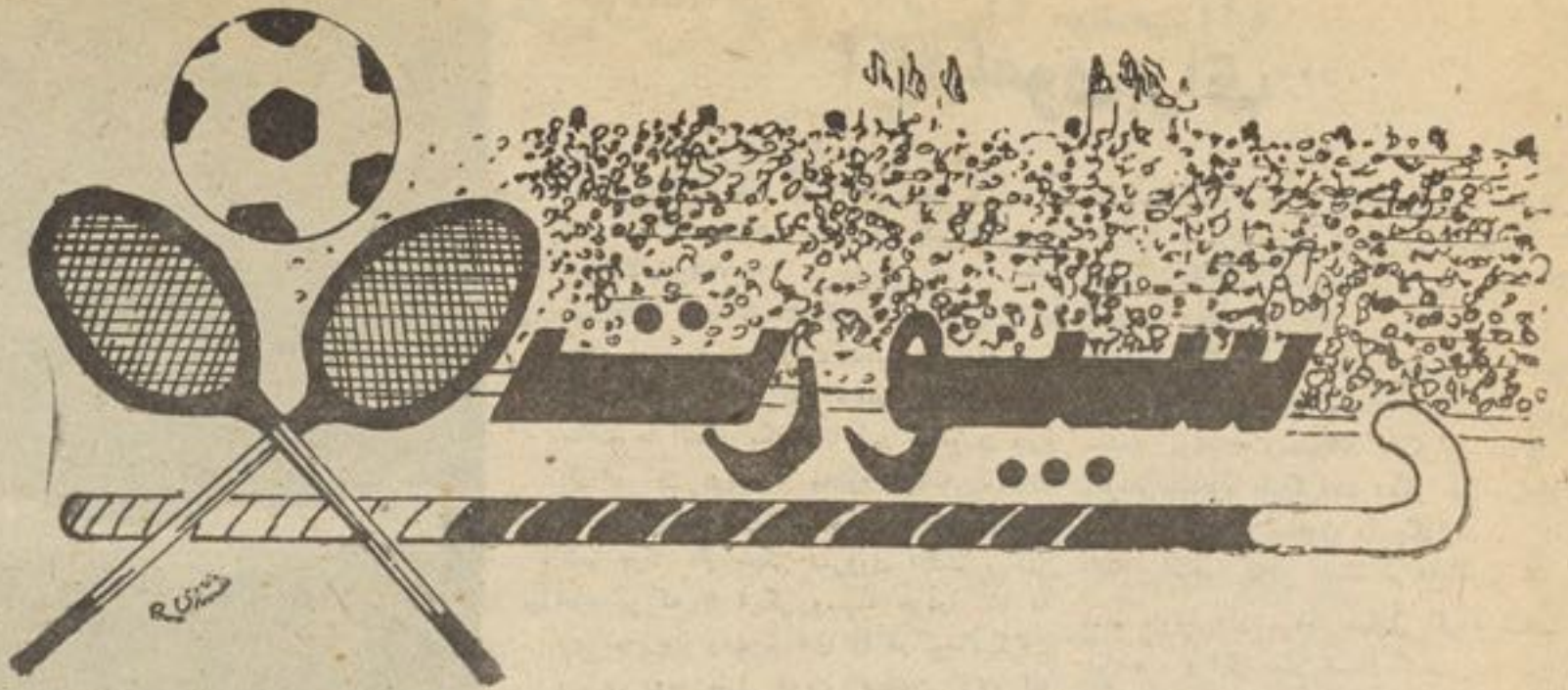
در آذر بایجان شوروی:

بطور نمونه از پیشرفت هنر با لک در حوزه قفقاز (سرزمین پریان کوه قاک)، جمهوری سوسیالیستی آذر بایجان شوروی را در اینجا مثال میزنیم. از ورای معلومات دستداشته واضح میگردد که قبل از انقلاب اکتوبر (۱۹۱۷) در آذر بایجان هنرمند با لک وجود نداشت ولی حالا در قفقاز او پر او با لک «باکو» پایتخت آذربایجان دسته با لک طراز اول مشغول فعالیت است. یکی از بزرگترین اساس گذاران و موسیقی با لک آذربایجان و کمپوزیتور مستعد «فراقراف» شامرد «دیتری شاستا کوویچ» میا شد که طاهر صلاحوف نقاش آذر بایجانسی تصویر او را کشیده و تا بلوی مرسوم می

را چنین معرفی می کند :

نام عبدالقیوم ونیرو لطیف تخلص می کنم
مدت ۱۵ سال می شودترینر بوکس درین کلب
می باشم و فعلا ۴۵ سال عمر دارم .
- چه میشود اگر از سابقه ورزشی خود
چیزی بگوئید ؟

- تقریباً ۳۵ سال می شود ورزش می کنم ،
از صنف هفت الی صنف دوازده در سپورت
های اجتماعی دیگر مانند هند بال ، باسکتبال
ودوش کار میکردم البته در پهلوی آن کم
کم بوکس هم میکردم وبعد از صنف ۱۲
زیاد تر در رشته بوکس کار کرده ام باید
بگویم که در مسابقات زیاد داخلی شرکت
نموده و موفقیت هایی نصیب گردیده است که
در نتیجه تمام مسابقاتم به شمول بوکس ۱۳
کپ ۲ مجسمه بوکس و ۲۵ مدال به یاد
کار گرفته ام و اینکه علاقه زیاد به بوکسینگ
بوده خواستم تا آخرین قدرت و پاری



در کلب ورزشی تعلیم و تربیه در حدود ۴۵ شاگرد

همه روزه تمرین می نمایند

حیات به این رشته قدم زنیو شاگردانی تربیه
نمایم . از جمله شاگرد های شناخته شده ام
که فعلا هم در همین کلب به تمرینات خود
ادامه میدهند و در پهلوی تمرینات خود با
شاگردان نو آموز نیز کار می کنند می
توانم از عبدالعلیم قهرمان وزن نیم فرید احمد
قهرمان وزن ۱۰ و حمیدالله که هر سه افتخار
عضویت نیم ملی را نیز دارند نام ببرم ، در
پهلوی اینها چهره های شناخته شده ی دیگر

نیز می باشند که خود شان فعلا استادان کلب
های آزاد هستند که در همین کلب تربیه
شده اند اینکه خود آنها فعلا استادان کلب
خود می باشند نمیگویم که شاگرد من می
باشند چرا که ... هستند شاگرد اینکه بعد
از دو سه ماه تمرین يك اندازه ورزیده می
شوند بعدا این کلب را برادر خوانده و به
کلب های آزاد متصل می شوند و یا اینکه
خود کلب ساخته می شوند استاد کلب (۱)
به پاسخ سوالی می گوید: به پیشنهاد استاد

نمایم در حدود سی نفر بوکس داخل رینگ
بوکس رو بروی هم قرار دارند و مشت های
به یکدیگر حواله می کنند این طرف رینگ
بوکس دوشک پهلوانی هموار است و در حدود
پنجاد پهلوان خرد و بزرگه دور آزمایی دارند
و در تلاش اند که ، که کسی راجت می کند تا
یاسینش نیز و پخته شود و در میدان مسابقه هم

حریف را چار پلاق به دوشک بزند و عدال
را نصیب خود گرداند . آهسته آهسته پیش
می روم و همچنان در هراسم که مبادا یکی
از پهلوانان حریفش را غلط نکند و من لنگ
وردار نشوم به هر صورت خود را به ترینر
شاگردان بوکس می رسانم و بعد از معرفی
واحوال پرسى به صحبت می نشینم . وی خود

شاگردان با استعداد ، در صورت موافقه
ریاست تربیت بدنی تا هر وقتیکه خواسته
باشند می توانند عضو کلب باشند و به تمرینات
خود ادامه دهند . همچنان در مورد تمرینات
شاگردان باید گفته شود که تعداد شاگردان
این کلب نظریه گنجایش خود کلب زیاد
بوده و روز افزون می باشد بخاطر جذب زیادتر
شاگردان ، تمام ورزشکاران به گروه های
مختلف تحت يك پروگرام منظم در هفته
سه روز تمرین می نمایند .

حال داخل اطاق تمرین کلب می شوم تا
بینم شاگردان در چه حال اند؟
او هو ، این چه حالت در حدود دو صد
شاگرد به تمرین پرداخته می ترسم زیرمشت
و لگد ورزشکاران خرد و خمیر نشوم تا چشم
دید خود را به ورزش دوستان زوندون حکایه

علامتدان محترم ورزش با کلب ورزشی
تعلیم و تربیه آشنایی زیادی دارند ، این
هفته سری به آن کلب زدم تا ببینم
شاگردان این کلب در کدام رشته تربیه
می شوند و چه گفتنی هایی دارند . ابتدا با سر-
پرست کلب که خودش هم يك ورزشکار
خوش اندام به نظر می خورد به گفتگو می
پردازم ، تا معلوماتی در باره چگونگی کلب
حاصل وبه شما خوانندگان صفحه ورزش
تقدیم نمایم بعد از چود هستی و بخیر ... خود
را چنین معرفی می کند :

اسم محمد سلیم تخلص ایوبی و فعلا سر-
پرست کلب ورزشی تعلیم و تربیه می باشم .
از محترم ایوبی می پرسم ، بطور عموم شاگردان
کلب چه چیز تمرین می کنند ؟

- شاگردانیکه درین کلب تربیه می شوند
و تمرین می نمایند در رشته های پهلوانی ،
بوکسینگ ، وزنه برداری ، چمناسبتیک
و پینگپانگ می باشد .
- شاگردیکه بخواهد عضویت کلب را
حاصل نماید چطور می تواند شامل کلب
شود ؟

- چون کلب تعلیم و تربیه بسک کلب رسمی
می باشد ، شاگردیکه بخواهد شامل کلب
شود به ریاست تربیت بدنی وزارت تعلیم
و تربیه در خواست می دهد که بعد از موافقه
ریاست مذکور و معاینه دکتوران وزارت تعلیم
و تربیه در صورتیکه وجود شاگرد سالم و
صحت باشد به امریت کلب معرفی میگردد ،
نظریه ذوق شاگرد در هر رشته ای که خواسته
باشد به ترینر همان رشته معرفی میگردد که
ترینر همان رشته مدت يك الی دو هفته تعلیم
تخنیکی و تکنیکی اش میدهد و بعد از معلوم
نمودن استعداد ، پابندی به حضوری و تمرینات
اخلاق خوب سپورتسی به حیث عضو کلب
شناخته می شود . نامبرده افزود :
در سابق شاگردان کلب تا وقتی عضویت
کلب را می داشتند که شاگرد مکتب می
بودند اما بعد از پیروزی انقلاب نظر مند نور



عبدالقیوم «نیرو لطیف»: در وقت تمرین به حد توان دقت می کنم تا شاگردان به سر و روی یکدیگر حواله نکنند .

که فعلا در حدود صد نفر و یا بالاتر از آن مصروف ترین اند. اما اعضای تیم الف کلب همه روزنترین می کنند که تمرینات آنها تحت نظر ترینان خارجی در جنازایوم پولیتخنیك صورت میگیرد.

شاگردیکه به این کلب جذب می شود برای يك و یا دو هفته تخنیک و تکنیک می آموزد بعدا با یکی از شاگردان لوجذب دیگر که اندکی سابقه دارتر می باشد مسابقه میدهد در همین وقت است که استعداد شاگرد برای پهلوانی معلوم می شود البته شاگردیکه لوجذب می شود مدت زیادی به کار دارد با يك اندازه از تخنیک و تکنیک های خوب برخوردار گردد.

- خوب استاد، ورزشکاران پهلوانی ازینس طریق چه کمکی به جامعه خود کرده می توانند؟

- در قدم اول در مسابقات داخلی و خارجی همین پهلوانان است که در رشت افغانستان عزیز را در پهلوی تمام ورزشکاران جهان بلند کرده و می کند و دوم اینکه از عایدات سپورتنی شان میتوانند به ناتوانان جامعه کمک ناچیز اقتصادی کنند.

حال بایکی از اعضای کلب که زیادخسته به نظر میرسد به گفت و شنود می پردازم:

- برادر شما چرا اینقدر خسته و مانده به نظر میرسد، همچنان خود را به خوانندگان صفحه ورزش معرفی کنید؟



اعضای کلب میگویند: ورزش بوکس هر ورزشکار را قوی پنجه، دلیر و خون سرد بار می آورد نه بدعاش.

تقبله است که یک گیلان شیر بعد از تمرین چندان انرژی ای برای ورزشکار نمیدهد؛ اما اینکه عاید هیچ نباشد و مصرف به خوار و لولگنج قارون هم باشد به افلاس رو بسرو می شود. نامبرده به سخنان خود چنین ادامه داد: در مورد تربیه شاگردان باید بگویم که هر استاد می تواند شاگرد خوب و باخراپ تربیه کند. اگر استاد خشن و تند خو باشد و با شاگرد به تند خوئی رفتار کند شاگردش هم پنجاه فیصد تند خویسی استاد را جذب می کند. به هر صورت ورزشکاران به صورت عموم و بخصوص هر بوکسر باید دارای اخلاق نیکوی اجتماعی بوده و برخورد انسانی و مردمی داشته باشد نه مانند کسانی که با و شما به چشم سردیده ایم چند روزی بوکس می کنند بعدتر بازار و یا راه های مکاتب ... به ناحق بهانه گرفته این و یا آن را مشک رنگ خیال کرده و دست های خود را بالاایش پخته می سازند که این گونه اعمال خلاب تراکت های سپورتنی و انسانی می باشد. وی گفت: حال که مرحله توفین تکامل انقلاب نظرمند نوره عوقیت رسیده امیدوارم گام های هرچه فراختر در ساحه ورزش در جامعه ما برداشته شود.

صحبت را با بوکسر ها ختم و با استاد پهلوانی از سر میگیرم.

- قسمیکه دیده می شود شما ترینر رشته پهلوانی می باشید، اگر خود را به خوانندگان محترم ژولنون معرفی کنید ممنون میشوم!

- اسمم سیده مومن متخلص به ساداتسی می باشم، تقریبا مدت دو سال میشود ترینر تیم پهلوانی کلب تعلیم و تربیه می باشم.

- فعلا در حدود چند نفر شاگرد درین کلب ترینر میکنند؟

- در طول سال تعلیمی که مکاتب شروع میشود تعداد شاگردان پهلوانی در حدود سه صد نفر میرسد اما در ایام زمستان تعدادی از شاگردان نسبت مشکلات راه و سردی هو آمده نمیتوانند. و تعداد شان تقلیل یافته

شود (۱) روی چه پختگی دارد؟ نازک ترین جای روی انسان است بر از رشته های اعصاب. چنانچه به بیکر درختسی اگر روز ها زده شود روزی میرسد که درخت بدون تریه زمین می افتد، همین طور اگر بوکسر هاهم در ابتدای آموزش به روی یکدیگر بزنند رشته های اعصاب تکان خورده و کله راپوچ می سازد اگر خواسته باشند دست هاراقوی بسازند خریطه های جرمی ای است که بنام (زنگ) یا مشک رنگ یاد می شود و با اینکه کور توپ های فوتبال را از رنگ برمی کنند و برای پخته شدن دست از آن کار می گیرند نه اینکه به کله و روی یکدیگر. چنانچه خودمی بینید که درین جا مشک های جرمی پر از رنگ وجود دارد و من شاگردان را میگویم به مشک بزنید تا دست تان پخته شود، ولی هرآن مراقب هستم که شاگردان به سر و روی یک دیگر حواله نشوند چنانچه درین مدت با نوزده سال حتی بینی یک شاگردم خون هم نتمده، موفق باشید استاد.

بعد از استاد با سید یعقوب محصل پوهنخی پولیتخنیك که عضو این کلب می باشد به صحبت می پردازم، نامبرده به پاس سخ سوالهایم میگوید:

کلب (خودشن) و نالید ریاست تربیت بدنی در بهار سال نو که سال فرخنده خواهد بود مسابقات عمومی بین تمام شاگردان بوکس تعلیم و تربیه دایر میگردد که در نتیجه آن شاگردان تیم منتخب انتخاب و در پهلوی دیگر تیم های منتخب به تمرینات خود ادامه خواهند داد نامبرده افزود: فعلا در حدود هشتاد شاگرد و یا بالاتر از آن درین کلب مصروف تمرینات مداوم هستند که در جریان سالهای تعلیمی سه تعداد شان همه ساله افزود میگردد که میتوان این جارا کلب نه بلکه فابریکه بوکسر سازی نامید (۱) و باید بگویم شاگردان بوکس و هم چنان همه اعضای کلب چنان تربیه میشوند مثلیکه در مکتب درس می خوانند یعنی لحظه به لحظه به هر یک از شاگردان درس داده می شود که چه گونه بزنند و چگونه دفاع نمایند که هر شاگرد این کلب تا جای امکان برخوردار از هر گونه تخنیک و تکنیک بوکس می باشد البته قاجاییکه خودم یاد دارم.

ساز نظر من بازی بوکس یک بازی خطر ناک می باشد چرا که بوکسر ها در وقت ترینر و مسابقه به سر و روی یکدیگر چنان حواله می کنند که اگر دفاع نشود از نور چشم و کله و ماغ بی بهره اش خواهد ساخت همینطور نیست؟ قسمیکه شما فکر کرده اید غلط است بوکس کردن تنها حواله کردن مشت به سر و کله نیست بلکه بوکسر هر ورزشکار را قوی پنجه، دلاور و خون سرد می سازد. بر عکس اینکه به کله و دماغ تقصی برسند و ورزشکار را ذکی و تیز هوش می سازد. اما هستند استادانیکه شاگرد را به نرضی اینکه ورزشکار تربیه کند با حیانتس بازی می کند. مثلا وقتیکه شاگرد جدید عضو کلب شان گردید دستکش را بدستش کرده و در میدان ترینر رهائش می کند در نرضی اینکه تخنیک و تکنیک را یادش بدهد می گوید به روی یکدیگر بزنید تا پخته



صرف تخنیک و تکنیک می آموزیم و بعد با حریف در میدان مسابقه زور آزمایی می کنیم

وزن

داکتر روبه مریض کرده گفت :
 - وزن شما چقدر است .
 - هفتادو پنج کیلو گرام .
 - حداکثر وزن چقدر بود ؟
 - نودوهفت کیلو گرام .
 - حداقل وزن چقدر بود ؟
 - سه کیلو یکصد گرام .
 داکتر با حیرت فریاد کشید :
 - چه گفتید سه کیلو ... ؟
 مریض جواب داد :
 - سلی داکتر ! روز تولدم ؟



بدون شرح



انتقام

زن وشوهر وارد اتاق شدند وزن رو به شوهرش کرد :
 - عزیزم ... فردا هفتمین سالگرد ازدواج من و تو هست ... پس تصمیم گرفته ام به این مناسبت یکی از مرزهای خود را که تخم من گذارد بکنیم !
 شوهر سری تکانداد و گفت :
 - حالت بکش زن ... برای چه ؟ من خواهر انتقامت را از مرغ بیچاره بگیری ؟
 - من اگر به جای تو می بودم گردن برادرت را که باعث آشنایی ما شد می شکستم !!

استعداد

زنکه تلفون اداره پولیس یکی از شوهر های امریکا بسدا در آمد دبیر دختری از آنطرف التماس گمان گفت :
 - بکنم بیایید ، دو مردناشناس بیخانهام آمده اند یکی بیرون و دیگری جوان . امید است هرچه زودتر یک پولیس بفرستید که مرد بیرون را از خانه من بیرون کنند !



مرد دست

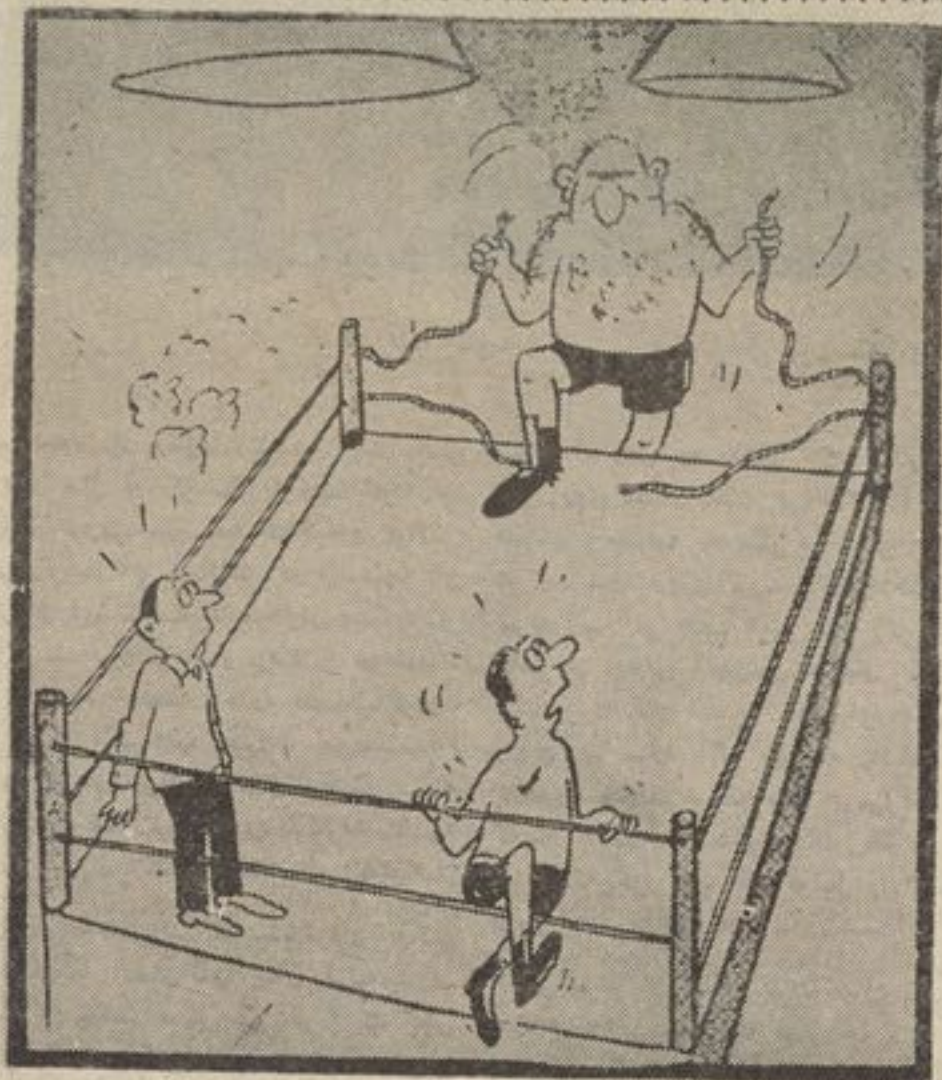
آقا نصفه شب بیست بیخانه برگشت ولی آرام وبا احتیاط وارد خانه شد که خانم بیدار نشود اما متاسفانه بایش به کدام چیزی بند شد دستگیر دروازه صورت وی رامجروح کرد . بازم با احتیاط از جایش بلند شد و نزدیک آینه رفت وصورت خودرا با آسمان کرد و خوابید . صبح خانم او را با عصبانیت بیدار کرد که :
 - باز دستب مست آمدی بهخانه ، اختیار داری یک قطره هم مشروب نخورده بودم .
 خانم نگاه بصورت زخم شده او کرده گفت :
 - عجب است : پس ممکن است بگوئی برای چه روی آینه را با این دقت بانساز کرده ای ؟



بدون شرح

دلیل آوردن یکجا

مادر از بچه اش پرسید :
 - بینم مریای آلبالو را تو خورده ای ؟
 - نه بخدا .
 - پس چرا خسته هایش روی زمین ریخته !
 بچه باسر بلندی جوابداد :
 - همین دلیلش است . برای آنکه من هرچه خوردم خسته هایش را هم قورت کردم .



بدون شرح

پسر هوشیار

پسر کاتکستر معروف از جلسه امتحان به منزل بر گشت و پدر با اشتیاق بسوی پسرش رفته پرسید :
 - پسرم بگو امتحان خوب بود پسر باغرور جواب داد :
 - عالی بود پدر جان ! آنها سه متمنی بودند دو ساعت تمام از من سوال کردند ولی یک کلمه نتوانستند از من جواب بگیرند !

اعتراف

تازه عروس باخجالت رو به شوهر جوان خود کرده گفت :
 - عزیزم حالا که زن وشوهر شده ایم و



بدون شرح

هیچ چیز را نباید از هم پنهان کنیم من ناچارم بتو بگویم که موهای من عاریه است :
 داماد جوان با خوشحالی جواب داد ناراحت نباش عزیزم انگشتر قسمتی را که من دادم هم بدل داشت .

در دیوانه خانه

دو دیوانه گرم گفتگو بودند ... یکی از آنها گفت :

- آه ... من با تو شرط می بندم کسه از طبقه دهم این منزل خودم را در بین حوض آب که برای مرغ آبی ها ساخته باندازم دهم آسمی بییم !
دیوانه دومی جواب داد :

- من هم حاضرم شرط ببندم که تو نمیتوانی اینج دقیقه بعد دیوانه اولی را به طبقه آخر ساختمان رساند و از پشت بام به بیرون خم شد و بدون تامل خود را در فضا رها کرد .
دیوانه دومی که از این عمل فوق العاده به حیرت افتاده بود سرعت از آنجا فرسار کرد و باخود گفت :

- ممکن است خودش روی آن حوض غرق شود و آن وقت همه تقصیرش را به گردن من اندازد !!



بدون شرح

بهازه یی

برای زن

زن جوان ، در حالیکه دستش پر از انواع بسته ها بود ، از فروشگاه بیرون آمد و به یکی از دوستانش بر خورد کرد و با نگرانی گفت :

- او ، خواهر ... نمیدانم از بابت اینس جنس ها که خریده ام به شوهرم چی بگویم ... امید وارم بتوانم بهازه ای پیدا کنم .

روز بعد دوستش به او تلفون کرد و پرسید :

- جریان خرید چطور شد ... بالاخره بهازه یی پیدا کردی ؟

- بلی ... آن هم چه طور .
خوب چی بود ؟

یک اتار موی طلایی بود روی یخن پیراهن شوهرم !!



از بالا به پایین - بدون شرح

اعتصاب

دو نفر مرد در باره زنهای خود صحبت میکردند ... یکی از آنها گفت :

- من تقریباً دو سال است که بازنم اصلاً حرف نزده ام .

دوست دیگر با تعجب پرسید :

- عجیب است ... مگر با هم در این مدت قهر بودید ؟

مرد اولی آهی کشید و گفت :

- نه ... چون من نمیخواهم میان حرف او حرفی زد ، باشم . !!

سن خانم

خانم بعد از آنکه از حمام بیرون آمد و سر و روی خود را بدقت تمام آراسته ساخت و به اتاق دیگر که شوهرش در آن مشغول روز نامه خواندن بود رفت و باو گفت :

- عزیزم ... سوال از تو میکنم که دلم

میخواهد جواب آنرا آنطور که واقماً فکر میکنی بدهی ... بگو بنظر تو قیافه من چند

ساله نشان میدهد ؟

شوهر نکامی به قدوبالای او انداخت و بعد فکر کوتاهی کرد و گفت :

- صبر کن بریت بگویم از طرز راه رفتنت

بیست و پنج سال ...

از رنگ پوستت تقریباً بیست سال ...

از موهایت در حدود هجده سال ... لبخند رضایت آمیزی چهره زن را روشن کرد و با

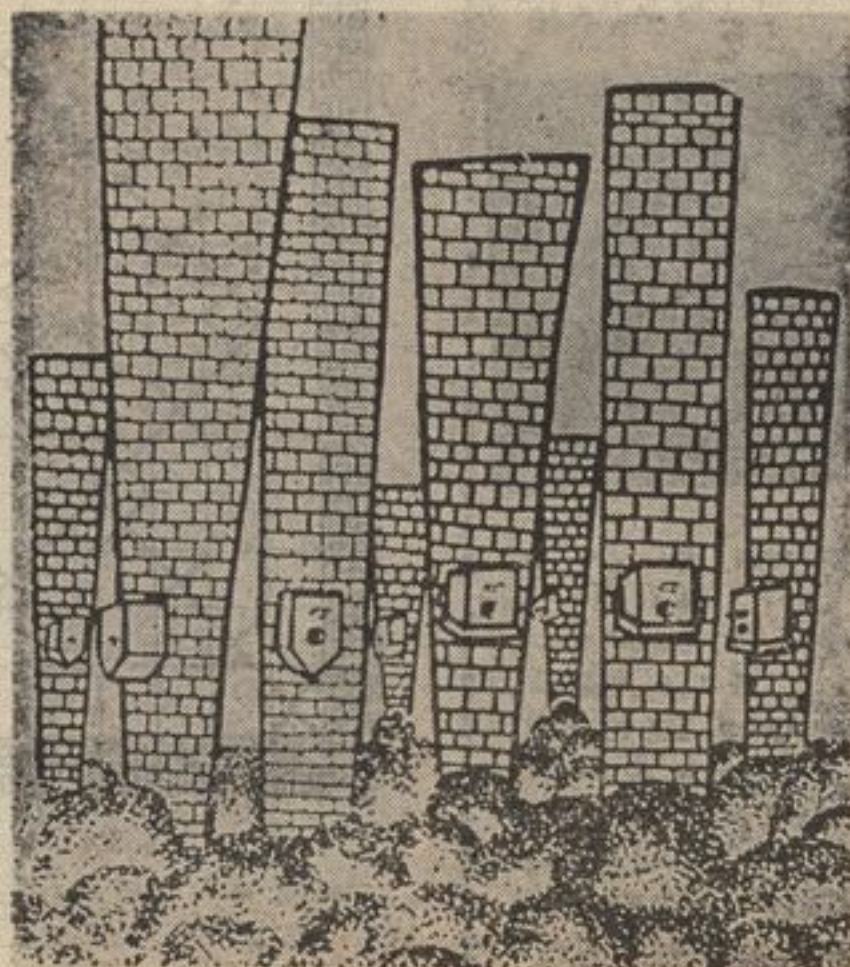
شوهر گفت :

- راستی میگوئی . یا فقط برای خوشحالی من این حرف را میزنی ؟

شوهر جواب داد :

- اوه ... ابعاً عزیزم ... صبر کنی همه این اعداد را باهم جمع کنم تا بگویم بنظر

من چند سال داری !!



بدون شرح

فاصله عقل و ابله یی

جوان پرگویی در برابر و لتر فرار گرفت که از آغاز مجلس همه را از پرگویی

و گفته های باطل و بیبوده خویش خسته کرده بود . و لتر از پرگویی اوجان آمده بود ، ولی

نمیدانست چه کند تا دهان آن جوان یاده گورا ببندد . ناگهان جوان از او پرسید :

راستی بفرمایید بدانیم که فاصله بین عقل شخص خردمند و عقل آدم ابله چه اندازه است ؟

و لتر بیدر تک جواب داد: کاملاً به اندازه این میزی که میان من و شما فاصله است .



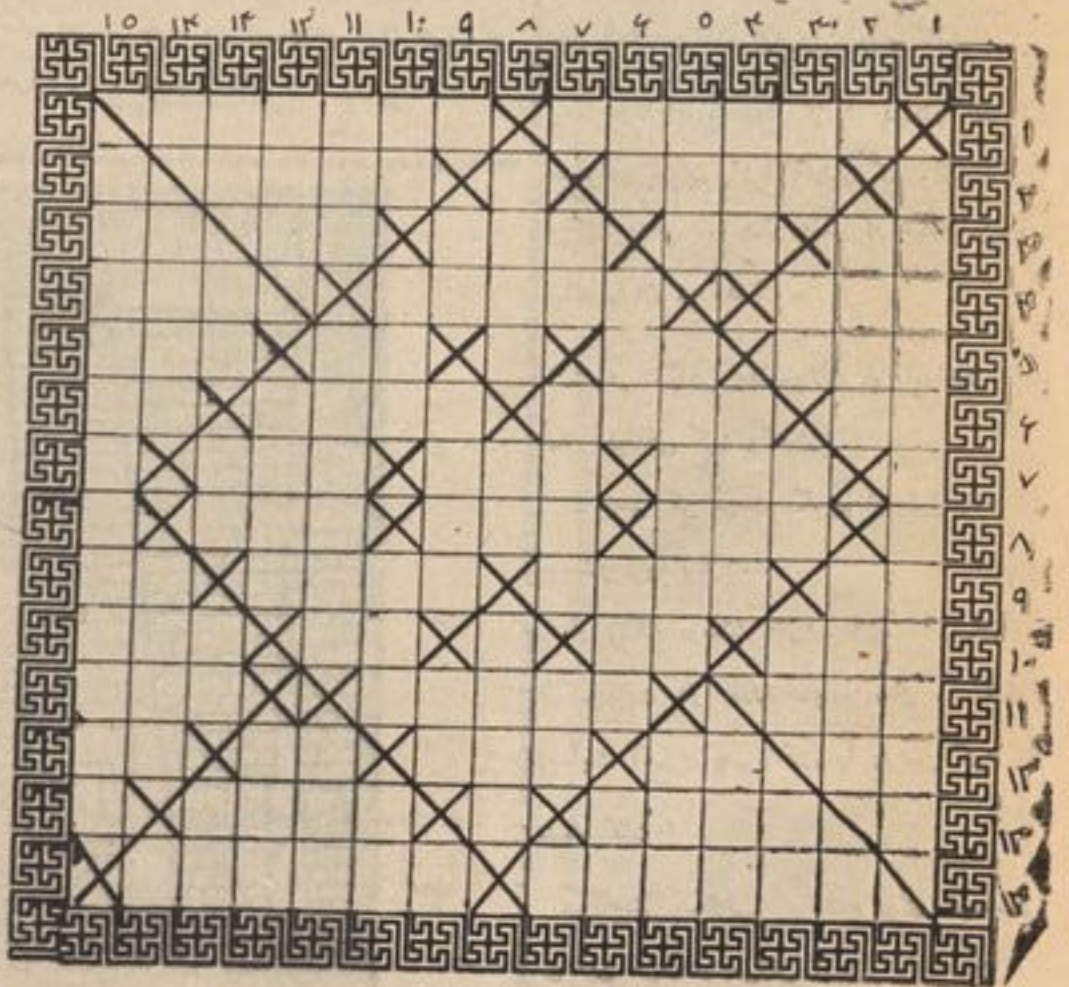
سرگرمی ها و مسابقات

تهیه و تنظیم از صالح محمد کپسار

جدول کلمات متقاطع

الفی :-

۱- اثر بر جسته از نویسنده مشهور (جک لندن) ، این کتاب را نویسنده مشهور (ناتیل هائورن) نوشته است .
 ۲- آنرا گهواره انقلاب نامیده اند ، یکی از مناطق زیبای کشور ماکه به آن يك ضرب المثل نيز ساخته اند .
 ۳- از آنطرف کلمه ثبت پستو ، رعد نا تمام ، از خزندگان ، خودما ، از حیوانات وفادار .
 ۴- از آلات نجاری ، از ابر پائین می آید ، ماشین آنرا مور اختراع نمود .
 گردینند ، این به پستو ، آغاز و پایان ولایت هرات ، آواز غیبی .
 ۵- از آن طرف خشک نیست ، شعر را می گوید ، بزرگترین آن در کشور ما آمو است ، نصف دیدن است .
 ۷- از گندم بدست می آید ، وداع نکرده ، از آهن آنرا می سازند .
 ۸- وقت بزبان عوام ، شوخ بود مقشوش هم شد ، از سامان موتر ،
 ۹- از آن طرف بالای دریا ساخته میشود ، منظم آن به پستو محبت است ، آخرش را حلق کنید درس است ، خود ما است .
 ۱۰- مادر بزبان عوام ، مارم بریده ، عدد بیگانه ، معدن هم ردیف آن است .
 ۱۱- هسته ناتمام ، اثر یکی از نویسنده گان جهان ، عادت که آغاز داشت جدایی .
 ۱۲- آغاز و انجام رول ، پروانه خود را به آن میسوزاند ، میازار که ...
 دانه کش است ، مات شده اما بی آغاز ، نصف بحری ، ۱۳- یکی از فصول مسال ، جدای است .
 ۱۴- اثری از ولتر نویسنده فرانسوی ، اثری از يك نویسنده مشهور شوروی .



عمودی :-

۱- یکی از رهبران بزرگ شرق که برای آزادی کشور خود تا آخرین لحظه کوشید .
 ۲- سر زمین میناتور و سیاه موی جلالی ، شاید در دستتان باشد .
 ۳- عکه دم بریده ، کلمه ربط ، دو چهارونیم ، در بین بهتر قرار دارد ، حرف ربط .
 ۴- دقیق سوزن ، از آلات دعفانی است ، حاصل زنبور ، ۵- چهارم حصه

درجم شهرت دارد ، مسترد کردن ۷۰- نصف ماشه ، آفتاب بسیار است ، هشتم به پستو ،
 ۸- دارنده ، پنجه وریشه درخت ، صبر کننده ۹- راه کوتاه ، قبل از انقلاب قور
 این آدمکش بر کشور ما حکمرانی داشت ،
 ۱۰- چاک سر بریده ، جای عبور و مرور آب ، برادر به پستو ، هنر .
 ۱۱- گندم بزبان پستو ، بدون حرف آخر نویسنده آن نتوان
 چخوف است ، اکثریت .
 ۱۲- خیر ، یکی از روز نامه های کشور ما ، در ردیف چهارم
 عمودی :-
 ۱۳- از آن طرف ضد مرد است :
 دویک ، رول میان تپه ، کار ناتمام ، نصف
 فادر .
 ۱۴- خط بین کشور ها ، اثر برجسته ماکسیم گورکی .
 ۱۵- او رئیس جمهور کشور است که مساحت ۶۷۱۰۸ میل مربع و ۱۸۸۰۷۰۰۰ نفوس دارد و واحد پول آن بیاستر است .

به عربی ، بدون حرف آخر نویسنده کتاب
 بی بی پیک ، سی روز است ، ۶- الف ناتمام ،
 بایک نقطه جای گل و بلبل میشود ، از آن طرف

يك امتحان کامل خودشناسی



خوانندگان نهایت گرامی صفحه سر گرمی ها و مسابقات ما این قسم تست ها را تا حدود امکان نشر مینمائیم و از شما هم تنها داریم این قسم تست ها را برای ما ارسال دارید که با اسم و یک قطعه عکس تان آنرا چاپ بنائیم درینجا از شما میخواهیم که تست پائین را که با عکسهای آن بچاپ رسیده است به هر کدام جواب ارائه نموده و سری ما ارسال دارید . تا بعداً برای تان بگوئیم کی هستید ؟ این هم تست ما :

- الف :- به این تابلو خوب متوجه شوید او چه میکند ؟
- ۱ :- آیا به همسایگان خود متوجه میشوید ؟
- ۲ :- به تماشای اسپ دوانی مشغول است ؟
- ۳ :- عسکری است که انتظار حمله دشمن را دارد ؟
- ۴ :- آیا میخواهد بدون آنکه کسی متوجه او شود مردم را تماشا کند ؟



- ب :- به این تابلو متوجه شوید و بگوئید او به چه فکر میکند ؟
- ۱ :- به ناامیدی و ناگامی خویش ، چون این مرد شوهر است ؟
- ۲ :- حسرت این زن و شوهر را میخورد که این قدر همدیگر را دوست دارند ؟
- ۳ :- از دیدن این زن و شوهر که همدیگر را دوست دارند حسرت می برد ؟
- ۴ :- به خود میگوید : این وضع عدت زبانی دوام نخواهد داشت . بزودی محبت ما پایان میرسد ؟

- ج :- به این تابلو خوب متوجه شوید میان این دو چه میگذرد ؟
- ۱- او میخواهد به این زن بگوید که دیگر دوستش ندارد . منتها نمیتواند این را از چطور افتخا کند ؟
- ۲- البته برای زندگی آینده خود نقشه یی را طرح میکنند ؟
- ۳- زن میخواهد مرد را ترک کرده و از نزدش برود ولی جرأت ندارد ؟
- ۴- این دو ، زن و شوهری هستند که مدتی از عروسی شان گذشته و دیگر چیزی ندارند که برای يك دیگر بگویند ؟



د :- خوب حالا به این تابلوی دیگر متوجه شوید و فکر کنید میان این دو چه میگذرد ؟

- ۱- شخصی که ایستاده يك کارگر و نشسته کار فرما است که کار گر خطاری دیده که

وحت خوش ویا ...؟ حالا از شما میخواهیم که راجع به نگاه او هر چیزی که بنویسید بنویسید و برای ما ارسال دارید

کدام صحنه ؟

در جهان یکی برای عظمت طلبی و بعضی ها برای آزادی خود می جنگند ما هم میدانیم کسانیکه برای آزادی کشور خود میجنگند هیچ گاه تاریخ آزادی آنها را فراموش نمیکند ماصحنه یکی از این جنگها را برای شما چاپ کردیم تنها شما بگوئید که این سرباز که به این حالت در آمده است از کدام کشور جهان میباشد

این ستاره کیست ؟



یکی از ستارگان سینمای غرب میباشد او در بسیاری از فلمهای غربی اشتراک نموده است شاید یکی از فلمهایش را شما دیده باشید . ما این بار هم از ستاره های سینمایی عکسی را بچاپ رسانیدیم لطفاً برای ما بنویسید که اسم این ستاره غرب چیست ؟



نگاه ؟

مادر هر شماره راجع به نگاه ویا کدام مطلب دلچسپ دیگر با شما حرف میزنیم و از شما در باره آن طالب مضامین نیز شدیم به این عکس متوجه شوید که به چه نگاه میکند ؟ به آینده خود ؟ به صحنه کدام

این دختر زیبارا می شناسید ؟



او از زیبا ترین ستاره سینمای غرب میباشد شاید او را در بسیاری از فلمهای غربی رول های را به عهده داشت حالا از شما اسم فلمهای او را ویا کشورش را نه میخواهیم بلکه آرزو داریم که تنها اسم این زیباروی سینما را برای ما بنویسید ویا یک قطعه فوتوی خویش را برای ما ارسال دارید -



بعد از اینکه به تمام سوالات ما جواب گفتید نتیجه جوابات را به آدرس ژورنون صفحه مسابقات و سرگرمی ها مطبعه دولتی انصاری وات کابل بفرستید امید است که در ضمن یک یک قطعه فوتو های خویش را نیز ارسال دارید .

کدام پرنده ؟



این تابلو را یکی از رسامان ترسیم نموده است آیا میدانید که منظور از ترسیم تابلویش چیست و کدام پرنده را درین جا ترسیم نموده است اسمای آنها را برای ما بنویسید .

حل کنندگان

کسانیکه به سوالات ما جواب گفته اند . اندر پال سنگ جنبش ، حمیده نمرتمله صنف یازدهم ج اجتماعیات لیسه زرغونه ، شیرمحمد هوتکیار ، معروفه علیزاده ازیکه توت ، قادر ننگیالی علیزاده معلم صنف هشتم مکتب یکه توت ، احمد فواد جامع معلم صنف نهم ب مکتب متوسطه محمدا یوب خان ، عبدالقیوم دانشام ، از ننگرهار ، فادره شریفی از صنف یازدهم لیسه رابعه بلخ ، محمد کبر میرحیدری ، نفیسه محبوب معلمه صنف یازدهم لیسه مسلکی جمهوریت ، عبدالحی وغروب از میرویس میدان ، محمود هنرمل از پوهنخی اکادمی خازندوی جمیله ، سلما رابعه ، هما ، کرام الدین ، عبدالمتین ، لطیف ، سید عبدالواحد ، شادولا ، فضل الرحیم ، شامین ، نصراله ، عبدالحمید ، سعید ، وفاداره اکبر ، یوسف ، قادر ، نعمت الله شهباز ، گلجان ، بسمله ، شیرین آغا

موجب آن از وظیفه اخراج میگردد ؟
۲- شخصی که ایستاده یک کارگر بوده و مستحق پاداشی گردیده است ؟

۳- این دو باهم دوست صمیمی بوده که بهیلاقات دوستش آمده و حالا میخواهد از او خدا حافظی کند و برود ؟

۴- شخصی که ایستاده است برای انجام کاری ، وارد دفتر کارفرما گردیده است ؟



- ۵- به این تابلو نگاه کنید و بگوئید که این نگاه چه حالتی را بیان میکند ؟
- ۱- اضطراب و وحشت در مقابل یک منظره نا راحت کننده ؟
- ۲- استیزا ویا تمسخر ؟
- ۳- درستی و امانت ؟
- ۴- بی تفاوتی ؟



- ۱- خوب حالا بگوئید این دختر جوان چه میکند ؟
- ۱- آیا میخواهد از خطری فرار کند ؟
- ۲- مانند آهوی بیابان آزاده و بدون غم میدود ؟
- ۳- یا اینکه به وعده گامی که برایش اهمیت دارد خود را میرساند ؟
- ۴- آیا برای دیدن و گفتگو با کسی که او را دوست دارد میشتابد ؟



اولین روز های عشق، آتشین می باشد

ترجمه: ع. س.

اگر میخواهید اید یال تان را از دست ندهید

اگر خواهیم ویانه، اما این يك واقعیت است که برایم های خانوادگی و ازدواج در ممالک بیصرفه بسیار حاد شده است. وقت آن فرا رسیده تا از توضیحات اضافی مینی بر اینکه خانواده در اثر اتخاذ روش سطحی در قسمت ازدواج و شرایط مسکونی ناشی میشود بپرهیزیم. بطور مثال در ممالک متعددی شرایط مسکونی نظریه سابق براب بهتر شده اما تعداد ناسامانی های فامیلی رویه افزایش است.

هویداست که باز گفت به عقب یعنی به زمانهایی که زن از حقوق ناچیز بهره مند بود امکان پذیر نیست. اما در مقابل مناسبات فامیلی و اشکال آنها در کدام دفتر ساختمانی طرح و یا توسط «متخصصین در رشته دوستی و ازدواج» ایجاد شود.

مناسبات مذکور را پراکتیک اجتماعی بدون ها و آنهم توسط یگانه طریقه ممکنه یعنی آز مایش و اشتباه بیان می آورد. میلیون ها آزمایش و میلیون ها اشتباهات صورت میگیرد.

از تعداد اشتباهات و عمق آن تا حدی میتوان گاست اما کار چندان ساده نیست. اینکار زمانی تحقق می یابد که انسان در مورد «میخانیزم های» مناسبات فامیلی از دانش کافی بهره مند باشد.

یکی از خصوصیات بارز سیستم های حیه قابلیت آنها غرض بوجود آوردن نوع شان

هست. اگر مردم علاقه شان را در قسمت باصلاح زندگی شخصی از دست میداد آنجا بود که در اثر محو بصیرت تولید، سیاست، علم، هنر، ایدیاالوژی و همه اشیا بطور مطلق مفهوم شان را می باختند. اینها تا زمانی از مفهوم برخوردار اند که عشق و دوستی بین زن و شوهر موجود باشد. عشقی که معمولا آنرا «مقصره» مینامند.

ممکن است این حقیقت افسانوی شمرده شود که (۹۵) فیصد بالاخره به هدف خود نایل میشوند یعنی اولین و آخرین را که می خواستند بدست می آرند. اما حقیقت اینست که طبیعت در چنین موضوع جدی نمیتواند به مجزئه متکی شود. همه امور بشکل تنظیم شده و بدون وقفه به پیش میروند.

این نکته که زن و یا مرد اعتراف میکنند محبوبش را به خاطر کدام خصوصیتش دوست میدارد در حقیقت خود را فریب میدهد. این کار بسیار متمر اما خود را فریب دادن است. عشق گرچه از نخستین دیدار نباشد به شبکه اتصالی شباهت دارد و فلتر سرخ رنگی را بکار می اندازد که با تقویت کننده مجزئه مینماید. جهات مثبت محبوب به بسیار شور و هیجان مورد قبول قرار داده شده و جهات منفی زیر پا میشوند.

اگر عشق از نقطه نظر اطلاعاتی مدنظر گرفته شود ناموزونی های زیادی را در بر دارد.

فلتر سرخ نیز بعد از سپری شدن مدتی تا اندازه از کار و فعالیت بازمانده و از آن اطلاعاتی فلتر میشود که از نقایص محبوب شباهت میدهند. اشتباهی که (آلا بکامک حسن درونی) طسرسز وقوع پروسه ها را تصور کرده میتواند در مقابل از خود عکس العمل نشان داده و جدو جهد را بکار می برند.

ضرور است تا فلتر به حالت اولی باقی مانده (ناجاییکه ممکن باشد) یعنی هر حرکت مثبت روانی دوست خویش ارزیابی و از هیجان و قهر بپرهیز شود. یا بعباره دیگر انسان از لطف و مرحمتی برخوردار باشد وقتا وقتا مکمل تر شود. بدون داشتن این همه صفات فامیل مانند موتری که گریس کاری و نرمی نشود یگانگی و صحت خود را از دست خواهد داد.

به تاسف باید گفت از برهم خوردن عشق و دوستی از حد و اندازه آن اضافه برداشت فرازیدی میشود. این حالت طبیعا با برداشت عینی مساله مطابقت نمیکند. برداشت درین وقت مانند اوایل عشق آتشین مطلق یکجانبه میباشد. اما فلتر درین نوبت رنگت سیاه را بخود گرفته، نکات مثبت را زیر پا گذاشته و از اطلاعاتی که جوانب منفی داشته میباشد حریجه بیشتر و باقیل و قال یادآوری میشود. بصورت عموم انسان طبیعتا سعی میکند

ناحتی از زعم باطل خویش تا آخرین مرحله دفاع کند زیرا طوری تصور میکند که گفتارش روی واقعیت نام استوار است. این اوهام در مساحه مناسبات بین زن و مرد بخصوص مستحکم بوده و نمیتوانیم آنرا حتی به مرص قوی ازین بریم. اما لازم است تا بکلسر محو شود.

در همه جا و همه احوال زمانیکه از عسلل جدایی و برهم خوردن فامیلی از زن و مرد پریش بعمل می آید واقعیت را اظهار نمی کنند و تمام گفتار آنها انکاسات مغررسانه در خفاء داشته میباشد.

ناسازگاری های روحی یعنی چه ؟

در موارد زیادی ازین لغت چنین برداشت میشود: «رضایت شهودی درین ما وجود ندارد».

در نتیجه حالاتی ایجاد میشود که معمولا آنرا «جنگک دوجنس» مینامند. این جنگک بالای رشد و کردار بعدی اطفال شان تأثیر منفی بسزایی دارد.

اغلبا با اندازه معین جدایی و ناسازگاری هزارا به ارت می بریم. سوسیولوژیست ها از قدیم به این نکته متوجه شده اند: اگر يك عضو جفت در فامیل ناقص تریبه شده باشد احتمال وقوع جدایی افزایش می یابد.

اغلبا از اطفال حتی بعد از جدایی منجبت و وسیله انتقام گیری استفاده مینمایند. ناسامانی هایی را که در بصورت اطفال در نتیجه جری و بحث زن و شوهر به ارت می برند بسیار خطرناک و در ضمن در خور توجه است.

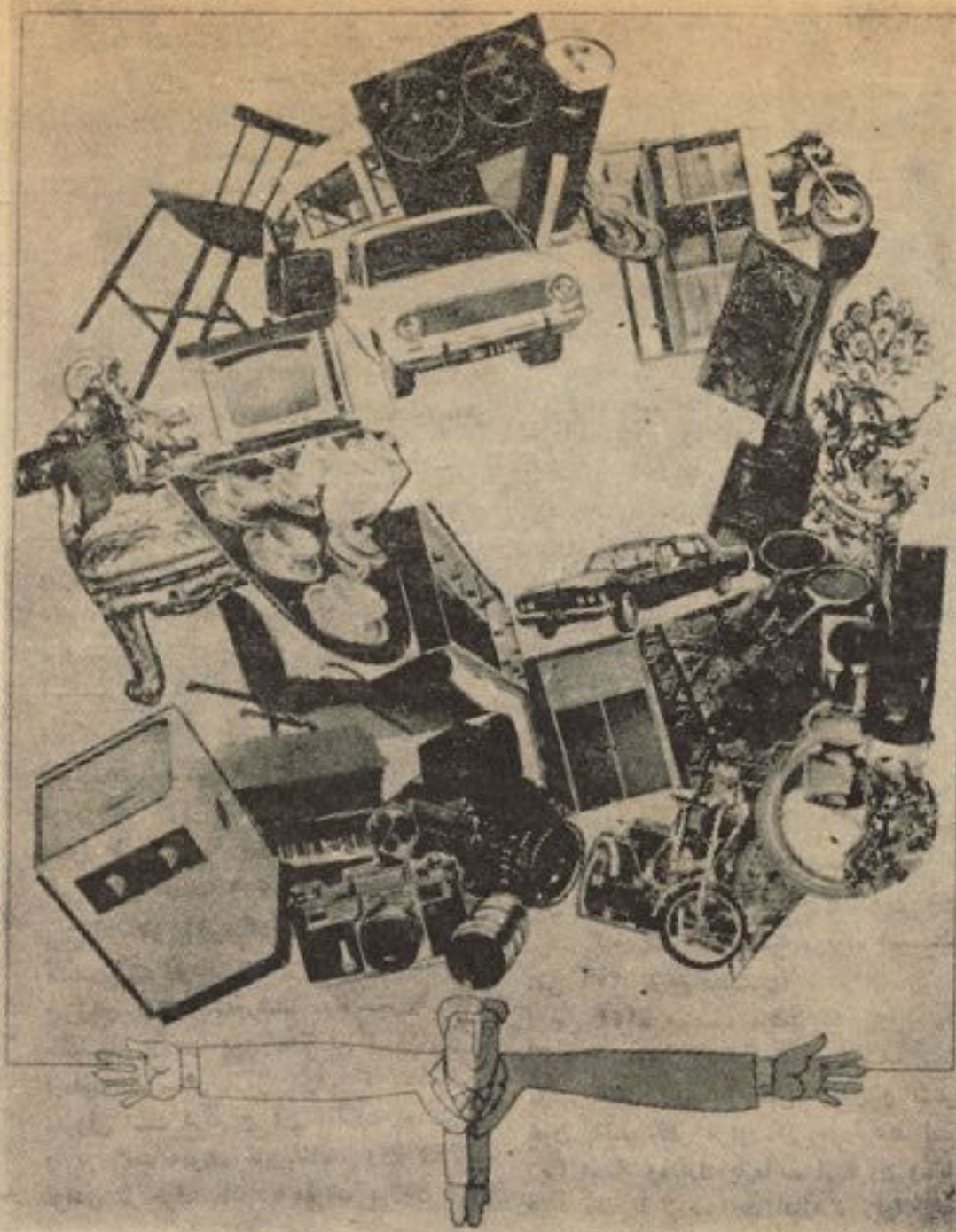
پرهیز از سوپرکویسم (بی طرف نماندن) شدید و تعصبات در زمان توافق امکان پذیر نیست. این حس در انسان در اثر ضرورت احیای مجدد زندگی بطور مستحکم تنظیم شده است. لازم هم نیست زیرا از برکت این تعصبات انسان به عالی ترین نیک و مثبت دست می یابد.

اما روحیه بی طرف نماندن در زمان جدایی غرض احیای مجدد زندگی بسیار ضعیف بوده و تنها احساسات منفی را هدیه ما می کنند. به این لحاظ مبارزه با سوپرکویسم یکی از ضروریات زندگی شمرده میشود و موفقیت بالای آن از جمله ممکنات است سعی شود تا همه الفاظ بی غرضانه ادا شود و در ضمن از تصدیق بلا تصور بپرهیزید.

محققین درین موارد معمولا از زنها جانب داری میکنند تا در «فضای همزیستی مسالمت آمیز» در مقابل زنان از حوصله کار گرفته شود زیرا تا زمانی که خیال های مشترک و در ضمن باطل محو میگردند زنها نسبتا روح های فراوان را متحمل میشوند. علاوه زنها وجود نازک و زود شکن دارند و مرد ها مایست در مقابل آنها از لطف و مهربانی کارگیرند.



بازهم «سکوت»



ایا سهولت ایجاد میشوند اما جنبه صنعتی نیز دارند .

ترجمه : عبدالله

تاثیر روانی افزایش لوازم منزل بالای انسان

ما به اشیای ماحول خود خو گرفته ایم . اینها شرایط مستقیم زندگی را فراهم می کنند . تعداد اشیای مانند موتر ، تلویزیون ، یخچال ، ماشین رخت شویی و غیره روبه افزایش اند . اما بیاید لحظه توقف کنیم . انجام کار بالاخره به چه منجر خواهد شد ؟ ممکن است این همه مردم را تحت شعاع خود قرار دهد ؟ ضرب المثل معروفی است که میگویند «با اشیای خوب حتی در «کلبه محقر» زندگی آرام می گذرد .» آیا این ضرب المثل در عصر حاضر قابل تطبیق است ؟ به احتمال زیادنی . فامیل امروزه با این همه اشیای زندگی را به بسیار مشکلات در «کلبه محقر» پیش خواهد برد . اشیای و باز هم اشیای به حدی افزایش یافته اند که علما در حال حاضر در کنار «فضای طبیعی ماحول» از «فضای اشیای ماحول» نیز نام می برند . این اشیای بطور بطی اما بتدریج فضای طبیعی را تنگ تر می سازند . انسان در فضای طبیعی فقط در اتنای تفریح

در کنار دریا ویا جنگل قرار میگیرد و آنهم بایک عالم اشیای دیگر مانند موتر ، رادیو رخت خواب و غیره .

به این ترتیب مردم از سلطه طبیعت خارج شده و در تحت شعاع اشیای قرار میگیرد که خود آنها را ایجاد کرده است . آیا این کار خوب است ؟

چندان عمل بدی نیست اگر کلمه «اگر» بسیار و تقریباً در همه احوال ذکر میشود . یکی از آن اگر انسان از اشیای در دست داشته طوری استفاده کند که برای اجرای همان عمل تخصیص داده شده باشد بهتر خواهد بود نه اینکه بمقاصد مختلف بطور عموم در بعضی جاها معمول این است که اشخاص توسط اشیای متعلق به خودش دیگران را از موقعیت اجتماعی خود با خسر می سازد .

در بکتهاد جوامع مرکز نقل این نسوع

شایستگی بسوی اشیای متعلق و قیمت بسیار انحراف می نماید . این اشیای یکی از عمده ترین معیار های تعیین موقعیت اجتماعی درین جوامع شمرده میشود .

در جوامع دومی مردم نه به اشیای همدیگر را ارزیابی میکنند و بوقتیست مصرفی منحیت معیار موقعیت اجتماعی شمرده نمیشود . آیا این بدان معنی نیست که موثریت نمایشی درین جوامع بکلی محو است و اشیای را کمتر از آنها ارزیابی میکنند ؟ درین جوامع نیز

اشخاصی وجود دارند که در قسمت بدست آوردن اشیای با همدیگر سابقه میدهند . لازم است تا سطح زندگی مردم بلند رود اما در پهلوی این همه امکانات باید سطح فرهنگی و اخلاقی جامعه نیز بلند رود . اگر این عملیات همزمان صورت نگیرند سیکالوجی هرزه در جامعه مترقی عودت خواهد کرد .

این مساله عجیب نیست که اشخاص توسط پول های کمایی کرده شده ان میخواهند اشیای بدست آورند که نظر به اشیای سابقه در دست داشته شان مکمل تر و بهتر باشند . عمده این نیست که چرا این نوع کار ها

صورت می گیرند بلکه مهم اینست که بکدام هدف پیش برده میشوند . اشخاصی که تصور میکنند اگر در خانه اشیای مجلل و قیمت بها داشته باشند از دیگران فوقیت دارند اشتباه بزرگ را مرتکب میشوند زیرا اشیای انسان رانه کدام شخصیت و نه کدام فهمیدگی می بخشد . حال جنبه دیگر پر ابله را مطالعه میکنیم .

این يك واقعیت است که بکنك اشیای در دست داشته فضای مستریج و سهولت در کار

تلویزیون از قوای جسمانی بالای ارگانیزم انسان بطور قابل ملاحظه می کاهد (باید تذکر داده شود که بروسه کاهش مشابه قوای جسمانی و افزایش قوای روانی در فعالیت تولیدی انسان نیز مشاهده می رسد) حتی

اشیایی که وظیفه خود را انجام داده و غیر قابل استفاده میشوند نیز خطرانی را مواجه ما می سازد . بروسه های طبیعی اکسیده شدن کیمیای و بیولوژیکی در مقابل اینقدر فلزات ،

پولیس ها ، مواد پلاستیکی عاجز میمانند . مواد مستحکم در مقابل جنبه های مثبت خود از جوانب منفی نیز خالی نمیباشند . پر ابله استفاده از اشیایی که دارای اندازه های زیاد

اند در همین حال در بعضی از ممالک مانند امریکا ، کانادا ، جمهوری فدرالی آلمان و جاپان بسیار حاد میباشد . درین ممالک سالانه به میلیون ها موتر ، یخچال ، ماشین رخت شویی ، تلویزیون از کار بازمیافتند . و کلام

هایی که درین قسمت صورت می گیرد مشتری را مشتاق می سازد ، تا کالاهای هر چه جدیدتر و مدون تر بدست آرد . اما قیمت تمام شده محو اشیای سابقه یا بدست آوردن اشیای

جدید در يك خط قرار میگیرد زیرا قوای طبیعی خود قادر نیست تا اشیای سابقه را به کلی محو ناپود نماید . ضرورت می افتد تا انسان نیز دست بکار شود .

راه چاره چیست ؟ بطور میتوان از عهده این کار موفقانه بدر آمد ؟ اشخاصی که بدین نظر اند گویا احتیاجات بشری تنها به طریقی رفع گردیده میتواند که در دو راهی قرار گیرد: یا اینکه از شخصیت معنوی بی بهره شده و کیش سرکش خریدن و بدست آوردن بوجود آید و یا اینکه از رفاه و نعمت بخاطر رسیدن به تکامل موازین اخلاقی منصرف شود . این دورا هم در شرایطی صورت می گیرد که جامعه از عهده پر ابله حیاتی خود موفق بدر نیاید . درین جوامع شرایط ایجاد

میشود که انسان میتواند یخچال ویا موتر را تحت شرایط سهل بدست آورد . اما در مقابل نمیتوان اطفال را از نعمت سواد به آسانی بهره مند ساخت .

جوامع دومی ترك دنیارا تبلیغ نمی کنند و تمیخواهند که تولید اشیای به حالت اولی اقی بمانند بلکه میخواهند آنرا افزایش دهند . هدف اینست که مقامات احترامانه نسبت به اشیاداشته باشند و سعی شود تا اینها منحیت هدف نهایی و یگانه هدف قرار نگیرند و فقط منحیت وسایل کمکی از آنها غرض رشد همه جانبه انسان استفاده شود .

جهان اشیای سریعاً در حال تغییر است . اسلاف ما در جهان دیگری زندگی میکردند . جهان اشیای مابه جهان اشیای اخلاق ما

ممکن است شباهت نداشته باشد . احتمال میرود بعد از بیست و پنج سال (۹۰) فیصد کالاهای مصرفی را اشیایی تشکیل خواهند داد که ما با آنها هیچ آشنایی نداریم . سعی کنیم تا اطفال اشتباهاتی را که ما مرتکب شده ایم تکرار نه کنند .

نگرشی بر کتاب نور و ظلمت



قسمت اخیر

صفحه ۸۱ در واقع وضع شاعران رقت بار بود، و درست همان حاکمی که آنها را به اوج افتخار و بسزایستی رسانده بود یک آن رایش دگر می گشت و ایشان را به محبس می انداخت یا بدست جلاذ می سپرد. این ادعا را نمیتوان به حال همه شاعران صادق دانست زیرا در گروه مداحان سلاطین قرون وسطی، شاعرانی بودند که از صلات گران ممدوحان خویش در اوج ثروت و تمدنی و عزت زندگی میکردند و همین طرز زندگی را تا پای مرگ ادامه دادند. که میتوان از رودکی، عنصری، فرخی، منوچهری، عسجدی، امیر معزی و طوطا، ظهیرالدین و غیره که ازین همه شاعران تنها گریبان آرامش مسعود سعد، در جنگ حوادث زمان با یک مشت اندک از شاعران دیگر و پس در حالیکه عزت و ثروت مداحان تا آن اندازه بود که زبان زد خاص و عام گردید و حتی سبب رشک خلفانی شد که در باره عنصری تداورداد: به ده بیت صد پندره برده یافت

ز یک فتح هندوستان عنصری شنیدم که از قرقه زددیگدان ز زر ساخت آلات خوان عنصری گزیده اشعار خاقانی ص ۲۸۹ بکوشش سبجانی (طبع تهران ۱۳۰۱) و همچنان خاقانی از بخشش گران سلطان محمود به فغان آمده گفت:

بس ای میکده چهارا بنسبت انگندی که از زوسرخشت این یاشکنه تنگ وسفال بس ای مکتب که ضیاع من عقاد مرا نه آفتاب مساحت نه باد شمال برای مکتب که من از بس عذاب سید شد نه زانکه نعمت بر من حرام گشت و وبال (دیوان عنصری ص ۱۶۲، بکوشش دبیر سیاهی طبع تهران ۱۳۴۲ و حال فرخی و معزی و سایر شعرا نیز بدین منوال بود که ممدوحان برای جلوه دادن نام خویش، ایشانرا در دربار گرد آورده و به کمک صلات گران به گفتن مدیحه های بلند بالا در قالب قصاید غرا تشویق شان میکردند.

ص ۹۲ ... دست آخر در دهکده یمنگان از توابع پامیر متوطن شد ... و مدفن ناصر خسرو هم در همین دهکده است. و تا امروز مورد احترام خاص و عام میباشد. مردم قبرش را که بنام شاه ناصر معروف است زیارت میکند. و دهه یمنگان از توابع بدخشان است

نه پامیر و پامیر عبارت از سلسله کوهی است در شمال شرق بدخشان که از طرفی به پشتونستان چین و تاجکستان شوروی محدود گردیده و مربوط حکومت و اخان ولایت بدخشان میباشد.

ص ۱۱۶ «نخستین قسمت «خمس» او (نظامی مخزن الاسرار - ظاهر ادو سال ۵۵۶۹ نوشته شده است. «شاعر دومین مثنوی بزرگ خود - خسرو شری - را در حدود ۵۷۷ هـ نیز یادگرمی همسرش اهدا کرد.» در سال ۵۵۹۴ پنجمین مثنوی خود هفت بیکر را سروده به طور تقریب در سال ۵۹۸ هـ «خمس» را با اسکندرنامه خود تکمیل کرد.» مولف در تعیین تاریخ های درست منظومه های پنجگانه نظامی استنباطاتی کرده است و گذشته از آن هفت بیکر را پنجمین مثنوی شاعر نامیده است که از هر لحاظ قابل توضیح میباشد. نظامی نخستین مثنوی خود مخزن الاسرار را بنابه تحقیق جعفر محبوب در ۵۵۷۳ (رساله هشت بهشت و هفت بیکر ص ۵ از اشارات هنر و مردم سال ۱۳۰۴) و از نظر (هرمان راته) در سال ۵۷۴ یا ۵۷۵ به رشته نظم کشیده است (ص ۷۲ تاریخ ادبیات فارسی) دومین مثنوی خود را نظامی با اتفاق نظر محبوب واته ص ۷۳ تاریخ در سال ۵۷۶ منظوم کرده است. سال نظم هفت بیکر چهارمین مثنوی نظامی با اتفاق نظر هر دو مولف و جعفر محبوب و هرمان اته - تاریخ ادبیات فارسی ص ۷۴) سنه ۵۹۳ هـ است اسکندر نامه که پنجمین منظومه نظامی میباشد، که با سرودن آن خمس خود را تکمیل کرد دو قسمت دارد. قسمت اول را شرفنامه میگویند که بتول اته، در ۵۹۷ هـ و قسمت دوم که به اقبالنامه معروف است در ۵۹۹ هـ ختم میشود. (رک تاریخ ادبیات فارسی، تالیف: هرمان اته، ترجمه: رضاد - زاده شفق طبع تهران سال ۱۳۰۱) و ص ۵ هشت بهشت و هفت بیکر، نوشته محمد جعفر محبوب طبع سال ۱۳۰۴) و مولف که هفت بیکر را «پنجمین مثنوی» مینامد اشتباه بزرگی کرده است زیرا نظامی خود در دیباچه اسکندر نامه از خمس خویش چنین یاد میکند:

بس گنجهای کهن ساختم درو نکته های نو انداختم مسوی مخزن آوردم اول بسج که مستی نکردم در آن کار هیچ

وزو جرب و شریس انگختم به شیرین و خسرو در آمیختم وز آنجا سرا برده بیرون زد در عشق لیلی و مجنون زد وزین قصه چون باز پرداختم سوی هفت بیکر فرس ناختم کتون بر بساط سخن پروری ز نس کوس اقبال اسکندری (شرفنامه نظامی ص ۸۷ بکوشش وحید دستگری طبع تهران ۱۳۳۵ هـ چاپ دوم) بانو جه بگفتار حکیم نظامی گنجوی سخن سالار شعرای عراق، اشکالی در ترکیب خسه او باقی نمی ماند.

ص ۱۳۴ تا آنجا که میدانیم نخستین نمونه این گونه داستان ها، در اوایل سال ۵۴۷۵ نوشته شده است. منظور مولف قابوسنامه، عنصر العالی کیکاووس، بس اسکندر از سوزادگان آل زیار میباشد. اما این نکته را بایست ایضاح کرد که قابوسنامه نخستین کتابی نیست که مولف در آن به تدوین داستانهای اخلاقی و عبرت - اندوز جهت تقویه سجایای اخلاقی و تزکیه نفس بند آموزان، همت گمارده باشد، بلکه پیش از آن آثار دیگری هم باین شیوه تالیف شده بودند که از آنجمله میتوان از «مرزبان نامه» یاد آورد، مولف مرزبان نامه «اصفهبده رزبان بن رستم بن شروین بریم از ملوک طبرستان از آل باوند که سلسله معروفی است در تاریخ آن مملکت»، میباشد و قرار گفته «مولف قابوسنامه، وی بیونسد نوادی از طرف مادر به مولف مرزبان نامه داشته است چنانکه میگوید: «وجده مادرم دختر ملک زاده مرزبان بن رستم بن شروین که مصنف مرزبان نامه است...» پس دشوار است که قابوسنامه را نخستین کتاب درین شیوه قلمداد نماییم.

(رک مرزبان نامه، مقدمه، تصحیح علامه قزوینی طبع لندن) ناگفته نماند که مرزبان نامه را مولف آن بزبان طبری تالیف کرده بود که در قرن هشتم هجری که بزبان دری بر مگردانده شد. صاحب چهار مقاله پسر نظامی ص ۱۳۵ «احمد بن نظامی - نظامی عروضی تبرقدی، صاحب چهارمقاله پسر نظامی نیست بلکه نسب او در چار مقاله طبع معین «احمد بن عمر بن علی نظامی سمرقندی» آمده است.

«... عیار بسیاری بوده است به نام سمک که در سده ۳ هجری بسه سروروهی دزدی - خانمان که در سیستان فعالیت داشته و نوع خاصی از مزدوران قرون وسطایی بوده اند سر کرده گی می کرده ست.»

جملات بالا روشنگر این حقیقت اند که مولف - نور و ظلمت ... در شناخت چنین عیاران و جوانمردان سخت به خطا رفته است زیرا ایشان را «نوع خاصی از مزدوران قرون وسطایی ...» گفته است. تا آنجا که از لابلای اسناد و مدارک دست داشته است سیاط میشود روشن میگردد که جنبش های مبارزات ضد فئودالی و ضد استبدادی، بیشتر از وجود عیاران و جوانمردان مایه داشته و مبارزات شهادت بار ایشان بود که کمز فئودالان غارتگر را می شکستند و جلوی خونخواری حکام مستبد را میگرفت. ایشان گذشته از آنکه مزدور نبودند خود علیه مزدوران می - جنگیدند. زیرا این فرقه هیچنوع پیولسد

باطبقات و اقتدار مستمگر و فوقانی زمان خود نداشتند. که بهترین مثال آن همان یعقوب لیث صفار، درخشان ترین چهره انسانی قرون وسطا - از هر جهت بحساب می آید. او زیر بار بیگانه زفت جنواب مزدوران، خواجه برست را با شمشیر داد و شمشیر خود را بجای فرمان خلیفه عباسی قرار داد... و سایر جوانمردان دیگر، میتوان درین باره به مروج الذهب مسعودی، تاریخ طبری را تکامل بن امیرگردیزی، تاریخ سیستان، تاریخ بیسملی و تاریخ نامه هرات و غیره و غیره آثار مورد اعتماد قرون وسطایی مراجعه کرد و حقایق مقتضی را دستیاب نمود.

در سده سوم هجری از «عیار بسیاری بنام سمک» مورخان نام برده اند، و اگر محتملا چنین کسی بوده، بیشتر از سده سوم هجری بوده، از نحوه بیان مولف این مطلب مستفاد میشود که این، عیار ساده، یا یعقوب لیث و یا کسی از هم ردیفان و یاران او میباشد، این برداشت نادرست و غلط است و مولف بکلی تاریخ سیستان که از دو فرقه بنام «سمکی و صدقی» ذکر کرده، خود علت بهمیان آمدن این دو نام و دو فرقه را بیان نمیدارد، که دشوار است از آن شرح چنین نتیجه گرفت که بنام سمک کسی بوده است.

(ص ۲۷۶ تاریخ سیستان).

ص ۱۴۴ - «منصب مرشد غالباً موروثی بود. اگر از موروثی بودن منصب مرشد، منظور مولف همان بیوند بلا فصل نوادی و اشتراک خون باشد، نظر مزبور در خور تردید است، زیرا اسناد و مدارک بازمانده از قرون وسطی، در رد نظر با لا صراحت ندارد. زیرا از نحوه بیان و سیاق تحلیل آن آثار موروثی بودن منصب مرشد، استنباط نمیشود.

در سلسله های طریقت چارگانه راجع خراسان و ماورالنهر و نیم قاره هند و فارس و بغداد و شام و مصر و ترکیه مثل: قادریه، نقشبندیه، جشتیه، سرورده، که سلسله هریک آن به یکی از خلفای راشدین منتهی میشود مرشد موروثی اصلا وجود ندارد. عسر گناه تصوف را در روند تکامل عرفانی مورد پژوهش قرار دهیم، خواهیم دید که موروثی بودن اصولا، در دوران آندیده نمی شود.

اسناد و مدارکی از تالیفات متصوفان بزرگ خراسان و ماورالنهر و نیم قاره هند و فارس ما باقیمانده مثل: تذکره الاولیا، کشف المحجوب، رساله قصیریه و طبقات الصوفیه، شرح تعریف، خزینه الاولیا و نجات الانی و غیره هیچکدام پیرامون موروثی بودن مرشد مطلبی ندارد تنها این قدر میتوان از محتوای آثار متذکره در یافت که حبیب عجمی را در آستانه حسن بصری میبایم و ابوالحسن فضل خرقانی را در سر کور بایزید بسطایره یعقوب چرخ را صاحب الذن از طبرستان بهاولدین نقشبند ... و نظایر دیگر از قبیل که ذکر کردیم، که هیچ یک از این عرفا بیوند نوادی و موروثی ندارند اما این ارشاد را از طرف مرشد خود یافته اند که پس از مرگ مرشد مسند نشین او شده اند که کسانی که بیشتر، علاقه مند به داشتن این معلومات مزید راجع به سلسله های تصوف باشند میتوانند به کتاب «خزینه الاصفیاء» تصنیف و تالیف علام سرور لاهوری طبع لکنو - ج اول و دوم، مراجعه نمایند.

بنیه در صفحه ۵۲



صحنه‌ی از عملیات جراحی

ترجمه: عبدالله

مریض شدن و یا معالجه کردن، کدام یک بهتر است؟

یضان از دواهای قوی حتی از انتی-بیوتیک‌ها کار میگیرند.

شما فکر نکنید که فقط غرضی معالجه ریزش از بین دواها کار میگیرند بلکه غرض تداوم بعضی از مریضی‌های معدوم نیز استفاده میشوند. مریضی‌های که سابقاً بکمک شوره با برنج «شوره و یا برنج» سوپ گوشت مرغ رفع میگردند در حال حاضر بعضی اوقات بکمک دواهای مقوی نیز معالجه نمیشوند.

تغییراتی که در علم طبابت رخ می‌دهد تا اندازه ناگزیر است، که بالای جهان بینی طبی‌دانان کنونی تنها تا تئورات مثبت بلکه منفی نیز وارد می‌تواند.

اعلانات مختلف که در قسمت دواهای تولید شده صورت می‌گیرد دکتران را تحریک میکند تا هر چه بیشتر از وسایل معالجه‌ی عصری تراستفاده کنند.

در جهان بینی طبی‌دانان کنونی بیشتر فت‌های مهم عملیات جراحی

تصور کنید طفل شما مریض شد، عطسه زد و سرفه کرد، خلاصه اینکه به ریزش مبتلا شد، ریزش او در حال حاضر بنام پر معمای مریضی شده‌ی سیستم تنفسی نیز یاد میکنند.

تصور کنید که هیچکدام واقعاً خطرناک رخ نداده است. ستون سیمای بی‌خطر موثر چندانی بالا نمی‌رود و وضع طفل مانند دیفتیری و مخملک‌چندان بی‌خیم نمی‌باشد. اما طبق اظهار تخصصین ریزش بسیار خطرناک و نجات از آن چندان کار ساده نیست.

این لحاظ به تا سلف با یاد گرفته اند که غرض نجات از مریضی شده‌ی آن وسایل کار نمیگیرند چیزهای که پدر کلان‌های ما مورد استفاده قرار میدادند. گرچه در حال حاضر طبابت از جای با مر با گرم و جراب‌های پشمی استفاده میشود اما دکتران اغلباً برای معالجه‌ی

تأثیر مستقیم وارد میکند زیرا مریضانی که از مرگ چند قدمی پیش فاصله داشته‌اند نمیباشند به حالت نورمال باز میگردند. همه اینها خواهی نخواهی عقیده‌ی دکتران را در قسمت وسایل عصری معالجه‌ی را سبب تر ساخته و قوه محافظت‌ی ارگانیزم انسان را روز بروز زیاد فرا موشی می‌سپارند (هدف از قوه محافظت‌ی مقاومت عضو است انسان است).

تما یلات فوق‌بالای والدینسی که از طفل مریض پرستاری می‌کنند. نیز تا تأثیر مستقیم مینمایند. به تا سلف باید گفت که والدین زیاد مخصوصاً والدین جوان‌هنگام پرستاری از طفل مریض را فرا موش کرده‌اند. اینها فکر می‌کنند هیچکدام تشویق‌ی را با یاد به خود راه نداد، رژیم غذایی اطفال را مراعات نمودند از دواهای مقوی و انتی‌بیوتیک‌ها استفاده نمیکنند و خود را تسلی میدهند که همه کارها و بشکل منظم آنها پیش می‌روند، به این ترتیب سطح انکشاف طبابت به مرحله رسیده که پرابلم محدودیت طرق معالجه در مقابل مظاهر میشود. در این صورت با حوادثی معالجه‌ی مریضی که تا اندازه مارترو می‌اندازد. از یک طرف مریضی‌ها ساخته شده است که سرعت را تا یکصد و پنجاه کیلو متر و اضافی تر از آن با لا برده می‌توانند و از سوی دیگر قوا عدی وضع گردیده است که نظر به آنها سرعت‌های موثره‌ادر بعضی شهرهای جهان از شصت کیلو متر تجاوز نکند.

چرا از محدودیت‌ها در طبابت سخن گفته میشود؟ این عمل دوعلت دارد. اول اینکه روز بروز ارگانیزم انسان قوه‌های کیمیاوی زیاد تر را در اثر پیشرفت علم و تخنیک متحمل میشود. این قوه‌ها نه تنها در اثر استعمال ادویه‌جات طبی به وجود بلکه مواد کیمیاوی که روزمره در تولیدات و مناسبات از آن استفاده میشود نیز باعث ایجاد قوه‌های فوق‌میکرو شدند. دوم اینکه میکرو ارگانیزم‌ها بیماری‌زا خود روز بروز به دواها عادت گرفته‌ و در مقابل آنها مقاوم میشوند. پس برای اینکه میکرو ارگانیزم‌های فوق‌منه‌دم شوند باید از وسایل

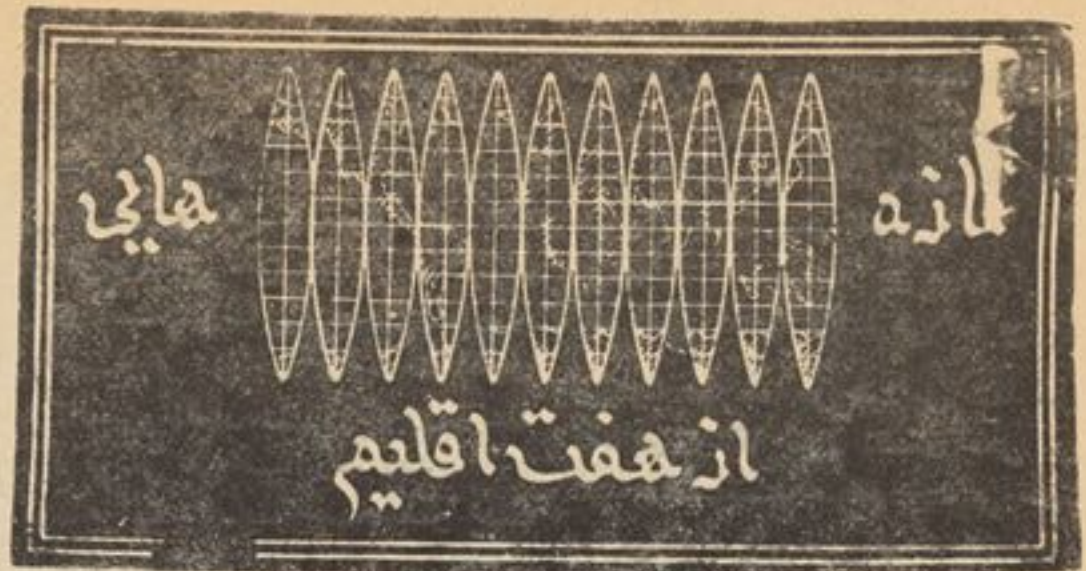
معالجه‌ی تکامل یافته استفاده شود. بعبارت دیگر دایره‌ی تشکیل‌ی می‌شود که خروج از آن بدون ضایعات همیشه امکان پذیر نمیشود اما امکان خود گرفتن انسان در این مورد گرچه زیاد است اما تا لایتنای ادا نمیداد نمیکنند. در مقابل عواقل متعدد دی که بالای ارگانیزم انسان عمل می‌کنند فقط سیستم محدود دفاعی مقاومت میکند. یکی از سیستم‌های عمده وقایه است. این سیستم نه تنها در مقابل میکرو ارگانیزم‌های بیماری‌زا مقاومت نماید بلکه انسان را در مقابل مواد کیمیاوی مصنوعی و همچنین مواد طبیعی که به مقاصد معالجه‌ی طبیقی میشودند. حفاظت نماید قسمیکه دیده میشود دو عامل اخیر در اثر پیشرفت علم و تخنیک بوجود می‌آید که طبابت نیز در همین مجرا انکشاف میکند. اینجاست که یک حالت عمده دیگر ایجاد میشود. اگر سخن از مواد دی گفته شد که با وجود انسان بیگانه‌گی دارد پس در قسمت تلقیح حفظ ما تقدم چطور عمل کرد و طوریکه هویداست در تعداد آنها در نیم قرن اخیر افزایش قابل ملاحظه‌ی پیمان آمده است؟

بطور مثال پیشرفت سر به طبابت و قایوی در اتحاد شوروی این امکان را بوجود آورد تا امراضی خطرناک را پیدا می‌کند. در این جا از بعضی امراض اطفالی مانند دیفتیری میتوان نام برد، تجاربی که علمای اتحاد شوروی در این قسمت بدست دادند این امکان را بوجود آورد تا سیستم موثر و قایوی و معالجه‌ی امراض ایجاد شود.

بقیه در صفحه ۸۵



بهتر است از دواهای اولیه استفاده شود.



تنظیم و ترجمه: میرحسام الدین برومند

مساعی لازمه در زمینه رام ساختن

طبیعت

سر زمین «کالمیکس» امروز دیگر آن سر زمین کوچی ها نیست، مترو پول آن که بنام «مترو پول ایستا» یاد میگردد به معجزه سبز کوچک مشهور است، نمای منظره آن برامتی هم معجزه میکند. در واقع این سر زمین از نوتولد یافته است. بار اول این شهر پنجاه سال قبل تغییر قیافه داد و به جای آن سر زمین مهاجر نشین، یک منطقه کاملاً کوآرا، خوش منظر و معمور عرض وجود نمود. این سر زمین در جسر یا ن مسال های جنگه جهانی دوم به ویرانه‌یی مبدل گردید. پس از سالیان جنگ در «ایستا» فقط یک عمارت تخریب نشده مانده بود و این زیاد دل انگیز است که در کالمیکس در اطراف عمارت نو وجدیداً اعمار شده که زمین های آن سوخته بود، اینک درختان پر برگه و سبز دیده میشود. ایستا اکنون یک سر زمین قشنگ آسیایی است که سر حدات آن را بترتیب از طرف شرق و لگا، غرب توسط دون و در جنوب بحیره کسمین تشکیل داده است. مردمان آن به لسان منگولیایی بلدیت داشت و باران درینجا یک چیز نایاب میباشد، در واقع عوامل طبیعی بیشتر سرزمین مزبور را متضرر گردانیده، بترتیبی که قلت باران و کمی آب، توفان های شدید یکه گرد و خاک را معمولاً به طرف شهر می چرخاند، شیشه های عمارات را باخاک یکسان میگردد. تابستان ها حرارت درینجا به (۷۰) درجه سانتی گرید بالا میرود حالآنکه زمستان های بی برف آن نیز خنک شدید با خود همراه دارد اما از آنجاییکه زندگی در «کالمیکس» کاملاً خوب و انسانی است، مسکونین آن با جدوجهد کار نموده و با اطمینان به خالکومبین مقدس خویش می اندیشند که اغلباً مشاغل باشندگان آنرا تربیه مواشی میسازد. در کالمیکس نژده فیصد زمین زراعی است، در متباقی حصص آن گوسفندان می چرند. با تغییرات عمیقی که بخاطر بهبودی مردمان کالمیکس صورت گرفته، کانال های آبی ساخته شده و قرار تازه ترین گزارش در سال ۱۹۸۰ سطح هموار آبیاری شده درین نقطه کاملاً خشک به (۱۱۰۰۰۰) هکتار زمین بالغ

اگر امروز گوشت های ملایم و اعلی در مغازه های آن بخش می خورد بخاطر توجه عمیقی است که به تربیه مواشی خاصاً گوسفند در آنجا بعمل آمده که باید مرهون تدابیر محافظوی بود علاوه برای حل تمامی مسئله ها درین جا همه یونیورستی هاوانستیتوت های مختلف به بررسی و تحقیق شان بلاوقفه وسعت بخشیده و تمدن صنعتی را بیشتر در خدمت مسکونین «کالمیکس» قرار داده اند امروز درین نقطه ازجهان به آلات تزئینی زیاد توجه شده، دیوار ها همه مزین و منقوش رنگ - آمیزی شده و صنعتگران و سازندگان هنر اینجا بیشتر بوظیفه شان علاقمندی نشان داده و علاقمندی ثابت کرده اند، سالون های هنری همواره محل تجمع و هنر نمایی شاعران و آوازخوانان بشمار آمده که چیره دست ترین شاعران حضور بهم میرسانند که انسامبل

متسور بنام «تولیان» که رقص های چندین قرنه و باستانی را نشان میدهد بر غنای هنری (ایستا) افزوده است. امروز فرزند هزاران چوپان، ماهی گیر، میخانیکر، کساکس ساختمانی از اطراف به ایستا آمده و در یونیورستی آن مصروف فراگیری تحصیلاند تا از اندوخته های فزیکدانان، بیولوژیست ها فلاسفه، مربیون پیداکوژی و کیمیدان ها چیزی اندوخته و مستفید گردند. در واقع زندگی در کالمیکس یک الهام خوبی است برای ایمان به پیشرفت بشر، چه کالمیکس که تا نیم قرن قبل سرزمین خشک، فاقد آب و محل زندگی مردمان آواره و کوچی ها بود امروز در اثر مساعی زیاد آنجا به یک مرکز بزرگ زندگی، معرفت و علوم مبدل گردیده است.



این تصویر زندگی جادویشان کالمیکس را نشان میدهد.

مبارزات پیگیر بخاطر رهایی از سطله رژیم فاشستی و ضد انسانی پنوچت در چیلی

چرخش های عظیم انقلابی و سازنده در امریکای لاتین، خاصاً در بیست سال اخیر زیاد چشمگیر و در خور یادآوری است چه در طول این زمان تحولات عمیقی در عرصه های حیاتی و سیاسی مردم آن رونما گردیده است، البته بیست سال اخیر از نگاه ناظرین سیاسی درین قاره، سه مرحله را احتوا می نماید. انقلابی که در کوبا به پیروزی رسید در واقع پیروزی نیرو های مترقی و تحقق بخشیدن سیستم بسندیده و گزیده جهانی یعنی سوسیالیزم بجای مناسبات پوسیدنه بخصوص به عوض سیستم کاپیتالیستی درین قسمتی از جهان بود که این خود سه منزله پیروزی بی های خلق مبارز و انقلابی کوبا و زهنمونی ایشان در جهت برقراری مناسبات صلح در روند تکامل جوامع بشری بحساب می آید. تلاش های اهریمنانه امریالیست ها هر چند که در سال ۱۹۷۳ منجر به استقرار رژیم فاشستی در چلی گردید، لکن مردم چلی دیر یا زود به نیات و آمال نیک، انسانی و بشر دوستانه خود دست یافته و یکبار دیگر به امریالیزم و ارتجاع جهانی خواهند فهماند که دیگر دوران آقاقت و پاداری بسر رسیده و توده های تحت ستم هر آن در صدد گریز از سیطره های ستم مردمی و فاشستی اند چه مردم خود میخواهند در فضای آگنده از آزادی، دموکراسی و صلح، فارغ از هر نوع ستم و استثمارزیست بدارند. یکی از مراحل ظفرمند دیگر در

امریکای لاتین همانا پیروزی انقلاب در ۱۹۷۹ در نیکاراگوا میباشد، این پیروزی بحیث یک جنبش دینامیکی تاریخی در جهت پیشرفت سیاسی و اجتماعی و اقتصادی، امریکای لاتین را در مسیر نهضت های پیروزمندانه تر انقلابی قرار داد. این پیروزی و پیروزی های نظیر آن در امریکای لاتین به جهانیان بر مسال ساخت که هر کجا دیکتاتور و مستبدی است، سطله اش خواهی نخواهی روزوال است که مثال واضح آن راهمه دیکتاتوری که در قسمت جنوبی «ریوگراندی» حکمروایی دارد از نیرو های مترقی است چه نیرو های آزادی بخش و مترقی بیهم زور گویان و در بدکشان راقحت فشار در آورده و مجال نخواهند داد که مستبدی ناتوان ها را در بند بکشد. مگر ممکنست پنوچت مادام العمر و جاودانه خواهد توانست به دیکتاتوری اش در چلی ادامه بخشد؟ خیر، مبارزات برحق و رهایی بخش برای پایان دادن به مظالم اجتماعی، علیه رژیم خونین پنوچت با جدیت تمام روز تا روز اوج میگردد. بیعین در برابر جبهه واحد و دموکراتیک مردم، پنوچت بزودی بزانو خواهد درآمد و این خلق چلی خواهد بود که وی را از مسند اش بدور افکنند. مخصوصاً در سالیان اخیر گروه هاییکه خواهان آرایش صلح و دموکراسی برای چلی اند، روز تا روز متشکل تر میگردد. مساعی این نیرو ها زیاد تر، در قدم اول در جهت پایان بخشیدن به اعمال سنگین امریالیست هاست تا باشد که داستان

این امر است که مسکونین دهکده مزبور مردم با کلتور و فرهنگ بوده اند و قرن‌ها قبل توانست‌اند، سطح ونحوه و چگونگی زندگی خویش را در آثار خود که بجا گذاشته‌اند، انعکاس داده و خود وسیله‌ی یادگاری برای انتقال چگونگی زیست خویش به نسل‌های مابعد، در دهکده «گوسالت» به فواید گیاهان توجه میشد و برای طبابت نظافت و لطیف ساختن جلد از گل‌ها و نباتات کوهی استفاده بعمل می‌آمد. از اینکه بگذریم مطلب درخور توجه در باره مسکونین مذکور همانا دسترس ایشان به صنعت، بخصوص صنایع ظریفه است حسن ابتکار و ژرفنگری در آثار ایشان نیز، توجه آدمی را بخود میکشد. بطور مثال یکی از قطعی‌های چای آنها که بتازگی بدست آمده، کاملاً نقره‌ی بی‌نقص بوده، بطور خاص دیزاین یافته. نتایج کار و زحمات و خلاقیت هنری

یکداشته‌اند. دیک هائیکه خود آنها از نقره و غیره درست میکردند. بهمین منوال دهکده گوسالت را بنام‌های دهکده زرگران و دهکده جواهرات نیز مینامند که علت این نامگذاری آشکارا هویداست. در منازل هر یک از باشندگان این دهکده واقع شده در دامنه‌های مرتفع و حواشی رکتی و کنار کوه‌ها، لوازم و سامان آلات کاملاً ناب و ساخته شده از فلزات و نایاب که عبارت میشد از لوازم طعامخوری و جایخوری بازوبند‌ها و حلقه‌های طلا، سنگ‌های گمربند، بشقاب‌های تزئینی نصب شده در دیوارها که از نقره و برکیات آن درست میگردد، از داشته‌های مردمان آن محسوب میگردد که اغلب لوازم طرف شردرت‌فامیل‌ها، بعلوه فلزات گرانبه‌تر ما قبل‌الذکر از فلزاتی چون نیلو و فلزگران نیز ساخته میشود. جواهرات دانه نشان دهکده، جای

سرانجام پیروزی بافتار متذکره خواهد بود و این کارگران، دهقانان و تمام زحمتکشان خواهند بود که با مشت‌های پولادین و کوبنده، بدن امیرالیست‌ها و مرجعین خواهند کوبید. از قرار معلوم نیروهای مترقی در چلی به رسیدن به پیروزی نزدیک گردیده‌اند. گرچه یکتعداد از همکاران حزبی از طرف رژیم بنوچت سربسته نیست گردیده‌اند، لکن مبارزین راه آزادی انسان در چلی که با ایدئولوژی مترقی مجهز میباشند. با درک اشتباهات قبلی، بزودی به سطره فاشیستی بنوچت پایان خواهند داد. مردمان وطنپرست چلی مدعی‌اند که آنان سراسر زندگی را علیه امپریالیسم، نیوکولونیالیسم، راسیسم، اکسپانسیون و سایر دشمنان آزادی می‌زنند. مبین پرستان چلی میگویند که معاشق استقلال و آزادی هستیم و تلاش ما آنست تا مزایای دگرگونی‌های شگرف سیاسی را که در اثر سوسیالیسم در اتحاد شوروی و سایر کشور‌های مترقی بوجود آمده، ب مردم توضیح بداریم.

آغشته بخون هزاران بیگناه را از دامان زحمتکشان ورنجبران در چلی، کوتاه سازند، تا باشد که با ایدئولوژی مترقی و کاملاً دموکراتیک و پیشروستانه خویش، قاطعانه بر امپریالیسم پیروزی حاصل بدارند. باز هم این کشور‌های سوسیالیستی و دول مترقی‌اند که همبستگی شانرا با چلی اسلام و ایشانرا در راه طرد نیروهای ارتجاعی و امپریالیستی تا آخرین سرحد آن، همراهی و مساعدت خواهند کرد. مخصوصاً از سال ۱۹۷۶ بدینطرف با مساعی وجدیت‌های کاملاً انقلابی طرح‌های اساسی برای پایان دادن به رژیم فاشیستی و ضد انسانی بنوچت دنبال میشود که مرام اصلی همانا رسیدن چلی به یک جامعه ضد فاشیستی میباشد. جنبش‌های افنی فاشیستی در چلی، برای خلق چیلی بیشتر این امیدواری را می‌بخشد که رژیم فاشیستی بنوچت روزوال است هر چند زمامداران فاشیست چلی یک آن از مقاومت دست نکشیده و در راه مغلوب ساختن نیروهای ترقی و صلح سخت میکوشند و دست و پا میزنند غافل از اینکه این اصناف زحمتکشان، کارگران، دهقانان و سایر نیروهای پیشرو و مترقی‌اند که با هم متحد شده‌اند و محققاً



این اشیاء از دهکده «گوسالت» کشف گردیده است.

نتایج کار محققین در زمینه دهکده کوهستانی گوسالت یاد دهکده جواهرات

این دهکده بوده که امروز بر غنای بسیاری از موزیم‌های کشور ی که موزیم مذکور آنجا موقعیت دارد، افزوده است. کتون نه تنها اینکه اشیای دهکده برای نمایشگاه و موزیم‌ها طرف مشاهده قرار گرفته، دهکده مذکور خود نیز ارزش تاریخی یافته که هر قسمت و بخش آن مبین کلتور و فرهنگ و هنر خاص میباشد که در بشورد با بحساب سپردن تصویری از اشیاییکه بتازگی هالزین دهکده کوهستانی بدست آمده و فعلاً در یکی از موزیم‌های جهان قرار دارد، بسنده میکنیم و منتظر تحقیقات بعدی می‌باشیم.

خاصی در میان مسکونین آنروز کار داشت. مردمان آن از شاخه‌های آب نوشی ساخته و آنرا مرصع نیز میکردند. خم‌ها و کوزه‌های خرد و کلان که همه با دیزاین خاصی از برنج و نقره تهیه میگردد، بیانگر این واقعیت است که آنان از نگاه داشتن فلزات قیمتی غنی بودند. از قرار معلوم روی هر یک از لوازم مذکور یکماه و حتی بیشتر از آن کار میکردند که از نگاه محققین معاصر بدون شك جواهر فروشان، زرگران، معماران و صنعتگران دهکده «گوسالت» با خلاقیت ابتکاری که داشتند، بیقین معجزه میکردند و اشیایی با آنهمه زیبایی و نفاست درست میکردند. مدارک قسمت زیاد این گزارش‌ها که پس از کاوش‌ها تثبیت گردیده، گواه

مذکور طرح شده بود. هدف ایشان تشکیل دادن پلاک‌های طبیعی سنگی یعنی در آوردن یعنی در آوردن سنگ‌ها و معاره‌ها و در مجموع فرو رفتگی‌های کوه بشکل مناسازل بمنظور بقا و ادامه حیات شان در آنجا بود و آرزو داشتند مسکونین پلاک‌های طبیعی را امتداد داده و ناقله‌های کوه مستقر کردند. گفته میشود که این مردمان، مردمان فرهنگ دوست بودند که میخواستند خود ایجاد گر کلتور بخصوص و صنایع مختص بخودباشند. مسلماً همین علاقمندی‌های ایشان بود که مسکونین آن بخاطر دریافت فلزات قیمتی و در آوردن آن به اشکال تازه رفته رفته کسب شهرت نمودند. عده دیگر، دهکده گوسالت را دهکده دیک‌ها مینامند، شاید بجهت آنکه خانه‌های مسکونی طبیعی که با اندکی تغییرات طرف بود و باش قرار گرفته، آنها را بدین اسم یاد کرده‌اند و هم بجهت آنکه معمولاً فلزات قیمتی خویش را در دیک‌ها

در اینجا مطالب تازه‌ی را در مورد دهکده گوسالت گزارش میدهم، دهکده که دامنه‌های بلند کوه‌های داگستان که در قسمت جنوب کوه‌های قفقاز موقعیت دارد. در اطراف این دهکده گردنه‌ها و تنگه‌های عمیق، مناظر قریب‌بینه‌ای ساخته. دریا‌های خروشان کناره‌های این کوه از شپه‌کاری‌های دیگر طبیعت است که بردیدنی‌هایی این منطقه تماشا می‌افزاید. سرک‌های که به اطراف خانه‌های سنگی تراس مانند کشیده شده، راه مسکونین آنها را بجهت دیگر وصل و نزدیک میسازد. یک بخش دیگر این منطقه که بنام «بازالت» شهرت داشته و قلب دهکده رامیسازد، همه از سنگ شکسته و درز یافته ساخته شده که با اینهمه در میان آن سکنه آن بزندگی برداشته و این خانه‌ها بسان یک پلاک درانظار جلوه میدارد. این دهکده کوهستانی به استناد تحقیقات مورخین معاصر در اعصار قدیم توسط سه معمارزیده آنروزگار، ساختمان منازل

دهغوی پي ژوندی دی

ژان لافایت

په ار دو گا ه کی داوئی درختی خبره
 نسته . دادی دوی او نی کیری چی پرله پس
 کار کوو او یوا چی دری اوئی وروسته
 دیکتیمی په ورخ موزته رختی را کوی
 خودکلمی په واقعی مهبو م په (انس) کی
 رختی نسته . ددغه وخت په اوږ دو کی
 بند یا ن با ید دغو لی و اوږه با کی کوی
 او هره شمه د ورختی کار دپای ته رسیدلو
 نیمه ورو سته دپروژ کتو ر نو دریا په مرسته
 اید دهغو ونو ریسی او پاتی شوی خانگ
 نی دار دو گا ه دغو لی په مخ کی پرا
 دی پیرته ویسی .

کار دجریان خخه پرته به بل وخت ک
 لیدنی کمتی امکان نلری . زه (دلته به
 المانیانو باندی ښه تیره شی) دجمله
 ۴ یاد ولو ید م او متوجه شدم چی هغه
 شمیر فرا نسو یا نو چی مخکی له مون
 لته را غلی وه ، وروږو مږه کیری .
 لازمه ده چی پدی هکله سوچ وکړو .
 نور کار و اونوه به ډیر زر راوړسیری
 دکو مانلو گا نو او نورو ساز ما نو نسو
 شمیر به ډیر شی . د پخوا نیو بند یا نو
 لپاره د ژغورنی یوا خنی لاره داده چی
 خپلو خانونو ته مناسبت خای ترلاسه
 کیری تر خو چی په را نلو لکی وخت کرد
 خطر سره مخا مخ نسی او مون هم دهمدغی
 نقشی د تنظیمو لو خخه وروسته به فعلیت
 پیل وکړو .

(ما پتو س) داروو گا ه رئیس یو آلمانی
 دی دهغه نه چی تیرشو . داروو گا ه منشی
 (آلبرت) نو میری او اصلا دلو کزا مپورگ
 او سیدو لکی دی خو په فرا نسو ی ژ به
 غیر یزی او پخوا هم دمو تپوزن په پنځم
 شمیر بلاک کی مون سره یو خای و ، ښایر
 چی دهغه خخه مرسته تر لاسه کړو . اوس
 اوس دوه تنه فرا نسو یا نو د (کایو) به
 توگه دنده سرته رسوی یو یی (مار سل)
 نو میری او پخوا په یوه سوداگری شرکت
 کی مد یرو او بل یی یو کمو نیست کارگر
 دی او (ژوزف) نو میری . دغه ورو سته
 سړی ددی لپاره چی دالزاس اوسیدونکی
 و او په آلمانی ژبه یو هیده دغه دنده یی
 تر لاسه کړی دی . درو غتو ن داکتر هم
 یوه فرا نسوی دی چیسی (ونه) نو میری هغه
 هم کمو نیست دی او دلو مری کار وان
 سره دلته را غلی دی او دخپلو فنا کار یو
 او زحمتو نو له برکته ډیر محبو بیست
 لری . او په وروستی پراوکی ښایر چیسی
 (با با هانری) او دهغه دگما ونی (امیل)
 هکله وڅیریزو ، دی د (اشتاین بروک)
 په یوه کار خای کی کار کوی دوی
 دواړه کمو نیستان دی . دهمدغو دواړو په
 مرسته مون وکولای شول چی خپل ډیر

روغتون ته ننو تل کوم آسان کار نه و
 دهغی ورخی په سبا چی (انس) ته
 را غلو ټول هغه فرا نسو یا نو چی دمو تپوزن
 خخه را غلی وو دلواز ما نو دوو لو راوړلو
 په کار و گما دل شول او یوه ورخ وروسته
 مون یی په بیلو بیلو (کما ندو) کی
 وویشلو . هغه ار دو گا ه چی مون او س
 بکی یو ، نوی جوړه شوی ده . ددغه
 اردوگا ه و دانی دیوه خلور سوه کمسیری
 بند یا نو دپلی په واسطه په تیر نوا مبر
 میا شت کی پیل شوی او لاقر اوسه یو ری
 دو دانو لو کار یی په بیره سره جریان
 لری . نوی کو تی او خوب خا یو نه جوړی
 شوی دی . داروگا ه غولی نو تیری داوړو
 دو تلو لاری کیندل کیری او دبر ښنا
 بر جو نه نوی جو ډیری . په ډیره
 بیره یو ه دپوډی پخولو او یو انسان
 سوخونکی کوره (کمره ماتوار) دجوړیدو
 په حال کی ده . دغه اردوگا ه با ید د م

دیمانستی ترکسمی نیتسی پوری دلسوزو
 کسو بند یا نو لپاره جوړه شی . مو ډاوس
 او س یوا چی دری زره تنه یا ستو .
 خو دغه ار دو گا ه یواخی دیند یا نسو
 دسا تلو لپاره نه جو ډیری ، بلکه د هغوی
 دبد نی قوت او کار خخه هم گټی اخستل
 کیری . دهمدغه منظور لپاره ددغه کار
 سر یزه داروو گا ه په یوه کیلو متر وانی
 کی په یوه سیمه کی چی (اشتاین بروک)
 نو میری پیل شوی دی . پدغه سیمه کی
 دیند یا نو ستری ډلی شمه او ورخ دلقب
 کیند لو په کار یو وخت دی او په هغه
 نو تل کی چی دغره په منخنی برخه کی
 کیندل کیری په هرو خلور و ښتوساعتونو
 کی یوا چی شمیر متره پر مخ چی دا یوستر
 رپوونکی او تصور نه منو لکی کار دی ،
 چی نوی پیل شوی دی . (سپمون) چیسی
 هلته تللی و دهغو لکو مو تیفو نو ، ما
 شینو نو او سامان خخه کیسه کو له کوم
 چی په موقتی پت خایونو کی زیره شوی
 دی . او دهغه خخه هره ورخ یو ټک مپور
 دلته راوړل کیری . دکا ر پر مختک دهغو
 و اوړو د اوړیدلو له امله چی زمون دراتگ
 خخه را پد پخوا شیبه په شیبه اوری ، خند
 یزی او دکا ر خنلو مخ په زیاتیدو ده .

سوچ کوم چی په هه حال لویدلی
 یو ؟
 سوچی . خو سره له دی با ید ووا یم
 چی او س مون ته هغی منظری عا دی ښه
 لری کو م چی پخوا تردی زمون دو حشت
 او ویری سبب کیدل ...
 ښایر داخیره ددی لپاره وی چی مون
 به هم یوه ورخ یا ممکن دی سبا ددوی په
 سر نو شت اخته شو او ددوی په خیر...
 همدلته و لو یرو .
 ښایر یی .
 هغه ده ، کایو مون ته غیر کوی .

کا یو پدا سی حال کی چی تر دی
 کیری . یو شمیر سامان او آلات زمون به
 وړاندی گوزاروی او دستور را کوی چی
 تا یو تونه خلاص کړو . دکوم سخت کار
 ندی . تختی دخلورو دانو میخو لو سره بر
 تا یوت با ندی ټپلی شوی دی . بل
 ماته وای یی .

آخر دوی خنگه غواپی چی یو بل جسد
 هم دغه تا یوت کی خای کیری ؟ دلته
 خو دوی گو تی په اندازه خای نسته .
 خود کا یو جرت خرا به نده او مون
 ته امر کوی چی په هغو تا بوتونو کی چی
 پخوا مو دوه جسدو نه خای کیری و یوبل
 جسد هم خای کړو . ددغه کار نه وروسته
 دتا یوت سر نه ټینگیده نو خخه دغه
 سړی (کایو) دخپلو بوتونه سره تا یوت
 با ندی پورته شو او دهغه تر پښو لاندی
 دهر و دهلوکود ما تیدو غیر پورته کیده...
 مون ته کوم بل مهم کار پاتی نه و ه
 پرته له دی نه چی تا یوتونه میخ کړو .
 ششل ، ششل .

یوه لاری مو تر زمون ډلی ته لری دریری
 دهغه لاری ده چی هره ورخ یی مون تپوزن
 ته دخواره دراوړ لو لپاره مو ظفوه او په
 عین حال دهمدغی لاری نه انسان سو
 خو و نکو کورو (کر ماتوریوم) نه دجسدونو
 دلیر لو لپاره یی هم گټه اخستل .
 اما او پل هره ورخ مو ما موریت درلود
 چی دهغو تا روغا نو جسدو نه چی پرو نشمه
 په روغتون کی مږه کیدل دغه خای ته
 را وړو . دا پنخلس ورخی کیری چیسی
 مون پد ته کار یو وخت یو .
 نن د ۱۹۴۴ کال دآوړیل لسمه نیټه ده .

دبیبونو ډکه سریزه
 په یو گرد جا پیر یا ل کی او دیوی
 نیی پرسر باندی چی یوی تنگی دری ته
 مخا مخ واقع شوی دی ، دکا ج و نس
 یی غوخی کیری دی تر خو چی د حانمیری
 لپاره خای جو ډ کیری ، په هر ی خوا کی
 دونی پری سوی ټوی او دودانو لو سامان
 پرا ته دی چی دسړی ښی پکښی بندیری .
 ددغه خای په گرد جا پیر کی اوږ ده
 ودانی چی دیوی لوی ذوقتی ښه لری
 خنگله ته مخامخ پرته ده د خنگله له مینځه
 دنورو ودانیو ښه ښه لیدلی شو . مون ته
 مخا مخ په دری سوه متر یزه وانی کی
 یو غر چی مخ په آسمان جگ شوی دی
 ښکار یی . زمون په دوه کیلو متر وانی
 کی د بید یا هغه خوا ته چی مون ته ښه
 ښکار یی یو شمیر نور غرونه واقع شوی
 دی چی دهمدغه غر سره یو خای کیری ی
 او یوه کیری جوړی . اومون تپوزن د تیری
 کار خای ته ډیره ورته ده . دغه نوی خای
 دمو تپوزن په پر تله ډیره ار نه ده . د ۱۳۰۰
 مترو په اوږ دوالی دیوال زمون په گرد
 جا پیر کی جوړ شوی دی اوله همدی امله
 سړی ته د (زول ورن) حیرا نو لکی تاریخی
 کیسی را په یاد وی .

زمون تر پښو لاندی د واوری پر مخ
 خو انسان جسدو نه پرا ته دی . جسدو نه
 لوخ اید دی او دهر یوه پر تیر با ندی
 دخود کار قلم سره یو عدد لیکل شوی دی
 ما او (بل) وروستی جسد راوړل ددی لپاره
 چیسی جسدو نه مو پریو پرستن با ندی
 ایندو دل او هغه مو کش کول ډیر
 ستړی شو داخکه چی دایومشکل کارو
 هغه (کایو) چی مون باندی مو ظف دی
 داخلا عا تو دلاس ته . راو ستلو لپاره تللی
 دی . اوس مون یواخی ددغه میدان ژ و ندی
 مو جو دات یو . بیا هم زمون تر پښو لاندی
 شمیر جسدو نه چی سترگی یی خلاص دی
 او اسمان ته کوری پرا ته دی دهغوی
 خنگ ته شمیر تا بو تونه چی تختی یی یو
 ډبل نه لری لری میخ شوی دی دیند یا نو
 دا جسا دو خخه ټک دی . (بل) یی له دی
 نه چی متا تر وی خپلی سترگی یسی
 پتی نیولی دی او وایی :

دوه !
 دا واری مترو که پرخان باندي مـسی
 ونيليد . ډير زيات درد احسا سو م .
 اسـاس دگوانښ نه په ډک غږ سره
 وايي : په زوره ، لاهم په زوره !
 حـري ! ... خلور !... پنځه !...
 دېني لو ئي په شان د درد له زوره خپل
 لاسو ته دکت پر پايو با ندي آينگو مـرد
 زغم نه منو نکي کيږي .
 (تورپيا)

نشته با يد دستور اجرا شي (داسـ اس
 دد ستو رته اجرا کول په هره وجه چي وي
 داعدام جز الری) . زه انتظار باسم هغه
 په وهلو پيل کوي او دهرې غږ يې څخه
 وروسته په آلمانې ژبه وايي .
 -يو !
 لومړني غږ به ډيره کلکه نه وه .
 اس ساس بو غاري وهي
 -پزوره يې ووهه !

دهغه کار عم نده ځکه چي ما سره
 يې مړي کتس کول .
 په همدغه وخت کي اسـ اس تا لار ته
 دننه را ځي ، منشي هم ورسره دي او خبري
 يې ژبا پوي .
 -سبا غلي رئيس غواږي چي پوه شي چي
 دکشافا تو ډېلي ئن چا تن کړي دي .
 -هون ندي تني کړي .
 -سبا غلي رئيس وايي چي که تر پنځوـ
 دقيقو پوري گنا هکار خان معر في نکري
 دروغتون ټول فرا نسوي کار کو نکري به

ملگري په هما غو لومړيو پنځلسو ورځو
 کي په آسا نو کو ماندو گا نو کي ځاي
 په ځاي کړو .
 ويلى ټول او سيون دوزوف په کوماندو
 کسي کار کوي . دپل يوه ملگري چي
 لوسين نوميزي د ١٦ نمبر بلاک نه
 موږ سره راغلي و ، دالکتريسينانـويه
 بلاک کي کار کوي . زه ، پل او پتـلوني
 دډاکتر رنه په غو بنسته په روغتون کي
 په کار گمارل شوي يو . يواځي «انداره»
 په اشنا ين بروک کي کار کوي او تراوسه
 پوري مو ښ و نشو کړاي چي دي دهغه
 ځاي څخه وبا سو .
 داسي بر يښي چي موږ به مقاومت وکړو
 خودغه کاربه ډير آسان نسوي .

کنترول توپر کلوز ...

بقیه صفحه ۱۲

مياشده بايد راديو کرافي از آنها کر ته
 شود که البته تشخيص آن تنها مربوط به
 آمرحوزه توپرکلوز می باشد .

برای ششماه دارای ذخیره میباشد .
 رئیس انستیتوت ملی کنترول توپرکلوز
 در مورد فعالیت کنترول توپرکلوز چنین
 معلومات داد :

دمترو کو پنځه ويشت ضربې وځوري .
 پل مخ ته ځي او وايي : که هرو سرو
 بايد يو سړي خان معر في کړي زه حاضر يم
 چي پنځه ويشت مترو کي وز غم .
 ډاکتر چغه کوي او وايي : هغه گناه
 نلري !
 -اوس به څه وکړو ؟

ما اوپل خپل ورځني کارونه سرته
 رسولي دي ، په روغتون کي يو ، او د
 کړ کي څخه دواوو او ريډو ته گورو . پل
 وايي : فرق نه کوي په هر صورت دداشتاين
 بروک په پر تله آرام يو .

در قسمت تداوی مريضان دارای بلفم
 مثبت برای يك الی سه ماه استریتو ماسين
 روزانه يك گرام همراه بايك قابليت تي بي يك
 (ايزو نيازيد سه صد ملی گرام بايکصدو -
 پنجاه ملی گرام تياسيد ازون بعدا جهت
 دوام تداوی آن از نوع تداوی روزانه استفاده
 می شوند دارای مراحل ذیل را بايد بيما يند
 عبارت از تداوی مقطع يا تداوی مراقبتی نیز
 گویند بالای مريضان تطبيق می گردد .
 (استریتو ماسين هفته دو گرام ايزونيازيد
 هفته دوازده صد گرام با دو قابليت ويتامين
 بي ششماه)

اول : وقایع ذريعه واکسين بي سي چي .
 دوم : کشف واقعه توپرکلوز در قدم اول
 بواسطه معاینه مستقيم بلفم ودر حوزه ها
 بوسيله مکروفلم .
 سوم : در تداوی مريضان توپرکلوز حق
 اوليت به مريضان بلفم مثبت داده ميشود
 ويضا مريضان بلفم منفي که از نگاه راديوـ
 گرافي فعال ميشاد وتداوی مريضان خا رج
 ريوبي درصورت ادويه کافی وبعد از تشخيص
 قطعي از طرف متخصص مربوط تحت تداوی
 قرار گرفته می شود .

اس ساس (پتي لوني) ته غږ کوي . دا
 غو څه خبره ده چي هغه هم گناه نلري .
 هغه اسپانوي سړي چي زموږ په خير داطـ
 قونو مسوول دي هم گناه نلري . اسـ اس
 موږ ته وايي :
 -ډير ښه . اوس چي هيڅوک نه غوا ږي
 اعتراض وکړي تا سي خلور واپه با يسد
 ويکل شي .

-هو کي زموږ هره ورځ چي تير يزي
 يو نوي پريا ليتو ب ترلاسه کوو ...
 پل ديو جا روپ پر دسته با ندي تکيه
 کړي وي او ماته موري زه هم يوه صافي
 په لاس کي لرم . دلته هم با يد د مونږون
 په خير سړي دکار يو افزار په لاس کي
 ولري تر څو چي داس اس له خوا غافلگيره
 نشي . په همدغه وخت کي زموږ اسـ اس
 هم پيدا کيږي . پل خپل جا رو ب سره
 خان بو ختوي او زه هم په بيړه سره خپل صافي

داکتر خيرخواه گفت :
 - تمام مريضان که تحت تداوی کر ته
 می شوند دارای نقاط ذیل می باشند .
 ۱- راجستر عمومی : مريضان توپرکلوز
 دارای نمبر مسلسل می باشند
 ۲- کارت تداوی که از طرف انستيتوت
 تربيت داده شده واز نگاه نوع تداوی ، معاینه
 بلفم ، تشخيص وشهرت مکمله خانه بـري
 گردد تداوی برای يکسال می باشد يعنی
 چهار بار بلفم آنها بفاصله سه ماه منفي
 باشند .

چهارم : تمام پرسونل که در پروگرام
 توپرکلوز فعالیت میکنند بايد تحت تربيت
 در داخل وخارج گرفته شود وهمچنان از
 نگاه تبليغات از وسايل مفاهيمه جمعي مانند
 روزنامه ها ، راديو ، تلويزيون ، جـرايد ،
 پامفلت ، کنفرانس ها وغيره استفاده گردد .
 پنجم : تعقيب مريضان غير حاضر ،
 مريضان دارای بلفم مثبت در صور تيکه
 تداوی خودرا ناقص وديون هدايت داکتر قطع
 کنند بايد از طرف شعبه مربوط مـريضان
 را جهت دوام تداوی تشويق وکمک کنند .
 همچنان تحقيق وريسرچ تنها در انستيتوت
 ملی توپرکلوز از نگاه نوع مکروب وغيره
 صورت می گيرد .

-خلور واپه دليک څخه بهر را ځو . په
 را هرکي يو کمپاينودل شوي دي . هغه
 پتي لوني ته اشاره کوي چي پر کمپـباندې
 پر يوزي . يو لهستا ئي پر ستار غو اږي
 چي دپتي لوني اوږه آينگک وئسي او دوه کمه
 نور چي دمخکي پر مخ نامت دي غوا ږي چي
 پتي يې آينگي وئسي . خو پتي لوني هغوي
 بو هوي چي مر ستی ته اږ ندي اسـاس
 کمري ته ځواو يو کانسو چو يې متروکه
 چي يوه او سپنيزه مزي يې هم په زبا نه
 کي لري له خانه سره راوړي . دي دملناپي
 نه ډکه پته لري . موږ هري کمه نور
 دخپل وار انتظار با سو او پتي ته گورو
 ډاکتر (رنه) ددي لپاره چي دغه صحنه ونه
 گوري زموږ دډلي څخه ليري کيږي ، پداسي
 حال کي چي بو هيږي چي دده دغه عمل
 په هغه دجرا وږو گر ځوي .

نښيني پر مخ موښم پل بيا وايي :
 -هو کي بهر صورت دلته ښه ده .
 -آهائي ، زه تاسو پسي گر خيدم .
 ډاکتر (رنه) دخپل سپين جين سره زموږ
 په شاولاډ دي . هغه په رښتيا سره يو بهـ
 ډبه پوري سړي دي دهغه اخلاق او مينی
 له امله چي ټولو نارو غانو سره يې لسـري
 ډيره په زړه پوري ده . دي خپل ټول قوت
 او ټول وخت دنا روغانو د سلامتيا په لاره کي
 مصـرفوي .. (رنه) دخپلي جگي و نسي
 او بزړگ منشا نه کړه وډه سره به رښتيا
 سره ددغه جا پيريال واکداردي په داسي
 حال کي چي هغه په واقعي توگه هيڅ کاره
 او موږ غولدي يو بندي سړي دي . دي داسي
 يو بندي دي چي يوه او عملي تجرب يې يې
 بل داس ساس د ملند ي سره مخا مخ
 کيږي .

۳- مريضان غير حاضر به هر شکلي که
 باشد جهت تداوی جذب گردد و وسايل
 ترانسپورتي در اختيار شان گذاشته شود .
 ۴- په نژديکان مريضان بلفم مثبت واکسين
 بي سي چي تطبيق گردد .

در ولايات فعالیت از نگاه واکسين بي سي چي
 که توسط تيم ميار آمريت معافيت کتلوي
 صورت می گيرد وهمچنان واکسيناسيون در
 خود حوزه ها از طرف واکسيناسيون په اطفال
 نوزاد واشخاصيکه واکسين نشده اند اجرا
 می گردد .

اس ساس ټوپ وهي او دخپل ټول قوت
 سره دمـترو کو پنځه ويشت ضربې دپتي لوني
 پر کو تا ئي باندي حوا له کوي . هغه
 دخپل مترو کي سره ښه ټبه نيسي او هغه
 پر هدف با ندي حواله کوي .

ډاکتر په پسته ژبه موږ ته وايي .
 -ښه کار هو وکړه ! تا سو دواږو ته
 وایم .
 -څنگه ؟
 -سره له دي چي ځواري مي تا سونه
 ويلى و بيا مو هم ئن سهار دکشافا تو
 ډېلي دپلاک تر څنگه خالي کړي دي پداسي
 حال کي چي ما تل تا سو ته ميار بنسته
 کړي ده چي دغه شيان و سو ځوي . له
 همدې امله اسـ اس عصبا ئي شوي اووايي
 چي دروغتون ټول کار کوونکي به وټکوي .
 -خو نه ډاډه واو سـيره چي دغه کار
 زموږ له خوا نده شوي .

ساختمان مجهز ومدون انستيتوت ملي
 کنترول توپر کلوز در ساحه بيست جريب
 اعمار گرديده کمک بلاعوض حکومت جا پـان
 می باشد بمبلغ ۱۵۰ مليون دالر که شامل سامان
 ووسايل اکسر يـز ، لا براتوار شعبات
 ايډيو لوژي و شعبات تعليمات صحي دفتر و
 وسامان ولوازم دفتر وترانسپورت را شامل
 ترانسپورت می باشد

فعاليت کشف محراق توپر کلوز جهت
 بر آورده شدن اين مرض همکاري تمام
 شعبات صحـروپرسونل صحي ،شعبه توپرکلوز
 مياشده يعنی تمام اشخاصيکه دارای مرفه
 بيشر از چهارده روز مياشده ويا علام ديگر
 توپرکلوز در آنها مشا هده می گردد به
 شعبه لابرا توار معرني و بلفم آنها بصورت
 مستقيم معاینه ميگردد ودر صورتيکه بلفم
 مثبت داشته باشد تحت تداوی گرفته ميشوند
 تمام حوزه های توپر کلوز دارای دستگاہ
 مکمل راديو مکروفلم مياشده اشخاصيکه
 دارای بلفم منفي واز نگاه توپر کلوزمشکوک

پتي لويي خيل لاسونه دکمپه پايـو
 با ندي آينگک نيسي خو خپل ځا نـه
 ټکان نه ور کوي دجـزاد تطبيق څخه وروسته
 کپ کپ ، جگيزي او گام گام ځي اوليري
 کيږي .
 زما وادي . زه هم دهغه په خير اجا زه
 نه ور کوم چي څوک را سره مر سته وکړي
 يواځي په هماغه ښه خان نيسم اوخپل
 سر لـر شا نه ټيت نيسم اس ساس چي
 ستري شوي دي يو چکو سلواکي پر ستار
 را غواږي . مترو که يې په لاس کي ورکوي
 او ورته د ستور ور کوي چي دهغه پر ځاي
 ما وو هي . دغه سړي په لويه کي لويدي
 حيوان په خير ما ته گوري ، خو بله چاره

سره له دي چي ځواري مي تا سونه
 ويلى و بيا مو هم ئن سهار دکشافا تو
 ډېلي دپلاک تر څنگه خالي کړي دي پداسي
 حال کي چي ما تل تا سو ته ميار بنسته
 کړي ده چي دغه شيان و سو ځوي . له
 همدې امله اسـ اس عصبا ئي شوي اووايي
 چي دروغتون ټول کار کوونکي به وټکوي .
 -خو نه ډاډه واو سـيره چي دغه کار
 زموږ له خوا نده شوي .
 -نو هر و مرو به دپتي لويي کار
 دي .

کتاب نور و ظلمت

ص ۴۶ - «خواجہ عبداللہ انصاری، بزرگترین و بقول خودش مهمترین تصنیف خود را به لجه قدیم هراتی نوشته است» منظور مولف ازین تصنیف مهم همان، طبقات صوفیه، میباشد این کتاب مستقیماً اثر پیر هراتیست: «گویا شیخ الاسلام مطالب آن کتاب را بحدی اسناد و عنقه در مجالس تذکیر و تدریس خویش اعلی فرموده و یکی از شاگردان آقا مینوشت بنابراین این کتاب مستقیماً اثر خایه و نگاشته شیخ الاسلام نیست و مانند سایر کتب و رسائل دیگر از اعلی شیخ است که این وجب آقا عبارت «مجالس التذکیر بالفارسیه الحسنه» ستورده است. (از مقدمه پوهاند حبیبی بر طبقات الصوفیه ص ۱۲) و از صفحه اول متن کتاب هم بخوبی پیداست که کتاب، نوشته کس دیگر است نه از شیخ الاسلام زیرا مولف هیچگاه عباراتی را که درین صفحه درج است راجع به خود نمی نویسد «درک طبقات الصوفیه بکوشش پوهاند عبداللہ حبیبی - طبع کابل ۱۳۴۱» ص - ۱۴۸ - بهرامشاه غزنوی - ۵۱۱-۵۱۲ هـ این تاریخ درباره دوره سلطنت بهرامشاه آخرین پادشاه مقتدر ناصری در غزنین از خطاهای سخت منسوب و نادرست است بهرامشاه نظریه قول منہاج السراج جوز جسانی مدت چهل و یک سال سلطنت کرد. (طبقات ناصری ج ۱ ص بگو شش حبیبی طبع کابل ۱۳۴۱) و گذشته از آن حکیم غزنوی حدیقه را در سال ۵۱۱ و یا ۵۱۲ هـ، برای بهرامشاه اهدا کرده است بلکه برفیق تحقیقاتی که اخیراً صورت گرفته و در سیمینار سنایی در کابل اظهار گردید، سال فوت حکیم غزنوی حوالی ۵۴۵ هجری روی احتمال نزدیک به یقین تعیین گردید. بنا براین براهین مولف نور و ظلمت در ضبط تاریخ مزبور مرتکب خطا شده است که بایست تصحیح گردد.

بقیه صفحه ۵

عشق زناشویی

انسان کارهای روز مره خود را به بسیار سهولت انجام داده میتواند مگر در عین حال حسس میکند که تا کدام اندازه انکشاف روحی او فقیر است.

پرا بلسمهای موازین اخلاقی بسا خوا نندن کتا بنها و مجلات مخصوص حل شده نمیتواند. ضرورت است تا جا معه بطور مکمل نیروی خود را درین مورد بسیج نماید.

زمانی که ازدواج فقط اکمال مناسبات اقتصادی را ارا نه میکردنو جوان حتی به ایجاب و قبول والدین به ازدواج آماده میشدند.

بقیه صفحه ۱۵

اقلیم آینده...

بیش بینی گردیده است. مطالعات مابله توسط کونتر بارت های شان در دیگر ممالک هم تماس حاصل گردیده است. در سال ۱۹۷۷ یک کاغذ تحقیقاتی به عنوان انرژی و اقلیم جوی، در امریکا طبع گردیده است. جمع کننده های مقالات این را هم نشان داده اند که ممکن گرمی عمومی منحصر به قزلبدر کتله کاربن دای-اکساید در قنات باشند. علمائی امریکامعتقدند

تاقویه طنین انداخته بود معلوم است میدهند همه موق محکم واستوار اند. بدین معنا که مولفان آن آثار از معاصران و مریدان سلطان العلماء بهاولدین محمد بن حسین خطیبی بلخی و فرزندش مولانا جلال الدین محمد بلخی بوده اند از آنر و شرح حال و جریان زندگی موصوف مبتنی بر اسناد موثق تاریخی است که محال است آن حقایق انکارناپذیر و افسانه پنداشت. کسانی که میخواهند در زمینه معلومات مبسوط داشته باشند میتوانند به کتب ذیل: «مناقب العارفین الاکبر ج ۱- چاپ اتره بکوشش تحسین یازیجی - سال ۱۹۶۱ م» - «ولد نامه ائمه بهاولدین بن مولانا جلال الدین بکوشش حسین اقبال طبع تهران - سورساله سپسالار - تألیف فریدون معروف به سپسالار چاپ کانون رسال ۱۳۱۹ هـ» مراجعه فرمایند. نایین تاریخ و افسانه فرقی نگذارند.

ص ۱۸۲ - اودر شهر کوچک جام در نزدیکی

احساس می کند؟ پیرزن جواب داد: خوشوقت در صورتی مسی بودم که شوهرم تا اکنون زنده می بود درین موارد در ممالک پیشرفته کلچر ها ترتیب داده میشود مشوره های مفید در موارد مختلف به اشخاص ص داده می شود که تازه عروسی کرده اند. سعی میشود تا دو نفر را به فرهنگ مناسبات در ازدواج آماده سازند.

بطور مثال بعضی ها نزد اشخاص مجرب مراجعه کرده و سوال مسی کنند: نمیدا نیم چرا با هم مناقشه میکنیم. مسله بسیار ساده است اینها تا حدی رسیده اند اما از نکات روانی یکدیگر عیج اطلاعی نیا فته اند.

اینهمه از مسایل بسیار ابتدایی شروع میشود. شوهر بدون اینکه متوجه شود از بعضی لطافت های ایش در مقابل خانم می کاهد. خانم اگر درین صورت انتظار بدنیآ آمدن طفل را داشته باشد بسیار کم حوصله میباید شد. اگر شوهر در اینصورت از صبر و تحمل کار نگیرد مسله بهجا های دیگر کشانیده

که گرمی عمومی شاید خود بخود در قرن ۲۱ احساس کردند و یک نتیجه (با همت) جدائی عظیم در قرن ۲۲ دارد. پس اینطور نتیجه گرفته میتوانیم که محدود ساختن انکشاف قدرت صنایع یک امر مسلم و ضروری بشمار میرود که خود منحصر و وابسته به اختراقات فوسیل های مواد سوخت میباشد.

زیرا بصورت آشکارا یک چیزی غیر قابل استفاده است. بسیاری از علماء در کوشش هستند تا راه حل برای تهیه وسایل محافظتوی اقلیم جوی که فعلاً همین طور است پیدا کنند این هم یک وظیفه مغلق است. هیچ کدام گرانتی در قسمت وقوع آن وجود ندارند.

نیشاپور دیده بجهان کشود. منظور مولف ازین دیده کشوده مولانا نورالدین عبدالرحمن جامی شاعر معروف قرون نهم هجری است محل تولد او جام در نزدیکی نیشاپور نیست بلکه نزدیک هرات و در آن روزگار آن خود از نوابع هرات بود. و حالا بین هرات و مشهد واقع شده است که از نیشاپور نه تنها امروز بلکه در زمان تولد جامی هم بسیار فاصله داشت.

علی الرغم آنچه گفته شد جام در عصر تیموریان و آنهم دوران حیات عرفانی و هنری مولانا جامی از توابع و مربوطات هرات بود و نام جام هرات شهرت داشت بعد ها مرز های که در اثر تثبیت ناجوانمردانه و غارتگرانه استعمار غرب بین ممالک تعیین گردید. در بیکر سرزمین ما نیز تأثیر کرد. اما در مطالعه حوزه های فرهنگی در نظر گرفتن این مرز های تحمیل شده مشکلاتی را ایجاد میکنند بایست این موانع را نادیده انگاشت و مساحه پژوهش را گسترش داد.

میشود. زنها به نو به خود نیز به این نکته متوجه شوند که شوهر به فامیل و پدر شدن بزود می آید و نمیباشد. پس وظیفه به سبک و اسلوب مخصوص شوهران شما نیز با وظایف مر بوطه ملتفتت سازند. اینجا ست که زندگی مشترک دو تن ممکن است به بسیار خوشی و آرا می سپری شود و از مزایای زندگی لذت ببرند.

طلا سلطان فلزات

می کردند که میتوانند طلای مصنوعی بسازند اما هیچکس بانجام این کار قدرت نیافت و سوال چگونگی ساختن آن لاینحل باقی ماند. «الکمیست» ها از زمانهای قدیم، درصدد آن بودند تا سنگی را پیدا کنند که بتوانند فلزات را به طلا تبدیل کنند.

امروز که با داشتن وسایل عصری می توانیم از نیروی اتمی کار بگیریم باز هم ساختن طلای مصنوعی ساده نیست. زیرا فلزات فلزات و کیمیا دانان، باید برای ساختن طلای مصنوعی از یک مقدار سرب و پلاتین کار بگیرند و مدت هارا صرف نمایند تا به اندازه یک نوک قلم خود کسار طلا بدست آورند. اما ارزش همین طلای ناچیز معادل با چندین تن طلای طبیعی خواهد بود.

سال بوده اند.

مردم ماداو طلبانه ...

ولی هما نظور یکه مردم ما باز ن بردن حفیظ الله امین و با نسد سد شردر عمل ثابت سا ختند که سچ اجنت و دست پرورده استعمار مستبداد را تحمل کرده نمی توانند این تبهکا ران نیز در عمل ثابت سا ختند که برای اخلاص گری هاو جاد فضای ترور و اختناق شان فرست نخوانند داد و آنها را نیز چون تلف خاین شان از بین میبرند و واهند برد، صدق این حقیقت در ککاری های مردم و شهر یسان بل با دولت انقلابی شان در ریان حوادث اوایل حوت و بعد آن بخوبی مشهود است و به مثابه ست محکمی است بد هان همسه بخوان هان و دشمنان انقلاب و پیشر- ت صلح آمیز کشور ما. و افعیت بر هم اینست که دشمنان حالادیکر املا نا امید شده اند و از آخرین بریه های بی تأثیر و بی نتیجه که در نته های شان باقی مانده است ای سنگ اندازی در راه پیروزی مردم ما استغاده می کنند و این حر به مانا همان حر بهی کهنه و رنگ و رو فته ی دهها سال قبل است که با ننگ و روغن دادن آنها می خواهند ردیکر بر علیه کشور و مردم ما استعمال نمایند یعنی می خواهند ریر پرده ی دفاع از دین و آیین مقدس بی مردم ما (که هرگز صاف دقانه بن کار را نمی کنند) امیال خود را بر ورده سازند ولی طور یکه قبلا تختم این حر به نیز کار گریافتاد نمی افتد زیرا مردم مادر عمل می بینند که دولت از خود آنها در خدمت خود شان است و این دولت انقلابی ما است که بحیثیت با دق ترین حمایه کننده ی همه اعتقادات و سنن پاک مردم کشور در عمل وفاداری خود را ثابت ساخته ست. هکذا دولت انسان دوست عیوما نیست، یعنی دولت که راه تیزی دوگرا تیک افغانستان با مردمی که آگاهانه فریب این اخلاص گران و ما شتکان استعمار و امپریالیزم عتاصر یکه بد ستور امپریالیزم ار تجاع منطقه حوادث شوم اوایل حوت را بمیان آوردند را خورده

بودند با مدارا و گذشت بر خورد نمود و کسانیکه را که سند و دلیل قاطع مبنی بر سو نظر و عمل شان موجود نبود فوراً از حبس رها ساخت چنانچه تا حال ۹۹۲ نفر از کسانیکه فریب دشمنان مردم و انقلاب افغانستان را خورده بودند و نا آگاهانه آله ی دست اجنبی شده بودند از حبس رها شده اند و قسراً گفته های عده از این فریب خورده هادر جریان تحقیق و مدت قلیل حبس با ایشان بر خورد کا ملا انسائی و شرا قتمندانه صورت گرفت است و هکذا عده ی از آنها به نام- یندگی دیگر هم قطاران خود پس از اظهار ندامت همبستگی کامل شانرا از دولت و انقلاب ملی و دموکراتیک افغانستان ابراز داشته اند. از اینجا ست که می گویم: دولت ما امروز از مردم است و این حقیقت را خود مردم نیز به نیکی درک کرده اند و حاضرند با نثار جان و مال خود از آن دفاع و پشتیبانی نمایند. مرحله ی دوم تکاملی انقلاب ثور که کینه و دشمنی امپریالیزم و در را سس امپریالیزم امریکا، منحرفین و خائنین چینی و ارتجاع سیاه منطقه متوجه آنست و این کینه توری آنها در اعمالی منعکس است که در قبال دولت مردم و انقلاب مردمی ما روا میدارند. این اعمال پلید شامسل چور و چپاول، کشتار دسته جمعی کشتار پیر زنان و پیر مردان و اطفال صغیر نیز است و علاوه بر این امپریالیستی و ارتجاعی به این هم بسنده نشده و مزدوران و رهنمان زرخرید خود را با مقادیری زیاد سرح ناریه و جاجه ساخت زرادخانه های پنتاگون، پیکتک ولندن بکشور، صادر می نمایند تا ان نقشه های شوم شانرا عملی سازند ولی امروز وطن و انقلاب مادیکریا- سدا ری دارد شکست ناپذیر و دلیر و سلحشور آری مردم، اینجا ودانه صخره ی شکست ناپذیر مدافع وطن و انقلاب ما ست و چون به شهادت تاریخ مردم معدوم ناسد نمی و شکست ناپذیر است انقلاب ثور نیز چون از دفاع

و پشتیبانی مردم ما بر خور داراست شکست ناپذیر و جا ودان است. بهتر ین نمایا نگر این دفاع و پشتیبانی تشکیل دسته های داو طلب دفاع از انقلاب و وطن می باشد که بشکسل رضا کارا نه و با شور و شوق فراوان از طرف مردم وطنپرست و آزادی دوست ما صورت می گیرد. حزب دموکراتیک خلق افغانستان که عامل اصلی و گردان پیش آهنگ

این عمل انقلابی است در طول مو- جودیت پر افتخار خود و بخصوص بعد از پیروزی انقلاب ظفر آفرین ثور در عمل ثابت ساخته است که می تواند مردم وطن را بد نبال خود بکشاند تا از وطن، انقلاب و دست آورد های انقلاب با شها مت و دلیری دفاع نمایند. زند ه باد مردم افغانستان این حماسه آفرینان تا ریخ منطقه

بقیه صفحه ۱۹

ویتامین ها

و کم شدن قوای تدافعی بدن در مقابل بیماری های عفونی. چه کسانیکه باید بیشتر ویتامین سی مصرف کنند؟ اشخاصیکه در خانات دود می کنند به بیمانه زیاد به ویتامین سر ضرورت دارند و رسیدن به طبق آزمایش های که صورت گرفته بدین قبیل اشخاص ویتامین را زود تر ازین می برد. کسانیکه بیشتر خنک و سردی احساس می کنند و یا به بیماری های کسبی دچار اند مقدار بیشتری از این ویتامین ضرورت دارد. آنها نیکه وجود شان در مقابل امراض عفونی و مت ندارد و نیز کسانیکه در دوره نقامت بسر می برند و همچنان اشخاصیکه فعالیت دماغی شان زیاد است یا پسد بیشتر از ویتامین سی استفاده کنند ویتامین د: برای داشتن دندانهای خوب، اعصاب کامل را تحت ویک خواب آرام از این ویتامین لازم دارید. اگر وجود نان فاقد ویتامین د باشد کلسیم و فسفر در بدن تا ن جذب نمی شود و از بیماری نریمی استخوان (راستیسیم) رنج می برید، کمبودی این ویتامین در اطفال مرض ریکت و در اشخاص سالخ مرده اوستو مالسار با وجود آوردن کمدروان این امراض استخوانها شکننده و تساب خورده به نظری آیند. زنان باردار که تمام می ذخیره ویتامین (د) خود را به جنین میدهند باید در دوره حاملگی ویتامین د بیشتر صرف کنند و اطفال باید بیشتر به این ویتامین توجه داشته باشند. در متابولیسم که این ویتامین را جستجو کرده میتوانند: اشعه آفتاب، جگر، ماهی زردی تخم، روغن، مسکه و شمیر مسی باشد. ویتامین ک: این ویتامین زیاد تر برای لخته شدن خون در بدن ضرورت است زیرا قلت آن خطرناک بوده و اگر ناچار از بدن قطع ویا پاره شود خون بقدر زیاد فواره می کند که با ختن و متابولیسم شدن مقدار زیاد خون سبب مرگ می گردد. ویتامین ک توسط محیط روده انسان

تولید شده می تواند و کبد بدن این ویتامین قادر به تولید پروترومبین است متابولیسم ویتامین ک با دلجان روی قسمت سبز گیاهان، ترکاری و زردی تخم می باشد. ویتامین ای: یکی از ویتامین های محلول در چربی و موثر در اعمال بدن است بهتر ین غذا های که ویتامین ای، دارد کاهو، روغن های نباتی و نطفه گندم است این ویتامین برای تکامل حجرات بصورت نورمال ضرورت است. امرغذای پومیه شما حاوی ویتامین ای، باشد عضلات شما ضعیف و لاغر نخواهد شد و هرگز از عدم آنها تا بی جنسی مشهور نخواهد بود. ویتامین ب: اگر بدن شما فاقد این ویتامین باشد، خطر پاره شدن، وریدها، خوریزی و کمی فشار شما را تهدید می کند پس جهت رفع خطر لازم است از پوست نارنج و لیمو استفاده کنید. این ویتامین برای برقراری فشار طبیعی شریاها و جلوگیری از حملات فشارنا منظم آنها ضرورت است. ویتامین ها و پوست: ویتامین ها جزء دارای ویتامین های مختلفه می باشند اما اکثراً شامل ویتامین، هستند چنانچه میوه های ترش و آبدار اکثراً حاوی ویتامین می باشند مثل لیمو ترش، نارنج، گیلانی، انگور، توت زمینی. ویتامین ها و پوست: ویتامین ها جزء مهم تند رستی بدن است، طوریکه تمام اعضای بدن وظایف آن تحت تاثیر ویتامین ها قرار گرفته و کمبود آن باعث بروز بیماریهای گوناگون می شود. مادر با ویتامین ویتامین ها را در امر اضطراری ذکر می کنیم: اگر دانه های سیاه کوچک در قسمت سر یا بدن شما مثلاً در صورت و دستهای نان بروز می کند از ویتامین (ب) علاج آنرا جستجو کنید. اگر مبتلا به بشورت سرخ که روی آنها را فلس سفیدی پوشانیده و بیشتر در قسمت خارجی مفاصل آرنج قرار دارد، برای درمان آن از ویتامین (ب) کمک بخواهید. در صورت نیکه مبتلا به سرخی دایم در رخسار مخصوصاً در گونه ها و بینی هستید از ویتامین (ب) استفاده کنید. اگر موهای شما زود سفید می شود ویتامین (ج) را از یاد نبرید و آنرا از غذا های چون جگر و حیوانات بدست آورید.

داستان عزیز !
با مکتوباته نایب

شهر، داستان و مطالب در چوب
و خواندن بی نرسید



پرهمت خورشید

گاهی بنشین ، بنگر
در لحظه مقدسی که کوشش جاری است
رویش زرد ، بنور ، بیرنگ میاید
درو یک نقطه - نقطه متمرکز (ایمان) میچند
با قامت نحیف و پاهای لاغر هم که شده انگر
میاندازد
کوشش مقدس - کوشش برحق جاری است
میخواهد ، میکوشد - میخواهد ، میکوشد
بیرون میاید - میاید
پرهمت خورشید

از غ . ح . جولی یای

امشب!!!

خدا را ! سخت سرگردانم امشب
شبخون زد غمش ، بر جانم امشب
چوئی ، خیزد فغان از بند بندم
ز هجر آن گل ریحالم امشب
ز دست این دل خو شبا ور خود
به حسرت دیدم گریانم امشب
بهار حسن او بنموده تو فان
امیر پنجهی تو فانیم امشب
شگفته غنچه اش ، در عین مستی
چو بلبل خسته و نالانم امشب
شنیدم با رقیب سفله آ میخت
شکسته از جفا پیمانم امشب
ز رشک افتاده ام در بستر تب
چه باشد ، جاری و درمانم امشب
برفت از من قرار و صبر و آرام
نیاید خواب در چشمانم امشب
ز بس بارید اشک از غوانمی
بخون غلتان بود ، مژگانم امشب
توان یکبارگی از من شده سلب
خلیده در جگر پیکانم امشب
چه نقصانی رسد در دولت حسن
شود گر از وفا ، مهالم امشب
جای گلرخان عمری گشیدم
فکنده از نظر خوبانم امشب
به گرداب عمیق عشق ، غرقم
«نصیب» از بخت خود حیرانم امشب
از : محمد ناصر «نصیب»

از عبدالرحیم احمد پروانی

دو بیتهای آئینه تمام آرمانهای مردم ما

مردم افغانستان رو برو شده اندو این مردم
با جنگ های غیورانه احسان وطن پرستی
خود را به تجاوز گران خارجی فها اند
اند . درین دو بیته ذیل از زبان یک افغان و
طرز فکر افغانیان را مقیاس بزیم .
از زبان یک افغان طرز فکر افغانیان را
صدایی توپ و آواز تفنگ است
جوانای غیور مشغول جنگ است
خدا سرخ روی سازیشان به انگریز
که با چایشان امان بانام و ننگ است
در دو بیته دگر ناز جانان بر گو یشده
گران تمام شده وهم چنان از خونخوا ری
واز ظلم بی حد فرنگیان بشک آمده و به
این وحشی گری چنین نفرت نشان مید هد
که ناز جانان را چون ظلم فرنگ میدا ندو
می گوید :

ای یار چقدر فتنگی تو
با ما داریم به جنگی تو
بسی ظلم کردی بر ما
گمانم از ملک فرنگی تو

ویا عاشقی که در عشق شکست خو رده
ویا جوانی که عاشق شده در کوی جانان
دو بیته های دلکش میسرود . و حال دل را
بوی تفهیم میکرد مثلا :

برو بایار بگو یارت غریب است
پشت در گای مردم شهید است
برای بیرون که دیدارت ببینم
نکو بهانه که مسکین و فقیر است
جای تعجب اینجاست که این دو بیته

اکثر توسط اشخاصی سروده شده که از نعمت
سواد بی بهره بودند ما چنان ظرافت
بلاغت و فصاحت و خصوصا صنایع بدیعی
بقیه در صفحه ۸۸

کسی نیست که دو بیته نشنیده و یا خوانده
باشد . چرا که دو بیته ها آئینه تمام نمای
آرمان های مردم ماست و به این علت مردم
ما به این گوهرهای پر ارزش فلکلور یک و
ملی علاقه فراوان دارند .
دو بیته ها دارای چهار مصرع می باشند
که دو مصرع آن به قسم یک بیت تفهیم
گردیده . اما بعضی آنها چهار بیته هم
میکو ند . در بعضی دو بیته ها دو مصرع
اول دارای یک وزن و قافیه میباشد و سر
خلاق دو مصرع دوم دارای وزن و قافیه
علیحده می باشد . و بدین علت آنها دو بیته
یاد می کنند مثل .

سرم درد میکند از غم جانان
نیست سون مارجم جانان
الا یار جان تو یار بی وفاستی
بد گرا یار و به مایی اعتناستی

دو بیته های به زبان جاری نشده بلکه
در اثر واقعه یا پیش آمدی قریحه ذاتی
گوینده بجوش آمده و دو بیته ایسن فر-
البداهه سروده و به این علت اکثر دو بیته
ها موضوعات تاریخی و عشقی را احتوا
میکند .

و این دو بیته ها منعکس کننده احساسات
و ظنیرستی سفتت ، بدبینی و یار عکس نشانه
دوستی و محبت گوینده میباشند . در اینجا
با گفته نباید گذاشت که این دو بیته ها
تنها احساسات خاص یک نفر نیست بلکه
احساسات عقاید و مرام های یک ملت
میباشند .

در اینجا بطور مثال میتوانیم از واقعه
جنگ های انگلیس و افغان نام ببریم طوری که
میدانیم فرنگیان سه باره خطه مقدس ما
حمله نموده اند اما با جواب دندان شکن

کارگر

ای کارگر دلیر !
ای که تویی افتخار خلق ها
ای که تویی جرمس کاروان ها
ای که تویی موج پشتباز طوفان ها
عزم تو بود آهنین
رزم تو بود خشم گین
قهر تو بود موج و خرو شان
خشم تو بود غرنده چون رعد شتابان
عزم تو بگسلد تاروپود بندگی
رزم تو آرد بیار دشمنان را شرمندگی
کنون که کاخ ستم در افتندی
کنون که طرح نو در انداختی
دلیرانه پیش رو !
مردانه پیش رو !
بی ترس و بی هراس
به سوی یک زندگی شرافتمند
عاری از بندگی
بی رنج و بردگی
هرگز مکن هراس
در پیج و خم زندگی
رزمنده پیش رو
به سوی افق های روشن و تابان
تا آن سوی افلاک
به پیش رو !
ای کارگر دلیر !
شعر از اسدالله متون

عشق به میهن و دفاع از آزادی از جمله سنن ملی خلق های کشور ما است

توده های ستمدیده و زحمتکش کشور محبوب افغانستان از گذشته های دور تا اکنون در قلب ما خار چشم استعمار و امپریالیزم بوده و سد دسایس و توطئه های این خشن ترین دشمنان و نمایندگان امپریالیزم مبارزه بی امان و جسکی ناپذیر کرده و آنرا رهسپار گودال بیق ابدی نموده است .

دروا نیکه انقلاب پرافتخار ثور به رهبری یب واحد دموکراتیک خلق افغانستان (حزب به کارگر کشور) به اراده خلق های ستمکش رنج دیده به پیروزی رسید یکبار دیگر اخگر سیم و انتقام دشمنان سوگند خورده خلش خلق افغانستان دشمنان آزادی و ترقی اجتماعی به بیان آمده و به کمک ارتجاع منطقه، شئونیزم چین بریالیزم امریکا در این جا و آنجا علیه انقلاب ر سنگ اندازی می کنند و موانعی علیه اعمار اعمه شگوفانی در افغانستان ایجاد می کنند خیر از اینکه حزب پرافتخار خلق افغانستان پشتیبانی و همبستگی تسوده های میلیونی بین ما و جهان برخوردار بوده و تا آخرین رمق بات از آن دفاع و پشتیبانی می کنند

عشق به میهن ، علاقه به استقلال واقعی و دفاع از جمله سنن نهایت عالی و پرافتخار خلق ای کشور عزیز ما افغانستان است که نیاکان و اجداد قهرمان و مبارز ما همچو میران بی مانده است . باقیام بیروزمندان شش جدی ده های وسیع رنج دیده و ستمکش افغانستان رد مرحله نویین تکامل تاریخی انقلاب کوهمند ثور گردیدند .

که با موفقیت آن حقیقت الله این نما بنسده ر شناس و شناخته شده امپریالیزم امریکا . نماینده سازمان جاسوسی سی. آی. آی. دشمن افغ خلق های ستمدیده افغانستان برای همیش دیار کهن سال افغانستان محسو و نابود دید .

و در استبداد دود مان فاشیست امین و امینیا ن انسانان حیوان صفت و نوکر منشا امپریالیزم ریکا برای ابد و از گون گردید .

مرحله جدید انقلاب پرافتخار ثور که منجر شکست ماشین زجر و شکنجه باند سیاه امیر یظ الله فاشیست گردید . انقلاب رادر مسیر املی اصولی سالم و قانونمند آن قرار داد . تکام با تحول کیفی نویین در زندگی اجتماع ای افغانستان تمام زندانیان سیاسی که ساطور خونین امین میرغضب سر برادر برده زند از سلول های سیاه و ننگین امین جلا د تمام کشور با احساس مسرت و خوشنودی

رها شدند و به کاشانه های خویش برگشتند حال که درفش آزادی بر فراز قله های سر به فلک کشیده افغانستان در اهتزاز است . به تمام خلق های شریف و زحمتکش افغانستان به تمام ملیت های برادر افغانستان ، به تمام کارگران ، دهقانان ، روشنفکران مترقی پیشه وران ، به افسران ، خورده ضابطان و سربازان اردوی قهرمان و به تمام وطنپرستان لازم است که در روشنی بیانیه نجات بخش و تاریخی ببرک کارمل تسحت رهبری حزب واحد دموکراتیک خلق افغانستان در جنبه وسیع ملی بدر وطن با هم مشکل شوند .

در ماحول کمیته مرکزی و شورای انقلابی حزب واحد دموکراتیک خلق افغانستان همچو حلقه آهنین ، محکم ، شکست ناپذیر و بادسلین قرار گیرند . و در این مرحله مشخص تاریخی به عملی کردن وظایف حزب دموکراتیک خلق افغانستان گهر بسته باشند و اجازه ند هند که دشمنان داخلی و خارجی خلق افغانستان به سر دمداری امپریالیزم پلان سوم خود را در مورد انقلاب ، آزادی وطن ، تمامیت ارضی ، حاکمیت ملی عملی بسازند .

هم اکنون که خلق ستمدیده میهن ما به آزادی واقعی خویش نایل شده اند وظایف بس میرمی دارند ، که یکی هم دفاع از دست آوردهای انقلاب شکوهمند ثور و ناموس مادر وطن است . و همچو توده های مبارز و باشهامت مانند نیاکان فدakar شان از آن دفاع خواهند کرد و هم تمام نهضت های مترقی جهان از آن منحصت خلق برادر پشتیبانی می نماید .

دوست و همسایه شمالی ما اتحاد جماهیر شوروی اولین کشوری بود که استقلال ملی افغانستان را به رسمیت شناخت و از همان آوان همبستگی بی امان خود را با خلق افغانستان اعلام نمود . و همچنان افغانستان هم اولین کشوری بود که اتحاد جماهیر شوروی رابه رسمیت شناخت .

دوستی بی شانیه شوروی ، افغان خار چشم عظمت طلبان چینی و دیگر کشور های امپریالیستی منجمله امریکائیه و می خواهند علیه افغانستان انقلابی توطئه بچینند و نقشه شوم خویش را عملی سازند .

توده های زحمتکش و باشهامت افغانستان با اتکابانیرو مندی خود و با همکاری کشورهای آزادیخواه ، صلح دوست و مترقی در اس آن اتحاد جماهیر شوروی در راه تحکیم و استقرار صلح در منطقه ، در راه استقلال کامل افغانستان

از اسارت مادی و معنوی ، در راه دموکراسی و ترقی اجتماعی ، در راه اعمار افغانستان آزاد آباد و سر بلند ، در راه مبارزه علیه شیونیزم ، فاشیزم و امپریالیزم ، شجاعانه و بی عراس موفقانه و بیروزمندانه به پیش می روند .

مبارزات خلق افغانستان عادلانه است

پیروزی از آن خلق افغانستان است

بگذارد که خار مبارزات آزادیخوا هی خلق

نوشته : اقبال محل پوهنخی انجیری

جین راکور نماید .

سمرک بر تجاوز کران ، اسفالکران و عظمت

طلبان .

پیروز باد جنبش های آزادیخواهی در سراسر

جهان

درفش مبارزات توده ای در سراسر گیتی در

اهتزاز باد

نوشته : اقبال محل پوهنخی انجیری

ای هیواده

- ای هیواده
- ای هیواده
- ای زموئز دژوند بنیاده
- ته زموئز بسکلی وطن تی
- ته زموئز روح لی او تن تی
- موئز به تا باندی ویا پیرو
- موئز به تاباندی نازیرو
- تابه لو دساتو هیواده
- به لو پتیادی موئز خوبیریو
- زموئز آول فخر به تاده
- ای زموئز دژوند بنیاده
- ای هیواده
- ای هیواده
- خوچی ژوند لرو هیواده
- تا پخیلو مته ساتو
- چی سمسور شی ای هیواده
- تا پخیلو وینو پالو
- ای هیواده ته پوهیری
- پس له دی به ژرغونیری
- دلوتیا به لور به درومی
- خپل منزل ته به رسییری
- ای زموئز دژوند بنیاده
- ای هیواده
- ای هیواده
- ای هیواده
- ای هیواده ستا دتولو
- پرگنو اولسونو
- ستا دغیری دزبار کنبو
- دخواره واره قومونو
- آزادی به دا سی تل وی
- خپلواکی به داسی تل وی
- نور به دغه انقلاب وی
- نور به ته تی ای هیواده
- ای زموئز دژوند بنیاده
- ای هیواده
- ای هیواده
- ای هیواده
- فاروق (حریق)

نور به ته جنت جنت شی
نازه گی به درکی زیات شی
هر خلمی به دی شباب وی
غم خپلی ستا خواران به
ستا تیاکی پیسی بزگران به
دا ناداره مزدوران به
ستا دغیری کارگران به
به یوه پغریولیری
به یو لار به روانیری
یو دبل ته ای هیواده
له وحدته به خاریری
دوی به پهل به یو پغرسی
به یو فکر لرو بر شی
ددی تولو زیار مالونکو
یوئی زور او یو بی شان شی
به قوت د دوی دمتو
تار به تار به ظالمان شی
به ژوندون کبسی به شی بنیاده
ای زموئز دژوند بنیاده
ای هیواده
ای هیواده
نور به تاکی ای هیواده
دخوندونو ژوند جو پیری
لوزه ، تنده به شی ورکه
هر سیری پت او موری
خکه تاکی ای هیواده
دژوندنوی باب راغلی
مفت به منته چی خوږه
اوس یری سور سیلاب راغلی
نوخو پییره ای هیواده
ای زموئز دژوند بنیاده
ای هیواده
ای هیواده
ای هیواده

ارزش های حیاتی شیر مادر

شیریت در هر جاه و همه حال به مادران شیرده خوب محتاج و نیازمند است و شیر مادر در زندگی طفل از نگاه کمیا و بیولوژی و سو سیولوژی و روانشناسی نفسی به سزای دارد که خلاصه آن یکایک عرض میشود.

۱- شیر مادر یک غذای طبیعی است که مانند دیگر حیوانات پستاندار نظر به احتیاج و ضرورت نو باوگان انسان از نگاه کمی و کیفی در پستان مادر از ماهای اخیر حاملگی تهیه شده و برای استفاده با شرایط مکیدن طفل چند ساعت بعد از تولد قابل استفاده است و هیچ غذای نمی تواند جای شیر مادر را بگیرد زیرا جستجوهای مکرر علمی ثابت نموده که شیر همه مادران از شیر حیوانات فرق فاحشی دارد.

۲- شیر مادر رایگان و برای تهیه آن محتاج کدام عایدات اضافی نیستیم هرگاه شش صد کالوری اضافی غذای برای مادر نیز تهیه نمائیم مصارف پولی و اقتصادی آن با تهیه شیر گاو و غذای مصنوعی قابل مقایسه نیست چه یک طفل برای سه روز یک پوند (یک قلی) شیر بوردی با زار را صرف مینماید که شصت تا هفتاد افغانی قیمت آنست و وسایل و شرایط تهیه آن پول هنگفتی را ضایع میسازد.

۳- شیر مادر همیشه و همه وقت بدون تکلیف حاضر و آماده استفاده است و در تهیه آن وقت مادر ضایع نمیشود و طفل تانیه نمودن آن احساس ناراحتی و زجر نمی نماید و بچیتیک فکتور اقتصادی و اجتماعی میتواند وقت خود را به آبادی کشور و کار مفید اجتماعی صرف نماید.

۴- چون هدف از خوردن غذائتها موجودیت و تربیت آنها یا مواد مفیده غذایی نیست بلکه این مواد باید به اسانی قابل هضم، جذب بوده و بدرستی در ساختمان و نمو نمای عضویت بفرس بهبود توازن قوای ذهنی فزینگی و اجتماعی بکار رود که از این نگاه مواد مفیده شیر مادر تماما به آسانی قابل هضم و جذب و استفاده است و بدین منظور در سینه های مادر تهیه شده است.

۵- شیر مادر پاک و عاری از میکروب های مرضی و آلودگی بوده و برای پاک نمودن، حفاظت و مواظبت آن از آلودگی و میکروب احتیاج به وسایل و جوش دادن و پختن نداریم فلینذا مواد مفیده آن در عملیه های جوش و پخت و سازمان ضایع نمیشود.

۶- پروتین ها که مهمترین گروه مواد نایتر و جن دار غذایی است و بدون آن نشو نمای و ساختمان اعضا و انساج و مایعات حیاتی عضویت ناممکن است در شیر مادر از نگاه کمی (۱،۵) فیصد و کمتر از شیر گاو بوده اما از نگاه کیفی پروتین شیر مادر البومین از ۲ دارد که بهتر برای کودک قابل جذب و هضم است.

فیصدی بیشتر پروتین های شیر گاو که کاسین آن به مراتب زیاد است (۱۰،۶) به مشکل قابل هضم و جذب بوده و بعضا باعث انسداد روده های طفل و تولید نفخ و باد میشود که تکلیف دهامت و هرگاه کلبه های طفل به خوبی فعال نباشد باعث ازدیاد یوری خون شده و کشنده است.

۷- چربی شیر مادر که بعضا از نگاه مقدار معادل شیر گاو است از نگاه ترتیب از شیر گاو فرق فاحشی داشته بهتر منبع انرژی و ویتامین های منحل در شحم قابل استفاده و اسید های شحمی اسامی برای تشو نما و زندگی طفل بوده نسبت به چربی شیر گاو با سانی قابل هضم و جذب است.

۸- مقدار زیاد شکر شیر مادر با سانس احتیاج انرژی طفل تهیه شده و قابل استفاده انگلی است (۶،۵) فیصد.

۹- مرض رشتیزم که در ابتداء باعث ناراحتی های بیداری و خواب طفل، درد های زیاد و عرق شبانه و بعد ها باعث سوء تشکیلات استخوانها میشود در اطفال بیشتر دیده میشود که به شیر گاو تغذیه میشود زیرا نه تنها مقدار ویتامین دی شیر مادر بیشتر از شیر گاو است بلکه در شیر مادر ویتامین های منحل در شحم بهتر قابل استفاده بوده و احتیاج اطفال با شیر گاو تغذیه میشوند نظر به دلایل نامعلوم بیشتر است.

۱۰- مقدار زیاد از احتیاج سو دیم شیر گاو که برای گوساله تهیه شده برای طفل انسان قابل تحمل نیست بخصوص اطفال قبل البعاد و نا پخته را معروضی به خطر زیاد شدن سودیم خون و در هم خوردن قوا زن آب و الکترولیت ها میسازد که بعضا کشنده است.

۱۱- شیر مادر بیشتر آهن و مس دارد که عناصر عمده خون ساز و نفس حجر وی و حیاتی است.

۱۲- شیر گاو مقدار بیش از احتیاج طفل انسان فا سفو رو کلسیم دارد و مقدار ناسب بیش از حد فاسفورس با متانحطاط ترکیبی کلسیم خون شده و لینذا اطفال که معروض از شیر مادر اند معروض خطر تیتانی (اختلاج کمی کلسیم) میباشد.

۱۳- مقدار مواد دیگر مدنی و همه ای مواد معدنی که بمقدار های کم آن عضویت احتیاج دارد در شیر مادر مطابق به احتیاج کودک تهیه شده که اندازه معین آن طور طبیعی برای کلیه اطفال مضر نیست در شیر گاو کنترل و تهیه آن با سانس ضرورت و احتیاج طفل تا حال ناممکن است.

دائید هاست.

سچا لر کشف کرده که در بین این حیوانات که هنوز هم بصورت وحشی و آواره زیست مینمایند نظم و دستبندین مراعات میگردد. آنها از بین شان یکی دو سگ را، وظیفه میدهند تا از نو زادان حفاظت بعمل آورند و دیگران عقب شکار میروند.

همچنان دانشمند مذکور اظهار میدارد:

«سگهای درنده افریقا بی صید و شکاری را که بچنگ می آورند مسامح و پناه بین شان تقسیم مینمایند و هرگز یک سگ به حق سگ دیگر تجاوز نمیکند».

سچا لر پیشنهاد نموده که چون هنوز این حقیقت روشن نگردیده که آیا سگهای مذکور به میمون ها نیز قرابت دارند؟ پس باید مطالعات بیشتر و عمیق تری صورت بگیرد. زیرا با مطالعات و تحقیقات دامنه دار بر علاوه اینکه میتوان با سرار زندگی این موجودات پی برد براهمی که انسان در طول تاریخ زندگی خویش بپیموده است بیش از پیش آشنا بی حاصل کرد.

این سگهای گرگ نما، در روز دوبار دنبال شکار میگردند و همین که صیدی را بچنگ آوردند چنگال

بقیه صفحه ۴

ما باشماستیم

خارجی این وطن بزرگ قهرمان آفرین و در راس آن امیر بالیم امریکا با بسد بداند که حتی تهدید مسلحانه خلق وطن را

نمی تواند از راه انسانی ای که در پیش گرفته و افتخار آمیز در آتراه طی طریق مینماید منصرف سازند، تا می مردمان وطن از هر ملیت و هر قوم که هستند سوگند یاد کرده اند که وطن خویش را، و وطن بزرگ و قهرمان خویش را آباد سازند و این وطن بزرگ شان بسان کشور های آزاد، مترقی و سر بلند و در قطار کشورهای پیشرفته و معمور و آباد قرار گرفته و افتخار آمیز در جاده وسیع زندگی اجتماعی به پیش رفته و موانع نا بکار را یکی یکی دیگر از میان بردارد.

زحمتکشان قهرمان وطن که تا رنج بر افتخار مبارزات قهرمانانه آنها مایه فخر و مباهات مینماید، ما ست و در طول تاریخ با قهرمانانی های خویش تاریخ وطن را زرین ساخته اند، پس ای نوده های زحمتکشان افغانستان با نیروی متحد بر دشمن یورش برده و همه نابکاران و دون صفیان را به یکبارگی سر به نیست نمایید:

زندگی او را ترک نکنه ارا متعسف می سازند و از آن استغاده می نمایند. سگهای افریقا بی در تقسیم کردن شکار شان مهارت زیاده خرج میدهند. یکی در قسمت سگ شکار می چسبند و بوز آنرا میدزدند دیگر ش از یک جناح صید را می کند، سو می از جانب دیگر چهار می شکم شکار را می شکافند و در مدت کمتر از نیم ساعت صید مظلوم از بین می رود.

هر سگ درنده افریقا بی روزان شش پوند گوشت مصرف مینماید غذای این سگهای درنده خوراکی شست حیوانات تشکیل میدهد. در اوقاتی که سگهای مذکور سیرباشند با هم دیگر عشق میورزند مستی میکنند. این حیوانات خیلی بندرت همراهی یکدیگر جنگ میکنند. صلح و آشتی و عشق دوست را، در میان شان دو ست میدارند آنها در بین گلها و مرداب سور خهای برای خود بو جود آورند و زنده گی مینمایند. زمانیکه سه و چهار ماه از عمر نوزاد این جانور سپری گردید از کبله خارج میشود در جستجو شکار می افتد و زنده گی شگفت انگیزی را آغاز مینماید.

قابل تذکار که جنبش و مبارزه خلق در وضع کنونی شکل و ماهیت تازه تر کسب نموده است، جنبش ها در سابق همیشه به استقلال سیاسی نایل میگرددند، وظایف خویش را ختم شده می پنداشتند اما فلان از اینکه استقلال ملی کامل نیگردد مگر اینکه به استقلال سیاسی و اقتصادی نایل آمد، چه امیر بالیم با وجود یکم در عرصه سیاسی به شکست مساوی گردیده و میگردد در پایگاه اقتصادی جامعه مواضع برای خویش نگه میدارد و سخن در تلاش می افتد تا از مواضع اقتصادی بر ضد کشور های نو به استقلال رسد. حالات خصمانه خویش را سازمان بخشد همشهریان دلیر کابل بخاطر د اردو خو شاد دهشت افکنی، خرابکاری و ایجاد رعب و ترس توسط جناحین کاران و عمال فاسد امپریالیزم، این نوکران چاکرمن فروخته شده در مقابل دالر، پوند و کلد با کستانی بودند که زندگی آرام مردم بخصوص اهالی شهر کابل را بر هم زدند و در نظر داشتند تا با بکار بستن پروگرامها منقطع خویش زمینه را بیش بر سر اجرای پروگرامهای بعدی خویش مینمایند، اما خلق های شریف وطن از جمله شهروان غیر تمند ماهیت سیاسی این دشمنان را درک کرده و به اهداف شوم ملوس شان پی برده اند.

زوندون

ماهی ایکه در حال نابودیست

تونا تقریباً به آخر رسیده و اکنون موازنه شکار ماهی بزرگ و کوچک در نظر گرفته نمیشود.

همچنان از ماهیانی که اکنون بدست می آیند معلوم میشود که یا خیلی پیر اند یا خیلی جوان.

کشور ناروی در سال ۱۹۶۲ هشتاد و پنج میلیون پوند ماهی تونای بلو فن را شکار کرد. در حالیکه در سال ۱۹۷۰ این مقدار به یک

عشاریه هفتاد و پنج میلیون پوند رسید. ریکارد، گرفتن ماهی های ماده (۱۹۵۰ تا ۱۹۷۲) نوع تونا در سراسر جهان نشان میدهد

که ماهی بلوفن دارای وزن وسطی صد تا سه صد پوند تقریباً بدست نیامده است.

شاید انواع دیگر ماهی تونا نیز مواجه با خطر نابودی باشند. در جنوب بحر اوقیانوس نوع ماهی تونا دارای شاهپر زرد و آن نوع دیگرش که دارای چشمان بزرگ

میباشند تحت فشار شکار و نابودی قرار دارند. در شرق بحر الکاهل با وجود توصیه های کمیسیون حفاظت ماهی های شکار زیاد بر ماهی های شاهپر زرد هنوز هم ادامه دارد و ماهی گیران مقررات رانادیده می گیرند.

اقدام تازه حکومت جهان در مورد توسعه سرحدات بحری نیز موجب تولید خطر بزرگ برای ماهی تونا شده و کشور های که به ماهی گیری می پردازند سرحدات بحری خود را تا دو صد میل در میان بحر پیش برده اند تاخوبتر

و عا به میل خاطر به شکار ماهی ادامه بدهند این عمل موثریت توصیه های چندین کمیسیون بین المللی را در مورد حمایت ماهی نوع تونا تقریباً گرامها از بین برده است.

یک تعداد کشور های جدید جهان که بدسته شکار چیان ماهی نوع ازجه تونا شامل نشده نیز بر منابع این نوع ماهی فشار زیادی را وارد نموده اند.

اکنون این سوال پیش می آید که چه باید کرد تا این نوع ماهی را از خطر نابودی نجات بخشید.

یک متخصص ورزیده که در کمیته تجارته شکار ماهی عضویت دارد از موقف خو یشن استفاده کرده اصرار می ورزد که باید هر چه زود تر حکومات جهان داخل اقدام شوند و زمینه حمایه همه جانبه وتنظیم منابع ماهی تونا را فراهم گردانند.

متخصص مذکور علاوه نموده اظهار میدارد که وضع مقررات همه جانبه بین المللی، وسیله موثری برای انجام این عمل شده میتواند. باید هرچه زود تر موافقه بین المللی در مورد حمایه ماهی نوع تونا صورت بگیرد. تا جمله کشور ها بخصوص کشور های که از تکنا لوزی عصری در گرفتن ماهی تونا استفاده مینمایند و به صادرات این نوع ماهی می پردازند مجبور شوند که به گرفتن این نوع ماهی مبادرت نوزند و مکلف گردند که ناظرین با صلاحیت بین المللی را در کشتی های شان بپذیرند.

در راه یک طرح جهانی ممکن است اقدامی صورت گرفته بتواند تا منبع آینده جهان از نگاه این نوع ماهی تامین شده بتواند.

همچنان در باره حفظ منابع ماهی تونا نظریات زیادی ابراز گردیده که توجه اقتصاد یون فلا سفه، سیاه، ستمدا ران و سا ینتست ها را جلب نموده است.

دانشمندان و متخصصین اظهار عقیده مینمایند که باید طرحی جهانی با ساس تنظیم این منبع حیاتی روی دست گرفته شود، البته در این طرح لزوم کنترول، در رسیدن به آب های که این نوع ماهیان در آنها زندگی میکنند یک امر لازمی است.

همچنان در این طرح باید احتیاجات اساسی مردم جهان در نظر گرفته شود و سهمیه برای هر کشتی، ماهیگیری تعیین گردد و قیودی بر این کشتی ها وضع گردد و فیس ماهی گیری، ماهی گیران بلند برده شود و کمیسیون با صلاحیتی بوجود آید و ماهی های ابچار را بررسی، سواحل بحری را سروی و مناطق اقتصادی آنرا تثبیت نماید و یک اجنسی جهانی تنظیم ماهی تونا، را بوجود

آورد.

عملی گردیدن این نظریات ممکن موجب گردد که این منبع خوب حیاتی از جهان محو و نابود نگردد این پیشنها دات در کنفرانس های بین المللی و ملی مطرح بحث و غور بوده است.

هر گاه طرح حمایتی ماهی تونا طرف قبول اعضای کشور های ذیدخل قرار گیرد امکان آن وجود دارد که تمام کشور ها در جهان فردا، از آن سود سر شاری ببرند و

بقیه صفحه ۳۳

اسباب سوء تغذی

عمر زیاد می باشد. و در اشکال مختلفه آن از ۳۳ فیصد تا ۶۶ فیصد واقعات تثبیت و با ید خاطر نشان گردد که علل عمده مرگ و میر در چنین اطفال عبارت اند از:

- ۱- ضعف بودن و کم خولی شدید.
- ۲- اسهالات دوامدار و ضایعات مایعات وجود و املاح ضروری.
- ۳- سقوط درجه حرارت بدن.
- ۴- عدم کفایه دوران محیطی.
- ۵- سقوط شکر در خون.

بصورت عمومی در اشکال پیشرفته سوء تغذی و و کمبود پروتئین که علائم جلدی داشته باشد مرگ و میر زیاد است.

سوال- لطفا در مورد تداوی اطفال مصاب سوء تغذی معلومات دهید؟

جواب: با ید گفت که نسبت کثرت واقعات، تداوی با لغا صه آن خیلی قیمت تمام شده و هم مدت زیاد ایجاب بیشتر شفا خانه را می نماید که معمولا در چنین جوامع و ارسی آن از نظر مسایل اقتصادی و موجودیت پر سونل و تجهیزات و غیره مشکل می باشد.

با نهم البته واقعات منفرد در شفا خانه با یت تداوی شوند، لکن اساسا در مورد جلوگیری و وقایه آن با ید پروگرام های وسیع بسویه ملی اتخاذ و اکتشاف داد. تا در مورد عوامل مختلفه و مضمره اقتصادی اجتماعی معنوی ساز طریق تعلیمات صحی مجادله شود که در اینصورت میتوان اطفال مصاب به سوء تغذی را از پنجه مرگ نجات داد. با نهم احیا و بکار انداختن چنین پروگرام های و قایوی

برای انسان فردا منبع خوب حیاتی وجود داشته باشد.

اما امروز چون شکار این ماهی در سراسر جهان بی رحمانه صورت میگیرد فشار زیادی در جهت نابودی این منبع غذایی صورت میگیرد. همچنان متخصصین و دانشمندان

پیرا مون این موضوع پیشنهاد مینمایند که هر گونه اقدامی که درین باره صورت میگیرد باید تمام ملل جهان در آن شرکت داشته باشند.

در اطفال قبل المکتب و دوره های ابتدائی مکتب تا سیمات خیلی زیاد، پول وافر، و مقادیر زیاد مواد غذایی را از قبیل تخم-

شیر - گوشت - حبوبات - میوه ها و غیره غرض توزیع ایجاب میکند اکثریت چنین پروگرام ها در مکاتب با ید متوجه دو هدف عمده باشد:

۱- تعلیمات صحی یعنی از طرف کارکنان صحت طفل و پرسونل فنی برای اطفال و

۲- تهیه و توزیع مواد غذایی متمم: در زمینه تعلیمات صحی با ید توجه زیاد در مورد تبلیغات مثبت و مفید ادامه شیر مادر و تغذی با شیر مادر عطف گردد.

و در زمینه تهیه و توزیع مواد متمم غذایی باید کوشش بعمل آید که برای والدین اطفال تقبیم شود که در سنین ۴ و ۶ ماهگی بر علاوه شیر

از غذا های دیگر نیز استفاده بعمل آید و هم چنان در زمان جدایی از شیر بهر اندازه که اقتصاد فامیل ایجاب نماید کوشش شود تا از منابع مهم پروتئین حیوانی از قبیل تخم شیر - گوشت و غیره استفاده بعمل آید.

و بصورت عمومی با ید در زمینه تعلیمات صحی مادران و وقتا فوقتا در مراجع مختلفه پروگرام ها وضع و ایشانرا در مورد ارزش غذا و طرز تهیه آن کمک نمایند.

و هم چنان چون نگهداشت تعداد کثیر چنین اطفال در شفاخانه ها مشکل می باشد با ید در موسسات مخصوص دیگر احیای مجدد غذایی، تداوی و راهنمایی شوند.

مریض شدن و یا...

امامتا سفا نه که اطفال از او یل روزهای تو لد خود تا سنین هفدهالی هجده سالگی علاوه از دوا هایی که درمقا بل امراض میگیرد در حدود بست تلقیح و قایوی نیز میشود یا بعبارہ دیگر مواد اجنبی در وجود تزریق میشود. این همه عملیات زمانی صورت میگیرد که وجود انسان به علت قوا نین بیولوژیکی معا فیت تامرا حاصل کرده نمی باشد. از طرف دیگر با گذشت تقریبا هر ده سال ادو یه جات معا لجوی وواکسین های وقایوی با اشکال مختلف و موثریت بهتر در بازار طبابت ظاهر میشود. واکسین های سیاه سرفه و سرخکان تطبیق میشود. در حال حاضر پروتیت اپید میلوژیکی نیز وقایه شده میتوانند واز ورم لو زتین گوش که در سابق ظهور آن تقریبا حتمی شمرده میشد نیز جلو گیری میشود.

تمایل تا يك اندازه منحیت هدف نهایی جامیگیرد. اگر به معیا رهای حفاظه صحت نظر انداخته شود قانو نمندی عجیب مشا هده میشود. این یک واقعیت است که اطفال در حال حاضر از امراض «حتمی اطفال» نجات یافته اند. اما اگر بطور عموم فکر کنیم آیا اطفال به این ترتیب کمتر به امراض ساری مبتلا می شوند؟ قسمیکه دیده میشود نی. پس راه نجات کجاست؟ طریق حل مسله این است تا به مقدار قوه کیمیاوی که طفل آنرا متحمل میشود متوجه شویم و آنرا از زیای بی نمایم. این نکته در قسمت اطفال شهری قابل اهمیت بسزای است زیرا دیده میشود اطفال شهری از نواهای مختلف کار گرفته وواکسین های

متنوع را تطبیق میکنند. از سوی دیگر فضای شهر نظر به قریه جات کثیف تر است. این از زیای بی به آن ملحوظ است تا از حد معین مدا فعه طبیعی تجا وز نه شود. حدی که به ارگانیسم انسان امکان میدهد تا درمقا بل اثرات نامساعد طبیعت ما حول از خود دفاع کند. فکر میشود وقت آن فرا رسیده تا بعضی نقطه نظرات در قسمت تدابیر وقایه از امراض ساری مورد تجدید نظر قرارگیرد. این نکته به هر حله نسبت داده میشود که انسان در حال تقویه جسمی خود باشد.

نکته جالب در اینجا است که متخصصین در قسمت حفظ طبیعت به این نتیجه رسیده اند که قوه های مدافعی طبیعی سیستم ایمنی کالوجیکی باید به حال خود باقی بماند و هر زمان عملیات کیمیاوی با لای آنها تاحد امکان کاهش یابد. تاچنانیکه

از خواسته های شان حکایه مینماید. به این سلسله یکی از مشکلات به وسال فرسیدن دو دلدار در گذشته ها مصارف گزاف عروسی و پول گرفتن بیجا می طو یا نه میا شد. مردی که پول طویانه را ندارد چنین گفته شده:

به جان دخترک پیران گلدار
سرش عاشق شدم میرم طلبگار
سرش عاشق شدم پولی ندارم
که بایش میخواه پسای بسیار

در قدیم دختر حق نداشت مرد زندگسی خود را انتخاب کند و به این علت کانون گرم خانوادگی محل جنگ زن و شوهر میشد. از اینجا ست که دختران به مادر خود زاری نموده و خواسته های خود را که عبارت از یافتن شریک خوب برای زندگسی میا شد در قالب موزون دوبیتی در آورده به مادر خود چنین التماس می کنند.

الامانر به قربانی سرو هوی تو میشم
به قربان ادو خو یی تو میشم
مره بتی به یکجوان خوب و کا که
که شب تابه سحر دعا گوی تو میشم
از تمام مطالب فوق چنین نتیجه گرفتند
می شود که
(دوبیتی ها آئینه تمام نمایی آرمان ها احسانات، خواسته های بشری و بازگو کننده عواطف، حالت اجتماعی و موقف عنعنوی شان در جامعه میا شد)
در اخیر دوبیتی خدمت تان پیشکش میشود تا با خواندن آن به معنی ارزش معنوی فرهنگ توده ها پی برده بخندند شادی بر لبان تان بشکند:
کتی به واده ها کردی گل من
دروغ گفتی خطا کردی گل من
گرفتی تیغ هجران را بدستت
مره بنداز بندجدا کردی گل من

که داغ مرده حکم خدا بود
جدالی زنده ره طاقت ندارم
در بیت زیر مثال «مفوق المعانی»
چه خوب تارهای قلب آدمی را به طیش می آرد:

اگر باد صبا پیدانه میشد
دهان فتنه گل وا نمیشد
چو میدادند لیلی را به مجنون
صدای عاشقان بالا نمیشد

به جز از دو بیت های فوق الذکر دیگر دوبیتی های هستند که هر کدام حکایه از صنایع بدیعی دارند اما در مقاله کوچک ما که صرف از برای شناخت دوبیتی ها ترتیب شده گنجا یش ندارد. اما اساسی ترین نکته بوجود آمدن دو بیتسی محرومیت گوینده از نعمات مادی و معنوی در جامعه میا شد چنانکه انسان همیشه در تلاش است تا کمبود زندگسی خویش را مرفوع سازد و درین راه مبارزه نماید و گاهی هم تضاد های طبقاتی جوامع فئودالی و امپریالیستی در دوبیتی ها چنین متبلور گردیده.

روی سفیدت خال داره
غریب کی خاله و اموال داره
به هر کسی دست دادم درد کرد
مگر دست غریبا خار داره

در جایی دیگر عاشق فقیری که رقیب بولداری دارد میگوید:
چرا یار با ما بی وفاست خدایا
رقیبیم با مال دنیا ست خدایا
به خو از جور دنیا گله ندارم
صحت یار از مه جداست خدایا

به همین ترتیب دوبیتی ها زبان کو یای مردم بوده است که ازرنج شان، از فقرشان،

دوبیتی ها...

در آن بکار رفته که طرف مقابل را به تحسین و امیدارد. در اکثر دوبیتی ها نیکه دیده شده و صنایع بدیعی اعم از صنایع لفظی و صنایع معنوی چنان با استادی و پختگی استعمال شده که راستی قابل تعجب است مثلا در دوبیتی زیر صنعت ارسال المثل چنین بکار رفته.

الآن هوی نشی نام نمیشه
به یکد یکن دلم آرام نمیشه
خفت را بوسه کردم یاد آمد
که (بوسه با پیغام نمیشه)

در دوبیتی ذکر از صنعت سوال و جواب ذیلا استفاده گردیده.

سببی باشد که سبب آبی باشد
لبت بگزم که یادگار باشد
لبه نگزم ما در م می فامه
سته بگزم که زیر آستین باشد

و یا:
ای دخترک لطیفه بسوی بسیار
شویت بکشم ترا کنم بیوه و زار
شویم نکش مرا نکوبیوه وزار
خر بوزه بخور تر ابغالیز چکار

در دوبیتی بالا بر علاوه (صنعت سوال و جواب) صنعت (ارسال المثل) نیز استعمال شده که تقریبا کم نظیر می باشد. از جمله صنایع معنوی مثال طباق در دو بیت ذیل چه خوش نکوسروده شده:
دلی دارم دل آزرده دارم
فراق زنده داغ مرده دارم

جهت ارزیابی به متصدی صفحه مسابقات
وسرگرمیها سپردیم که اگر در ست
با شد به چاپ آن مبادرت ورزد ، موفق
باشید .

دوست عزیز شاه محمود

سلام میگویی و خوشحالیم که با مجله
ژوندون همکاری میکنید . مطالبی را که
برای ما ملاحظه میفرمائید ، کوشش نمائید
که به یک سوی کاغذ بنویسید ، مضمون
شما را به متصدی صفحه جواب ناسپردیم
که اگر توانست ، از نو به یک سوی
ورق بنویسید ، در نشرش بکوشد ، در
غیر ، مضمون دیگری بفرستید که چاپش
کنیم .

دوست عزیز احمدالله رحین داغ

بپذیرید سلام ما را نیز ، پارچه شعر شما
را مطالعه کردیم و اینک چند بیت از آن:
چه تدبیری کنم جا نادل دلم قرار آید
فراغت سخت دشوار است قلبی را که شیدا شد
ندیدم هیچ دل گزدام بدبختی رها باشد
یکی در عشق و دیگری در غم سامان دنیاشد
رهید بودو قرار دل ز سوسنی بیدرغمن
ز تار قلب داغ من هزاران نغمه پیدا شد
از این پس در پی مقصود خود جهدی مکن
شب و روزش نمایانست کوری را که بنیاشد
خدا حافظ



مدیرمسئول : شیرمحمد کاوه
معاون : محمد زمان نیکرای
امری چاپ : علی محمد عثمان زاده

آدرس : انصاریات ،
مقابل ریاست مطابع دولتی
تلفون دفتر : ۲۶۸۴۹

دولتی مطبعه

دوست عزیز همایون خاموش محصل صنف اول
بو هنجی طب

مائیز سلام میگویی ، امید داریم خوب
باشید . با سخ سوالات صفحه سرگرمیها
و مسابقات ضم یک قطعه فو توی شما به
اداره رسید ، و آنرا به متصدی صفحه
مسابقات و سرگرمیها سپردیم که در
نشرش ترتیب اثر بدهد و شما را ممنون
بنازد ، ولی ناگفته پیداست که در این
طلوعی بهاری ، خاموشی گنا هست . بر
خیزید ، هر سو بنگرید ، قولدی دوباره
دیده میشود و سخن بسیار است که بایست
گفت ، بیرون خویش را ببینید ، کسه
گفتن بسیار است و خاموشی گناه . از مزاج
و مشوره دوستانه ماکه حتی به تخلص
شما نظر داشته ایم ، امید داریم تغییر سو
دست ندهد . والسلام . به امید همسکری
شما .

دوست عزیز غلام حیدر یگانه ، مساعد
خارنوالی ولایت غور

چند پارچه رباعی ، سروده طبع شما
دوست عزیز به ما رسید و آرزو مندیم
که همکاری دائمی ما باشد و با ارسال
مطالب گزیده و خوب ، مجله ژوندون را ،
به همکاری همگام دیگر ، زنده نگه
دارید و بر «شکوه و جلالتش» بیا فرایند .
شعر «بهار برف» را که چند روز پیشتر ،
به عمر برف نموده است ، در همین صفحه
به نشر میسپاریم و اشعار بهتر و خوشتر
تا فرا انتظار میسریم :

زمستان ده ، بار برف و باران
زمستانی : بهار برف و باران
بهار ویا سمنین قدری ندره
به سمنین روزگار برف و باران

زاستی همینگونه است ، بهار یاسمین
قدری ندره به سمنین روزگار برف و باران
مشروط و منوط به اینکه همه در پرتوسعدت
زندگی کنندو شکم بی هنر بیچ بیچ زالب
نایی باشد و بی خانکان را سر پنا بیسی .
نه سریناه که حواله داران مسکن
در سر ماه به سر وقت بندگان بی -
خانه بر یزند که تک روزی از ماه سپری
شده ... و از اینرو سمنین روزگار بر فو
باران ، فیازد به تابستان گرم بهاران!

به رنگ شیر ، باران و شکر برف
به «بارش» باز شد شیر و شکر برف
بهشت رو ستا چون جام خندد
اگر باران میبارد ، اگر برف

بگو تا آسمان گوهر بیاره
فراوان بیشتر بهتر بیاره
اگر در شهر میبارد نیم
به دهستان ما «شورش» بیاره

دوست عزیز محمد رحیم
مطلب ارسالی شما به اداره رسید ، و آنرا



دوست عزیز عبدالغنی از لیسه نادریه

جدول مطروحه شما به اداره مواصلت
کرد . و با نظری که افکندیم مربع های
کوچک را چیزهای ناموزونی اشغال کرده
اند که بایست تمیزکردند ، من باب مثال ،
در ستون افقی میخوانیم ستاره قلم ، نام
قلم ، دانستن این بزرگان کاغذی قریب
به اکثریت که هم نادان اندو هم مایه
فاسد به چه درد و مشغولیت فکری خوانند
گان میخورد و آشنایی و شناساییشان
جز مایه درد سر چه میتواند باشد ،
غیر اینکه دیوار و فضای اتاق را از خلوت
مضمون خالی گرداند و لقلق نظاره نماید
و گوشه از فکر نوجوانان و جوانان ما
را بخود سرگرم بسازد ، چه کاری کرده
میتواند ، ای عوام التاس !

دوست مهربان ، ستونهای این جدول
را به مسایلی اختصاص بدید که هم
خر ما باشد و هم ثواب یا به سخن دیگر
هم قابل باشد و هم تماشا ... به امید
مطالب دیگرتان . خدا همراهِتان .

دوست عزیز شیر محمد هو تکبیار محصل
اکادمی تربیه معلم

جدول منقح ارسالی شما ، رسید
امیدواریم که در طرح جدول آینه
نکات بالا نیز زیر نظر شما باشد و با
التزام و مسوولیت جدول بریزید و طرح
نودر اندازید . مطلب تا آنرا به متصدی
صفحه مسابقات و سرگرمیها سپردیم
که هر گاه مناسب صفحه باشد به
نشرش اقدام ورزد . پیروزی نصیبتان ،
خدا حافظ

دوست عزیز «؟» معلم صنف یازدهم
کساینس لیسه انصاری
مطلب ارسالی شما را مرور کردیم
از بس قلیل و اندک بود ، جایی برای
«الما سیدن» نیافت . به شوخی علاوه
نماییم که ، تحقیق و تجسس در مورد
«الما مک» میکنید ولی نام خود را در
روی پاکت یا پایان نوشته ، به درخشیدن
زود گذر الما سک نمونویسید و ما را
ناگزیر و ادار میسازید که بگوئیم
دوست عزیز سوا لیه مطالب تحقیقی را درست
و تمام تجسس نما و نام خویش را زیبا
و خوا نا بنویس . خدا حافظ همکار عزیز .

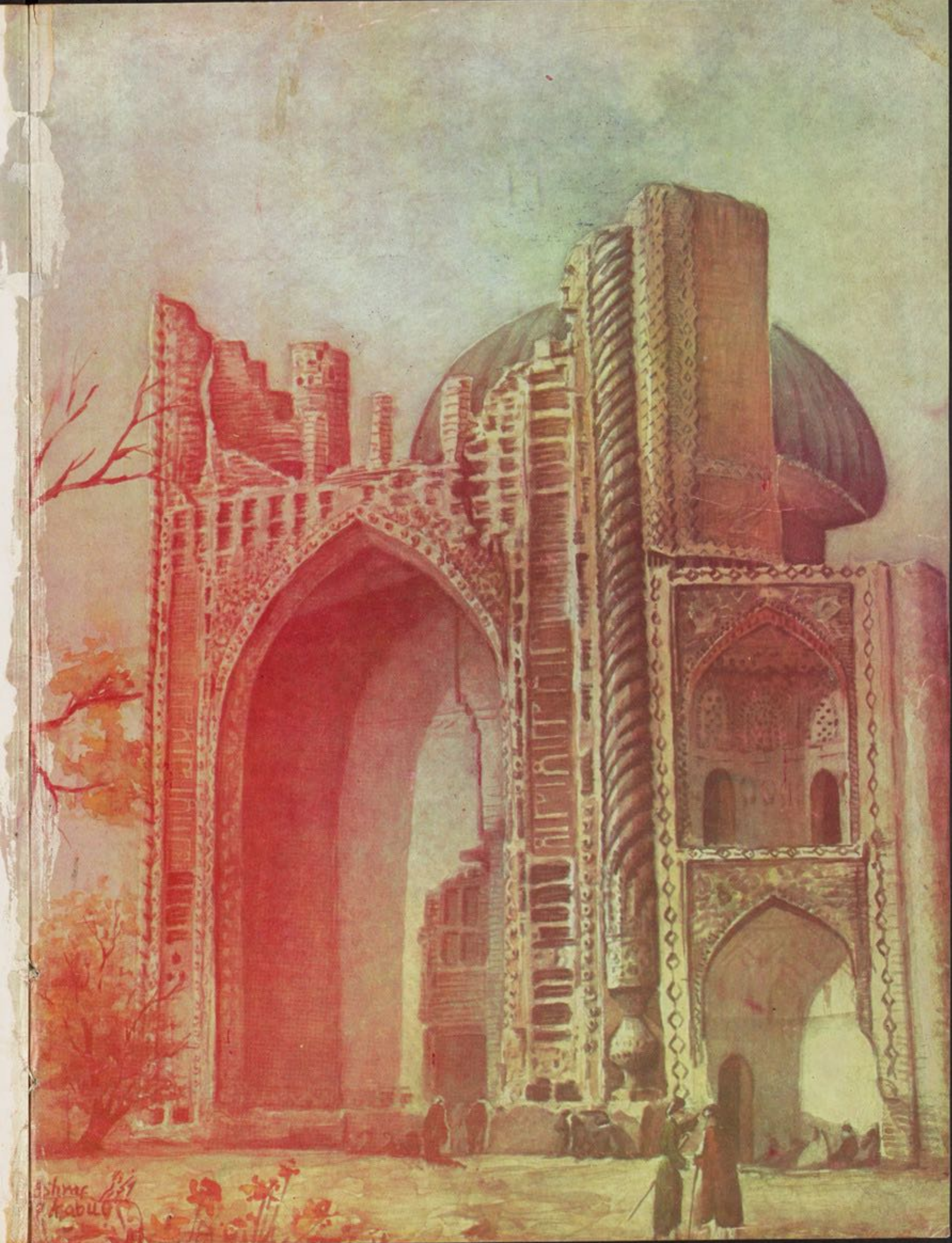
سلام علیکم همکاران عزیز

بد از اینکه سلام گفتیم ، چه چیز
با یاد بگوئیم ، حتما عرض میداریم
بجواب نامه ها بهر دازو به مطلب مادرنگ
که گو ، و بگو که شعر و داستان من
ته است ؟ آماده نشر میکنم در جای
بی جز کاغذ دانی ندارد ؟ بگذاریم
حرفها را بسته به شعرو داستان
ت کنیم و چند سخن از رفتن ها و آمدن
با بیدن ها و کوشیدن ها بگوئیم .
هم زمستان سخت جان و سختگیر به
ودی میروند و سوگندانه واضطرارانه
یشواز بهار طی طریق میزند و بزبان
ض از گفتن ، حال میگویی که دیگر ،
را جایی نیست و حال نو بت تو ست ،
بیاور و جهان را مژده ده که زمستان
نیست ... یکی دوروز دیگر بهار
« بهار یکه طراوت و شادابی به
غان میاورد و هر جا را به رنگ دیگری
ید ، لطف و زندگی ، در وجود زندگی
مانند ، شور و جنبش می آفریند و
ی دوباره ، زندگی را جان تازه می
د یا از نو باز ، متولدش میکند ،
بی به سوی آغازیدن و طلوع زندگی
وی تازگی و درخشندگی ، زندگی
سوی روشنی و بهتری ... ای خواننده
تو هم با برتو و جلوه بهار سر به
ل و بیرون بیا فکن و کار انجام شده
را به حساب بزن . تو خواننده ای که
ت بقلم است ، وجود و حضورت میان
و فکرت بر انگیزد از مردم ...

دوست عزیز ناصر آرین

مطلب فرستاده بی شما رسید ، و تحلیل
خوبی را از شعر در برداشت . شرح
مبسوطی را که در بیان اشکاک
ها بربری شعر نو از «شعر مادر» یا به
همگان شعر کهنه و قدیم ، نموده
دید که آرزو مندیم این ارزیابی از
شما باشد « قابل دقت است و لازم
شدن که از سوی قلیل بود و بسا
...
همین مصراع ، سخنی بهتر از خدا حافظی
من به طنین آفتید که در بغمان آمد که
نکاران و خوانندگان دریغ گردد :

ب خوش نوابگو تازه به تازه نویه نو
دله دگشا بچو تازه به تازه نو به نو



Ashraf
Kabul

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**